

هرمعماری

۷۲

نقد، نظریه‌پردازی و پژوهش در معماری، مرمت، احیا، طراحی و معماری داخلی با رویکرد انسان‌دوستانه

بهار ۱۴۰۳، قیمت: ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان

ISSN: 2008-7497

سرمقاله / مسکن اجتماعی

معماری از باستان تا کنون / نقد معماری / طراحی داخلی / هنر و طراحی





نقد، نظریه‌پردازی و پژوهش در معماری، مرمت، احیا، طراحی و معماری داخلی با رویکرد انسان‌دوستانه

ISSN: 2008 - 7497 بهار ۱۴۰۳، قیمت: ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: موسسه‌ی فرهنگی-هنری هنر معماری قرن
مدیرعامل: شهریار خانی‌زاد
مدیر مسئول: دکتر کامران توسلی
سردبیر: شهریار خانی‌زاد
مدیر بازرگانی و دبیر هنری: سارا رحیمی
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مهشید اداوی، یاسین اردستانی
مترجم و ویراستار: رکسانا خانی‌زاد، شهریار خانی‌زاد، مهشید اداوی
مدیر بخش فنی و رایانه: فرید عابدین شیرازی
مدیریت واحد IT، سایت‌ها و فضای مجازی هنر معماری: آرین خانی‌زاد
همکاران بخش سایت دانشنامه‌ی هنر معماری: یاسین اردستانی، مهشید اداوی
مشاوران عالی (به ترتیب حروف الفبا):
سیروس باور، سیاوش تیموری، وحید قبادیان
هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):
آرتور امید آذری، علی اکبری، محسن اکبرزاده، ساناز افتخارزاده، آیدین توکلیان، فرامرز پارس، سید مهدی حسینی، علی خادم‌زاده، شهریار خانی‌زاد، رکسانا خانی‌زاد، علیرضا قزل‌ایاغ سهراب رفعت، نگار سریع‌الاطلاق فرد، وحید قبادیان، محسن نوروزوند
مدیریت واحد تحقیق، پژوهش و پیشبرد هنر معماری:
رکسانا خانی‌زاد، آرین خانی‌زاد، آیدین توکلیان
عکاس: حسین برازنده
چاپ و صحافی: چاپ کهن
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد



• تصویر روی جلد: عمارت عالی‌قاپو / عکاس: علی گرجیان
• نقل و انتشار مطالب هر شماره از فصلنامه‌ی هنر معماری به هر شکل با مجوز کتبی دفتر هنرمعماری امکان‌پذیر می‌باشد. • آرای نویسندگان لزوماً نظر نشریه‌ی هنر معماری نمی‌باشند. • مقالات و نوشته‌ها در صورت لزوم ویرایش و خلاصه خواهند شد.
نشانی: تهران، خیابان شهید مفتاح (شمالی)، پایین‌تر از خیابان شهید مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه‌ی همکف، واحد ۶ کد پستی: ۳۳۱۱۷ - ۱۵۸۸۸ تلفکس: ۸۸۳۴۲۹۶۱ - ۸۸۳۴۲۹۶۰
E-mail: aoholding@gmail.com Instagram: Honare_memari (وبسایت رسمی هنرمعماری) www.aopedia.ir www.aoa.ir

HONARE MEMARI

سرمقاله

۲ مسکن اجتماعی / رکسانا خانی‌زاد

معماری از باستان تا کنون

۶ یادگارهای هنر و معماری پارسیان بیش از ده‌هزار سال هنر و معماری ایرانیان / بخش پنجم

قسمت اول: حکومت هخامنشیان / آیدین توکلیان

۱۲ عمارت عالی قاپو - برنده‌ی اولین دوره‌ی جایزه‌ی معماری آقاخان (۱۹۸۰-۱۹۷۸)

مرمت و احیا: اوجینو گالدیری، باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی / به قلم فرامرز پارس

۲۰ بررسی روند شکل‌گیری کاخ عالی قاپو بر اساس اسناد تاریخی و شواهد موجود / فاطمه غلامی

۳۴ آرامگاه صائب تبریزی / کارنامه‌ی انجمن آثار ملی (۱۳۵۵-۱۳۰۱) / معمار: محسن فروغی

نویسنده: دکتر حسین بصرالعلومی / عکاس: رکسانا خانی‌زاد

۴۶ پرفسور پوپ و آرزوی او / دکتر حسین بصرالعلومی / عکاس: علی گرجیان

۵۶ آرتور آپهام پوپ / نویسنده: ویکتور دانیل (معماری دوران تحول)

۵۸ در ستایش [آرتور آپهام پوپ] / یک ستایشگر فرهنگ و هنر ایران / به قلم، عبدالحمید الشراق

نقد معماری

۶۴ معماری دوران تحول / معمار سال ۱۳۹۵ / به مناسبت چهل و دومین سال آغاز فعالیت / گلنار تاجدار

۷۲ طراحی مسکن اجتماعی با رویکرد گسترش‌پذیری / رکسانا خانی‌زاد

۷۸ نمونه‌های موفق مسکن اجتماعی گسترش‌پذیر / رکسانا خانی‌زاد

۸۴ مسکن اجتماعی شلیسی / معماران: گروه معماری المنتال (الخاندرو آراونا) / رکسانا خانی‌زاد

۸۸ مسکن اجتماعی فرانسه، ۲۰۱۴ / معماران: ماییره رایش / رکسانا خانی‌زاد

۹۴ مسکن اجتماعی فرانسه، ۲۰۱۵ / خانه‌های آپارتمانی / اثر گروه معماران LAN / رکسانا خانی‌زاد

۱۰۰ مسکن اجتماعی در مکزیک، ۲۰۱۸ / معماران: tactic-a / رکسانا خانی‌زاد

۱۰۴ مسکن قابل توسعه و تغییر در ایران، ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) / خانه-دوچار، شیراز

معماران: اشکان قشقایی، سمانه متقی‌پیشه و پویا رنجبر / رکسانا خانی‌زاد

۱۰۸ مسکن قابل توسعه و تغییر در ایران ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) آپارتمان بازیگوش، شیراز

معماران: اشکان قشقایی، سمانه متقی‌پیشه / رکسانا خانی‌زاد

۱۱۴ معماری انسان‌دوستانه / بنیاد بیل و ملیندا گیتس / اثر گروه معماران ان.بی.بی.جی

ترجمه‌ی لادن مصطفی‌زاده

۱۲۲ نیایشگاه آوا / دفترمعماری اپن / عکاس: جانانان لیجونووفود / مترجم: الناز شمالی

۱۳۲ مدرسه‌ی هایک - اثر دفتر معماری تریس

طراحی داخلی

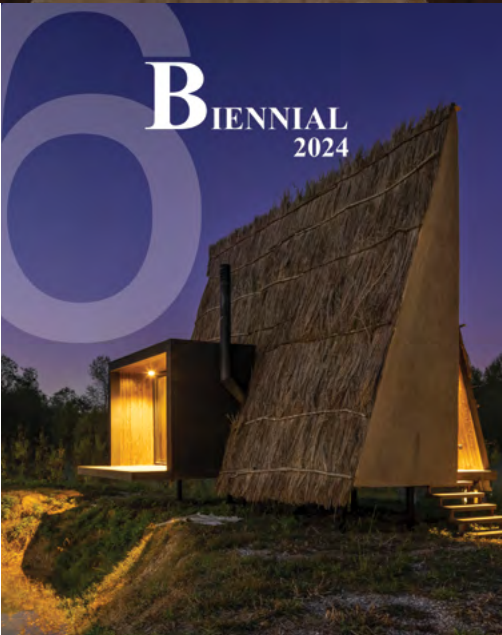
۱۴۶ میان پرسه بانوان (مرکز تندرستی و زیبایی آپال شی) / شقایق رضایی، علی‌اکبر اکبری

۱۵۲ خانه اتفاق / مهیار جمشیدی

۱۵۸ جانانین لایونهاود / عکاس معماری / مترجم: الناز شمالی

هنر و طراحی

۱۶۸ آلفا رومئو / ایتالیا / مترجم: الناز شمالی





برای دانلود QR Code را اسکن کنید.

- بیش از ۴۰۰۰ فایل مدل سه بعدی چراغ
- قابلیت استفاده در نرم افزارهای مختلف
- شامل اطلاعات روشنایی و داده‌های فتومتریک
- تطابق کامل با محصولات تولید شده



GLORY

Lighting System



اطلاعات کامل درباره سیستم گلوری
Full Information of Glory System



- دارای ۸ نوع منبع روشنایی متفاوت
- ساخته شده با متریال برنج
- اتصال چراغ‌ها به روش آهترایی
- قابلیت جابجایی آسان و توسعه
- در رنگ‌های طلایی، مشکی و مسی

+98 21 79924
nooraneh.com

زعفرانیه - خیابان پدیدار غربی - پلاک 7

Harmony



Quick Info



اطلاعات سریع

 Harmony



متفاوت اما هارمونی

 **Harmony**
متفاوت اما هارمونی

www.Harmony.ir

Quick Info



اطلاعات بیشتر

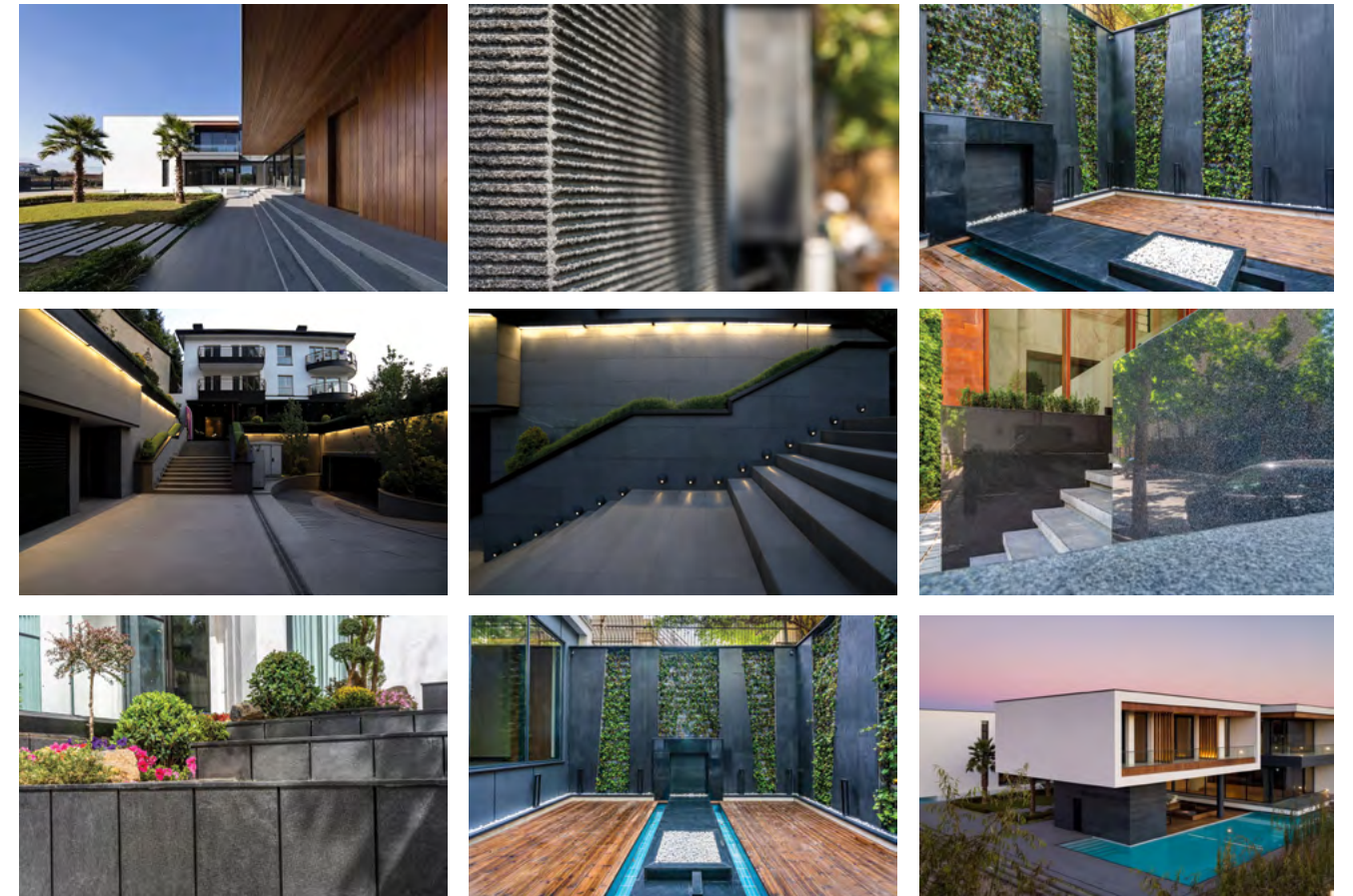


Instagram: @soroushstone.co E-mail: info@soroushstone.com Website: www.soroushstone.com
Whatsapp: 09102548500 Call: 8-02156233244 - 09124875798

آدرس کارخانه: تهران، شهرک صنعتی شمس آباد، بلوار نخلستان، کوچه گلشید، کارخانه سنگ سروش

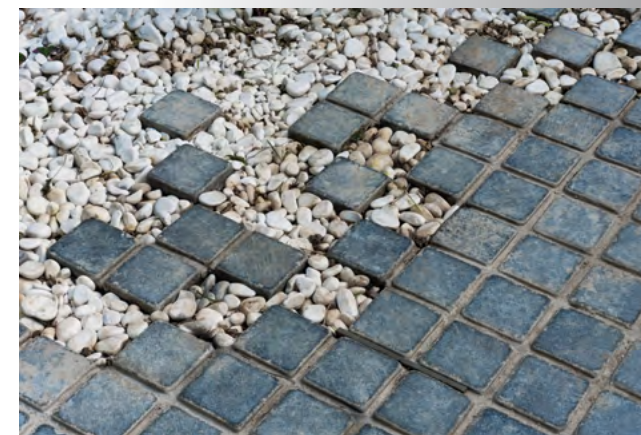
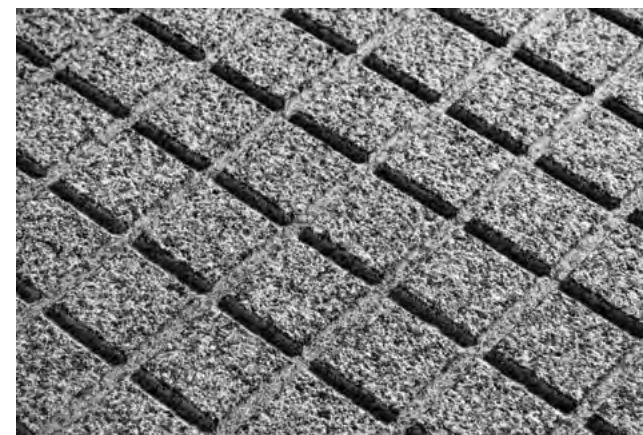
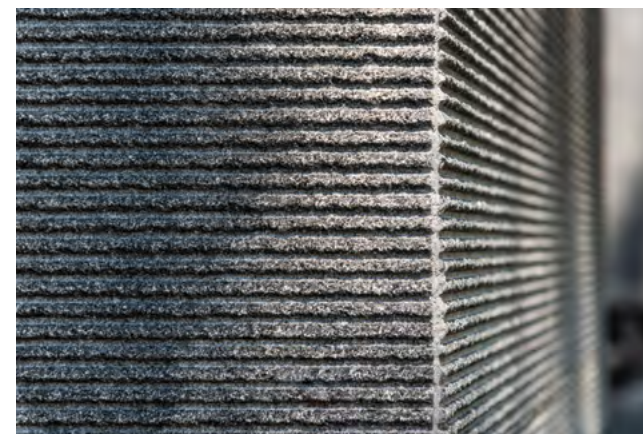
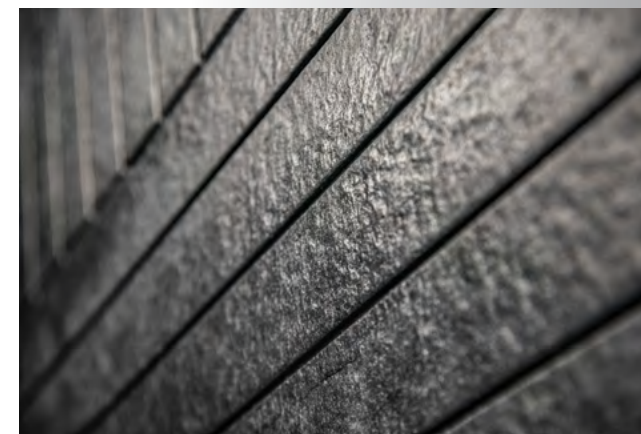
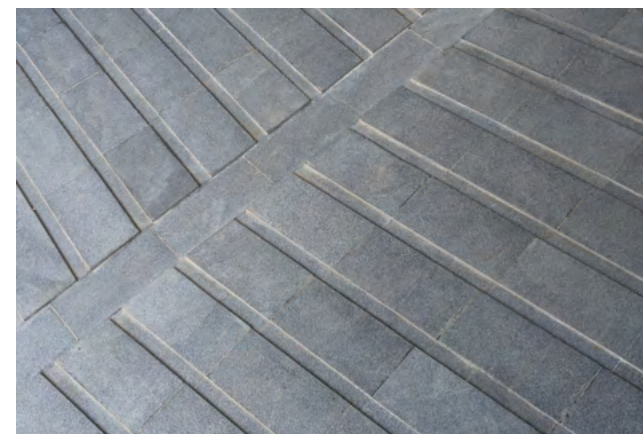
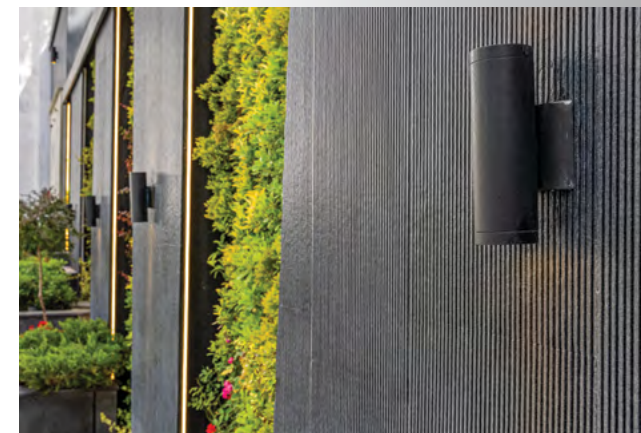
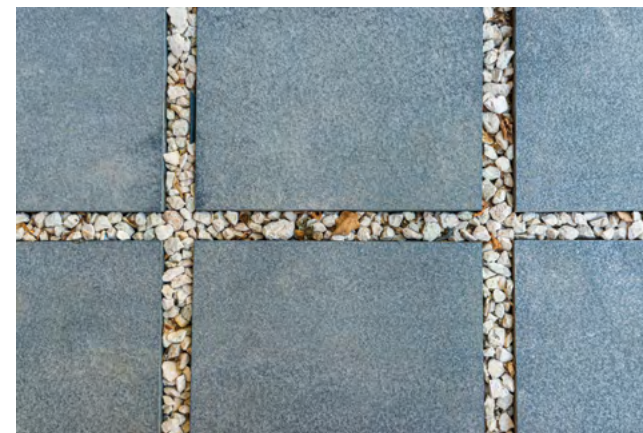


تصویر: اثر سهراب رفعت (Asbchin Villa)





« در صنعت گرانیت سنگ تمام می‌گذاریم »
سروش؛ مرجع تخصصی سنگ گرانیت مشکی



لوپ لایت

LOOP LIGHT

لوپ لایت اولین و بزرگترین تولید
کننده ریسه، نئون فلکس و مقاطع
نوری و سیلیکونی LED در خاورمیانه

3 YEARS
GUARANTEE

۳ سال گارانتی
بدون قید و شرط

Made in Iran

تولید ملی

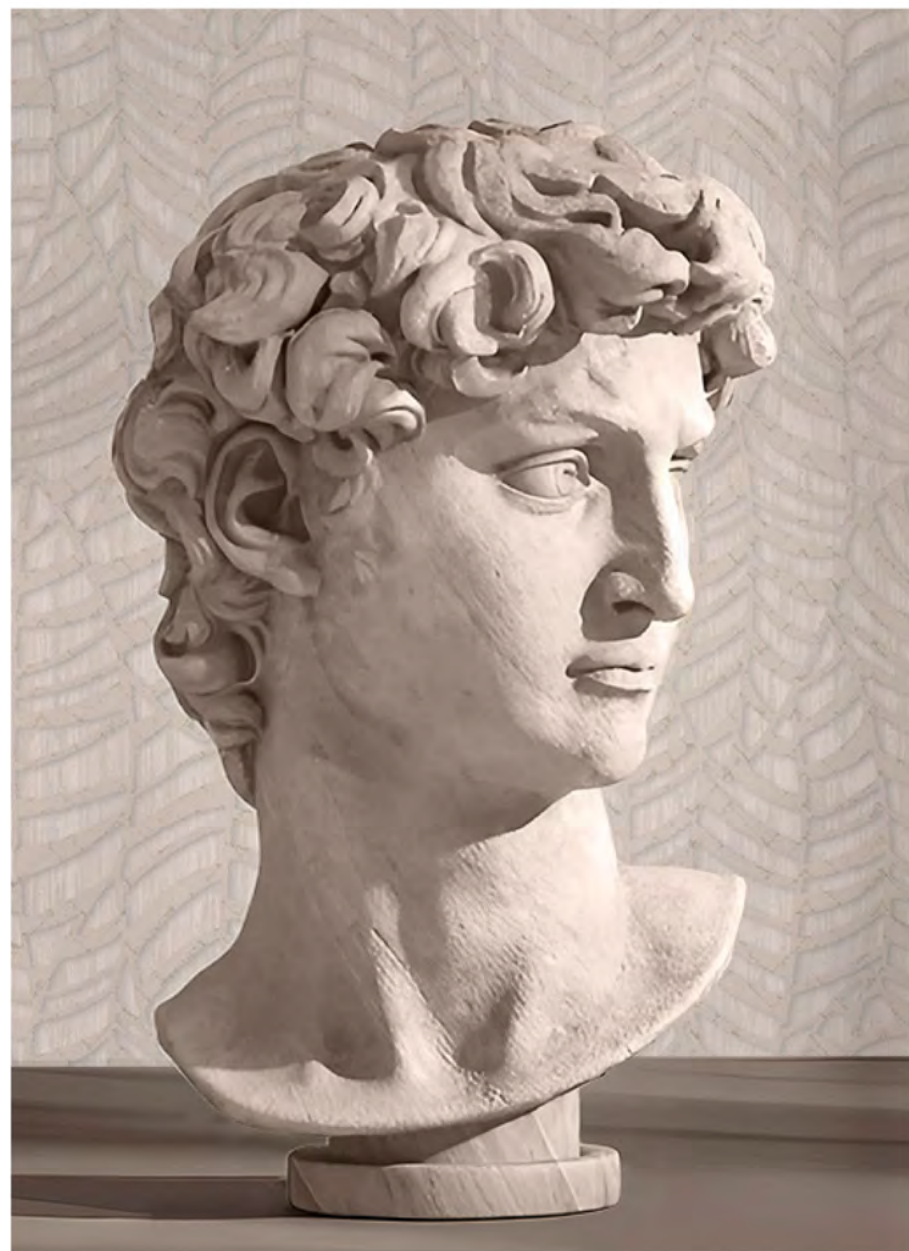
ISO by TÜV 9001 14001 45001 HSE-MS CC

Looplight.ir

NEW COLLECTION
Villa Romana



Quality Wallcovering Designed Developed and Proudly in Germany



ROYA
Surface Center

مرکز تخصصی پوشش های دیوار و کف



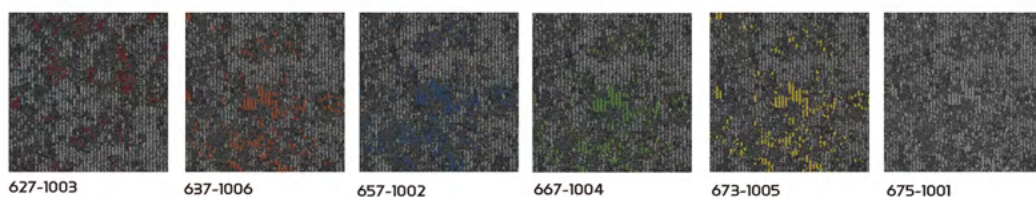
www.royaco.com

A La Mode Collection

New Collection



Carpet tiles 50x50 cm in 6 colors



ROYA
SURFACE CENTER



www.royaco.com
royaco

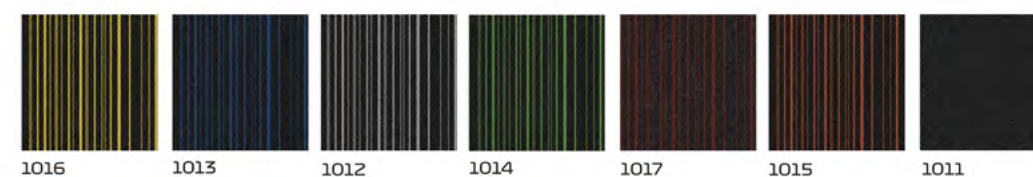
تهران-خیابان شریعتی، نبش خیابان کلاهدوز، برج نگین قلعهک، طبقه اول، واحد ۱۱ ۲۴۶۱۰۰۰۱ - ۲۵۹۹۱۰۰۰ (۰۲۱)
مشهد- بلوار هفت تیر- برج اداری تجاری آرمیتاز - طبقه ۲۶ واحد ۲۱۰۱ ۳۸۳۳۴۰۴۰ - ۳۸۳۳۷۰۷۰ (۰۵۱)
قم، بلوار پیامبر اعظم، برج عمرانیه، طبقه اول اداری، واحد ۱۱۳ ۳۷۸۴۰۶۲۱ (۰۲۵)
شیراز، بلوار چمران، خیابان نیایش، بین کوچه ۱۰ و ۱۲، ساختمان لادفنس، طبقه ۲، واحد ۴ ۳۶۵۴۱۰۱۰ (۰۷۱)

Merge Collection

New Collection



Carpet tiles 50x50 cm in 7 colors



ROYA
Surface Center





Arvinaj | Interior Design,
Office Furniture

آزمایشگاه صنعتی-شیراز
مساحت ۴۵۰ متر مربع
پاییز سال یک



FLP-34

LINEAR PROFILE
PENDANT MULTI TRACK SYSTEM
WITH UP LIGHT



Pendant
Pipe Light



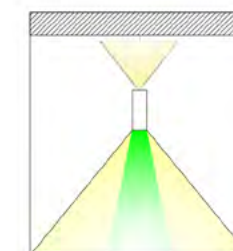
Linear Light 3331



Track Light (7W & 12W)



Laser Blade (15W & 30W)



021 22 63 91 63 

0936 154 43 67 

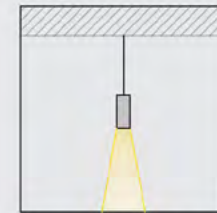
fadlighting 

info@fadco.ir 

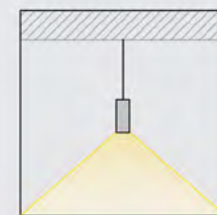
www.fadco.ir 



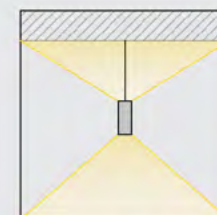
ACOUSTIC PANEL CUSTOMIZED LIGHT



Spot Light



Linear Down Light



Linear Up/Down Light



FAD
Lighting Design Co.



021 22 63 91 63

0936 154 43 67

fadlighting

info@fadco.ir

www.fadco.ir



چسب فوری کاسپین®



چسب چوب کاسپین®

بی رنگ پس از خشک شدن



شرکت دقیق شیمی
وابسته به گروه صنعتی فومن شیمی



تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قنبر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۲۴
کدپستی: ۱۵۱۴۷۱۴۹۱۱ | تلفن: ۸۸۷۳۷۷۵۵ (۰۲۱) | تلفن سفارشات: ۶۱۷۰۰ (۰۲۱)

INTERIOR 20 DESIGN 24

HONAR-E MEMARI

Jury Award



SEUNGJIN LEE



SHEYDA NOROUZZADE



SAMANEH GHASEMPOUR



ABDOLREZA MOHSENI



MOHAMMADMEHTI SAEIDI



YEKTA AFARIN



SANAZ GHAEM MAGHAMI



AMIN TORKAN

HONAR-E MEMARI

DESIGN AWARD 2024

HONAR-E MEMARI

Jury DESIGN AWARD



MOETEZA RAHIMI



MARJAN AHRABIFARD



DARYA NOURI AFSHAR



MEHDI YUSEFI NIA



AMIRHOSSEIN TABRIZI

HONAR-E MEMARI

BIENNIAL 2024

Jury BIENNIAL



Ali Akbari



Siavash Teymoori



Morteza Sedigh



Siros Bavar



Negar Sariol Etlagh



Reza Asadzadeh



Mohsen Akbarzadeh



Ehsan Maleki



Amir Farajolahi

HONAR-E MEMARI

HONAR-E MEMARI

2024 BUILDING OF THE YEAR



HONAR-E MEMARI

Jury

BUILDING OF THE YEAR



JALIL MOUSAVI



SANAZ EFTEKHARZADEH



VAHID GHOBADIAN



ABDOLREZA MOHSENI



SINA AHMADI



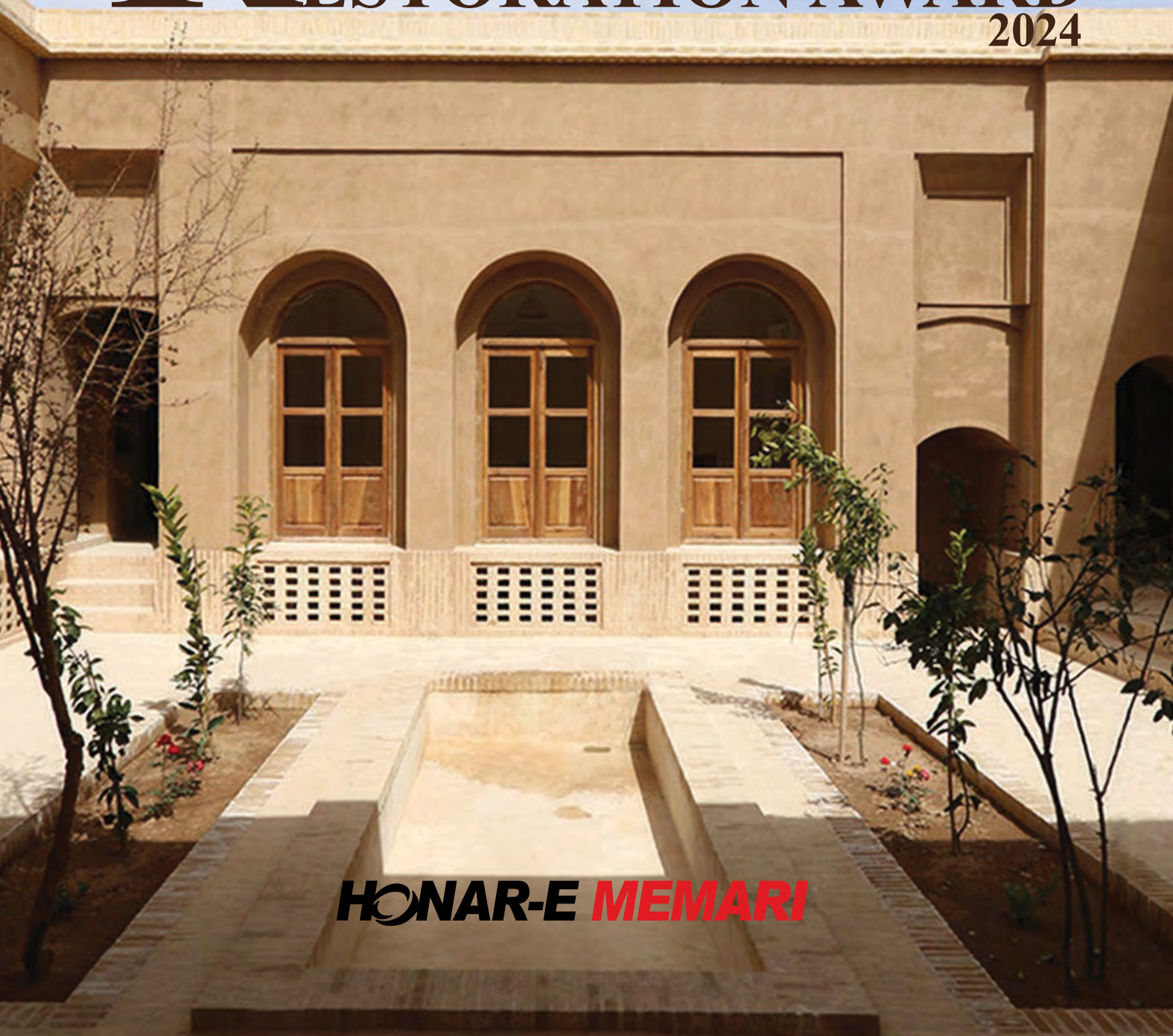
AFSHIN KHOSRAVIAN



AMIR GHASEMPOUR

HONAR-E MEMARI

4th RESTORATION AWARD 2024



HONAR-E MEMARI

Jury 4th Restoration Award



FARMARZ PARSI



PADIDEH AZIN



SAEED IZADI



SHEYDA NOROUZZADEH



ESKANDAR MOKHTARI



Karlos Kevedo Roxas



MOHSEN NOROZVAND



AMIRREZA FARHBOD



LB Ghasemzadeh

HONAR-E MEMARI

BRICK 20 AWARD 24

Jury BRICK AWARD



FARAMARZ PARSI



REZA ABEDINI



LB Ghasemzadeh



Sheyda Norouzzadeh



ARTUR OMID AZERI



Karlos Kevedo Roxas



ALI NEMATI



MOHSEN NOROZVAND

HONAR-E MEMARI

HONAR-E MEMARI

مسکن اجتماعی

رکسانا خانی‌زاد

سال‌های مدیری است در کشورهای مختلف برای حل مشکل مسکن جامعه، «مسکن اجتماعی» مطرح شده است. این واژه که معادل Social Housing در زبان انگلیسی است، دلالت بر مسکنی دارد که متعلق به افراد کم بضاعت بوده و تمام و یا قسمت اعظم بودجه‌ی مورد نیاز برای ساخت آن از طرف دولت تامین می‌گردد اما ابعاد مختلف این موضوع مانند نوع مالکیت، نهادهای مسئول، نحوه‌ی تامین مالی و... در همه‌ی کشورها یکسان نیست و تعاریف متفاوتی دارد. مسکن بیشتر از آنکه یک سقف بالای سر باشد، نقش مهمی در حل سایر مشکلاتی که خانواده‌های کم‌درآمد با آن روبه‌رو هستند دارد، چرا که مکانی که در آن خانوارهای کم‌درآمد زندگی می‌کنند نه تنها بر کیفیت زندگی‌شان تأثیرگذار است بلکه بر دسترسی آنها به فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی مانند دسترسی به شغل مناسب و آموزش باکیفیت موثر است (باقرزاده، ۱۳۹۷)

مسکن اجتماعی در جهان به دلایل مختلفی همچون رکود اقتصادی و یا نیاز به خانه‌سازی پس از جنگ‌های جهانی مطرح شد. از عمده اهداف این طرح می‌توان به ایجاد سرپناه برای افراد بی‌خانمان و یا شهروندانی که توانایی خرید خانه در بازار آزاد را ندارند، کاهش فشار در مراکز شهری و ایجاد عدالت اجتماعی اشاره نمود. راهکارهای متفاوتی از جمله ساخت مسکن با تخصیص سوبسید به متقاضیان، اجاره‌ی مسکن به قشر کم‌درآمد با قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار مسکن و... برای حل این مشکل به کار گرفته شده است. همچنین ساخت مسکن اجتماعی همواره موارد و مشکلات خود را داشته؛ تامین مالی قبل و حین ساخت، مدیریت و نگهداری و تمرکز فقر در یک محدوده بخصوص از چالش‌هایی است که دولت‌های مختلف راه‌حل‌های متفاوتی برای آن اندیشیده‌اند.

در ایران اما مسکن اجتماعی پیشینه‌ی زیادی ندارد. در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ شمسی، شوستر نو اثر کامران دبیا، همچنین شهرک اکباتان با سرمایه‌گذاری و مدیریت رحمان گلزار دانش‌آموخته‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبا دانشگاه تهران برای طبقه‌ی متوسط و پایین جامعه ساخته شد. بخشی از خانه‌های شهرهای جدید نیز نمونه‌هایی از فعالیت در حوزه‌ی تامین مسکن به صرفه هستند که هدفشان در کنار تامین مسکن برای افراد کم‌درآمد، کاهش تراکم جمعیت در برخی کلانشهرها نیز بوده است که به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، عدم دسترسی آسان به شهرها جهت کار و همچنین کیفیت خدمات عمومی نسبت به شهرها و کیفیت پایین ساخت و ساز، تقریباً کمکی به حل مشکل نکرده و قادر به ارتقای کیفیت زندگی ساکنین نداشته است.

در سال‌های قبل نیز طرحی به نام «مسکن مهر» شکل گرفت که طی شرایطی با قیمتی کمتر از وضع موجود به قشر کم‌درآمد فروخته می‌شد. اما این ارزانی ناشی از سیاست‌هایی تبیین شده توسط متخصصین امر نبود بلکه به دلیل استفاده از مصالح بی‌کیفیت، ساخت و ساز در محیط‌هایی فاقد زیرساخت‌های مورد نیاز و خرید زمین‌هایی بدون ارزش در اطراف شهرها بود. استفاده از مصالح بی‌کیفیت، عدم استفاده از تکنیک‌های جدید ساخت و ساز،

عایق صوتی و ساخت فضاهایی بی‌روح که عامه‌ی مردم از آن با عنوان «قوطی کبریت» یاد می‌کنند آسایش مورد نیاز برای زندگی در این خانه‌ها را از بین برده و ساخت و ساز در زمین‌هایی بی‌ارزش باعث شده است که در طی زمان این خانه‌ها ارزش چندانی پیدا نکنند و در صورت فروش واحد، مبلغی که ساکنان به دست می‌آورند برای خرید مسکن در منطقه‌ای بهتر کافی نخواهد بود. باید توجه داشت که تمامی این مشکلات در شرایط عادی بروز می‌نماید و فاجعه با حوادث طبیعی رخ می‌نماید.

با افزایش هزینه‌ها و سخت شدن شرایط برای بسیاری از هموطنان، مشکل مسکن در حال حاضر بسیار جدی‌تر از گذشته است و درصد بالایی از جوانان توانایی خرید مسکن را ندارند. با توجه به اینکه یکی از وظایف دولت‌ها تامین مسکن برای افراد جامعه است، باید هرچه زودتر با تمهیداتی نو و کارا به فراهم نمودن مسکن مناسب برای افراد کم درآمد پرداخت چرا که کارهایی که پیشتر صورت گرفته بی‌کیفیت بوده و شرایط مناسبی را برای زندگی دارا نیستند. همچنین برای کاهش هزینه‌ها تا مسکن قابل دستیابی برای افراد کم درآمد باشد استفاده از مواد و مصالح نامرغوب و کمک نگرفتن از افراد متخصص در این زمینه امری رایج است؛ موردی که مستقیماً بر کیفیت و کمیت فضاها تأثیرگذار است.

از مهمترین مشکلات حوزه‌ی کالبدی مسکن مهر عدم امکان گسترش و همچنین عدم امکان تغییر در فضای خانه است. خریداران مسکن مهر از قشر کم‌درآمد اجتماع بوده و مانند سایرین امکان بررسی موارد بسیار و انتخاب آنچه متناسب روش زندگی آنها است را ندارند و مجبور به پذیرش پلان‌های تیپ مسکن مهر هستند. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته، به این موضوع پرداخته شده و نمونه‌های موفق نیز اجرا شده‌اند. به طور مثال در شیلی با ساخت تنها ۴۰ متر از هر واحد، توانستند مقدار قابل توجهی از هزینه‌ها را کاهش دهند و آن را صرف خرید زمینی با ارزش در مرکز شهر نمایند. از طرفی ۴۰ متر زمین در کنار خانه‌ها در نظر گرفتند تا خود ساکنان در زمان مناسب، خود آن را بسازند و واحدها را به ۸۰ متر گسترش دهند. بدین ترتیب در طی زمان سرمایه‌ی آنها دو برابر گردید و همچنین با ساخت و ساز در مرکز شهر، دیگر نیازی به صرف هزینه برای فراهم نمودن زیرساخت‌ها نبود. برخی از خانواده‌ها در بخش گسترش‌یافته بالکن اضافه نمودن و برخی دیگر قسمت بالکن را هم به متراژ خانه افزودند. بدین ترتیب این خانه‌ها نه تنها گسترش‌پذیر که قابل شخصی‌سازی نیز بودند.

هم‌اکنون ما نیز به متخصصین، معماران، برنامه‌ریزان شهری، ایده‌ها و راه‌حل‌های منطبق با مسائل و مشکلات مسکن در کشور نیازمندیم تا بتوانیم برای تمامی شهروندان شرایطی مناسب جهت زندگی فراهم نبوده و باعث ایجاد عدالت اجتماعی باشیم. این شماره و شماره‌های آینده از فصلنامه‌ی هنر معماری با معرفی نمونه‌هایی از مسکن اجتماعی در ایران و جهان سعی در تاکید بر اهمیت این مسئله دارد.

تصویر صفحه‌ی روبرو: شهرک اکباتان (مسکن اجتماعی) - تهران - معماران: رحمان گلزار شبستری، فریدون آذری - عکاس: پرهام تقی‌اف



معماری
از باستان تا کنون

Restoration & Renovation



یادگارهای هنر و معماری پارسیان

بیش از ده‌هزار سال هنر و معماری ایرانیان

بخش پنجم، قسمت اول: حکومت هخامنشیان

آیدین توکلیان



«هنر ایرانی یک پدیده‌ی تاریخی حائز اهمیت قدر اول است. به نظر می‌رسد که اساسی‌ترین و شاخص‌ترین مشغله‌ی اقوام ایرانی پرداختن به هنر بوده است. کامل‌ترین سابقه‌ای که از زندگی این مردم بازمانده است، و ارزنده‌ترین سهمی که در قدن جهانی داشته‌اند همین هنر است و تاریخ هنر آنان بسیاری از مسائل تاریخ فرهنگ بشری را روشن می‌کند» (آرتورپوپ)

هگمتانه یا اکباتانا به معنی شهر نخبگان، مرکز پادشاهی مادها بود که در دوران حکمرانی خود، به دستاوردهای بزرگی نائل آمدند. از جمله‌ی این دستاوردها می‌توان پایان دادن به سلطه آشوریان بر سرزمین‌های ایران، ایجاد اتحاد بین قبایل مختلف ایران، و نهایتاً گذاشتن اثری ماندگار بر تاریخ کهن این سرزمین اشاره کرد. مادها، زمینه‌ساز و الهام‌بخش نسل‌های بعدی شدند و تأثیرات آنها تا عصر هخامنشی و فراتر از آن مشهود است. در این میان، زبان و ادبیات آنها، هرچند کمتر شناخته شده، نقشی مهمی در پیشبرد فرهنگ و تمدن ایرانی داشته‌اند. مادها همچنین از طریق جنگ‌ها و تشکیل نهادهای مدنی و نظامی، نقشی کلیدی در شکل‌گیری ساختارهای سیاسی و اجتماعی منطقه ایفا کردند. با بررسی پیشینه غنی مادها، می‌توان زمینه‌های فرهنگی و تاریخی امپراتوری هخامنشی را بهتر درک نمود. برای مطالعه در این زمینه به مقاله‌ی «بیش از ده‌هزار سال هنر و معماری ایرانیان بخش چهارم: حکومت مادها (۵۵۰-۷۲۷ ق.م.)» چاپ شده در شماره ۴۵ مجله‌ی هنر معماری (سایت دانشنامه‌ی هنر معماری) مطالعه بفرمایید.

از میان سه یا چهار روایتی که در خصوص شجره‌ی دودمان هخامنشی، اولین پادشاهی پارسی نقل شده است، روایتی که منطبق است با لوح استوانه‌ای بابل (۵۳۹ پ م) و سنگ نوشته‌ی بیستون که بر اساس آنها کوروش بنیان‌گذار سلسله‌ی هخامنشی از نوادگان هخامنش بوده است در میان تاریخ نگاران مقبول‌تر است. از طرفی هروdot اولین تاریخ نگار برجسته یونانی نیز، هخامنشیان را از خاندان پاسارگادیان می‌داند و

بر این عقیده است که هخامنش، سرپرست طایفه‌ی هخامنشیان پسر پرسئوس بوده.^۱ پارسی‌ها هم‌زمان با مادها به بخش‌های باختری ایران سرزیر شدند و پیرامون دریاچه‌ی ارومیه و منطقه اردلان^۲ جای گرفتند^۳ و پس از شکست ایلام توسط آشوری‌ها به سمت جنوب غرب ایران رهسپار گشتند. آنها در ابتدا به چندین قبیله تقسیم می‌شدند (که زبان همه آنها شاخه‌ای از هندو-ژرمن بود) و در آن میان قبیله‌ی پاسارگادیان با ازدواج‌های سیاسی که با خانواده‌های سلطنتی ماد داشتند، موفق شده به مرکز قدرت نزدیک شوند و به تدریج قدرت را در دست بگیرند.^۴ کوروش بزرگ، امپراتوری بابل را فتح نمود و شاهنشاهی هخامنشی را بنیان گذاشت. در واقع در حدود قرن ششم پیش از میلاد بود که کوروش استقلال کامل را از مادها اخذ کرد، سلطنت آنها را به کلی از میان برد و در نهایت قلمرو قبیله‌ی خود را بیش از پیش گسترش داد. او پس از چیرگی به حکومت مادها تدابیر هوشمندانه‌ای اتخاذ نمود. سپاهیانش را روانه‌ی غرب کرد، با دشمن اصلی خود در آن زمان یعنی لیدیه جنگید، بخش زیادی از ارمنستان کنونی را فتح کرد و برای تسخیر امپراتوری بابل و بین‌النهرین روانه آنجا شد. در مسیر شمال به قبایل سکایی شورش برد، تا رودخانه Jaxartes واقع شده در قرقیزستان کنونی پیش رفت و قلمرو خود را تا باختر گسترش داد.

تاریخ نگاران معتقدند، که گسترش پرشتاب قلمرو حکومت هخامنشی حاصل نبوغ کوروش در سیاست، قدرت سپاهیان پارسی، حس وظیفه شناسی و همدردی مردمان و در نهایت ایده‌ی یک اتحاد ملی بوده است.^۵ کوروش دوم، پاسارگاد را جهت استقرار مرکز فرماندهی خود انتخاب نمود. در مرکز دشت این ناحیه که توسط رشته کوه‌هایی احاطه شده بود، آتشکده زرتشتی و کاخ حکومتی خود را بنا نمود. این شاهنشاهی تقریباً به مدت دو قرن بر مناطق تحت سلطه‌اش حکمرانی نمود تا سرانجام در سال ۳۳۰ پیش از میلاد توسط اسکندر مقدونی، پادشاه مقدونیه (یونان باستان) به کلی فرو پاشید.^۶





«نه برف، نه باران، نه گرما و نه تاریکی نمی‌تواند پیام رسانان(هخامنشی) را از انجام سریع وظیفه‌شان باز دارد. این سطر از نوشته‌های هرودوت بر سردر شرکت ملی پست آمریکا نقش بسته است. هرچند این شرکت در وب سایت خود نوشته است که برخلاف آنچه بر سردر نوشته شده مرسولات ممکن است در آب و هوای نامساعد دیرتر به دست گیرنده برسند!

دین: دین هخامنشیان همچنان در مباحث تاریخ و باستان‌شناسی مورد مناقشه و بحث قرار دارد. منابعی که برای بازخوانی این موضوع در دسترس ما قرار دارد در بیشتر موارد نوشته‌های تاریخ نگاران یونانی، سنگ نوشته‌های هخامنشی و متونی به زبان ایلامی و آرامی هستند. در حالی که با خواندن نوشته‌های یونانی این موضوع کاملاً روشن می‌گردد که هخامنشیان در زمان داریوش کبیر پیرو آیین زرتشت بوده‌اند، دین پادشاهان اولیه از جمله کوروش کبیر محل مناقشه است.

دین زرتشت با رویکرد دوگانه‌ای که دارد شناخته می‌شود: از طرفی اهورامزدا به عنوان خالق تمام نیکی‌ها و از طرف دیگر اهریمن یا انگره مینو (Angra Mainyu) به عنوان سرچشمه‌ی پلیدی‌ها. این دوگانه در تمام هستی‌شناسی آن دوران حضور دارند و می‌توان تأثیرات آن را در زندگی روزمره مردمان آن دوان مشاهده نمود. در دوران هخامنشی و خصوصاً پس از کوروش، شاهد آن هستیم که ایزدان دیگری نیز در نوشته‌هایشان حاضر می‌شوند. مانند آناهیتا و میترا. با وجود فراگیری آیین زرتشت در این دوران، پادشاهی هخامنشی بستر را برای فرهنگ‌های محلی و پرستش خدایان محلی باز نگاه می‌داشت، خواه پرستش‌گران ایرانی بودند یا اقوام غیر ایرانی که در قلمرو این پادشاهی سکونت داشتند. هرودوت، نوشته است: « ایرانیان هیچ بُنی از خدایان یا معبد و محراب ندارند و استفاده از آنها را نشانه حماقت می‌دانند ولی یونانیان گمان می‌کنند خدایان طبیعت مشابهی با انسان‌ها داشته باشند».^۷

طبقات اجتماعی:

پیش از هرچیز باید به این نکته اشاره کرد که کمبود منابع و تاریخ کتبی و مستند در این دوران کار تحلیل اجتماعی طبقات مختلف را بسیار سخت می‌کند. اما شواهدی در دست است که نشان می‌دهد پارسیان در این دوران نقش‌های اجتماعی خود را درست بر طبق همان اصولی تقسیم می‌کردند که به ایشان به ارث رسیده بود. در واقع بیشتر این تقسیمات اجتماعی بر اساس بخش‌هایی از اُوستا بود که شهروندان را به موبدان، کشاورزان و سربازان تقسیم می‌نمود، که در آن کشاورزان زیر مجموعه‌ای از موبدان و سربازان بودند. در آن زمان موبدان وظیفه‌ی برگزاری مراسم مذهبی را بر عهده داشتند که طی آن خداوند را سپاس می‌گذازدند و برای حفظ قلمرو پادشاهی که به کمک سربازان انجام می‌گرفت و همچنین کشت محصولات بیشتر که همت کشاورزان را می‌طلبد، دعا می‌کردند. شاه هخامنشی تنها مهری سیاسی یک سرزمین نبود بلکه اولین موبد، سرباز و کشاورز بود که با حفظ این مرز و بوم دست دشمنان را از زمین‌های زراعی کوتاه می‌کرد و با توجه به پیمان ویژه‌ای که با خداوند داشت از او نعمت‌های بی‌شمارش را برای زمین‌های میهنش طلب می‌کرد. لازم به ذکر است که در آن دوران خانواده‌های اشرافی نیز وجود داشتند که از پادشاه حمایت می‌کردند و با توجه به موقعیت اجتماعی خود از ثروت بیشتری نسبت با مردم معمولی برخوردار بودند. البته آنها که جزو خانواده‌ی اشرافی به حساب نمی‌آمدند نیز دارای حق شهروندی بودند و همانطور که پیشتر ذکر آن رفت نظام قضایی مصمم بود تا عدالت را در میان همه‌ی اقشار جامعه برقرار سازد. در این میان افرادی نیز بودند

که شهروندان ایرانی به حساب نمی‌آمدند و معمولاً در جای و جای ایران مشغول کشاورزی یا دامپروری یا در پرسپولیس مشغول امور ساختمانی بودند. این اقشار را در لوح‌های به جای مانده از تخت جمشید کورتاس (kurtas) نامیده‌اند. لازم به ذکر است که این کارگران اسیرهای جنگی نبودند و تمامی آنها استخدام می‌شدند و به طور منظم از استان تحت نظارتشان مقرر۱ دریافت می‌کردند.^۸

زنان: زنان در عرصه‌ی سیاست دوران هخامنشی حضور پررنگی داشتند و به گسترده‌تر شدن حاکمیت کمک فراوانی می‌کردند زیرا می‌توانستند ازدواج‌هایی را ترتیب دهند که باعث محکم شدن روابط خارجه دولت هخامنشی با متحدانش در منطقه شود. متأسفانه این موضوع از نظر مورخان یونانی جا افتاده و آنها در اکثریت نوشته‌هایشان زنان ایرانی را همواره در حال دسیسه چینی برای ایجاد نا آرامی در مناطق مرزی ایران و یونان به تصویر کشیده‌اند. زنان از استقلال مالی برخوردار بودند و در بسیاری موارد پست‌های بسیار مهم سیاسی دریافت می‌کردند. یکی از آنها ایرداباما، زنی قدرتمند در دربار داریوش اول بود که مسئولیت ساماندهی نیروی کار را در استان‌های تحت نظارتش داشت. دیگری آرتقیس بود که به عنوان اولین درياسلار زن جهان در سال ۴۰۰ پیش از میلاد، خشایارشاہ را در لشکرکشی به سوی یونان همراهی کرد. در کنار بانوان با نفوذ در حکومت هخامنشی، زنان کارگر هم دیده می‌شوند که مزدی برابر با همتایان مردشان دریافت می‌کردند که این خود نشان دهنده‌ی طیف عظیمی از حوزه‌هایست که زنان در آن مشغول به کار بودند. طبق روایات تاریخ‌نگاران یونانی، پادشاهان پارسی در کنار ازدواج با نجیب‌زادگان با زنان زیادی ارتباط داشته و حرم‌سراهایی برای این منظور ساخته می‌شده است. اما این اظهارات هیچ کدام مستندات تاریخی نداشته و بنابر نظر ماریا بروسیوس (Maria Brosius) هیچ مدرک قابل استناد باستان شناسی در مورد ارتباط شاهان ایرانی با زنان متعدد و وجود حرمسراها در دربار هخامنشی یافت نشده است.^۹

فنون حکمرانی:

پادشاهی هخامنشی نخستین حکومت متمرکز تاریخ است که به مدت طولانی‌ای بر مناطقی با قانون، فرهنگ و زبان متفاوت به نفع همگان حکومت نمود و برای اولین‌بار ایران یک‌پارچه را شکل داد.^{۱۰} در واقع احترام به فرهنگ‌ها و اداب و سنن متفاوت باعث شد تا در چشم تمدن‌های همجوار حکومتی دموکراتیک به نظر آید. به طور مثال، شاهنشاهی هخامنشی در متون دینی یهودیان و مسیحیان از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا در روز ۲۹ اکتبر سال ۵۳۹ پ. م کوروش بزرگ، پادشاهی بابل‌نو را شکست داد و آن سرزمین را تصرف کرد و برای نخستین بار در تاریخ زمین فرمان داد که هر شخص در باورهای دینی خود آزاد است، و بدین طریق قانون سازگاری بین ادیان و باورها را پایه‌گذاری کرد و نخستین منشور حقوق بشر را بنیان نهاد. او به یهودیان دربند در بابل، امکان داد به سرزمین یهودیه بازگردند که شماری از آنان به ایران کوچ کردند.^{۱۱} گریفیس پدلی (Griffiths Pedley) نیز در جایی می‌گوید " رفتار کوروش با شکست‌خوردگان باعث خوشبینی مردم آسیای صغیر نسبت به او شد"^{۱۲}. کوروش پس از آنکه مناطق جدیدی را در آسیای صغیر تحت سلطه‌ی پادشاهی هخامنشی درمی‌آورد اقدامات گوناگونی جهت حفظ آداب و رسوم دینی آن مناطق انجام می‌داد. ویلیام فیشر در مجلد نخست تاریخ ایران، کمبریج می‌نویسد: "کوروش بزرگ در بازسازی پرستشگاه‌ها و مکان‌های مقدس ملت‌های گوناگون کمک می‌کرد".^{۱۳}

ساتراپی‌ها: با توجه به قلمروی عظیمی که تحت نظارت هخامنشیان بود، شاید این پرسش به ذهن متبادر گردد که نظارت بر تمامی این مناطق به چه صورت انجام می‌گرفت؟ یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین عوامل بر نظارت همه‌جانبه‌ی هخامنشیان بر اراضی تحت کنترلشان "ساتراپی‌ها" بودند. ساتراپی به بخش‌های مجزایی مانند استان‌های امروزی می‌گفتند که هرکدام توسط یک ساتراپ اداره می‌گشت. این ساتراپ به طور معمول حاکم محلی آن سرزمین یا عضوی از جامعه‌ی اشرافیت آنجا بود که وفاداری خود را به حاکمیت هخامنشی و پادشاه پارس اثبات کرده بود. ساتراپ‌ها مسئول جمع‌آوری مالیات، حفظ امنیت و اجرای سیاست‌های پادشاه در قلمروهای خود بودند. این رویکرد غیرمتمرکز، استقلال محلی را ضمن حفظ انسجام و وفاداری کلی به دولت مرکزی، ممکن می‌ساخت. در دانشنامه‌ی ایرانیکا آمده است: در متون قدیمی ایرانی تنها واژه‌ای که می‌تواند معادلی برای واژه‌ی ساتراپ باشد،

-xsaça-pā-van- است که به معنای حفظ‌کننده‌ی پادشاهی بوده است.^{۱۴}

والتر هینتس در کتاب خود تحت عنوان داریوش و ایرانیان به این نکته اشاره می‌کند که بسیاری از ساتراپ‌ها از خویشاوندان خانواده‌های سلطنتی انتخاب می‌گشتند تا بدین طریق احتمال شورش بر علیه حکومت مرکزی کمتر گشته و پادشاه با آرامش خاطر بیشتری حکومت بر این نواحی را به غیر از خود واگذار نماید.^{۱۵}

راه‌سازی(شاهراه سلطنتی) : یکی دیگر از عواملی که کنترل دولت مرکزی را بر استان‌های تحت فرمانش موثر می‌کرد، شاهراه سلطنتی بود. این راه که از مرکز فرماندهی وی در شوش آغاز می‌گشت تا سردیس پایتخت امپراطوری لیدیه ادامه می‌یافت و ارتباط نقاط میانی را با نقاط مرزی تسهیل می‌نمود.

راه‌های دیگری هم شوش را به نقاط شمالی ایران متصل می‌نمود که تمام آنها به استقرار قدرت یک‌پارچه‌ی سیاسی هخامنشیان کمک کردند. سوگیو میکامی در کتابی تحت عنوان میراث کوروش کبیر آورده است: "مامورانی با نام‌های چشمان شاه و گوش‌های شاه همواره در جای و جای قلمرو هخامنشی حاضر بودند تا بروکرات‌های محلی و مرکزی را نظارت کنند"^{۱۶} راه شاهی ۲۷۰۰ کیلومتر طول داشت و پیام‌رسان‌ها مسیری را که پیش از احداث این راه، ماه‌ها طول می‌کشد پیمایند، در کمتر از هشت روز طی می‌کردند.

چاپارخانه‌ها: در آن زمان تعداد زیادی از سربازان هخامنشی وظیفه‌ی برقراری امنیت این مسیر را برعهده داشتند و تعداد بسیار زیادی چاپارخانه برای استراحت چاپارها و تعویض اسب‌های خسته با اسب‌های تازه نفس احداث شده بود. وحید قبادیان در مورد چاپارهای به جای مانده از آن زمان می‌نویسد: "از دوره‌ی پادشاهی هخامنشی و اشکانی کاروانسرای شناخته شده‌ای در ایران باقی نمانده است، ولی از زمان ساسانیان تعداد معدودی کاروانسرا باقی مانده که الگوی کاروانسراهای بعدی در دوره‌ی اسلامی قرار گرفته است".^{۱۷}

هرودوت، کارایی این مسیرها را در رساندن پیام نشان داده است: «نه برف، نه باران، نه گرما و نه تاریکی نمی‌تواند پیام رسانان را از انجام سریع وظیفه‌شان بازدارد. مامور نخست سریعاً پیام را به دومی می‌رساند و دومی به سومی و این گونه پیام در میان چاپارها دست به دست می‌شود تا به مقصد برسد، درست به مانند مشعل المپیک که یونانی‌ها آن را دست‌به‌دست می‌کنند تا به معبد هفائستوس تقدیم کنند.»^{۱۸} این سطر از نوشته‌های هرودوت بر سردر شرکت ملی پست آمریکا نقش بسته است. هرچند این شرکت در وب سایت خود نوشته است که برخلاف آنچه بر سردر نوشته شده مرسولات ممکن است در آب و هوای نامساعد دیرتر به دست گیرنده برسند!^{۱۹}

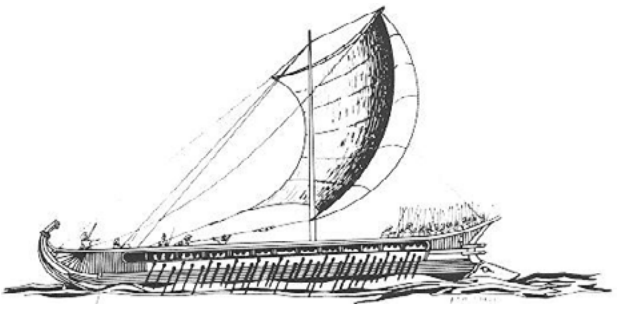
فنون مدیریت اقتصادی:

در خصوص سیستم‌های مالی که در آن دوران رواج داشت می‌توان به اخذ مالیات از مردمان تابعه اشاره نمود. در آن زمان مالیات را مناسب با شرایط و پتانسیل هر ساتراپ در نظر می‌گرفتند. به طور مثال: بابل موظف به تأمین چهار ماه غذا برای ارتش شده بود. مصر هم که به‌دلیل حاصلخیزی و محصولاتش معروف بود، موظف به تأمین انبار غله شاهنشاهی بود و باید ۱۲۰۰۰۰ پیمانه غلات به‌همراه ۷۰۰ تالانت نقره تهیه می‌کرد. در این بین دستگاه‌های قضایی اولیه‌ای نیز وجود داشت تا اخذ مالیات و حقوق شهروندی در این ممالک تضمین گردد.

اسنادی که در این زمینه در دسترس باستان شناسان قرار گرفته‌اند در اصل به زبان نتوبابی گویش آکدی و آرامی نوشته می‌شدند. در آن زمان باور بر این بود که پادشاه تنها شخصی است که اقتدار قضایی را از خداوند دریافت نموده و می‌تواند عدالت را بر زمین حکمفرما کند. در کنار پادشاه، مردان دولتی به نام سرتنو (sartennu) نیز حضور داشتند که ایشان را در این امر یاری می‌کردند. هرودوت، در توصیف این قضات، اظهار می‌کند که آنها بر اساس قوانینی که از پدرانشان به ارث برده‌اند داوری می‌کنند و قدرت قضایی در دست آنهاست. اگر یک داور شاهی رشوه می‌پذیرفت، تنبیه می‌شد تا در یادها بماند. به عنوان مثال، هرودوت نام یک داور شاهی به نام چِسْمَنَه را ذکر می‌کند که به اتهام گرفتن پول، پوستش را کنده و آن را به عنوان بندهای چرمی بر روی صندلی قضاوتش کشیدند.^{۲۰}

کانال آبی خشایار شاه

کانال آبی خشایار شاه، کانالی مناسب برای کشتی‌رانی بود که طی مدت سه سال (۴۸۳-۴۸۰ پم) و در دامنه‌ی کوه آتوس و منطقه‌ی چالکیدیکی یونان ساخته شده است. این کانال به دستور خشایارشاہ و توسط مهندس شهرساز ایرانی آرتاخائیس ۲۱



کانال آبی خشایار شاه، کانالی مناسب برای کشتی‌رانی بود که طی مدت سه سال (۴۸۳-۴۸۰ پم) و در دامنه‌ی کوه آتوس و منطقه‌ی چالکیدیکی یونان ساخته شده است.

ساخته شد که یکی از معدود سازه‌های تاریخی به جای مانده از هخامنشیان در اروپا قلمداد می‌شود. ساخت این کانال در واقع بخشی از برنامه‌ی خشایارشاہ جهت تدارک دومین حمله خود به یونان بوده است. در اولین یورش نظامی وی به یونان درست در دامنه‌ی کوه آتوس طوفان سهمگینی درمی‌گیرد و ۳۰۰ کشتی نظامی به همراه ۲۰۰۰۰ جنگجو در چشم به هم زدن۱ غرق می‌شوند و همین اتفاق خشایار شاه را بر آن می‌دارد تا با ایجاد کانالی مسیر را کوتاه کرده و از رخ دادن دوباره‌ی این اتفاق جلوگیری کند. این کانال در نزدیکی روستای نی رودا^{۲۲} احداث شده و با آغاز از ساحل شمالی این روستا، مسیر مستقیمی را به سمت جنوب غربی گشوده و در نزدیکی روستای تریپیتی به پایان می‌رسد. هرچند این کانال امروزه با ته‌مانده‌های طبیعی دوباره پر شده است، مسیر اصلی آن در تصاویر هوایی به خوبی قابل تشخیص بوده و باستان شناسان حدود این کانال را با دقت به شرح زیر مشخص نموده‌اند.

مجموع طول کانال ۲ کیلومتر (۱٫۲ مایل)، عرض آن ۳۰ متر (۱۰۰ فوت) و عمق آن ۳متر (۱۰ فوت) بود که برای عبور دو تریره^{۲۳} کافی است. در ساخت این کانال از کارگران فنیقیایی، مصری و محلی‌های بالکان نیز کمک گرفته شد.

^[1] هنر معماری ۷۲، بهار ۱۴۰۳ | ۹



ساعت آبی جهت تقسیم عادلانه‌ی آب به کشاورزان

ساعت آبی:

بر اساس گفته‌ی کالیستنس (Callisthenes) مورخ برجسته‌ی یونانی، ایرانیان از حدود قرن ۴ پیش از میلاد از ساعت‌های آبی استفاده می‌کردند. این ساعت‌ها که بر روی سطح آب قرار می‌گرفت بر اساس نیاز آنها برای تقسیم عادلانه‌ی آب ساخته می‌شد. آب قنات منبع اصلی بود که مردمان آن دوران با استفاده از آن به کشاورزی مشغول بودند و هر یک با توجه به سهمی که برای او در نظر گرفته شده بود از آب قنات استفاده می‌کرد.

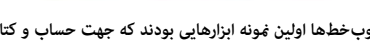
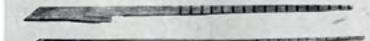
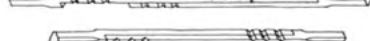
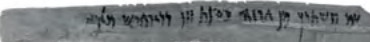
این سهم معمولا با توجه به جایگاه اجتماعی هر شخص و همچنین وسعت زمین زیر کشت او تعیین می‌گشت. بعدها از همین ساعت‌ها برای تعیین دقیق روز سال نو (نوروز)، طولانی‌ترین و کوتاه‌ترین روزها استفاده می‌شد. نامی که بر روی این ساعت آبی گذاشته‌اند فنجان یا پنگان است. غلامحسین رحیمی در این خصوص نوشته است: پنگان کاسه‌ای است به طور عمد مسی، مدرج و نشانه گذاری شده که در وسط آن یک روزنه تعبیه شده است. آن را روی یک دیگ پر از آب قرار

می‌دهند تا آب به مرور وارد آن شود. مدت زمانی که در آن یک پنگان پر از آب می‌شود و به ته دیگ می‌رود یک واحد زمانی است. گاه به جای دیگ پر از آب، معیار را روی سطح آب چشمه یا نهری می‌گذاشتند که مورد تقسیم بوده است تا به مرور زمان به کف چشمه یا نهر برود و به این صورت یک واحد زمان محاسبه می‌شده‌است»^{۲۴} معمولا از میان زمین‌داران آن را که مسن‌تر از دیگران بوده است را به عنوان میرآب انتخاب

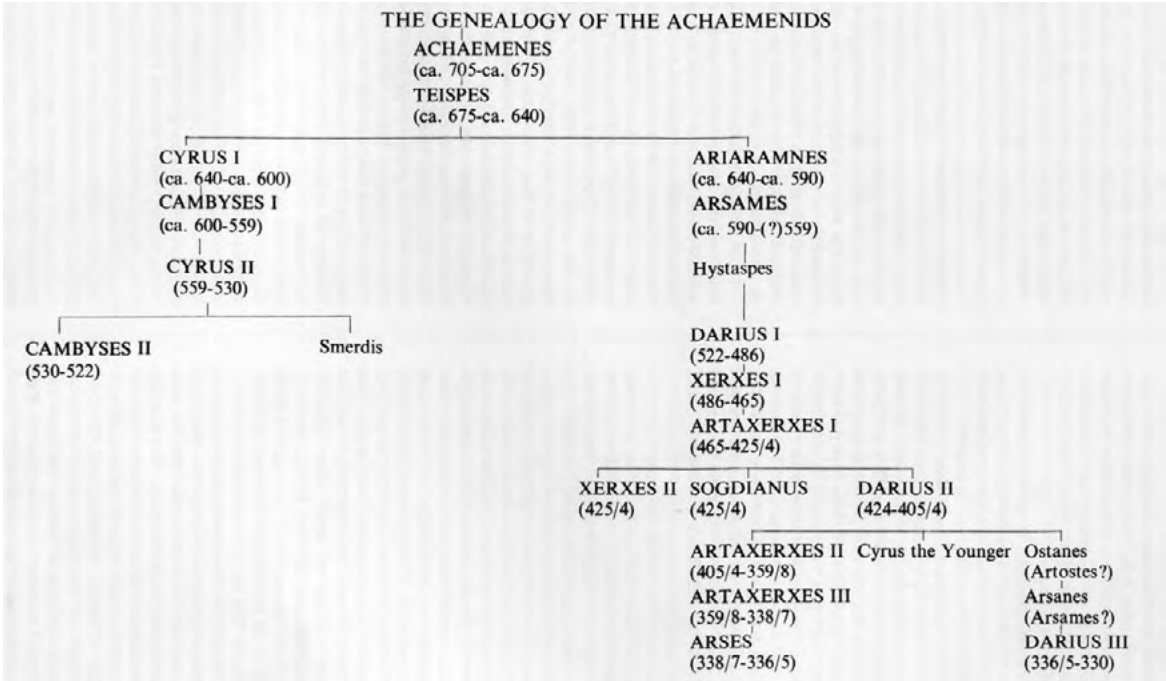
می‌کردند. میراب با زیر نظر داشتن پنگان و با هر بار پر شدن آن و در واقع با خوردن کاسه به کف ظرف، یک پنگان محاسبه می‌کرد و به ازای هر پنگان یک سنگ را در ظرف سفالی قرار می‌دادند تا زمان استفاده هر شخص از آب قنات را محاسبه کند. به طور معمول محلی را برای استقرار میراب و پنگان در نظر می‌گرفتند که به آن پنگان‌خانه می‌گفتند.

چوب خط:

چوب‌خط‌ها اولین نمونه ابزارهایی بودند که جهت حساب و کتاب استفاده می‌شدند.



چوب‌خط‌ها اولین نمونه ابزارهایی بودند که جهت حساب و کتاب استفاده می‌شدند.



شجره‌نامه هخامنشیان

پی‌نوشت:

۱- هرودوت، (۱۳۸۸) تاریخ هرودوت، مترجم: مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات اساطیر

۲- اردلان نام جغرافیایی خاصی بوده که به مرکز کردستان گفته می‌شد و نیز نام خاندان بزرگی است که بر قلمرو حکومت اردلان، امارات و سیطره داشته‌اند.

پایتخت محلی آن‌ها سنه یا سندرچ بود.

۳- جکسون، پیتر، تاریخ ایران کمبریج، (۱۳۹۰)، مترجم: تیمور قادری، تهران، انتشارات مهتاب

۴- Tsugio Mikami/ The Legacy of Cyrus The Great

۵- Tsugio Mikami/ The Legacy of Cyrus The Great

۶- Ulrich Wilcken.(۱۹۶۷). Alexander the Great.

۷- هرودوت، (۱۳۸۸) تاریخ هرودوت، مترجم: مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات اساطیر

۸- M. Stolper, Entrepreneurs and Empire, Leiden.

۹- Maria Brosius, “WOMEN in Pre-Islamic Persia”, Encyclopædia Iranica, online edition

۱۰- Schmitt, Rüdiger «Achaemenid Dynasty». Encyclopædia Iranica

۱۱- داندامايف، (۱۳۸۹) تاریخ سیاسی هخامنشیان، مترجم: فرید جواهرکلام. تهران، موسسه نشر فرزان روز

۱۲- Ancient Literary Sources on Sardis, J.G.Pedley, Cambridge

۱۳- Fisher, William Bayne; Gershevitch, The Cambridge History of Iran

۱۴- https://www.iranicaonline.org/articles/achaemenid-satrapies

۱۵- هینتس، والتر (۱۳۸۸). داریوش و ایرانیان. ترجمه پرویز رجبی. تهران: نشر ماهی

۱۶- Tsugio Mikami/ The Legacy of Cyrus The Great

۱۷- قبادیان، وحید، (۱۳۹۷) بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۱۸- The History of Herodotus (Macaulay)/Book VIII . Wikisource, the free online library Retrieved

۱۹- https://about.usps.com/newsroom/service-alerts/.

۲۰- هرودوت، (۱۳۸۸) تاریخ هرودوت، مترجم: مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات اساطیر.

۲۱- آرتاخائیس به یونانی باستان: (Ἀρταχαιῆς)، پسر آرتائوس، مهندس هخامنشی ایران باستان بود که در حدود قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست. او به عنوان بلندقدترین مرد کشورش شناخته می‌شد.

۲۲- Nea Roda دهکده‌ای است در ۱۱۵ کیلومتری (۷۱ مایلی) جنوب شرقی Thessaloniki، در باریکترین نقطه شبه جزیره آتوس

۲۳- trireme کشتی دارای سه ردیف پارو در هر طرف

۲۴- ایرج، سعدتمند، غلامحسین رحیمی، (۱۳۹۵)، مدیریت تقسیم آب در ایران قدیم با تکیه بر ابزار پنگان، تاریخ علم دوره ۱۴ پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲



The Aga Khan Award for Architecture



عمارت عالی قاپو، برنده‌ی اولین دوره‌ی جایزه‌ی معماری آقاخان (۱۹۷۸-۱۹۸۰)

مرمت و احیا: اوجینو گالدیری، باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی

فرامرز پارسی

عکاس: علی گرجیان

از بازار را نیز دارد. چهار اتاق چهارگوشه به دلیل مسائل سازه‌ای و احتیاج به دیوارهای فطور برای تحمل ۵ تراز بالاتر به نفع عرض بیشتر دیوارها کوچک شده‌اند.

در طبقه‌ی بالاتر همان چهارصفه ترکیبی جدید به خود گرفته است. دو صفه‌ی شمالی و جنوبی به اتاق تبدیل شده‌اند و بخشی از صفه‌های شرقی و غربی به فضای مرکزی اضافه شده تا در عین وجود این دو صفه فضای مرکزی اتاقی مستطیل و فراخ را به وجود آورد. این همان ترازى است که ایوان ۱۸ ستونه با تقسیمی پنج تایی در طول و سه تایی در عرض را شکل داده.

دو طبقه‌ی بعدی ترکیب فضاهای شرقی غربی یعنی اتاق مستطیل بزرگ و دو صفه‌ی شرقی و غربی دست نخورده باقی می‌ماند. در تراز نهایی که از ایوان ستوندار نیز بلندتر است باز چهارصفه تغییر شکل داده. در اینجا صفه‌ی شرقی هم در عرض و هم در طول کوچک شده و با یک سه‌دری به فضای مرکزی که با عاریت گرفتن دو مدول از ایوان شرقی و یک مدول از هر سه ایوان دیگر به یک چلیپا تبدیل شده متصل شده است به یاد داشته باشیم الگوی چلیپا مهم‌ترین الگو در فضاهای معماری ایرانی است که در چهار تراز قبلی به چشم نمی‌خورد و معمار با استفاده از این الگو در بالاترین تراز بر اهمیت این فضا تاکید کرده که در نهایت با به کار بردن تزیینات زیباترین اتاق کاخ را شکل داده است. نکته‌ی بسیار مهم خارج از محور بودن چلیپا نسبت به محور شمالی جنوبی ساختمان است که به نظر می‌رسد معمار برای استفاده از تقسیم سه تایی در چهار طرف چلیپا با استفاده از دو فضای تقسیم یک در یک، مشکل تقسیم چهارتایی که برای معماری مادر فضاهای شاه‌نشین مطلوب نیست را حل کرده است.

در واقع کاخ عالی‌قاپو علاوه بر ویژگی‌های استثنایی خود چون ۶ طبقه بودن یا استفاده از تزیینات منحصر‌به‌فرد و بسیاری از ویژگی‌های دیگر کلاس درسی است در آموزش استعدادهای الگوی چهارصفه.

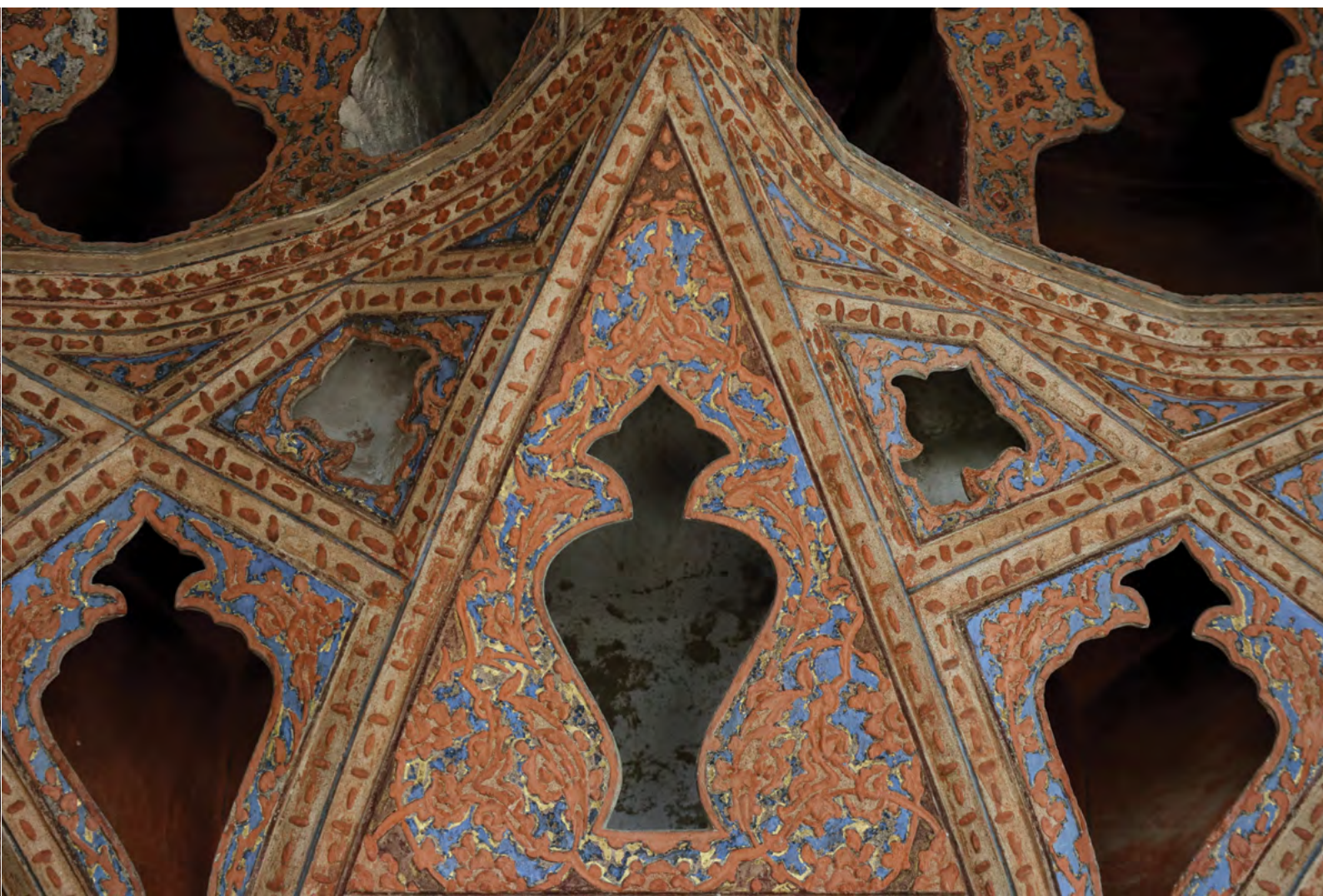
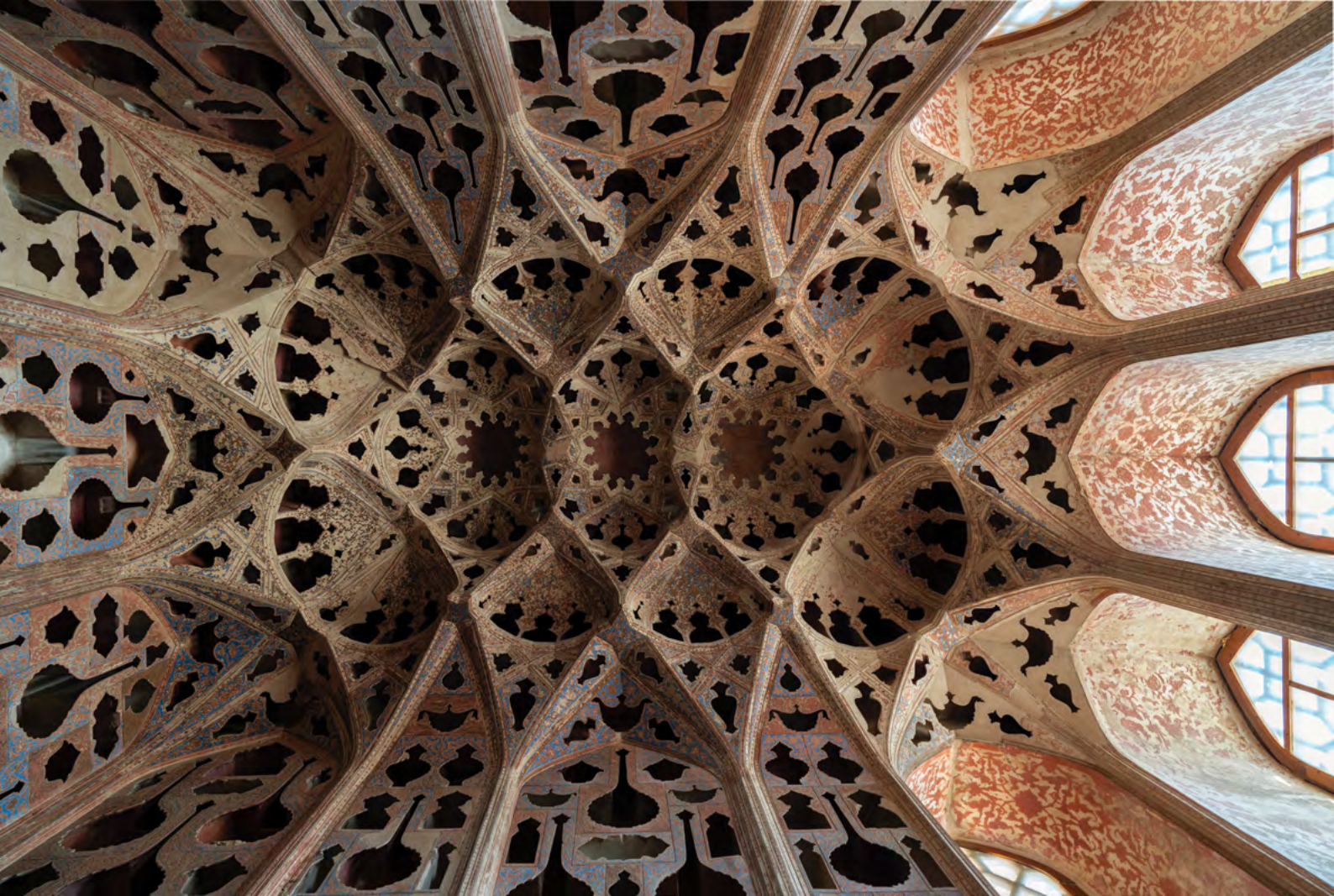
ساخت کاخ عالی قاپو، یکی از چهار بنای اصلی میدان نقش جهان، در بین سال‌های ۹۷۷-۹۷۳ خورشیدی و در پی انتقال پایتخت صفویان از قزوین به اصفهان آغاز گردید و طی ۵ مرحله تکمیل شد. شاه عباس در این بنا به امور مملکت می‌پرداخته و در ایوان به تماشای بازی چوگان و نمایش در میدان نقش جهان می‌نشسته. از این بنا همچنین برای پذیرایی از مهمانان ویژه استفاده می‌گردید.

مرمت مجموعه بناهای عالی قاپو، چهل ستون و هشت بهشت در سال ۱۳۵۵ (۱۹۸۰-۱۹۷۸) با همت و مدیریت زنده یاد باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و به سرپرستی اوجینو گالدیری جزو برندگان اولین دوره‌ی جایزه‌ی آقاخان قرار گرفت. باید خاطر نشان کرد اولین دوره‌ی مرمتی کاخ عالی‌قاپوی اصفهان، طبق برنامه‌ی مرمتی موسسه‌ی ایزمئو به مدت ۱۰ سال و همان طور که گفته شد به سرپرستی اوجینو گالدیری پیش رفت و ضمن نجات بخشی از ساختمان و برطرف کردن آسیب‌های ساختاری و تزیینات آن، برای اولین بار در مورد تاریخ و نحوه‌ی شکل‌گیری این ساختمان اطلاعات جالب توجهی به دست آمد. و همانطور که بالا ذکر شد عملیات نجات‌بخشی و مرمت کاخ عالی قاپو به همراه مرمت کاخ هشت بهشت و چهل‌ستون، که هر سه توسط این موسسه صورت گرفت، از برندگان اولین دوره‌ی جایزه‌ی آقاخان (۱۹۸۰-۱۹۷۸) بودند. بنای اعجاب‌آور عالی‌قاپو، همچون بنای چهل‌ستون ترکیبی از دو الگوی مهم معماری ایرانی است؛ یکی از آنها چهارصفه و دیگری ایوان ستون‌دار ۱۸ ستونه است.

آنچه در مورد عالی‌قاپو دارای اهمیت است اینجاست که الگوی چهارصفه در ۶ تراز، اشکال مختلف از ترکیب این ۹ قسمت را به معرض نمایش گذاشته و به‌خوبی انعطاف‌پذیری و امکانات این الگو را نشان داده است.

در تراز همکف به‌وضوح پلان چهارصفه قابل تشخیص است که دو صفه رو به فضای مرکزی و دو صفه رو به بیرون قرار گرفته که صفه‌ی شرقی حکم ورودی







بررسی روند شکل‌گیری کاخ عالی قاپو بر اساس اسناد تاریخی و شواهد موجود

فاطمه غلامی*

چکیده

کاخ عالی‌قاپو در اکثر منابع به عنوان یکی از بناهای شاه‌عباس کبیر که در ربع اول قرن یازدهم هجری ساخته شده، معرفی شده است. این بنا در غرب میدان نقش‌جهان در شش طبقه ساخته شده و هر طبقه‌ی آن، آرایه‌ها و تزیینات ویژه‌ی خود را دارد. این مجموعه کاربری‌هایی چون تشریفاتی، اداری، قضایی و بارایی داشته، و اولین برج ساخته شده در ایران است که دارای ستاوند بوده است. و از نظر معماری در نوع خود منحصر به فرد است. با مطالعه‌ی برخی از سفرنامه‌ها و متون تاریخی این شبهه به وجود می‌آید که این بنا در دوره‌ای قبل از دودمان صفوی بنیاد نهاده شده است در این پژوهش با بررسی این اسناد و همچنین شواهد موجود و برخی از اطلاعاتی که از گروه ایزمتو در روند مرمت منتشر شده است روند شکل‌گیری و توسعه‌ی این بنای ارزشمند بررسی شده است.

تاریخچه‌ی عالی‌قاپو در اسناد مکتوب و سفرنامه‌ها

«این کاخ از بناهای شاه‌عباس کبیر است که در ربع قرن یازدهم هجری ساخته شده و محل حل و فصل امور کشور و دربار پادشاه بوده است و مورخین معاصر با شاه عباس اول نام آن را بنام (دولت‌خانه‌ی مبارکه‌ی نقش جهان) نام برده‌اند (هزفر،۱۳۴۴:۴۱۶)». جابری انصاری در تاریخ اصفهان نوشته‌است شالوده این عمارت در عهد جانشینان تیمور یا تراکمه ریخته شده بود و شاه‌عباس اول در سال ۱۰۱۸ هجری پنج طبقه دیگر بر آن اضافه نموده و در طبقه‌ی اول نیز تصرفاتی به عمل آمد که در نتیجه بنای مزبور از لحاظ سبک ساختمان یکسان نمایش پیدا نمود (جابری انصاری،۱۳۵۸: ۳۳۵).

تاریخ شروع ساختمان عالی‌قاپو و زمان اتمام آن معلوم نیست ولی از مدارک موجود چنین استنباط می‌شود که این عمارت و بنای مقابل آن (مسجد شیخ لطف‌الله) در زمانی نزدیک به هم به‌اتمام رسیده‌اند. نام عالی‌قاپو تقلیدی از دو کلمه (باب عالی) و قصر سلطان عثمانی در استانبول است و مقصود شاه‌عباس آن بوده که توجه سیاستمداران اروپا را به این کاخ همنام آن در ایران متوجه نماید و عالی‌قاپوی اصفهان باب عالی عثمانی را از هر جهت تحت الشعاع قرار دهد (هزفر،۱۳۴۴: ۴۱۶).

شاه‌عباس، عید نوروز سال ۱۰۰۶ را در شهر اصفهان برگزار کرد. این شهر در آن زمان خالی از اهمیت نبود چون از عهد نظام‌الملک و ملک‌شاه غالبا مقر حکومت پادشاهان ایران بود و در زمان دوران حکومت جانشینان شاهرخ، ابنیه‌ی زیبایی در آن برپا شده بود که بسیاری از آنها هنوز پا برجاست و بعضی از آنها نیز مانند «هارون ولایت» و «درِ امام» در زمهری زیباترین ابنیه‌ی ایران به شمار می‌روند. شاه طهماسب در آن شهر، باغ بزرگ و ساختمان مجللی برپا کرده بود که آنرا نقش جهان می‌نامیدند و در کنار میدان که بعدها تحت نام میدان شاه شناخته شد از زمان تیموریان کاخ کوچکی برپا بود که شاه‌عباس آنرا پسندیده بود. و نوروز سال ۱۰۰۶ را در آن گذراند و آن‌طوری که «بلان» مسافر اروپایی در سفرنامه‌ای به نام «شاه‌عباس اول» ذکر کرده است در ابتدای همان سال تصمیم گرفت آن کاخ را توسعه دهد و ساختمان‌هایی به صورت اندرونی و دیوان‌خانه و آبدارخانه و اصطبل و سایر فضاهای دیگر در نزدیک آن برپا نمود و حتی درباریان را تشویق کرد در مجاورت آن منازلی برای خود بسازند.

مرمت و توسعه‌ی این کاخ در زمان شاه‌عباس چندین سال طول کشید و در آن مدت، شاه در یکی از کاخ‌های قدیمی محله در دشت سکونت اختیار کرده بود که

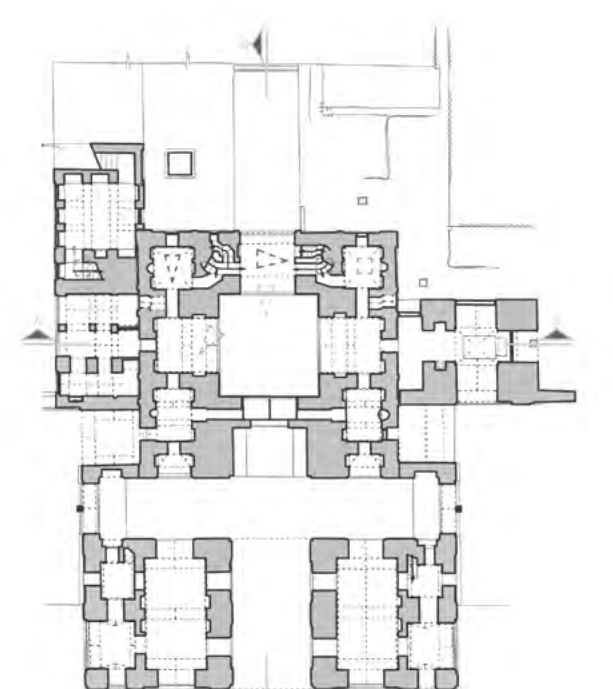
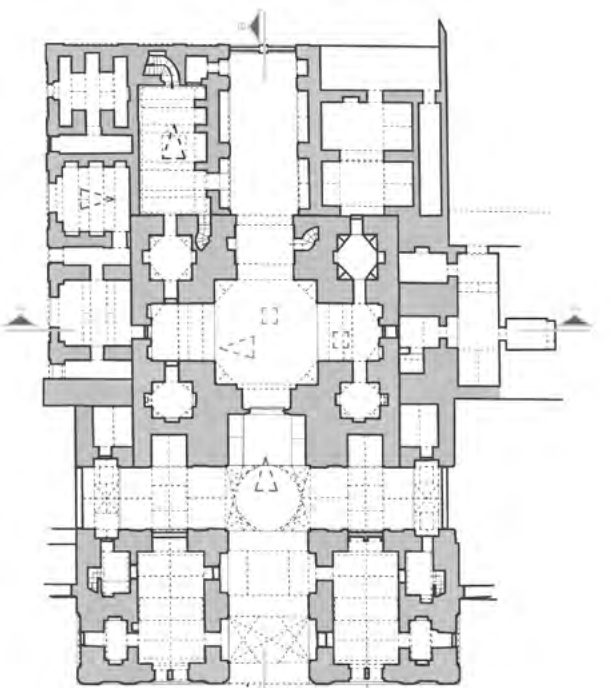
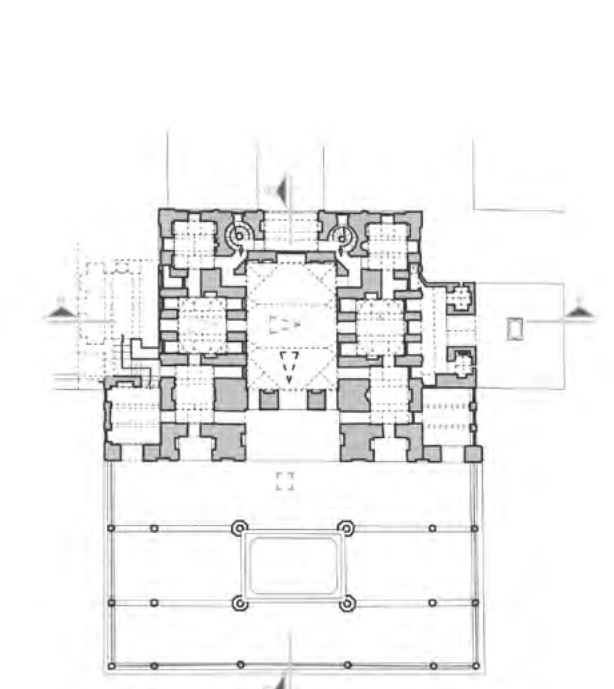
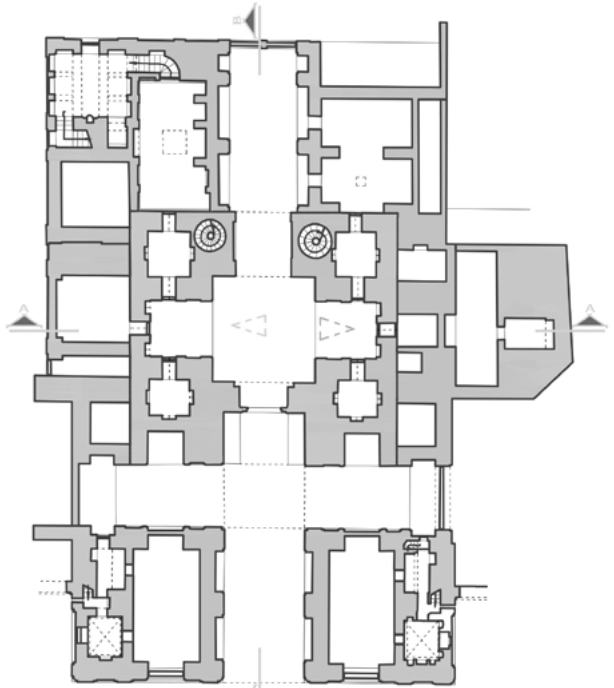
بنابر گفته‌ی «شاردن» مسافر فرانسوی خیلی قدیمی و بسیار بزرگ بود. و قبلا به میرشکار تعلق داشت. در این مدت روی کاخ زمان تیموری که بعدها عالی‌قاپو نامیده‌شد سه طبقه بالا بردند و در باغ بزرگی که در مجاورت آن بود کاخ‌های اختصاصی شاه را برپا کردند و قسمت پایین عالی‌قاپو برای دیوان‌خانه اختصاص داده شد و آن را دولت‌خانه‌ی مبارکی می‌نامیدند و به‌جای بیرونی یا محل اقامت شخص پادشاه بشمار می‌رفت (بهنام، ۱۳۴۵).

شاردن درباره‌ی سردر بزرگی که در مدخل عالی‌قاپو ساخته شده بود چنین می‌گوید: «آنرا عالی‌قاپو یعنی باب عالی می‌نامند و به علت شباهت کلمه تصور می‌کنند «عالی‌قاپو» است. تمامی این سردر از مرمر عالی ساخته‌شده و عتبه آن نیز از مرمر سبز است و شش انگشت بلندی دارد و نیم‌رخ آن دایره شکل است. ایرانیان این عتبه را مقدس می‌دانند و برای ورود به عالی‌قاپو هیچ وقت پای خود را روی آن نمی‌گذارند و اگر کسی پای خود را روی آن بگذارد مجازات می‌شود. در عالی‌قاپو نیز مقدس است و اشخاصی که مورد مرحمت شاه قرار می‌گیرند با تشریفات مخصوصی آنرا می‌بوسند و با صدای بلند دوام سلطنت او را از پروردگار می‌طلبند. پادشاه نیز برای حفظ احترام این در، هیچ وقت سواره از میان آن عبور نمی‌کند. پس از عبور از این سردر دو تالار بزرگ به چشم می‌خورد که یکی از آن دو دیوان‌خانه است و کارمندان در آن مشغول تنظیم نامه‌هایی هستند که به شاه تقدیم شده است و جواب آن‌ها را تهیه می‌نمایند. در تالار دیگر وزیر دربار جای دارد و در کنار این دو تالار دو اتاق کوچک است که محل اقامت نگهبانان است و «کشیک خانه» نام دارد. اگر کسی به این در پناه برد مصونیت پیدا می‌کند و فقط شاه می‌تواند او را از آن در جدا کند (شاردن، ترجمه: عریضی، ۱۳۳۰: ۳۸-۴۰)».

پیترو دلاواله جهانگرد ایتالیایی در حدود دو سال در دوران شاه عباس اول در اصفهان اقامت کرد. و در صفحه‌ی ۴۱ جلد دوم سفرنامه‌اش می‌گوید: «یکی از عجایب اصفهان تالار اول کاخ سلطنتی است که در آنجا شاه معمولا سفیران و میهمانان را می‌پذیرد. می‌گویم تالار اول کاخ برای اینکه پادشاه در حال حاضر در آنجا مسکن دارد (مقصود از حال حاضر سال‌های واقع بین ۱۰۲۶ و ۱۰۳۰ است که در آن موقع پیترو دلاوال در اصفهان بوده‌است). و این تالار در انتهای باغ قرار دارد و در آنجا طبق عادت معمول در مشرق زمین همه‌کس نمی‌تواند راه یابد. ولی در میدان بزرگ (مقصود میدان شاه است) در بالای سردر اولین مدخل کاخ که مورد احترام شدید مردم است عمارتی وجود دارد که چند طبقه است و به وسیله‌ی پلکان کوچکی به طبقات بالای آن راه می‌یابند. طبقات مختلف این عمارت معمولا عبارت از یک تالار مرکزی کوچکی است که در اطراف آن اطاق‌های کوچکتری قرار دارد و از طرف میدان و از طرف باغ (شمال و جنوب) ایوان‌هایی است که می‌توانند در آن جای گیرند و منظره‌ی میدان یا باغ را تماشا کنند (دلاواله، ترجمه:شفا، ۱۳۷۰: ۴۱)». بنابراین هنوز در زمان شاه عباس اول تالار بزرگ طبقه‌ی سوم را نساخته بودند. در این مورد آقای دکتر لطف‌الله هزفر در «گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان» می‌گوید: «به طبقه‌ی سوم عمارت عالی‌قاپو در دوره‌ی سلطنت شاه‌عباس دوم تالاری با ۱۸ ستون از چوب چنار اضافه شده است که ستون‌های آن با آئینه پوشش گردیده و سقف آن با صفحات بزرگ نقاشی روی آلت‌های چوبی تزیین شده بود. با یک نظر به ساختمان این تالار، الحاقی بودن آن به عمارت اصلی واضح می‌شود. در وسط این تالار حوضی از مرمر و مس قرار دارد که دارای فواره‌هایی بوده و در مراسم



* کارشناسی ارشد مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر تهران fatemeh.gholami39@yahoo.com



مخصوصی آب از آنها جستن می‌کرده است.

«شاردن» که در دوران پادشاهی شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان در اصفهان بوده و این عمارت را در سفرنامه‌ی خود توصیف کرده است صریحا می‌نویسد که آب را به وسیله ماشین‌های مخصوصی بالا می‌آوردند و بدیهی است آنچه را که شاردن ماشین می‌نامد چیزی جز چرخ‌های معمولی منازل اصفهان نمی‌تواند باشد. اصولا توجه به ساختمان تالارها با حوض و فوران آب از فواره یا شیرهای سنگی از اختصاصات بناهای دوره شاه‌عباس ثانی است. و این کیفیت در تالار چهل‌ستون و تالار عمارت آئینه‌خانه که در دوران سلطنت این پادشاه به اتمام رسیده به خوبی مشاهده می‌شود (هنزفر،۱۳۴۴:۴۲۲)».

بنابراین از مطالب فوق چنین نتیجه می‌گیریم:

۱- تالار عمارت عالی‌قاپو که با ۱۸ ستون از چوبِ چنار ساخته شده و مانند ایوان ستون‌داری بوده است در زمان شاه‌عباس اول وجود نداشته و پی‌ترو دلاواله آن را ندیده است.

۲- نقاشی‌های منفرد کاخ عالی‌قاپو آن‌طوری‌که آقای دکتر هنزفر در صفحه ۴۱۷ متذکر گردیده‌است کار رضا عباسی است و چون یکی از آنها مورخ به تاریخ ۱۲۰۷ و دیگری مورخ به تاریخ ۱۰۴۱ است و رضا عباسی در سال ۱۰۴۴ وفات یافته است معلوم می‌شود که این نقاش که مورد مهر پادشاه بوده تا آخر عمر در خدمت او در شهر اصفهان کار می‌کرده است.

۳- در این صورت چنین استنباط می‌گردد که در تاریخ ۱۰۴۱ یعنی در حدود ۳۵ سال پس از آغاز ساختمان عالی‌قاپو هنوز در آن کاخ تغییرات و تبدیلاتی از نظر ساختمانی به عمل می‌آمده است.

۴- از گفته‌های پی‌ترو دلاواله چنین فهمیده می‌شود که در زمان شاه‌عباس هنوز تنگ‌بری‌هایی که در اتاق تالار « به اصطلاح موسیقی » به شکل‌های مختلف ظرف‌ها دیده می‌شود وجود نداشته زیرا نه این مسافر و نه مسافران دیگر از آن صحبتی نکرده‌اند (بهنام، ۱۳۴۵).

کمپفر که در سال ۱۰۹۶ هجری به اصفهان رسیده و دو سال در پایتخت ایران توقف نموده است در سفرنامه‌ی خود در باره‌ی عالی‌قاپو اینگونه می‌نویسد: «معظم‌ترین قصر شاهی بنایی است به نام تالار عالی‌قاپو که بلافاصله در جوار بست مملکت واقع است و در میدان شاه وضع برجسته‌ای دارد. عالی‌قاپو دارای آستانه‌ایست از مرمر که در تکریم و اجلال پادشاه سهم عمده‌ای دارد. پس از گذشتن از این آستانه به یک راهروی سرباز به طول ۲۰۰ قدم وارد می‌شویم که آن را با خرده سنگ فرش کرده‌اند و از هر دو طرف به دیوارهای خشتی سفید شده محدود می‌شود. در این دیوارها طاقچه‌هایی تعبیه شده و این طاقچه‌ها مانند نیمکت مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. سطح دیوار دست راست در عین حال جبهه‌ی قدیمی بست مملکت و حد دست چپ باغ تویله را تشکیل می‌دهد. این معبر در آخر به دروازه‌ای منتهی می‌شود که از طریق خانه‌های کوچک و همچنین راه‌های سرپوشیده‌ای از گل و گیاه که با حرمرسرا مربوط است به باغ‌های شاه راه دارد. پنجره‌های کاخی را که بر روی یک پی چهارگوش از خشت ساخته‌اند با شبکه‌های چوبی بسیار زیبا آراسته‌اند. از طبقه همکف که ایوانی در آن تعبیه شده به عنوان راهروی عمومی از آن استفاده می‌شود و از آن گذشته راه‌بست نیز از آنجاست. در تالارهای همکف، مجالس اعیان و بزرگان و همچنین محاکم تشکیل می‌شود. اتاق‌های طبقه وسط قسمتی برای نگهداری اسباب و لوازم مورد احتیاج دربار و قسمتی برای سکناى بعضی از کارکنان فرودست دربار و نگهبانان تخصیص یافته است. قسمتی از طبقه‌ی فوقانی که به طرف میدان بزرگ است بهار خوابی دارد که تمام قسمت عرض کاخ را اشغال کرده است. در این تالار ستوندار باشکوه، شاه میهمانی‌های عمومی ترتیب می‌دهد، پذیرایی‌های رسمی وی در سال نو و همچنین مجالسی که با شرکت صاحب منصبان مملکت برای مشورت درباره‌ی امور دولتی تشکیل می‌گردد همه در اینجا برپا می‌گردد. از همین جاست که شاه سان را که در میدان انجام می‌گیرد می‌بیند. بدین منظور است که تالار از سه طرف باز است، شبکه‌ای که سه پا ارتفاع دارد مانع می‌شود تا کسانی که آنجا نشسته‌اند به پایین سقوط کنند. پرده‌های ابریشمین پشت گلی سایه‌ای ایجاد می‌کند که در پناه آن می‌نشینند. سقف مسطح قاب‌دار بر هجده ستون چوبی کشیده و مرتفع و استوار

است. در وسط بهارخواب حوضی است مربع از مرمر با فواره‌ای در آن که فضایی را که بین ستون‌ها خالی مانده پر می‌کند. سقف کاخ مسطح است و منبع آبی را برای تامین آب فواره‌ها در خود جای داده است (کمپفر، ترجمه: جهان‌داری، ۱۳۶۳: ۲۰۴-۲۰۲)».

فیگوئروآ سفیر اسپانیایی در دوره‌ی شاه عباس اول نیز در سفرنامه‌ی خود پس از وصف میدان نقش جهان ، عالی‌قاپو را وصف کرده است. «در سمت غربی میدان ورودی یا به عبارت دقیق‌تری رواق مربع شکل دیگری است که روی آن عمارتی پنج طبقه ساخته‌اند. این عمارت دارای اتاق‌های بسیاری است اما چنان کوچک که اگر از میدان به قصر بنگرند چون برجی بزرگ به نظر می‌آید که همه‌ی طبقات آن با دهلیزهایی طلا کاری شده احاطه شده باشد. در آخرین طبقه ضلع دیگر عمارت که مشرف بر باغ و حرمرسرای شاه است تالاری بزرگ و زیبا با نقش‌های طلایی وجود دارد که بر کف آن فرش‌های بسیار گرانبها گسترده‌اند. این تالار دارای دو ایوان بسیار مرتفع است که از ایوان بالایی همه‌ی شهر و همچنین باغ و حرمرسرای شاه را می‌توان دید (فیگوئروآ، ترجمه: سمیعی، ۱۳۶۳: ۲۱۲)».

«مرتفع‌ترین عمارت با یک سرسرای پوشیده در مرکز و ضلع غربی میدان شاه بنا شده است و دروازه مرکزی و معبر عمده کلیه قصرهای قدیمی را تشکیل می‌دهد. یک زنجیر سنگین آهنی معمولا در برابر آن آویزان است تا راه همه کس را ببندد. این زنجیر را فقط با اجازه حاکم بر می‌دارند. سابقا بدین منظور بکار می‌رفت که احترام و اطاعت از شاه رعایت شود. هر مسافری می‌بایست از زیر زنجر بگذرد و قبل از ورود به کاخ‌ها کمر خم کند. و اگر کسی این قاعده را رعایت نمی‌کرد و از روی زنجیر می‌گذشت، طولی نمی‌کشید که اعدام می‌شد. از این حیاط کوچک که برای عبور راحت و عریض بود پلکانی دارای ۱۱۰ پله هر یک به ارتفاع یک پا به طبقات مختلف منتهی می‌شد. اغلب طبقات دارای اتاق‌های کوچک بودند به استثنای قسمت مرکزی با یک سراسری وسیع. سراسر به وسیله ستون‌هایی از درخت چنار به سبکی نظیر به چهل ستون و سایر کاخ‌ها پوشیده می‌شد. تمام عمارت اساسی ساخته شده و بسیار عالی در مقابل طوفان‌های سال‌های زیاد استقامت کرده‌است. در حفظ و حراست این عمارت هم اهمال شده و باید تعمیر شود. بخصوص سرسرای آن (هولستر، ترجمه: عاصمی، ۱۳۵۴: ۸۱)».

مراحل شکل گیری عالی‌قاپو

در واقع، این بنای تاریخی به رغم ظاهر واحدش، از یک سری تغییرات بزرگ شکل گرفته است و به طرز ماهرانه‌ای روند شکل‌گیری آن در تمامی مراحل پیش بینی شده است. در واقع درباره این بنای تاریخی، با عنوان عالی قاپو و میدان، باید به عمل تولید کنندگان و معماران صفوی توجه ویژه داشت، که این امر نشان دهنده‌ی تسلط بسیار زیاد آن‌ها در خلق فضای یک‌دست و یک‌پارچه در معماری بوده است. به خصوص در یک دوره مشخص شده، تغییرات مستمر لازم در همه ساختمان های قدیمی بوجود آمده است (Galdiari،۱۹۷۴).

در مورد هسته‌ی اولیه‌ی عالی‌قاپو فرضیه‌های گوناگونی تا به حال ارائه شده است. مبنی بر اینکه هسته‌ی اولیه‌ی عالی‌قاپو قبل از ایجاد میدان نقش جهان وجود داشته است. فرضیات بر مبنی دو گونه شواهد استوارند: الف) مدارک تاریخی، ب) شواهد عینی .

۲-۴-۱- الف) مدارک تاریخی

آندره گدار در جلد دوم کتاب خود به نام آثار ایران اینگونه بیان می‌کند: "علاوه بر شاه‌عباس، ابتدا قصر تیموری کوچکی در حاشیه‌ی میدانی که بعدها میدان شاه شد در مالکیت خود داشت و میل وافر به اقامت در آن از خود نشان می‌داد. به توسعه و تزئین آن پرداخت تا بتواند احتیاجات خاص پادشاهی خود را برآورده کند. این قصر مختص سکونت حرم، خدمه شاهی، دفاتر درباریانش بوده است. و بعد از آن چنین ادامه می‌دهد که در طی این مدت سه طبقه بر این ساختمان تیموری اضافه کرد. سرسرای بدان بیفزود که همان تالار معروف است. سپس دفتر مراسلات و ادارات خاص در قسمت مرتفع این بنای عظیم قرار یافت که عالی‌قاپو مدخل اصلی کاخ گردید. شاه‌عباس طبقات بالای این کاخ را جهت استفاده خصوصی خود تعیین کرد (گدار، ترجمه: مصطفوی،۱۳۱۶:۳۸).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط ایزمئو در این زمینه، مطالعه‌ی منابع



تاریخی و سفرنامه‌ها که به آن‌ها در بخش‌های پیشین پرداخته شد و همچنین شواهدی بر مبنی گمانه‌های مختلفی که در میدان نقش جهان (اطراف عالی‌قاپو و مسجد شاه) زده شده است، نشان دهنده‌ی این است که لایه‌های زیرین میدان نقش جهان از زمین باغات (دوره‌ی سلجوقی) تشکیل شده است. می‌توان با قاطعیت بیشتری بر این فرضیه تاکید کرد که ساختمان عالی‌قاپو از پایه در مجموعه بناهای طرح شاه‌عباس برای میدان نقش جهان بوجود آمده است. اسکندریک منشی می‌گوید که در سال دوازدهم حکومت، شاه‌عباس ساختمان عمارت عالی‌قاپو را طرح نمود و در سطور بعدی وقایع نگار می‌گوید شاه عباس به مناسبت نوروز سال ۱۰۱۷ هجری جشن بزرگی در مقابل باغ نقش جهان در نزدیک نهر و استخراج آب برگزار می‌نماید در همان جایی که پادشاهان گذشته و شاه اسماعیل بنایی ساخته بود.

۲-۴-۲- (ب) شواهد عینی

فرضیه‌ی وجود ساختمان اولیه قبل از صفویه، به دلیل وجود دو عامل است. عامل اول وجود یک دیوار خشتی است که در پهلوی جنوبی بنای اصلی قرار دارد. عامل دوم وجود نوعی دیوار مخصوص است که بخش تحتانی را مشخص می‌سازد و از کف تا ارتفاع ۶/۵ متر قرار دارد. این دیوار در واقع نسبت به تمام قسمت‌های دیگر ساختمان زمخت‌تر و خشن‌تر است و آجرچینی آن با قسمت فوقانش کاملاً متفاوت است، در ادامه با شرح دلایل محکم‌تری که در مطالعات ایزمئو محرز شده‌اند رد شدن این دو عامل فرضیه را شرح خواهیم داد .

دیوار خشتی: در پایان تحقیقات اخیر و نقشه برداری‌های بسیار دقیق (به علت امکان دسترسی به داخل بنا) معلوم گردیده است که این دیوار خشتی دارای آنچنان ضخامتی نیست که قبلاً تصور می‌رفته و به جای دو متر ضخامت در بسیاری از نقاط کلفتی آن به ۶۰ سانتی‌متر هم می‌رسد. بنا براین دیوار نمی‌توانسته است فشار بارهایی را که به تدریج بر آن افزوده می‌شده است را تحمل نماید. دیوارهای خشتی در عصر صفوی همیشه هسته دیوارهایی را که با قشر آجری احاطه شده است تشکیل می‌داده و باربر هم نبوده است. بنابراین دیوار خشتی با جهت شمال



جنوبی خود معرف هیچ‌گونه عاملی نیست که دلالت بر وجود قبلی آن نموده و موقعیت ساختمان عالی‌قاپو را به آن مشروط سازد. ولی در عوض در بعضی از قسمت‌های این دیوار می‌توان به نحو عجولانه ساختمان‌های اوائل شاه عباس پی برد که اغلب گرچه نمایشی هستند ولی با مهارت و دقت اجرا نشده‌اند (گالدیری، ترجمه:جبل عاملی، ۱۳۶۱:۱۴).

دیوارهای خارجی: در خصوص عامل دوم این فرضیه که ضخامت آجرهای تحتانی تا ارتفاع ۶/۵ متر، بیشتر از طبقات بالای آن ساخته شده است نیز باید گفت که بر اساس گزارشات گالدیری، پس از مطالعات و لایه‌برداری‌های حین مرمت اطلاعاتی بدست آمده است که نشان می‌دهد:

«در سه ضلع شمالی ـ جنوبی و غربی بنای برجی شکل عالی‌قاپو در حد ارتفاع کف تا شش و نیم متر دیوارهای خارجی با آجرهای ضخیم ساخته شده است و اندازه متوسط آنها ۲۶×۲۶×۶ سانتی‌متر هستند، پیمون آن ۳۶ سانتی‌متر و ضخامت ملات یک الی ۱/۳ سانتیمتر است. بند آجرها گچی و هم‌سطح آجرکاری است و بندکشی نشده و عملکرد آن تنها بارکشی بوده است. در عوض ضلع شرقی هیات مرکزی بنا یعنی همان نمای به طرف میدان با آجرهای پخته و صاف و تراشیده با رنگ متمایل به زرد پوشیده شده است. ابعاد این آجرها ۲۲×۲۲×۳/۵ سانتی‌متر است و پیمون آن ۳۳ سانتی‌متر است. بندکشی درزهای افقی با ضخامت ۲/۲ الی ۱/۷ سانتی متر هم سطح آجرکاری هستند. همین نحوه‌ی آجرکاری را بر روی تمام نمایهای ساختمان از ارتفاع ۶/۵ متر به بالا نیز می‌توان یافت. تحقیقات ما به اثبات رسانید که دیوار شرقی را مرکز برای اجرای نمای آجری در جلو آن تراشیده‌اند، بنابر این باید استنباط نمود که این نما کاملاً اصلی و از ابتدا با ظرفیتی به همین ترتیب ساخته شده است. وجود سه جبهه ساختمان تحتانی که به شیوه‌ای خشن‌تر و با ظرافت کمتر ساخته شده تایید بر آن است که این بنا در ابتدا در اجرای طرح میدان با نمای ظریف به طرف میدان جهت ورودی کاخ‌های سلطنتی ساخته شده است و بعدها با تغییرات عملکرد آن با گذشت زمان قیافه آن نیز تغییر نموده و به حالتی که امروز آن را می‌بینیم در آمده است. برای نتیجه‌گیری لازم است که روشن کنیم ما وجود

احتمالی ساختمان‌های موجود را در محوطه‌ای که شاه عباس برای ایجاد کاخ‌ها و عمارات خود انتخاب کرده نفی نمی‌کنیم در عوض این موضوع را که یکی از این ساختمان‌های قبلی همان عالی‌قاپوی امروزی است را رد می‌کنیم. هسته‌ی اولیه عالی‌قاپو تنها یک ورودی کاخ‌ها بوده و نمی‌تواند به عنوان یک عمارت خودکفا که بعدها به عالی‌قاپو تبدیل می‌شود تلقی گردد. در پایان این صحبت یادآور می‌شویم که ساختمانی را که منشی شاه (اسکندریک) از آن به اسم شاه‌اسماعیل یاد کرده شناسایی نموده‌ایم و معتقدیم که آن همان بنای تالار تیموری است که در فاصله عقب‌تری قرار گرفته است (گالدیری، ترجمه: جبل عاملی، ۱۳۶۱: ۱۵-۱۶)».

دلایل دیگری نیز وجود دارند در اینکه عالی‌قاپو در دوره‌ی صفویه و هم‌زمان با میدان نقش‌جهان ساخته شده است دلالت دارد. این دلایل روشن می‌کنند که ساختمان عالی‌قاپو نه تنها با میدان شاه هم‌زمان است بلکه به عنوان یکی از عناصر کامل کننده در طرح شاه‌عباس برای میدان پیش بینی شده است.

عامل اول جهت قرار گرفتن ساختمان عالی‌قاپو است. همان‌طور که میدانیم ضلع ورودی کاخ (ضلع شرقی) به موازات محور اصلی میدان و در امتداد راسته‌ی داخلی بازار غربی میدان قرار گرفته است. محور طولی میدان دارای زاویه ۱۱/۲۵ در جهت شمال غربی قرارگرفته شده است. سردر ورودی چهار بنای اطراف میدان که با کیفیت ظریف و با سلیقه ساخته شده دقیقاً بر اضلاع میدان عمود بوده و بنابراین هیچ‌گونه آشفتگی در نظم دقیق و هماهنگ طاق نمایهای اطراف میدان ایجاد نمی‌کند.

حال در یک چنین نقشه و طرح معقولی بسیار مشکل است که بگوییم رابطه‌ی قرار گرفتن عالی‌قاپو نسبت به قبله کاملاً اتفاقی است و باز از نظریه وجود ساختمان قبلی جانبداری کنیم. عامل دوم که وجود یک ساختمان احتمالی را از دوره اواخر تیمور و یا قبل از صفوی را که در این نقطه بعدها به هسته اولیه عالی‌قاپو و ورودی کاخ‌های سلطنتی تبدیل می‌گردد نفی می‌کند مسئله‌ی کف میدان است. در بعضی از نقاط بازار و در حوالی نزدیک به عالی‌قاپو آثاری از بناهای قدیمی‌تر بدست نیامده است. فرضیه‌ی مربوط به وجود احتمالی هسته اولیه ساختمان عالی‌قاپو مورد بررسی قرار گرفت و به این نتیجه رسیدیم که برای ساخت چنین هسته‌ی اولیه‌ای هیچ‌گونه ساختمان قدیمی و یا حتی بخشی از آن مورد استفاده قرار نگرفته است و ساختمان عالی‌قاپو همچون عضوی از طرح کلی میدان و به خواسته‌ی شاه‌عباس ایجاد شده است (گالدیری، ترجمه: جبل عاملی، ۱۳۶۱: ۱۸-۱۶)».

۲-۴-۲-۱- مرحله‌ی اول

پس از نتیجه گیری در مورد هسته‌ی اولیه عالی‌قاپو و مشخص شدن این‌که عالی‌قاپو بنایی است که در دوره صفوی و شاه عباس اول ساخته شده است، به مراحل ساخت این بنا طبق مطالعات ایزمئو خواهیم پرداخت. بنای عالی‌قاپو به منظور ورودی کاخ‌های سلطنتی و هم‌زمان با عملیات ساختمانی کاخ‌ها بر پا می‌گردد. پلان طبقه همکف و گزارشات گالدیری این گونه بیان می‌کنند که، اولین قسمت از بنای عالی‌قاپو ابتدا بصورت کاملاً مستقل از میدان و از هر چهار طرف آزاد بوده است در حالی‌که نمای شرقی آن مماس بر راسته داخلی بازار بوده است. ساختمان اولیه عالی‌قاپو به‌صورت یک مکعب مستطیل بزرگ و سنگین با ابعاد تقریبی ۱۹×۲۰ و ارتفاع ۱۳ متر ساخته شده است.

این ساختمان از داخل دارای دو طبقه بوده و این تقسیم بندی به وضوح بر روی نمایهای اطراف منعکس می‌گردد. نمای شرقی همان نمای به طرف میدان است و نسبت به نمایهای دیگر با ظرفت و دقت بیشتری ساخته می‌شود. این دو طبقه دارای دو راه‌پله مدور است که نسبت به محور شرقی – غربی بطور قرینه قرار گرفته‌اند. گالدیری در مورد پوشش این بخش وجود دو احتمال را امکان پذیر می‌داند: الف) پوشش به همین طریق که اکنون موجود است یعنی یک طاق تخت که خیز آن از ۵۰ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند.

ب) پوشش ساختمان به صورت گنبد یک جداره با مقطع خاص هندسی مانند مسجد شیخ لطف‌الله که در مقابل آن در طرف دیگر میدان واقع شده است اجرا می‌گردد. متأسفانه هیچ دلیلی برای رد این دو احتمال وجود ندارد (گالدیری، ترجمه:جبل عاملی، ۱۳۶۱:۲۴-۱۸).

مرحله‌ی دوم

اولین تغییرات مهم در ساختمان مرحله اول عالی‌قاپو، هم زمان با عملیاتی که در ساختمان اطراف میدان انجام می‌گیرد، است. طاق نمایهای اولیه به داخل میدان گسترش می‌یابند و یک طبقه دیگر نیز به آن افزوده می‌شود به ترتیبی که یک ردیف ایوان به طرف میدان ایجاد می‌گردد. در این مرحله است که بنای عالی‌قاپو برای اولین بار کارکردی تشریفاتی به خود گرفته و از حالت یک ورودی ساده به یک بنای تشریفاتی با نمایی به طرف میدان تبدیل می‌گردد. حجم افزوده شده در مرحله‌ی دوم با ارتفاع و شکل و اصولی برابر آنچه از مرحله‌ی اول موجود بوده است بر آن افزوده می‌شود.

گالدیری شرح خود را از این مرحله با توجه به موارد ذکر شده این گونه بیان می‌کند که «حتی هیات ساختمان نیز بطور کلی تکرار وضع ساختمان قبلی بوده که از دیوارهای قطور و طاق و چشمه‌هایی با لنگه طاق‌های باربر و نازک و سطوح منحنی ظریف و مقاوم ساخته شده است. تنها در بعضی مقاطع است که برخی از اختلاف‌ها به چشم می‌خورد. در مرحله دوم می‌توان سه طبقه کاملاً مجزا را تشخیص داد. طبقه‌ی همکف تالار و دونیم طبقه که بر روی آن است. در نماها نیز مانند مرحله اول در نمای شرقی (بطرف میدان) به همان‌گونه که طبقه زیرین در مرحله اول ساخته شده است تکرار می‌گردد.در این مرحله تدابیر طراحی و تزئیناتی به نحو بارزی در طراحی تالار و نیم طبقات بالای آن مشخص می‌شود در حالی‌که ظاهر عمومی ساختمان تقریباً بدون تغییر می‌ماند (گالدیری، ترجمه:جبل عاملی، ۱۳۶۱: ۲۴-۲۸)».

مرحله‌ی سوم

مرحله‌ی سوم ساخت بنای عالی‌قاپو همان فضایی است که امروزه با نام "اتاق موسیقی" شناخته شده است. این طبقه نیز بر روی طبقات زیرین خود ساخته می‌شود، شالوده‌ی اولیه ساختمان می‌بایست محکم و استوار بوده باشد که توانسته است اینچنین الحاقاتی را که بر آن افزوده شده است را تحمل نماید. در مورد این که این بخش‌ها با اختلاف چند سال از هم ساخته شده‌اند گالدیری اینچنین گفته است که: «می‌توان مدت زمان ساخت این بخش‌ها را در فاصله‌ی زمانی بین هفتاد الی صد سال دانست».

به هنگامی‌که خواسته شد از مرز هرگونه درخشش درباری عبور کرد تصمیم بر آن گرفته شده است که طبقه‌ی آخر ایجاد گردد. راجع به عملکرد طبقه آخر نظریات مختلفی وجود دارد . اما به دلیل وجود تزئینات مشهور مقرنس‌کاری طاق‌ها که اشکال بطری و شیشه ها را با طرح‌های شرقی در آن تعبیه کرده‌اند، به نظر می‌رسد نام‌گذاری سالن موسیقی به حقیقت عینی نزدیکی بیشتری داشته باشد. به روشنی پدیدار گشته است که مجموعه نیم طاق‌های کوچک استالاکتیک‌های تو در تو و تمام تزئینات که به طور کلی ساختمان طبقه آخر را پوشش می‌دهند، می‌توانند عملکرد جعبه‌ی هارمونی را داشته باشند و بدین صورت به یک سالن تصحیح صوتی ببخشند. به آسانی می‌توان دریافت کسی که طبقه‌ی آخر را طراحی نموده، یک ساختمان کاملاً جدیدی را تصور نموده است. اجزا کمی، در این قسمت به ترکیب ساختمانی طبقه‌ی پایین وابسته است. و کاملاً از هر گونه الزام ایستایی با طبقه‌ای که آن را نگه داشته است آزاد است. نمایهای شمالی و جنوبی تکرار همان طبقات پایین‌تر است در حالیکه نمایهای شرقی و غربی بطور قطع از بخش‌های زیرین مجزا می‌شود. حتی نوع اسکلت بنا و نحوه‌ی ایستایی آن نسبت به طبقات زیرین متفاوت است. طاق‌های چنگالی‌شکل که برای اولین بار در سالن بزرگ طبقه دوم تالار بکار رفته است در اینجا به تمام اسکلت باربر بنا توسعه پیدا می‌کند و ده‌ها بار به اشکال و اندازه‌های مختلف تکرار می‌شود (گالدیری، ترجمه:جبل عاملی، ۱۳۶۱: ۲۴-۲۹) .

-۴-۲-۴- مرحله‌ی چهارم

در این مرحله پیش‌زدگی به سمت شرق، منبع آب و اولین راه‌پله به سمت جنوب ساخته شده‌اند. در این مرحله است که تصمیم به یک تغییر مهم در عالی‌قاپو گرفته می‌شود. یک حجم دیگر در مقابل بنای موجود در داخل میدان ساخته می‌شود، حجمی که با پیش‌زدگی در داخل میدان از لبه‌ی جدید طاق‌های اطراف میدان نیز جلوتر رفته و علاوه بر وسیع‌تر ساختن ورودی بنا فضایی در خور مهمانان،

سفیران و شخصیت‌های عالی رتبه هنگام جشن به وجود می‌آید.

این پیش‌زدگی از امتداد طاق‌ماهای میدان در حدود هفت‌متر است. با ایجاد این حجم بخش تحتانی نمای شرقی در داخل قرار می‌گیرد و با آجرهای تراش بازسازی می‌شود. منظور اصلی از این ساختمان ایجاد ایوان بزرگ بر روی آن بوده است. در وسط این ایوان یک حوض آب با صفحات مسی میخکوب شده ایجاد می‌شود. در این دوره راه‌پله‌ی فرعی و کوتاهی در لبه جنوب غربی ایوان، بوجود می‌آید که تالار را به یک فضای کوچک خدماتی متصل می‌سازد (تصویر ۲-۲۴-) و در نهایت در شروع مرحله چهارم در کنار بازوی شمالی بازار یک ساختمان کوچک موجود بوده که برای مصارف آب ساختمان استفاده می‌شده است. بدیهی است که عملکرد عمومی جدیدی که بنا به خود می‌گیرد مسائل تازه‌ای را به وجود می‌آورد. حال برای احتیاجات جدید آب برای حوض وسط ایوان و فواره‌هایش یک منبع کوچک دیگر از سنگ ساخته می‌شود که با یک تشکیلات لوله‌کشی برای تلمبه زدن آب و واریز کردن آن برای حوض مجهز شده است (گالدیری، ترجمه:جیل عاملی، ۱۳۶۱: ۳۴-۳۹).

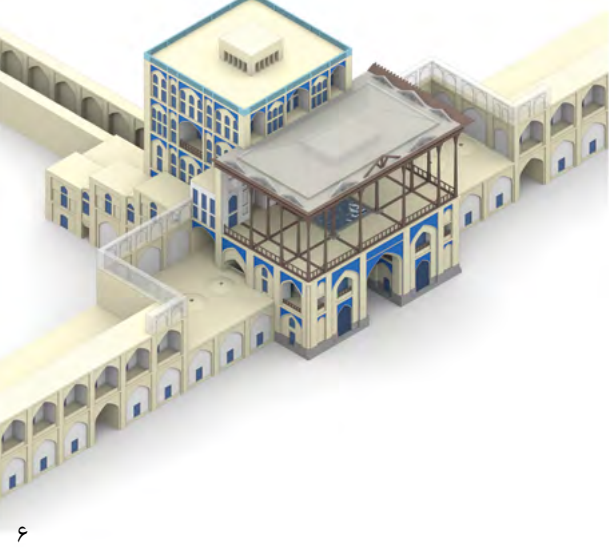
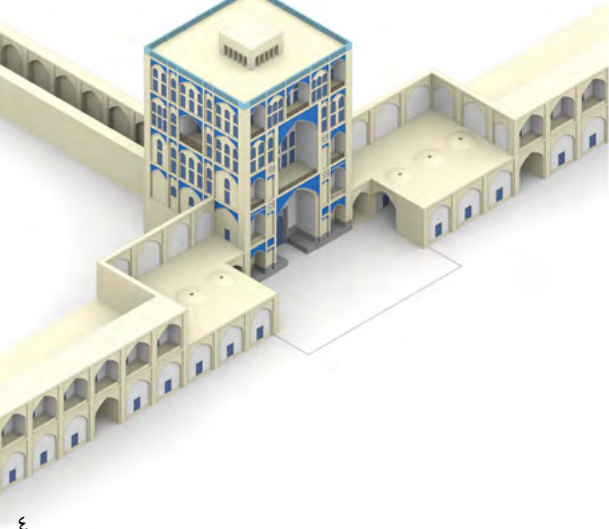
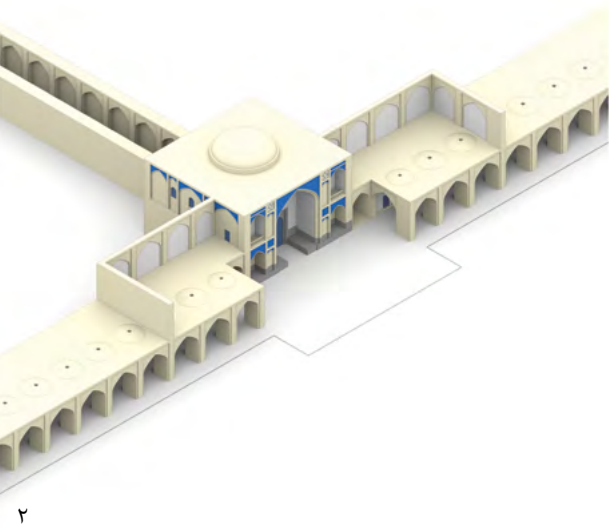
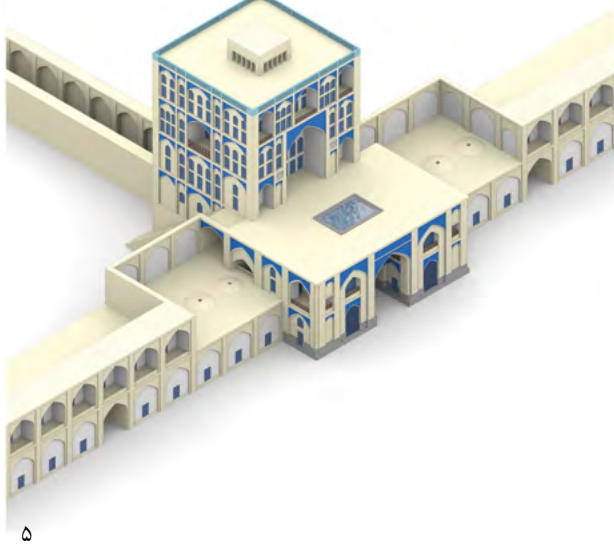
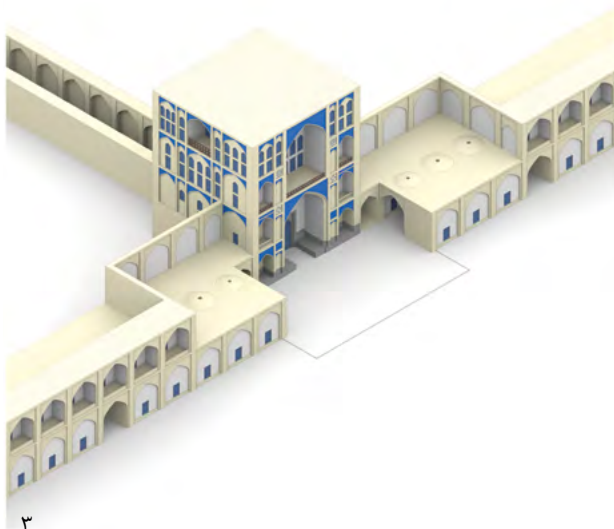
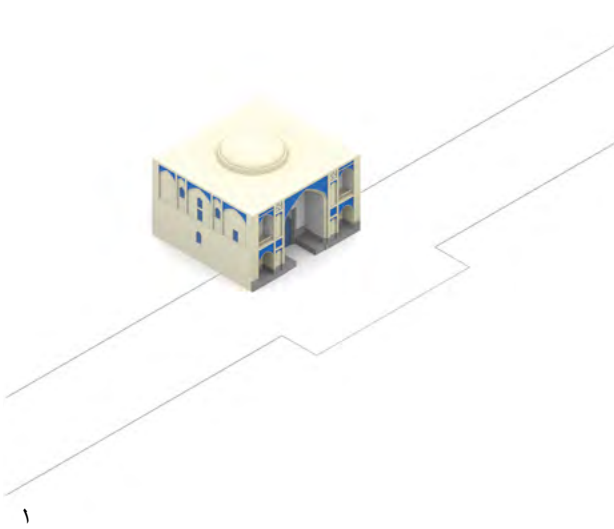
وجود چند نوع راه‌پله در عالی‌قاپو از جمله موارد سوال برانگیز در بنا است. در این مرحله در قسمت جنوب بنا ابتدا یک راه‌پله به صورت مستقیم و بدون وقفه برای دسترسی به طبقه تالار از طبقه همکف ایجاد می‌شود. این راه‌پله که به خوبی و راحتی دو راه‌پله گرد نبوده است، فوراً مطرود می‌شود. نظریه‌هایی که در مورد این راه‌پله موجود است بازگو می‌کنند که احتمالاً این راه‌پله به منظور خدمات و دسترسی به فضاهای خدماتی در همکف بوده، و یا به منظور خدمات رساندن در مدت زمان ساخت مراحل بعدی بوجود آمده است که فرضیه‌ی دوم، با توجه با سابقه‌ی معماری ایران، که برای خدمات در حین اجرا از داربست‌ها و پله‌کان‌های موقت (چوبی) بهره می‌گرفته‌اند، از نظر کارشناسان مربوطه قابل قبول نیست. در تصویری کمتر دیده شده، عالی‌قاپو با ایوانی دارای بادبند مشاهده می‌کنیم، که احتمالاً این تصویر در دوره‌ی چهارم شکل‌گیری بنا ترسیم شده است.

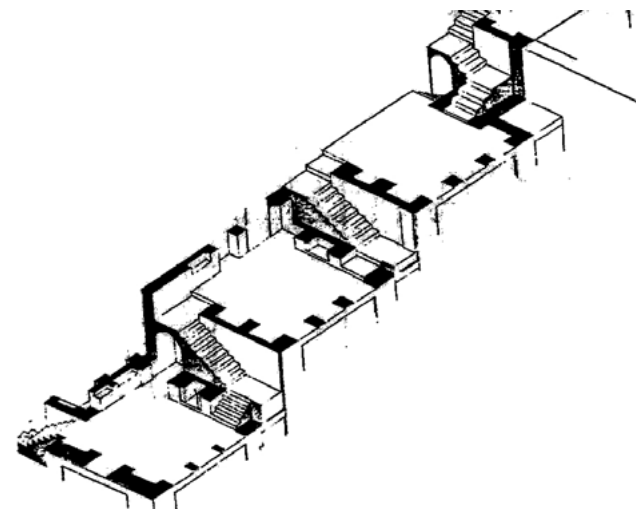
مرحله‌ی پنجم

این مرحله یکی از لحظات مهم در روند گسترش عالی‌قاپو است. الحاقات این دوره در نمای شرقی به سمت میدان است که به وقار و شکوه بنا افزوده و بنا را در خور توجه شاهان صفوی قرار می‌دهد. تغییرات و الحاقات این مرحله که در دو زمان مختلف انجام می‌گردد، بنای عالی‌قاپو در این زمان دارای ظاهری برج‌مانند است که یک حجم وسیع‌تر ولی کوتاه‌تر به آن تکیه دارد.

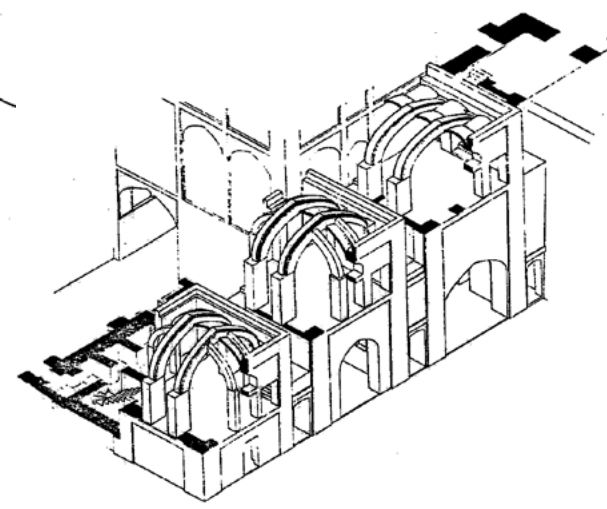
در این مرحله ساختمان دارای دو نقص بوده است، یکی راه‌پله و دیگر اینکه ایوان الحاقی با محوطه وسیع و باوقار هنوز یک محل در خور شاه نبوده است. در اینجااست که دو بخش الحاقی و پر معنی از لحاظ ترکیب بر ساختمان افزوده می‌شود. سقف چوبی ایوان در این مرحله به بنا اضافه می‌شود، با ۱۸ ستون چوبی از چنار که تضمینی برای پا بر جایی این سقف در نظر گرفته می‌شود. پس از تکمیل شدن ایوان و ستون‌های چوبی و تزیینات سقف آن در مرحله‌ی بعدی پله‌کانی (دومین راه‌پله الحاقی) در جنوب بنا اضافه می‌شود.

این راه‌پله با تکرار منظم سه ایستگاه هماهنگ در ضلع جنوبی بنا ایجاد شده است. این پله‌کان از یک ردیف فضای سه حجمی تشکیل شده است که بر ارتفاع هر یک به ترتیب افزوده می‌شود. و هر سه به عنوان پاگرد راه‌پله واحدی محسوب می‌شوند که با پله‌های بلند و سنگین در فواصل معین به یکدیگر مرتبط می‌شوند. از نقطه نظر معماری و بنایی، گالدیری آن را "راه‌پله راحت" و یا "راه‌پله‌ی الحاقی در جنوب" نامیده است (گالدیری، ترجمه: جیل عاملی، ۱۳۶۱: ۴۹-۳۹). تصویری طراحی شده از سانسون موجود است که بیان‌گر وجود نوع دیگری از پله‌کان‌ها در عالی‌قاپو می‌باشد، این گونه مشاهده می‌شود که این پله‌کان پس از ایجاد وتکمیل ایوان ستون‌دار چوبی وجود داشته است. که گالدیری در گزارشات خود به این پله‌کان اشاره‌ای نداشته است.

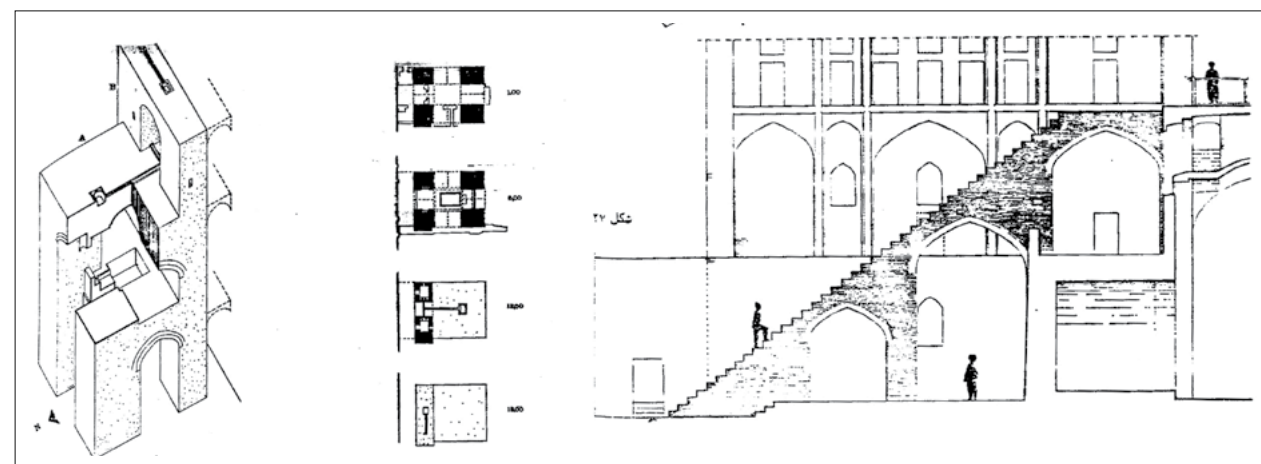




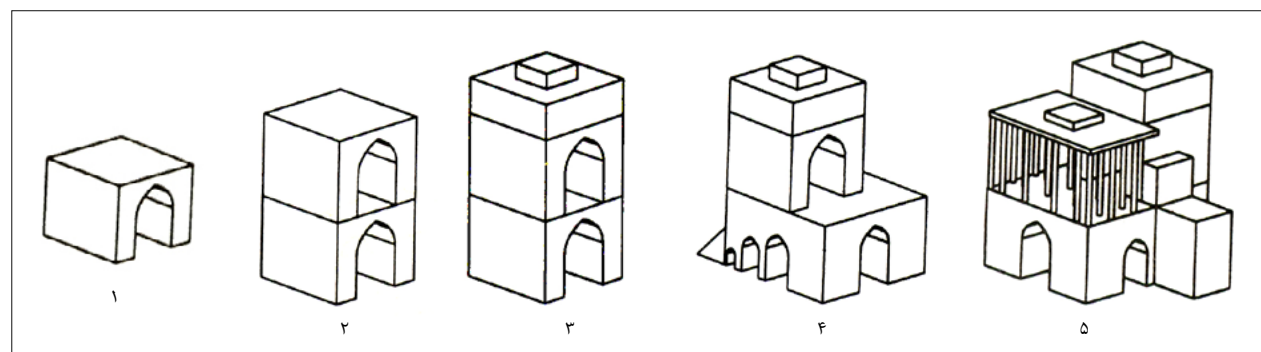
پله‌کان جنوبی (راحت). (منبع: گالدیری، ترجمه: جیل عاملی، ۱۳۶۱)



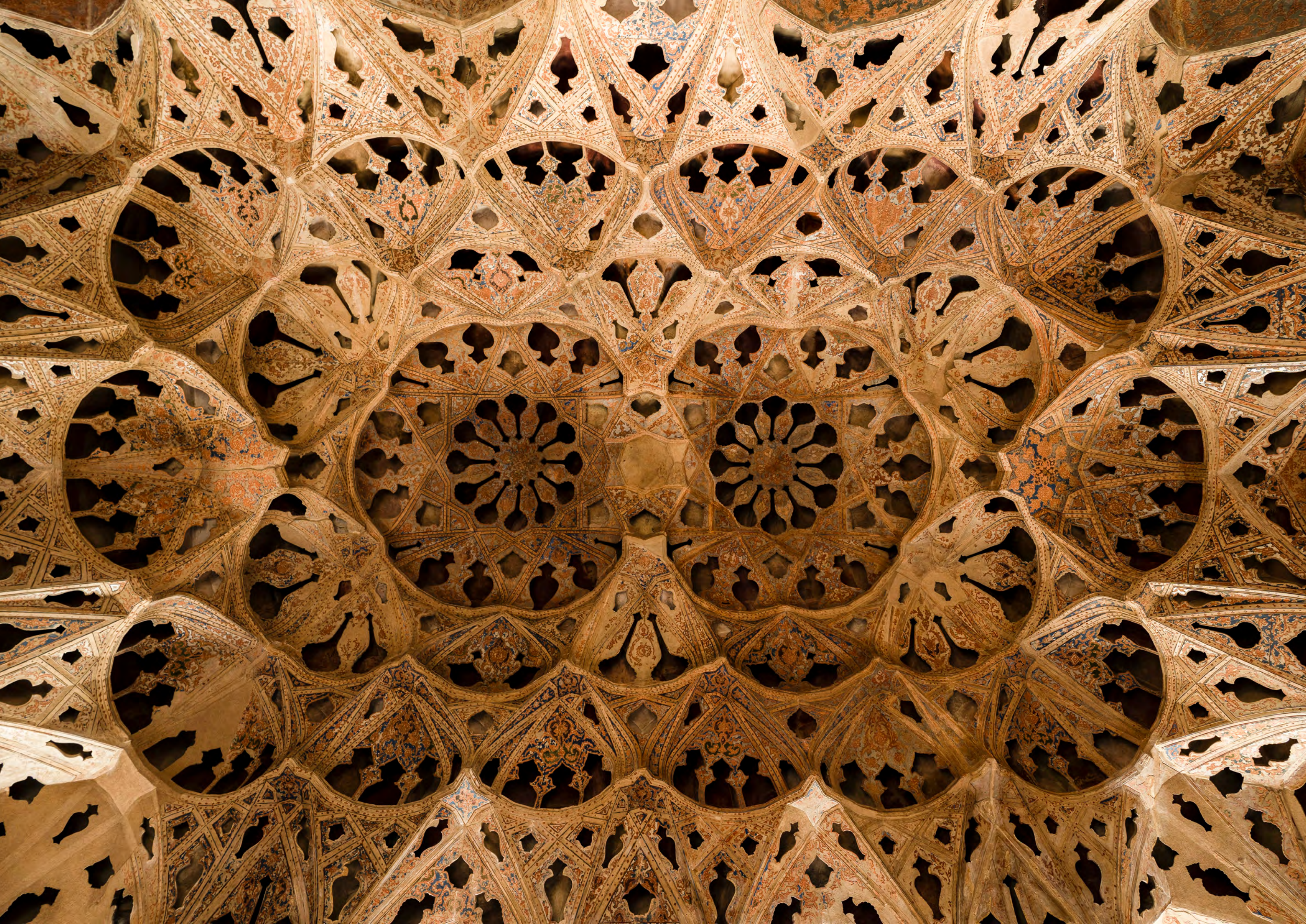
پوشش‌های پله‌کان جنوبی (راحت). (منبع: گالدیری، ترجمه: جیل عاملی، ۱۳۶۱)



سیستم آبرسانی



نمایش شکل‌گیری مراحل پنج‌گانه‌ی عالی‌قاپو بر اساس مطالعات گالدیری



۲- متاسفانه در این زمینه پژوهشگر موفق به دریافت گزارشات باستان شناسی از سازمان میراث فرهنگی اصفهان نشده است و این مطالب بر اساس مصاحبه حضوری در مهرماه ۱۳۹۳ با دکتر عبدالله جبل عاملی بیان شده‌اند.

فهرست منابع

پوپ، آرتور اپهام، ۱۲۶۵، معماری ایران: پیروزی شکل و رنگ، ترجمه کرامت الله افسر، نشر یساولی "فرهنگسرا".

تیلیا، ان بریت. ۱۹۷۲، بررسی و مرمت در تخت جمشید و دیگر اماکن باستانی فارس، مترجم کرامت الله افسر، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

جبل‌عاملی، عبدالله. ۱۳۸۷، اصفهان در گذر زمان (میدان نقش جهان)، مجموعه مقالات معماری و شهرسازی(گرد همایی مکتب اصفهان)، انتشارات فرهنگستان هنر.

چینی، جوزیه.۱۳۸۳، پایدار کردن سازه های آجری،نشر سازمان عمران و بهسازی شهری.

دالمانی، هانری رنه. ۱۳۳۵، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: فرهوشی، تهران.

دیولافوا. ۱۳۳۲، سفرنامه، ترجمه: فره‌وشی، تهران.

دلاواله، پیتر. ۱۳۷۰، سفرنامه، ترجمه: شعاع الدین شف، انتشارات علمی فرهنگی.

ریچاردز، فردریک چارلز. ۱۳۷۹، سفرنامه، ترجمه: صبا مهین‌دخت. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

سانسون. ۱۳۴۶، سفرنامه، ترجمه دکتر تقی تفضلی، تهران.

سیرو، ماکسیم و گدار، آندره. ۱۳۶۸، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، انتشارات آستان قدس، جلد ۴.

شاملو، ولی‌قلی. قصص الخاقانی، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی ایران.

شاردن. ۱۳۳۰، سفرنامه، قسمت شهر اصفهان، ترجمه حسین عریضی، اصفهان: نشر بی‌تا.

غلام بیگ، لیزا. ۱۳۸۵، الگوهای شهری در اصفهان پیش از صفویه، اصفهان در مطالعات ایرانی (مجموعه مقالات)، جلد دوم، ترجمه: محمد تقی فرامرزی، انتشارات فرهنگستان هنر.

فلاندن، اوژن،۱۳۲۴، سفرنامه، ترجمه: حسین نورصادقی، انتشارات نقش جهان.

فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا. ۱۳۶۳، سفرنامه، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

کارری، جملی. ۱۳۴۸، سفرنامه، ترجمه: دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، چاپ تبریز.

کمپفر، انگلبرت. ۱۳۶۳ ، سفرنامه، ترجمه: کیکاوس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.

کالدیری، اوژنیو، ۱۳۶۲، عالی‌قاپو، ترجمه عبدالله جبل عاملی، نشر سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.

گدار، آندره. ۱۳۱۶، آثار ایران، ترجمه: محمد تقی مصطفوی، انتشارات اوقاف و صنایع مستظرفه.

مصطفوی، محمدتقی. ۱۳۸۱، مجموعه مقالات محمدتقی مصطفوی کاشانی، گردآوری مهدی صدری، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مستوفی، حمدالله. ۱۹۱۵، نزهه القلوب، ویراسته لسترنیج ، لندن.

هنزفر، لطف الله. ۱۳۴۴، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، نشر بی‌نا.

هنزفر، لطف الله. ۱۳۸۳، اصفهان، نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

هنزفر، لطف‌الله. ۱۳۵۰."میدان نقش جهان اصفهان". مجله هنر و مردم دوره ۹، ش ۱۰۵.

همایون، غلامعلی. ۱۳۸۳، اسناد مصور اروپائیان از ایران، تهران.

هولستر، ارنست. ۱۳۵۴، ایران در یکصدوسیزده سال پیش، ترجمه: محمد عاصمی، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

ویلر، دونالد،۱۳۸۶، جلوه‌هایی از مجموعه ی بزرگ صفوی در اصفهان. اصفهان در مطالعات ایرانی (مجموعه مقالات)، جلد دوم، ترجمه: محمد تقی فرامرزی، انتشارات فرهنگستان هنر.

ویسه، سهراب؛ خداینده، ناهید؛ ماجدی اردکانی. محمدحسین. ۱۳۷۸، بررسی مواد اولیه مصالح ساختمانی در استان ایلام (خاک رس، سنگ‌گچ، سنگ آهک)؛ مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن؛ چاپ اول؛ بهار.

یوکیلهتو، یوکا.۱۳۸۷. تاریخ حفاظت معماری. محمد حسن طالبیان، خشیایار بهاری. تهران: روزنه.

• Châtelain, H. A. (1715). “Description et Vue de la Place Royale d’Ispahan, la plus Magnifique de toutl’Orient, des Superbes Edifices dont elle est ornée”. Atlas Historique, Ref G873. Image courtesy of Antique Prints. Accessed June 2009. http://www.antiqueprints.com/proddetail.php?prod=g0873.

• Donald Wilber.1974, Iranian Studies, Vol. 7, No. 3/4, Studies on Isfahan: Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part II (Summer - Autumn, 1974), pp. 406-415, International Society for Iranian Studies.

• Galdieri, Eugenio.1974, Iranian Studies, Vol. 7, No. 3/4, Studies on Isfahan: Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part II (Summer - Autumn, 1974), pp. 380-405, International Society for Iranian Studies

• Galdieri, Eugenio.1974, Les palais d’Isfahan, Iranian Studies, 7:3-4, 380-405,

• Galdieri, Eugenio.1970, Two Building Phases of the time of Sah Abbas I in the Meydan-I Sah of Isfahan Preliminary note, East and West , Vol. 20, No. 1/2 (March-June 1970), pp. 60-69

• Jenott, L. (2000). “The Voyages and Travels of the Ambassadors Adam Olearius”, Trans. John Davies,Accessed Sept 2010.

• Sanson, F. (1695). Voyage, ou relation de l’état present du Royaume de Perse: Avec une dissertation curieuse sur les Moeurs, Religion & Gouvernement de cet Etat. Paris: La Veuve Mabre Cramoisi.

• Zander, Giuseppe.(1968), Travaux de Restauration de Monuments Historiques en Iran,

• Zander, Giuseppe.(1974), Iranian Studies, Vol. 7, No. 1/2, Studies on Isfahan: Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part I (Winter - Spring, 1974), pp. 294-319, International Society for Iranian Studies.

آرامگاه صائب تبریزی

کارنامه‌ی انجمن آثار ملی^{۱*} (۱۳۵۵-۱۳۰۱)

معمار: محسن فروغی

نویسنده: دکتر حسین بحرالعلومی^{۲*}

عکاس: رکسانا خانی‌زاد

شاه‌عباس کبیر گروهی از بازرگانان و ثروتمندان تبریز را به اصفهان آورد و در محله‌ی عباس‌آباد اصفهان ساکن ساخت. میرزا عبدالرحیم تبریزی نیز از جمله این بازرگانان بود و سید محمدعلی صائب فرزند میرزا عبدالرحیم در حدود سال ۱۰۱۰ ه‍.ق در اصفهان دیده به جهان گشود و در همان شهرپرورش یافت و دانش آموخت و چون به سن بلوغ رسید به مکه رفت و پس از بازگشت از سفر حج به قصد زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) راهی خراسان شد و در آنجا قصایدی در منقبت حضرت رضا (ع) سرود. در مقطع غزلی اشاره کرده است که:
لله الحمد که بعد از سفر حج صائب عهد خود تازه به سلطان خراسان کردم

سال ۱۰۳۴ به هند عزیمت کرد و مدتی در کابل اقامت نمود و مورد توجه میرزا احسن‌الله متخلص به احسن و ملقب به ظفرخان که از جانب سلطان هند والی آنجا بود و خود قریحه شاعرانه داشت واقع شد و از وی نوازش و احسان بسیار دید. ظفرخان در مقطع غزلی از صائب چنین یاد کرده است:
طرز یاران پیش احسن بعد از این مقبول نیست، تازه گوئی‌های او از فیض طبع صائب است.
صائب همراه ظفرخان به دربار شاه جهان به دکن رفت و نزد آن پادشاه تقرب وحرمت بسیار یافت اما در سال ۱۰۳۹ به او خبر رسید که پدرش به اکبر آباد آمده تا او را به ایران ببرد. صائب از ظفرخان اجازه بازگشت به وطن خود را خواست و پس از دو سال یعنی در سال ۱۰۴۲ همراه پدر به اصفهان آمد. در این هنگام که در ایران و هند شهرت بسیار یافته بود مورد توجه شاه‌عباس ثانی قرار گرفت و به ملک‌الشعرایی دربار برگزیده شد و آن پادشاه را در اشعار خود می ستود چنانکه گوید:

از آن به تیغ زبان شد جهانگشا صائب

که مدح گستر عباس شاه ثانی شد

صائب دیوان‌های شاعران بزرگ پیش از خود را مطالعه می‌کرده و آن بزرگان را در اشعار خود ستوده است، درباره حافظ گوید:

- ز بلبلان خوش الحان این چمن صائب

- مرید زمزمه حافظ خوش الحان باش

و از مولوی چنین یاد کرده است:

- از گفته مولانا مدهوش شدم صائب

- این ساغر روحانی صهبای دگر دارد

و به سعدی چنین اشاره کرده است:

- در این ایام شد ختم سخن برخامه صائب

- مسلم بود گر زین پیش بر سعدی شکر خایی

در جواب قصیده خلاا المعانی کمال اسماعیل سروده است:

- من کیم صائب که خلاق سخن در این مقام

- خامه معجز بیان را از بنان انداخته

اشعار صائب را از هشتادهزار تا دویست‌هزار و بیشتر نوشته‌اند و سفینه‌ای نیز فراهم آورده است که شامل بیست و پنج هزار بیت از هشتصد تن از شاعران بوده است. صائب از سرآمدان و پیشوایان سبک هندی است و در اشعار خود مضامین باریک ودقیق، تعبیرات لطیف و معانی عمیق فراوان دارد و از خصوصیات او در شاعری ارسال مثل است و غالب ابیات او یا شامل مثلی است و یا خود مثل سائر شده است. صائب اواخر عمر خود را در اصفهان در باغ تکیه‌ی معروف به تکیه‌ی میرزا صائب گذرانید و در سال ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶ ه‍. ق در گذشت و در همان باغ به خاک سپرده شد.
مدفن صائب

قبر صائب تبریزی در باغی که از قدیم به نام تکیه‌ی صائب معروف بوده، در جنوب

غربی اصفهان در ضلع جنوبی خیابان صائب و در کنار مادی نیاسرم واقع است. در مقدمه‌ی کلیات صائب تبریزی نقل شده است که:
«در قسمت جنوبی باغ پای دیوار صفه‌ای قرار دارد و بر روی آن قبر صائب و اندکی بالاتر قبر نوه او محمدعلی فرزند میرزا رحیم صائب و قدری بالاتر قبر میرزا محمد محسنا فرزند صائب واقع شده… سنگ قبر صائب یکپارچه و میان تهی است ولی فعلا به دو نیم شده است. میان سنگ را بدین منظور تهی ساخته‌اند که در آن گُل بگذارند. یک مطلع و یک غزل از صائب به خط محمد صالح خوشنویس مشهور که قسمتی از کتیبه‌ی مدرسه چهارباغ به خط اوست)
براین سنگ منقور است… و در پائین سنگ نوشته (تحریراً شهر جمادی الاولی سنه ۱۰۸۷)
فقیر محمد صالح. در بالای سنگ دوم چنین نوشته شده وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمدعلی ولد میرزا رحیم صائب به‌تاریخ یوم یکشنبه هشتم شهر جمادی الثانیه ۱۱۴۱… بر سنگ سوم که یک قطعه‌ی مرمر کوچک است چنین نقر شده وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمد (محسنا) ابن میرزا محمدعلی صائب فی هفتم شهر محرم الحرام ۱۱۴۹.

به طوریکه ملاحظه می‌شود قبر صائب و افراد خانواده او در این باغ که ملک اختصاصی او بوده قرار دارد.

سنگ قبر صائب قطعه سنگی است نفیس و سیاه که ابیاتی از او با خط نستعلیق زیبا بر آن نقش گردیده است اشعاری که بر روی سنگ قبر نقش شده اول این بیت است^۳:

محو کی از صفحه دل‌ها شود آثار من

من همان ذوقم که می‌یابند از گفتار من

و پس از آن این غزل است:

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو

تاج و کمر چو موج و حبا بست ریخته

هر چند کائنات گدای در تواند در مشّت

خاک من چه بود لایق نثار

غیر از نیاز و عجز که در کشور تو نیست

صائب چه ذره است و چه دارد فدا کند

عالم پر است از تو و خالیست جای تو در هر کناره‌ای

ز محیط سخای تو هیچ آفریده نیست که داندسرای تو

هم از تو جان ستانم و سازم فدای تو

این مشّت خاک تیره چه دارد سزای تو

ای صد هزار جان مقدس فدای تو

(تحریراً شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح).

باغ صائب

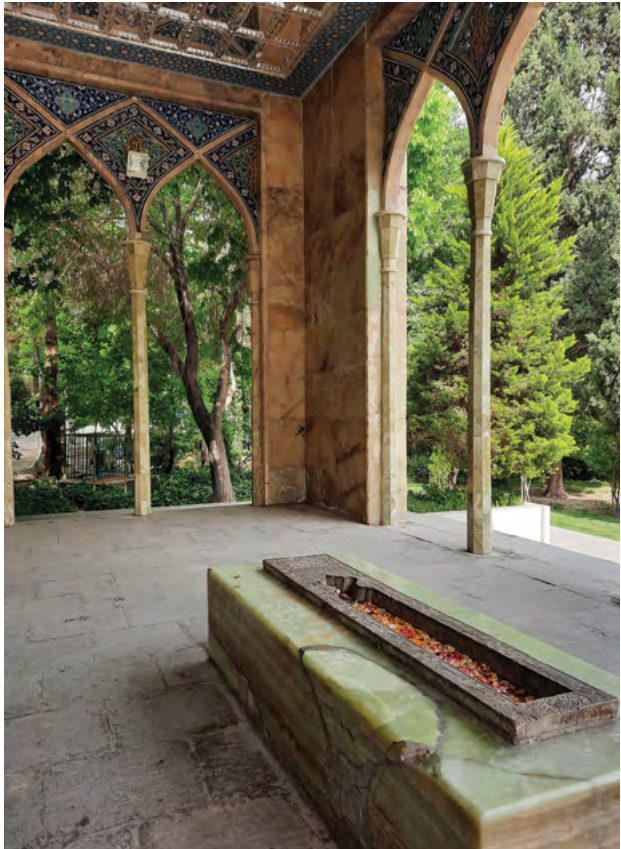
باغی که مدفن صائب و خانواده‌اش است اینک در حدود هفت‌هزار متر است و ظاهرا مساحت زیادی از عرصه‌ی آن سابقا مورد تجاوز و حیف و میل قرار گرفته است. آنچه از باغ باقی مانده بود در سال ۲۴۸۹ (۱۳۰۹ه‍.ش). به وسیله اداره اوقاف به نام موقوفه مجهول التولیه به ثبت رسید و ورقه‌ی مالکیت آن صادر شد و پس از آن باغ را جزو موقوفات مسجد لنبان اصفهان قلمداد کردند و از طرف وزارت فرهنگ حکم تصدی آن به نام امام آن مسجد صادر گردید.

با آنکه از سال ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ه‍.ش.) و پیش از آن همواره مردم ادب‌دوست و علاقه مندان صائب در اندیشه و آرزوی ساختن آرامگاه او بودند، اما موضوع موقوفه بودن باغ و دخالت متصدیان و متولیان وقف مانع اجراء و انجام این منظور بود چنانکه سال‌ها پیش گروهی از ادب پروران آذربایجان با توجه و هدایت شادروانان

^[1] بحرالعلومی، حسین (۱۳۴۰) کارنامه‌ی انجمن آثار ملی، انتشارات انجمن آثار ملی

^[2] - دانشیار دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۱۲۹۶-۱۳۶۸)

^[3] - دیوان صائب، از انتشارات انجمن آثار ملی



که با جلب مساعدت انجمن آثار ملی و استعانت از آذربایجانیان مقیم تهران و بهر طریق دیگر که مقتضی و مصلحت باشد موجبات احداث بنای آبرومندی برای آرامگاه صائب فراهم گردد و پیش از هر کار مقرر فرمایند که مهندسی متخصص به اصفهان اعزام شود تا با در نظر گرفتن خصوصیات زمین، نقشه عمارت مناسبی را که البته به سبک بناهای زمان صفوی خواهد بود طرح‌ریزی و میزان هزینه آن را تعیین نماید…»

نامه‌ی آقای بشارت کفیل اداری‌ی باستان‌شناسی اصفهان به انجمن آثار ملی نیز حاکی از این بود که از مستاجر باغ صائب خلع دید بعمل آمد و در حال حاضر باغ در تصرف متصدی موقوفه و اداری‌ی اوقاف اصفهان می‌باشد و ورود اشخاص به داخل باغ آزاد گردید همچنین با نصب تابلو و محفظه‌ی شیشه‌ای برروی سنگ قبر توسط اداری‌ی باستانشناسی تا حدی از خرابی آن جلوگیری بعمل آمده است. پس از جلسات و مکاتبات متعدد سرانجام در تاریخ اول مهر ماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه‍.ش). اجاره‌نامه‌ی باغ در دفتر اسناد رسمی شماره ۳ اصفهان تنظیم گردید و خلاصه‌ی آن چنین بود: موجر متصدی موقوفه مسجد لبنان با موافقت اداره اوقاف استان اصفهان و مستاجر اداری‌ی باستان‌شناسی اصفهان و مورد اجاره‌ی شش دانگ باغ ۲۶۰۵ باقیمانده و شش دانگ خلوت تفکیکی از آن به شماره‌ی ۲۶۰۵۱۲ واقع در بخش یک اصفهان از اول مهرماه ۱۳۴۲ لغایت پنج سال تمام شمسی به مال اجاره‌ی مبلغ هشتاد و هفت هزار و هشتصد و پنجاه ریال. نخستین شرط از شرایط هفده گانه اجاره این بود که مستاجر متعهد است از این تاریخ تا شش ماه دیگر نسبت به ساختمان بنای آرامگاه شاعر نامی صائب و سایر احتیاجات که متناسب با ساختمان آرامگاه باشد طبق نقشه‌ی آقای مهندس فروغی که طی نامه‌ی شماره ۱۰۶۴۹ مورخ ۲/۵/۱۹ ۲۵۲ (۱۳۴۲) ه‍.ش. به اداری‌ی باستانشناسی ابلاغ شده اقدام نماید و به موجب ماده‌ی ۱۴ مقرر شده بود که در آخر مدت اجاره طبق نظر کارشناس اداره اوقاف و باستانشناسی میزان اجاره بعدی تعیین گردد.

پس از انقضاء مدت اجاره تاکنون وجه اجاره‌ی باغ به صورت اجرت‌المثل پرداخت شده است.

بنای آرامگاه

چنانکه پیش از این اشاره شد بنای آرامگاهی برای صائب تبریزی از سال‌ها پیش مورد

آقای علاء وزیر دربار از این قرار است:
« … ضمن بررسی‌ها معلوم شد که آرامگاه شاعر عالی قدر ایران، صائب تبریزی در کنار مادی نیاسرم در شهر اصفهان در باغی که از قدیم به تکیه صائب معروف بوده قرار دارد و چون این باغ به عنوان موقوفه اجاره داده شده متصدی وقف و مستاجر هیچکس را اجازه ورود به باغ نمی‌دهند و اغلب مردم حتی از محل آرامگاه این شاعر شیرین سخن فارسی که در ایران و هندوستان و پاکستان و غیرها مورد تکریم وعلاقه‌ی اهل ذوق و ادب است بی خبر هستند. لذا دستور داده شد که انجمن آثار ملی اصفهان با حضور رئیس اوقاف و علاقه‌مندان و مطلعین به موضوع و سوابق امر رسیدگی نمایند و نتیجه را گزارش دهند تا اقدامات لازم به عمل آید، به طور خلاصه نتیجه‌ی بررسی این شد که باغ صائب که ملک شخصی خود شاعر بوده به صورت موقوفه مجهول‌التولیه به ثبت رسیده و جزو موقوفات مسجد لبنان قلمداد شده و متصدی موقوفه، آن را به یکی از کارمندان اداره کشاورزی اجاره داده و با آنکه مدت اجاره منقضی گردیده بازهم مستاجر حاضر به خلع دید و تحویل مورد اجاره نیست. با تشکیل جلسات مکرر و مذاکرات و اقدامات مجدانه‌ای که به عمل، اخیر توفیق حاصل شد که این محل از دست مستاجر خارج و تحویل اداره آمد اوقاف اصفهان داده شود و برای آنکه رعایت همه‌ی جهات امر شده باشد و به عایدات مسجد هم لطمه نخورد به انجمن آثار ملی اصفهان دستور داده شد که محل مزبور را اجاره نمایند تا مقبره‌ی صائب از دست اشخاصی که سالیان دراز در آن را بسته و به نفع خود از آن بهره‌برداری کرده‌اند خارج و برای عموم آماده استفاده شود. با این مقدمات در آرامگاه صائب که سالیان در از برروی علاقه‌مندان بسته بود ضمن تشریفات باز و تابلو مناسبی بر فراز آن نصب گردید و با آنکه وضع داخلی آن خراب و بسیار نامطلوب است فعلا زیارتگاه مردم شده و به شهرداری و اداری‌ی اوقاف نیز دستور داده شد که فعلا در حدود مقدورات موجبات نظافت و تعمیرات لازم فوری آن را فراهم آورند تا از وضع زنده‌ای که دارد خارج گردد. اکنون که پس از سالها این توفیق حاصل گردید و در میان جشن و سرور علاقه‌مندان این در بسته گشوده گردیده جا دارد که با طرح نقشه صحیحی آرامگاه مناسبی برای صائب ساخته شود که بدیهی است با بودجه‌های محلی اجرای آن مقدور نخواهد بود و ناگزیر از استعانت از آن جناب و انجمن آثار ملی [که از]دوستداران ادبیات و زبان فارسی می‌باشد استدعا دارد که ضمن گزارش جریان امر به پیشگاه مبارک ملوکانه توجهی مبذول فرمایند



در اسفندماه سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه‍.ش) نامه‌ای با حدود صد امضاء از اصفهان به انجمن آثار ملی ایران رسید بدین مضمون که مقبره‌ی خانوادگی صائب تبریزی واقع در خیابان صائب سمت جنوب غربی شهر تاریخی اصفهان در باغ بزرگی مقابل نهر نیاسرم معروف و مشهور به باغ تکیه‌ی میرزا صائب قرار دارد که در گذشته بیش از دو ثلث این باغ به وسیله‌ی غاصبان فروخته شده و قبوری که در وسط باغ ملک اختصاصی (شاعر بوده است اکنون در کنار دیوار جنوبی آن قرار گرفته و فعلا هم به عناوین بیجا و بی‌اساس در باغ را به روی همه بسته و قصد امحاء آرامگاه و غصب محوطه‌ی آن را دارند و چون می‌دانند که سه سال دیگر سیصدمین سال در گذشت صائب است و ممکن است آرامگاهی برای او بنا شود می‌خواهند ترتیبی دهند که برای ساختمان آرامگاه محلی باقی نماند.

پس از مکاتبات فراوان بین انجمن آثار ملی، وزارت فرهنگ استانداری اصفهان و اداره اوقاف در سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه‍.ش). وزارت دربار شاهنشاهی گزارش آقای فرزنانگان استاندار اصفهان را درباره‌ی آرامگاه صائب که از شرف عرض ملوکانه گذشته بود به انجمن آثار ملی ارسال داشت و ابلاغ نمود که: «مقرر فرمودند انجمن آثار ملی به موضوع رسیدگی نماید قسمتی از گزارش آقای فرزنانگان به

حکیم‌الملک، تقی‌زاده و دکتر شفق به منظور ساختن آرامگاه و احیای نام این شاعر بلندپایه کوشش‌هایی به عمل آوردند و وجوهی برای این منظور جمع آوری شد اما به سبب آنکه باغ در اختیار آنان نبود آن اقدامات متوقف ماند.

نامه‌هایی که از سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه‍. ش) از طرف مردم ادب دوست اصفهان و انجمن‌های ادبی آن سامان به انجمن آثار ملی و مقامات مسئول می‌رسید حاکی از آن بود که به عنوان تبدیل به‌احسن در صدد تجزیه و تقسیم و تصاحب باغ هستند. آقای مهندس منوچهر ذوالفنون مهندس معمار، شهرداری اصفهان در تاریخ نهم آذرماه ۲۵۱۶ ۱۳۳۶ ه‍. ش به فرمانداری اصفهان گزارش داده است که بنا به دستور آن جناب در محل مزار صائب حاضر شدم و از باغ و مزارها بازدید کردم متولی موقوفه اظهار می‌داشت که این زمین موقوفه مسجد لبنان است و فقط می‌تواند حدود یک هزار متر مربع آن را که به طول ۷۰ متر و عرض ۱۴ متر باشد برای آرامگاه صائب اختصاص دهد. به نظر من نه‌تنها نباید چیزی از محوطه‌ی باغ فعلی کسر گردد بلکه به همین اندازه هم در قسمت جنوب باغ است که به مالکیت اشخاص در آمده و باید به باغ اضافه گردد. این باغ متعلق به صائب بوده و بزرگترین سند آن وجود مزار او و خانواده‌اش در این باغ است.

نظر و توجه افراد ادب‌دوست و انجمن‌های ادبی اصفهان بود و انجمن آثار ملی اصفهان نیز در جلسه‌های متعدد خود این موضوع را مورد تأیید و تأکید قرار داده طرح‌هایی نیز برای انجام آن در نظر گرفته بود. از جمله در تاریخ پنجشنبه ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۳۷ه‍.ش.) جلسه‌ی انجمن آثار ملی اصفهان با حضور آقایان انتخابی پیشکار دارائی اصفهان، معصومخانی رئیس کل فرهنگ - تیمسار مختاری شهردار - ملکوتی رئیس اوقاف - دکتر نواب، دکتر کارو، کیوان معاون بانک ملی - بهادری رئیس هنرستان هنرهای زیبا - عدنانی رئیس دبیرستان گلپهار - صدر هاشمی رئیس دبیرستان فرهنگ - نیکزاد مدیر موزه باستانشناسی - عبدالغفار نوربخش - عباس بهشتیان - نصرالله مهبذ در دفتر تیمسار سرلشکر گرزن استاندار استان دهم و رئیس انجمن آثار ملی تشکیل گردید و درباره‌ی بنای آرامگاه صائب مذاکراتی بعمل آمد و مقرر شد که به وسیله‌ی مهندس شهرداری با مهندسی دیگر نقشه باغ صائب تهیه گردد و نیز کمیسیونی تعیین شد تا درباره‌ی ساختمان آرامگاه و هزینه‌ی آن مطالعاتی بعمل آورد اما این اقدامات که همواره ادامه داشت به نتیجه‌ی مثبتی منتهی نمی‌شد تا آنکه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۲ه‍.ش.) هیات موسسان انجمن آثار ملی به دعوت آقای مهندس پارسا، استاندار اصفهان برای رسیدگی به آثار تاریخی اصفهان و اقداماتی که باید درباره‌ی آنها به عمل آید؛ به شهر تاریخی اصفهان دعوت شدند و روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه در آرامگاه صائب حضور یافته باغ و محل آرامگاه را از نزدیک مشاهده نمودند و روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه در جلسه‌ای با شرکت اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان در تالار چهل ستون تصمیم قاطع انجمن آثار ملی را برای بنای آرامگاه صائب اعلام داشتند و بلافاصله برای فراهم آوردن وسایل کار اقدامات لازم بعمل آمد و چون آقای مهندس فروغی عضو هیات موسسان قبول کردند که افتخارا نقشه‌ی آرامگاه را تهیه و در ساختمان آن نظارت نمایند لذا روز ۲۶ اردیبهشت ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش) از طرف انجمن به ایشان نوشته شد که طبق نظر عالی دو برگ نقشه آرامگاه صائب که به وسیله‌ی آقای حسین معارفی معمار در اصفهان تهیه شده است و در جلسه‌ی مورخ ۲۵/۲/۱۳۴۲ه‍.ش بر سر مزار سراینده‌ی عالی قدر مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفت و با در نظر گرفتن وضع آرامگاه و موقع باغ آن مناسب دیده شد که تغییریاتی در آن صورت گیرد و بصورت ایوان ساده‌ی بلند به سبک عهد صفویه در آید به ضمیمه‌ی این نامه به حضوِرتان ارسال می‌گردد تا همانطور که در نظر است دستور فرمایند نقشه‌ی آرامگاه مزبور را به نحوی که باید اجرا گردد اصلاح نموده و به اختیار انجمن آثار ملی بگذارند که به فوریت به اصفهان فرستاده شود و ساختمان آرامگاه آغاز گردد. در تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۴۲ه‍.ش از طرف انجمن آثار ملی به استاندار اصفهان نوشته شد:

«جناب آقای مهندس پارسا استاندار و ریاست انجمن آثار ملی اصفهان، دو دوره نقشه‌های قطعی و اجرایی آرامگاه صائب با یک نسخه نقشه‌ی نمای اصلی آن که به وسیله‌ی جناب آقای مهندس فروغی تهیه و در جلسه هیات موسسان انجمن تصویب شده است به ضمیمه ایفاد می‌گردد، خواهشمند است مقرر فرمایند نسبت به آغاز ساختمان آرامگاه طبق تصمیمات متخذه قبلی اقدام گردد، توضیحا اضافه می‌نماید که چند نقشه به طرح‌های مختلف به دستور و راهنمایی جناب آقای مهندس فروغی تهیه شد و نقشه‌ی ارسالی از همه‌ی آنها مناسب‌تر و زیباتر تشخیص گردید و جناب آقای مهندس سیحون رئیس دانشکده‌ی هنرهای زیبا نیز با نظر جناب آقای مهندس فروغی و هیات مدیره‌ی انجمن در این قسمت هم عقیده بوده، طرح ارسالی را از هر بابت مناسب‌تر دانستند. توضیحات حضوری به آقای معارفی معمار داده شد و البته هرگونه توضیح و استفساری در این باره باشد امر به اعلام فرمایند تا پاسخ داده شود. جناب آقای مهندس فروغی هم برای نقشه‌های مورد نظر حاضر به دریافت وجهی نشده. به منظور کمک به ساختمان آرامگاه هزینه‌ی این کار را شخصاً پرداخته‌اند. از نظر هزینه و جنبه‌ی مالی بهتر بنظر می‌رسد که انجمن آثار ملی اصفهان یکی از اعضاء خود را که آمادگی بیشتر جهت صرف وقت در این خدمت ملی داشته باشد به عنوان نایب رئیس یا مدیرعامل یا هر سمت مناسب دیگر انتخاب فرمایند و جناب آقای کیوان نیز که عهده‌دار سمت خزانه‌داری انجمن هستند در صورت موافقت آقای سیف‌الله تجددخواه از کارکنان صدیق و مطلع باستانشناسی اصفهان که اکنون هم با وجود بازنشستگی بطور رایگان مرجع خدمات مختلف درباره‌ی آثار تاریخی است برای سرپرستی

امور ساختمان از لحاظ استاد و کارگر و تهیه مصالح و غیره مورد اطمینان قطعی و افاده‌ی شایان بنظر می‌رسد. با توجه به مراتب بالا ممکن است ترتیبی فرمایند که با استفاده از وجوه آن انجمن دست بکار ساختمان آرامگاه بشوند و بدهی شهرداری اصفهان به انجمن آثار ملی اصفهان نیز صرف همین خدمت گردد. انجمن آثار ملی منتظر گزارش آغاز ساختمان می‌باشد و البته آماده‌ی هر گونه کمک و همکاری مناسب نیز هست تا به این خدمت ملی پس از سال‌ها مکاتبه و بررسی به خواست خداوند به نحو شایسته و آبرومند جامه‌ی عمل بپوشد…»

رئیس هیات مدیره: س‌پهبد آق‌ی اولی

رئیس هیات موسسین: حسین علاء

برای توضیح یادآوری این نکته لازم می‌نماید که انجمن آثار ملی اصفهان در جلسه‌ی روز دوشنبه ۱۹ فروردین ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش) خود تصمیم گرفته بود که از انجمن مرکزی اجازه بگیرد که مبلغ ۸/۱۰۵۸۲۷۲ ریال موجودی خود را به مصرف ساختمان آرامگاه صائب برساند و از شهرداری اصفهان هم بخواهد که هر چه زودتر مبلغ نهصد هزار ریالی را که مدتی است به عنوان وام از انجمن گرفته¹ مسترد بدارد. توضیح آنکه مبلغ نهصد هزارریال مذکور از موجودی ۸/۱۰۵۸۲۷۲ ریال داده شده و مبلغ ۸/۱۵۸۲۷۲ ریال نیز در حساب موجود بوده است.

در دیماه سال ۱۳۴۲ه‍.ش. از اداره‌ی باستان‌شناسی اصفهان به انجمن آثار ملی اطلاع داده‌اند که مبلغ نهصد هزار ریال قرضه‌ی شهرداری از انجمن آثار ملی اصفهان با حُسن توجه آقای نبوی کفیل شهرداری پس از چند سال تاخیر پرداخت گردید و به محض مساعد شدن هوا، کار ساختمان آرامگاه دنبال خواهد شد.

آغاز ساختمان: بموجب برنامه‌ای که تنظیم شده بود روز جمعه پنجم مهرماه سال۲۵۲۲ (۱۳۴۲ه‍.ش) با حضور جناب آقای عَلم نخست وزیر وقت و آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان و جمعی از معاریف و ادب‌دوستان اصفهان نخستین کلنگ بنای آرامگاه صائب به نام نامی… به وسیله‌ی استاد جلال‌الدین همایی به زمین زده شد و بدین ترتیب ساختمان آرامگاه آغاز گردید. آقای همایی در این باره مرتجلا سروده‌اند.

- دیدم به خواب صائب شیرین سخن که گفت

- دیدی ز ابر تیره عیان گشت ماه ما …

- آثار نیک هرچه بماند ز ما بجای

- باشد بصدق دعوی دانش گواه ما

پس از آن از طرف اداره‌ی باستان‌شناسی اصفهان این شرح به استاندار اصفهان نوشته شده است… این اداره بنا به دستور اداره‌ی کل باستان‌شناسی و انجمن آثار ملی از محل اعتبارات مربوط به انجمن آثار ملی اصفهان نسبت به انعقاد اجاره‌ی باغ صائب برای مدت پنج سال اقدام نمود و اولین کلنگ ساختمان آرامگاه صائب با حضور جناب آقای نخست‌وزیر بوسیله‌ی استاد محترم آقای جلال‌الدین همایی برزمین زده شد و عملیات ساختمانی طبق نقشه‌ای که به دستور و راهنمایی جناب آقای مهندس فروغی تهیه شده و مورد تصویب انجمن آثار ملی ایران قرار گرفته و جهت اجرا به این اداره ابلاغ گردیده از تاریخ ششم مهرماه ۱۳۴۲ شروع شده است لذا خواهشمند است دستور فرمایند برای نظارت در امور ساختمان و امور وصول و ایصال وجوه یک نفر نماینده تام‌الاختیار از طرف انجمن آثار ملی اصفهان تعیین و به این اداره معرفی فرمایند.»

به موجب نامه‌ای که به دستور انجمن آثار ملی از طرف اداره باستانشناسی به آقای سیف‌الله تجددخواه نوشته شده سرپرستی امور ساختمان آرامگاه صائب به عهده ایشان محول گردیده است ضمناً امور حسابداری آرامگاه به عهده‌ی آقای علی کیانپور و امور فنی آرامگاه به عهده‌ی آقای معارفی معمار ابنیه تاریخی گذارده شده است تا در مورد تدارک احتیاجات و رفع حوائج ساختمانی آرامگاه با نظرات آقای عباس بهشتیان ناظر عملیات ساختمانی اقدام نمایند. در اواخر تیرماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش) آقای معارفی معمار ابنیه تاریخی گزارش داده است که:

۱- پی‌کنی مطابق نقشه از سطح باغ به عمق ۲/۲۰ متر و عرض ۹۰ سانتیمتر کنده شده و خاک آن به خیابان وسط حمل گردیده است.

۲- سطح پی‌کنی، ماسه آهک کشیده شده و دو قشر گونی و سه قشر قیر قیراندود شده از روی قیراندود به ارتفاع ۲/۲ متر و عرض ۹۰ سانتیمتر باسنگ و ماسه و آهک و مختصر سیمان (ملاط) دستچین شده تا کف باغ

۳-روی سنگ کاری با ماسه و آهک وسیمان صافکاری شده و با یک قشر گونی و دو قشر قیر، قیراندود شده است.

۴- از روی قیراندود به ضخامت ۲۵ سانتیمتر و عرض ۷۰ سانتیمتر، قالب دبه کفراژبندی و بتون مسلح شده است.

۵- از روی بتون مسلح به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر قالب دبه (کفراژبندی) و بتون غیر مسلح ریخته شده است.

۶- استخوان بندی ساختمان و سفت کاری بوسیله‌ی ۶ جفت تیر آهن ۴م‌ری ۲۰ هفت متری که به یکدیگر اکسیژن شده بطور عمودی نصب گردیده و در عقب کار سه پایه بتون آرمه برای اتصال طاق ساخته شده است.

۷- چهار تیر آهن ۴م‌ره ۱۶ شش‌متری از طرف عرض روی پایه‌های آهن

عمودی اکسیژن شده و ۲ تیر آهن ۴م‌ری ۲۲ و یک تیر آهن ۴م‌ری ۲۴ از طول روی ۴ پایه آهن جلو نصب و اکسیژن شده است.

۸- در ارتفاع ساختمان سه رشته بتون آرمه کلیه‌ی بنا را به یکدیگر متصل نموده است.

۹- قسمت‌های آجر کاری بوسیله‌ی ملاط سیمان و ماسه انجام شده.

۱۰- سقف آرامگاه طبق نقشه با آهن گرد ۲۴ و ۱۶ آرمائوبندی و بتون آن ریخته شده و کفراژها جمع‌آوری گردیده است.

۱۱- جان پناه‌های فوقانی به وسیله‌ی بتون آرمه انجام شده و پشت‌بام صافکاری و با دو قشر گونی و ۳ قشر قیر، قیراندود شده است.

۱۲- سنگ ازاره قسمت شرقی آرامگاه و دیواری که برای جلوگیری از دید بناهای خارجی ساخته شده در طول ۱۵ متر و به ارتفاع یک متر نصب و خاقانی سنگی آن به ضخامت ۱۲ سانتیمتر و عرض ۶۰ سانتیمتر نصب شده و آجر کاری تراش دیوار با ارتفاع یک متر چیده شده است.

۱۳- سنگ‌های مرمر یک ستون و دو و نیم ستون گوشوار طرفین تا ارتفاع سرستون نصب شده و بقیه را هم در محل موجود کرده‌اند.

۱۴- کلیه‌ی ستون‌های آهنی جلوی ساختمان و طرفین و دورسازی آنها با تیرآهن ۴م‌ری ۱۰ انجام شده است.

۱۵- کف آرامگاه به ارتفاع یک متر با سنگ لاشه و… پر شده است.

۱۶- زیرسازی پله‌های آرامگاه در حدود ۲۰ متر مکعب سنگ چیده شده و روی آن را بتون ریخته‌اند تا پله‌های سنگی روی آن نصب گردد.

۱۷- خیابان مقابل آرامگاه به عرض ۸ متر و به عمق ۴۰ سانتی‌متر خاکریزی شده و سنگ‌های آزاره سمت غرب و پله‌ها و گلدان‌ها در محل حاضر شده و مشغول تراش و حاضر کردن آنها می‌باشند.

آقای بشارت رئیس اداره‌ی باستان‌شناسی در بیستم مهرماه ۱۳۴۳ ه‍.ش با ارسال گزارش مذکور به اطلاع انجمن آثار ملی رسانیده‌اند که عملیات سفت‌کاری بنا خاتمه پذیرفته و عملیات تزئینی آن در دست اجر است. در اسفند ماه ۱۳۴۳ ه‍.ش آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان به انجمن اطلاع داده‌اند که: عملیات مقدماتی ساختمان آرامگاه صائب طبق نقشه مصوب انجام گردیده و تاکنون مبلغ هفتصدهزار ریال از محل اعتبار انجمن آثار ملی اصفهان پرداخت شده و چون این انجمن اعتبار قابل توجهی ندارد که بتواند جوابگوی کلیه‌ی کارهای ساختمانی و اصلاحات لازم باغ آرامگاه باشد انجام امر مستلزم وجود اعتبار مکفی خواهد بود خواهشمند است نسبت به تأمین و حواله اعتبار اقدام شود تا زودتر کار ساختمان به پایان رسد. از طرف انجمن پاسخ داده شده است که موضوع در جلسه‌ی هیات موسسان مطرح گردید و مبلغ دو میلیون ریال تصویب و تعهد گردید که در سال جاری پرداخت شود و انجمن آثار ملی اصفهان بقیه‌ی هزینه‌ی بر آوردی را تأمین نماید.

چگونگی بنا

در ضلع جنوبی، باغ ایوانی که به عنوان آرامگاه صائب بنا شده قرار دارد، این ایوان در حدود دو متر از سطح باغ مرتفع تر است و با ده پله از سنگ تیشه‌ای از سطح باغ به روی ایوان می‌رسیم جلو آرامگاه شش ستون مرمر و در طرفین شرقی و غربی هر یک یک ستون مرمر قرار دارد. طول ایوان ۱۴ متر و ۲۰ سانتی‌متر و عرض آن از لب پله ها تا انتهای ایوان ۶ متر و ارتفاع ایوان در حدود هشت متر می‌باشد. کف ایوان

با سنگ تیشه‌ای مفروش است و پله ها نیز چنانکه اشاره شد از سنگ تیشه‌ای است. ستون‌های مرمری ۸ ضلعی است و در ارتفاع سه متر و پانزده سانتیمتری سرستون‌هایی است که منتهی به طاق چشمه‌ای می‌گردد و بالای هر یک از چشمه‌ها اشکال لوزی است که با کاشی معرق تزئین شده است و در وسط هر لوزی، لوزی دیگری است که بشکل اسلیمی ختایی در آمده و در وسط لوزی کتیبه‌های مشبک قرار گرفته است و چون به سقف می‌رسد حاشیه‌ای باسنگ مرمر است که عرض آن حدود ۴۰ سانتی‌متر می‌باشد. زیر سقف از آئینه با طرح شطرنجی تزئین یافته و سقف به دو نوع تزئین شده است یکی حاشیه که با اشکال هندسی است و دیگر آئینه‌کاری که به صورت طرح شطرنجی می‌باشد در جبهه‌ی جنوبی آرامگاه ۵ لوحه می‌باشد که زمینه‌ی هر لوحه کاشی معرق با طرح اسلیمی ختایی است و حاشیه با زمینه‌ی آبی تیره و اسلیمی ختایی است. روی لوحه‌ها زمینه‌ی فیروزه‌ای رنگ می‌باشد و اشعار و عباراتی که نوشته شده و بعد خواهد آمد با خط نستعلیق و سفید رنگ است و بین لوحه‌ها سرجرزه‌ای مرمری وجود دارد. جبهه‌ی شرقی و غربی ایوان هر یک دارای دو دهنه و یک ستون و دو طاق چشم‌های است و مانند جبهه شمالی تزئین یافته است. درسه طرف شرقی، غربی و شمالی آرامگاه باغ مصفا و مشجر است و مقابل آرامگاه حوضی مستطیل شکل با سه فواره تعبیه گردیده است که طول آن ۲۵ متر و عرضش سه متر و نیم می‌باشد نمای شمالی خارجی ایوان به صورت دو قاب است که سطح قاب اولی از سنگ گرانیت پوشیده شده و قاب دوم با سنگ مرمر و ۵ دهنه‌ی طاق و چشم‌های است در طرفین پله‌های ورودی آرامگاه دو باغچه است که با سنگ تیشه‌ای محصور شده و به وضع زیبایی گلکاری شده است. **کتیبه‌ها** در اسفند ماه ۱۳۴۳ ه. ش از طرف اداره‌ی باستان‌شناسی اصفهان به انجمن آثار ملی نوشته‌اند که: طبق نقشه‌ی مصوب در آرامگاه صائب، پنج طاق نما پیش‌بینی شده که اشعار مناسبی از صائب و همچنین تاریخ ساختمان با کاشی معرق تهیه و در طاق نماهای مذکور نصب گردد. کتیبه‌های لازم را تعیین نموده ارسال دارید تا به وسیله‌ی آقای حبیب‌الله فضائلی خطاط نوشته شود، ضمناً طرح‌هایی برای حاشیه و رنگ کتیبه‌ها تهیه و ارسال شده است که هریک از آنها مورد تصویب است؛ ابلاغ فرمایند تا نسبت به تهیه آن اقدام گردد. متن لوحه‌ها که از طرف انجمن آثار ملی انتخاب و ارسال گردیده و با کاشی معرق در طاق نماها نصب شده از این قرار است:

• **لوحه ۱**

چند بیت از غزلی که به تفال از دیوان صائب برای آرامگاه وی آمده است با چند

بیت دیگر حکیم:

- خوش آن روزی که منزل در سواد اصفهان سازم

- ز وصف زنده رودش خامه را رطب‌اللسان سازم

- صبا آسا بگرد سر بگردم چارباغش را

- به هر شاخی که بنشیند دل من آشیان سازم

- شود روشن دو چشمم از سواد سرمه خیز او

- ز مژگان زنده‌رود گریه شادی روان سازم

- به آن گرمی که من رو از غربیی در وطن دارم

- اگر برسنگ بگذارم قدم ریگ روان سازم

- بلند افتاده صائب آنقدر طبع خدادادم

- که شمع طور را خاموش از تیغ زبان سازم

- اگر سکندر از آئینه ساخت لوح مزار

- چراغ تربت من روشنائی سخن است

- عمر جاوید بود اهل سخن را صائب

- کر پس مرگ هم این زنده دلان در سخند

- مرا به خاک در دوست آشنائی نیست به آشنائی دل

• **لوحه ۲**

- می روم به خانه دوست

- ایباتی منتخب از افکار نغز و شیوای صائب

- شکستگی نرسد خاطر ترا صائب

- که سرخ کرد ز گفتار روی ایران را

- تا در این باغی بشکر آنکه داری برگ و بار

- برگ میباید فشاند و بار می‌باید کشید

- بغیر دل که عزیز و نگاهداشتنی است

- جهان و هرچه در او هست واگذاشتنی است

- جای من خالی است در وحشت سرای آب و گل

- بعد از این صائب سراغ از گوشه دل کن مرا

- خاکی بلب گور فشاندیم و گذشتیم

- ما مرکب از این رخنه جهان‌دیم و گذشتیم

- چون ابر بهار آنچه از این بحر گرفتیم

- در جیب صدف پاک را صدف پاک رساندیم و گذشتیم

- چون سایه مرغان هوا در سفر خاک

- آزار بموری نرساندیم و صد تلخ چشیدیم

- زهر بی مزه صائب گذشتیم

- تلخی به حریفان نچشان‌دیم و گذشتیم

• **لوحه ۳**

- بنام پروردگار دانا و توانا

- بفرمان مبارک ...

ساختمان آرامگاه میرزا محمد علی صائب تبریزی سراینده‌ی بلند پایه‌ی نازک اندیشه نغز گفتار که بسال ۱۰۸۶ هجری در هفتاد سالگی به رحمت حق پیوسته است برفراز تربت او و در کنار بستان‌سرایی که مدفن شاعر بزرگوار و خاندانش بود بنیاد نهاده شد.

آغاز ساختمان ۱۳۴۲ و پایان آن ۱۳۴۶ شمسی.

کاشی کاری: طرح - جزی‌زاده - خط- فضائلی

• **لوحه ۴**

- **ابیاتی منتخب از افکار نغز وشیوای صائب**

- مرگ هیئات است سازد از فراوشان مرا

- من نه آن شمعم که پنهان زیر سرپوشم کنند

- می‌توان از سینه روشن ضمیران جمع کرد

- گر بشوید آسمان سنگدل دیوان ما

- تار و پود عالم امکان بهم پیوسته است

- عالمی را شاد کرد آنکس که یک دلشاد کرد

- جهان شود لب پرخنده‌ای اگر مردم

- دهند دست بهم در گرهِ گشایی هم

- از دیگران چراغ نخواهد مزار من

- کز سوز سینه شمع مزارم دل خود است

- سال‌ها گرد زمین چون آسمان گردیده‌ام

- تا چنین روشندل و صافی روان گردیده‌ام

- سبز گردیدست چون طوطی پروبالم ز زهر

- تا در این عبرت‌سرا شیرین زبان گردیده‌ام

- سایه من گرچه میبخشد سعادت خلق را

- از جهان قانع به مشت استخوان گردیده‌ام

• **لوحه ۵**

ماده‌ی تاریخ

بنام ایرد

- جهان آباد و دهر ایمن ز آفات و مصائب شد

- ز سعی و همت آن انجمن که آثار ملی را

- نگهبان از گزند دهر و آسیب نوایب شد

- بنایی این چنین محکم پی و زیبا و نغز آیین

- پی آرامگاه شاعر مشهور صائب شد

- مهین استاد نام آور که در طرز سخنرانی

- میان شاعران عهد چوغمه در کواکب شد

- چو خورشید است آثارش بهر بوم و بری طالع

- اگرچه خود به زیرِ بر خاک تیره غارب شد

- سخن چون صبح صادق دان کرو خورشید می‌زاید

- و گر عمر سخندان در مثل چون صبح کاذب شد

- سخن کوتاه کنم چون یافت این آرامگه پایان

- به تاریخ بنا طبع سخن پرداز راغب شد

- سنا پا در میان بنهاد و گفت از بهر تاریخش

- اساس طرح این آرامگاه از فکر صائب شد

آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان از انجمن درخواست کرده بودند که به منظور توجه بیشتر در مورد رنگ آمیزی کاشی‌ها و چگونگی خطوط آقای مهندس فروغی به اصفهان عزیمت نمایند و در اواخر اسفند ماه ۱۳۴۴ ه.ش آقای مهندس فروغی به اصفهان رفتند و با حضور ایشان تصمیمات مقتضی اتخاذ گردید

سنگ مزار

سنگ قدیمی مزار صائب در سنگ مرمر یک پارچه یزد که جاسازی شده قرار گرفته است طول سنگ مرمر دو متر و چهل و شش سانتیمتر و عرض آن ۹۸ سانتی‌متر و ارتفاعش ۵۵ سانتی‌متر می‌باشد و برروی سطح شمالی سنگ با خط نستعلیق نوشته شده است: «سینه‌ی صائب زیارتگاه ارباب دل است». سنگ قدیمی دارای ۲ متر و پنج سانتی‌متر طول و ۴۱ سانتی‌متر عرض است و بر آمدگی آن از روی سنگ مرمر ۵ سانتی‌متر می‌باشد و چنانکه سابقا اشاره شد وسط آن را برای گذاشتن گل و...کنده‌اند و کتیبه‌ای که پیش از این ذکر شد برروی آن نقش شده است

گشایش آرامگاه

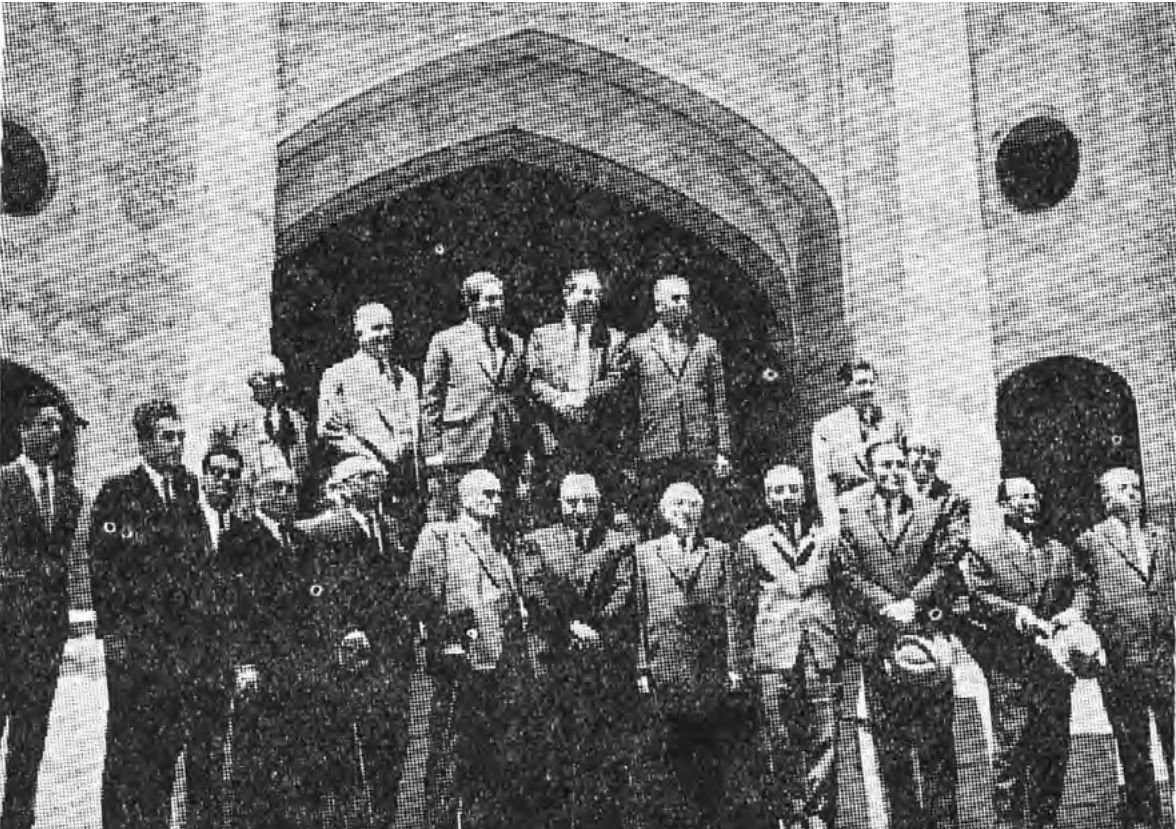
ساختمان آرامگاه صائب در اصفهان که مقدمات آن در سال ۱۳۴۲ ه.ش فراهم شده بود. به کوشش و هزینه‌ی انجمن آثار ملی از اواخر همان سال آغاز گردید و در سال ۱۳۴۶ ه.ش به پایان رسید. آقای مهندس همایونفر استاندار اصفهان در اسفند ماه سال ۱۳۴۶ ه.ش از انجمن آثار ملی درخواست کرد تا نظر انجمن را درباره‌ی برنامه‌ی افتتاح آرامگاه اعلام نمایند و از طرف انجمن مراتب به دفتر مخصوص شاهنشاهی اطلاع داده شد و از دفتر مخصوص به انجمن ابلاغ گردید که: «بطوری که در خور مقام این سراینده‌ی بزرگ است ترتیب گشایش آرامگاه توسط جناب آقای استاندار اصفهان داده شود. آقای ابراهیم همایونفر استاندار اصفهان به اطلاع انجمن رسانید که: بنای جدید آرامگاه خلاق‌المضامین شادروان صائب تبریزی شاعر عالیقدر که به وسیله‌ی انجمن آثار ملی ایران و اصفهان متناسب با شئون آن دانشمند و شاعر بلند پایه بنا شده پایان پذیرفته است و روز سه‌شنبه شانزدهم مهر ماه ۱۳۴۷ ه.ش. ساعت ۱۰/۵ صبح طبق برنامه مخصوصی افتتاح خواهد شد. بدین منظور از عده‌ای از مقامات عالی‌رتبه کشور دعوت به عمل آمده است که در مراسم مزبور شرکت فرمایند و آقای حسین همدانیان عضو انجمن آثار ملی اصفهان نیز افتخار پذیرائی از مهمانان گرامی را به ناهار دارند چنانچه به غیر از اشخاص مذکور در فهرست ضمیمه فهرستی از مدعوین ضمیمه بوده است شخصیت‌های دیگری را هم مصلحت بدانند از آنجا که مهماندار واقعی انجمن آثار ملی است دعوت فرمایند.

ساعت ۱۰/۵ روز سه شنبه شانزدهم مهرماه ۱۳۴۷ ه.ش مراسم گشایش آرامگاه صائب با حضور جمع کثیری از دانشمندان و معاریف کشور و مهمانانی که از تهران و آذربایجان به اصفهان آمده بودند و جمعی از نمایندگان مجلسین، مدیران کل و رؤسای سازمان‌های دولتی و شعرا و علاقه‌مندان صائب بدین شرح انجام گردید بدواً آقای همایونفر استاندار اصفهان ضمن خیر مقدم به مهمانان از توجهات خاصه ملوکانه و خدمات ارزنده‌ی انجمن آثار ملی سپاسگزاری کرد سپس آقای حبیب‌الله اشراقی رئیس فرهنگ و هنر استان اصفهان اظهار داشت: با اجازه‌ی حضار محترم از طرف انجمن آثار ملی اصفهان به اینجانب که عضوی از اعضاء آن هستم افتخار این مأموریت داده شده که از حضور میهمانان ارجمند گرامی که بدین منظور رنج سفر بر خود هموار فرموده‌اند و عموم علاقه‌مندان و مدعوین محترم که به دعوت جناب آقای همایونفر استاندار معظم و ریاست انجمن آثار ملی اصفهان در این محفل پرشور شرکت فرموده‌اند اظهار تشکر و سپاسگزاری نماید بدیهی است معرفی شاعر بلندپایه و عالی‌قدری چون صائب حق بزرگی برگردن ادبیات گران‌مایه‌ی ایران دارد در مجلسی که از ادبا، اساتید و دانشمندان نامور تشکیل یافته است جایز نیست تنها به ذکر بیتی از آن شاعر ارجمند که مناسبت مجلس با شکوه امروز را بر مزارش تداعی می‌کند اکتفا نماید:

- سر بهم آورده دیدم برگ‌های غنچه را

- اجتماع دوستان یکدم آمد بیاد

در اینجا اجازه می‌خواهد گزارش مختصری از اقدامات انجام یافته به منظور احداث



هیئت موسسان انجمن آثار ملی و اعضای انجمن آثار ملی اصفهان و عده‌ای از مقامات مربوط در کاخ هشت بهشت اصفهان (به هنگام مسافرت هیئت نامبرده به اصفهان برای انجام امور مربوط که ترتیب ساختمان آرامگاه صائب نیز از جمله‌ی آن بود)

ردیف اول از سمت راست به چپ: حسین‌قلی ملک‌نصر (دبیر انجمن) - دکتر علی‌اکبر شهابی - سید محمدتقی مصطفوی - مهندس پارسا - دکتر شفق - دکتر صدیق - علی اصغر حکمت - سید حسن تقی‌زاده - تیمسار آقا‌اولی - تیمسار فیروز - نامشخص - احمد کاشانیان - نامشخص

ردیف دوم: احمدعلی بشارت (باستان‌شناسی اصفهان) - دکتر لطف‌الله هنرفر - مهندس سیحون - دکتر محمود مهران - سید مجتبی کیوان - حسین جودت



چند نفر از اعضای هیئت موسسان انجمن و مقامات مربوطه‌ی اصفهان بر سر مزار صائب پیش از احداث بنای شاعر.

از سمت راست به چپ: کشاورز، رییس اوقاف وقت اصفهان، نفر دوم - نفر دوم نامشخص - حسین جودت(کارمند انجمن) - دکتر محمود مهران - دکتر شفق - سید حسن تقی‌زاده

- دکتر صدیق - تیمسار سرلشکر فیروز - حسن مشحون (مدیر باستان‌شناسی) - تیمسار سپهبد آقا‌اولی - علی‌اصغر حکمت - نامشخص - مهندس پارسا (استاندار وقت اصفهان)



این آرامگاه را به عرض برساند:

پرتو عنایات و توجهاتشان این گونه از ادبا و دانشمندان نامور این سرزمین تجلیل و به عمل می‌آید. در پایان لازم می‌داند از توجهات علاقه‌مندانه جناب آقای همایونفر دار معظم و ریاست محترم انجمن آثار ملی اصفهان که علاقه وافری به تجلیل آخر ملی ابراز می‌فرمایند اظهار کمال تشکر و سپاسگزاری نماید. آرزو مند است با والای جناب ایشان و علاقه‌مندی فراوان مردم ادب پرور اصفهان نسبت به احداث آرامگاه خلاق المعانی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی نیز اقدامات شایسته انجام گیرد. گاهی که متناسب با شان این شاعر بلندپایه است بر مزار وی ایجاد گردد.»

ن استاد همایی:

جلال‌الدین همایی از زبان همه‌ی ادبا و ادب‌دوستان درود فرستاد به سخن خویش ادامه داد:

«باغ آرامگاه صائب به روزگار صفویه محل اقامت و یا لنگرگاه درویش صالح لبنانی بوده است، صائب در حق درویش اعتقادی عظیم داشت و درویش نیز به شاعر بزرگ با دیده احترام می‌نگریست باغ لنگرگاه درویش بالاخره آرامگاه صائب شد و سالیان دراز به باغ تکیه معروف بود. در مهرماه سال ۱۳۰۱ شمسی من که در مزارات اصفهان مشغول جستجو و تحقیق بودم با نشانی‌های تاریخی بدین محل برخورد نمودم، در آن هنگام هیچ اثری از مزار و سنگ آرامگاه در باغ دیده نمی‌شد و این باغ وصف به کمک باغبان بستان‌سرای صائب در گوشه‌ای به حفاری پرداختم و سنگ مزار شاعر بزرگ را از زیر توده‌های بیرون آوردم بعد از آن کم‌کم اهل ادب از محل آرامگاه صائب آگاهی یافتند. چند سال قبل در مهرماه بود که به زمان نخست‌وزیری جناب آقای علم اولین کلنگ آرامگاه صائب به زمین زده شد و اکنون

فیروزکوهی شاعر محاصر چنین آغاز سخن کرد: آمدن من به اصفهان با ضعف مزاج و بیماری حرکت شوقی و عاشقانه بود و الا در چنین حالی چنین مسافرتی ممتنع می نمود و اما دربارهی مقام صائب سخن می گویم جز آنکه آشکارا سازم که من در برابر نبوغ و عبقریت صائب فنای محضم، آنگاه قصیده ی شیوایی را که پنجاه و هفت بیت بود و به همین مناسبت - سروده بودند خواندند و چند بیت آن این است:

شک چنان را که لقب نصف جهان است
نصف جهان است که نصفش به چنان است
است بدان نصفه که آن نصفه عیان است
است بدین نیمه که این نیمه جهان است...

ب که مقام سخن و فکر صوابش
ز کلام است و فراز ز بیان است
قلمش تیغ جهانگیر معانی

ب. سخنش کشور اندیشه‌ستان است



- آن طرح نوائین بنگر برسر خاکش

- تاخاک ببینی که همه نورفشان است

- هر شمع بر آن خاک بشکرا نه زبانیت

- هر چند که آن طور سخن بسته دهان است

پس از آن آقای مجتبی کیوان شاعر توانای اصفهان شعر خود را که تضمینی از غزل صائب

بود قرائت کرد و یک بند آن این است:

- صائباً نامه به نام تو چو عنوان گردد

- کیست آن کو نه به مدح تو ثنا خوان گردد

- چندی از قبر تو چون قدر تو پنهان گردد

- ماه آخر ز پس ابر نمایان گردد

- قدر تو روشن و قبر تو گلستان گردد

- خاک پای تو زیارتگه رندان گردد.

- دل ما کی تهی از درد به افغان گردد

- این نه ابری است که با باد پریشان گردد

آقایان عبدالحسین سپنتا عضو انجمن آثار ملی اصفهان و بی‌ریای گیلانی (شیدا) دبیر

انجمن ادبی مکتب صائب نیز بیاناتی ایراد کردند و آنگاه شادروان صغیر اصفهانی این

قطعه را قرائت کرد:

- درخواب گشت صائب ظاهر بچشم جانم

- با طلعتی که وصفش گفتن نمیتوانم

- گفتنم که اهل تبریز یا اهل اصفهانی

- خود حل این معما فرمای تا بدانم

- گفتا که زادگاهم هرچند اصفهان است

- و اکنون چو گنج پنهان در خاک اصفهانم

- اما به آب و خاکم نسبت مده که دیگر

- من نیستم زمینی خورشید آسمانم

- اندر جهان نباشد جایی که من نباشم

- تبریز و اصفهان چیست من صائب جهانم

و بدین ترتیب مراسم افتتاح آرامگاه صائب به پایان رسید.

دیوان صائب

همزمان با ساختمان آرامگاه صائب تبریزی، انجمن آثار ملی برای چاپ دیوان اصلی از

حکیم و سراینده‌ی بزرگوار اقدام نمود و خوشبختانه نسخه‌ای خطی از زمان شاعر که

قسمت‌هایی از آن به خط خود او است به دست آمد و طبق سفارش انجمن آثار ملی

آقای سیدکریم امیری فیروزکوهی شاعر و ادیب معاصر مقدمه‌ی جامعی به خط خوش و

متناسب با متن دیوان تدوین نمود و دیوان بدون تغییر و تصرف عینا به صورت افست به

چاپ رسید. متن دیوان ۹۶۶ صفحه ومقدمه ۱۲۰ صفحه است و در پایان مقدمه درباره‌ی

مختصات نسخه آمده است که باید دانست که هیچ‌یک از این دواوین موجود، کلیات

صائب نیست، بلکه همه‌ی آنها منتخباتی است که شخص صائب به تفاریق ایام و بر

حسب درخواست این و آن می‌نویسانده و غزل‌های تازه ساخته‌ی خود را در حواشی آنها

به خط خویش اضافه می‌کرده است؛ ولیکن این نسخه نسبت به اغلب نسخی که من

دیده‌ام دارای غزل‌های بیشتر و در حدود دو برابر آنها است و ثانیاً خط متن هم تقلیدی

ماهرانه از خط صائب و بسیار شبیه به حواشی است .



پرفسور پوپ و آرزوی او*

دکتر حسین بحرالعلومی

عکاس: علی گرجیان

پرفسور آرتور اپهام پوپ Arthur Upham Fope مؤلف کتاب بسیار نفیس بررسی هنر ایران (A Survey of Persian Art) از سال ۱۳۱۷ ه.ش تا سال ۱۳۱۸ ه.ش در شش جلد به چاپ رسیده است از بزرگترین شرق شناسان جهان بود و چنانکه قبل اشاره کرده‌ایم در اواخر فروردین سال ۱۳۰۴ ه.ش به تهران آمد و در جلسه‌ای در تالار بزرگ خانه‌ی سردار اسعد بختیاری وزیر پست و تلگراف وقت که اینک تالار بزرگ باشگاه بانک ملی ایران است در حضور رضا شاه که در آن هنگام سردار سپه و نخست وزیر و وزیر جنگ و فرماندهی کل قوا بودند و هفت ماه بعد به سلطنت رسیدند و عده‌ای دیگر درباره‌ی هنر ایران سخنرانی مهیجی ایراد کرد. پرفسور پوپ معلم هنرهای شرق نزدیک در دانشگاه شیکاگو بود و همواره به ایران و سوابق تاریخی و هنر ایران عشق می‌ورزید و تا واپسین روزهای زندگانی خود در بازشناسیدن هنر و فرهنگ ایران تلاش می‌کرد. آقای دکتر صدیق نوشته‌اند که: «در سال ۱۹۶۰ میلادی مطابق با سال ۱۳۳۹ شمسی به همراه ده نفر از استادان دانشگاه برای برگزاری چهارمین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران که در نیویورک و واشنگتن تشکیل می‌شد به آمریکا سفر کرده بودیم. پرفسور پوپ ریاست اجرایی کنگره را به عهده داشت و در همانجا از من خواست تا از حضور شاهنشاه تقاضا کنم اجازه فرمایند تا او در وصیت‌نامه‌اش قید کند که پس از مرگ جسد او به ایران حمل و در اصفهان دفن شود». در کتاب یادگار عمر در این باره چنین آمده است:

روز ۱۹ اردیبهشت هیات نمایندگی ایران از واشنگتن به نیویورک بازگشت، در آنجا روزی پرفسور پوپ با تلفون وقت ملاقات خواست و گفت چند دقیقه می‌خواهد مرا تنها ببیند. روز ۲۷ اردیبهشت ماه سه ساعت و نیم پس از

نیمروز به مهمان‌خانه بزرگ شمالی به دیدن من آمد و پس از اظهار خرسندی از برگزاری کنگره و ابراز امتنان از هیات نمایندگی ایران مختصری از زندگانی خود به ویژه از ۱۳۰۴ که نخستین بار به ایران آمده بود بیان داشت و نتیجه گرفت که در اثر مطالعات و تحقیقات و مشاهدات خود ضمن ۲۰ سفر به ایران ستایش بیحد وعشق بی‌ریا نسبت به ایران پیدا کرده و زیبا دوستی، انسانیت و قدرشناسی ایرانیان چندان او را مسحور کرده که می‌خواهد این ستایش و عشق را در آینده در مردم سایر ممالک نیز ایجاد کند آنچه تا آن موقع در تالیفاتش نوشته درخور فضلا و دانشمندان است و آنچه در نظر دارد بکند برای جهانگردان و اشخاص عادی است. به دنبال این بیانات گفت: من اکنون در آستانه‌ی هشتادمین سال عمر خود قرار دارم و می‌خواهم وصیت کنم آرزوی من این است که جسد من در ایران به خاک سپرده شود تا آیندگان از ستایش من نسبت به ایران و هنرمندان و متفکرین بزرگی که در دامن خود پرورده است مستقیما و به رأی‌العین آگاه شوند و قدر و مقام این ملت و مملکت را بدانند از شما خواهش می‌کنم مراتب را به عرض شاهنشاه ایران برسانید و اجازه بگیرید من در وصیت‌نامه خود قید کنم که پس از مرگ جنازه مرا به ایران حمل کنند و در اصفهان به خاک سپارند». به او قول دادم که مراتب را به پیشگاه همایونی معروض دارم و برای نیل به مقصود هر کاری ممکن باشد انجام دهم. در مراجعت به ایران موضوع به حضور همایونی معروض افتاد و باعث تأثر و درعین حال قدردانی از احساسات استاد عالیقدر شد و به وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی دستور صادر گردید انجمن آثار ملی پس از مکاتبه و مذاکره با شعبه انجمن در اصفهان و اعزام نماینده به آن شهر و بحث و گفتگو با مهندس ابراهیم پارسا استاندار آنجا و تماس مکرر



۱- بحرالعلومی، حسین (۱۳۴۰) کارنامه‌ی انجمن آثار ملی، انتشارات انجمن آثار ملی

۲- دانشیار دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۱۲۹۶-۱۳۶۸)



با شهرداری اصفهان، سرانجام درباغ شهرداری در ساحل زاینده رود در مشرق پل خواجه زمین مناسبی را برای این منظور انتخاب کرد.» نامه پرفسور پوپ در تاریخ ۱۴ مهرماه ۱۳۴۴شمسی مطابق با ششم اکتبر ۱۹۶۵، پرفسور پوپ به آقای دکتر صدیق نایب رئیس هیات موسسان انجمن آثار ملی نامه‌ای درباره علل آرزومندیش به این امر که در ایران و در شهر اصفهان به سپرده شود از، وارن، ایالت کنتیکوت ایالات متحده امریکا نوشته که ملخص ترجمه آن چنین است:

... راجع به مسائل مربوط به آرامگاه برای ما دو نفر (پرفسور وهمسرش) اختیار مذاکره و تصمیم با شماست که هر ترتیبی را رضایت بخش می‌دانید بدهید. اصفهان مورد عشق مخصوص من است در آنجا مهم‌ترین کارهای خود را انجام داده و بزرگ‌ترین سعادت را درک کرده‌ام.

منظور عمده من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم ایران نشان داده شود که اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران خلاق و دانشمند آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرف‌ترین ستایش متفکران سایر کشورهاست، تا آنجا که می‌خواهند ابراز حق‌گزاری و اخلاص آنها تنها زبانی نباشد بلکه به زواری که از سایر اقطار عالم بدانجا می‌آیند ثابت کنند که اگر کسی در ایران به خاک سپرده شده به این علت نیست که تصادفا در آنجا جهان را بدرود گفته، بلکه بر اثر اعتقاد راسخ به مقدس بودن آن سرزمین است و برای کسانی که به مقام معنوی ایران پی برده‌اند مزیت و افتخاری است که ایران را آخرین منزل خود قرار داده‌اند تا به این وسیله ایمان خود را به سرزمین و مردان بزرگی که آن را طی قرن‌ها به وجود آورده‌اند و آینده با افتخاری که برای آن پیشگویی می‌کنند ابراز دارند.» از طرف انجمن آثار ملی اصفهان نامه‌ای به پرفسور پوپ نوشته و به وی اطلاع داده شد که رونوشتی از نامه ۶ اکتبر ۱۹۶۵ آن ایرانشناس ارجمند و دانشمند والامقام از طرف جناب

آقای سناتور پرفسور عیسی صدیق در جلسه‌ی انجمن آثار ملی ایران که اینجانب هم افتخار شرکت در آن را داشتم مطرح و مورد تجلیل و احترام اعضای محترم آن انجمن قرار گرفته و برای اتخاذ تصمیم و انتخاب زمین به وسیله‌ی اینجانب به انجمن آثار ملی اصفهان ارجاع و در جلسه‌ی انجمن با احترام و توجه کامل قرائت و تصمیمات زیرین اتخاذ گردید:
اولا باید به اطلاع جنابعالی برساند که مضمون نامه‌ی آن استاد عزیز و احساسات پاک و لطیفی که نسبت به شهر اصفهان ابراز داشته‌اید تمام اعضای انجمن را تحت تاثیر قرارداد و از دل و جان به این همه عاطفه و احساس که از منبع دانش و کمال سرچشمه می‌گیرد آفرین خواندند و از خداوند متعال برای شما و خانم عزیزتان طول عمر و سلامت درخواست دارند.
ثانیا نظر جنابعالی که آرامگاه ابدی شما و سرکار خانم در اصفهان باشد همانطوری که مورد موافقت... قرار گرفته از طرف اعضای این انجمن اقدام خواهد شد و زمین مناسبی در بولوار کنار پل خواجه در نظر گرفته می‌شود که عمارت متناسب و آبرومندی نیز در آن تاسیس و ساخته شود.
بنابراین انجمن آثار ملی اصفهان خرسند است که با تامین منظور جنابعالی بتواند در مقابل خدمات عظیم و گران‌بهای آن ایران‌شناس عزیز به فرهنگ و هنر و تاریخ و آثار باستانی این مرز و بوم کهن خدمت کوچکی که مورد علاقه جنابعالی و آرزوی همه‌ی دانشمندان و اهالی اصفهان است انجام دهد.
در خاتمه باز هم سلامت و تندرستی برای جنابعالی و خانم عزیزتان آرزومندیم و در مقابل مقام شامخ علمی جنابعالی و ارجمندی تحقیقات و کارهای گران‌بهای شما در شناختن ایران باستان سر تعظیم فرود می‌آوریم.
با تقدیم احترامات فائقه استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان.

اقدامات انجمن آثارملی اصفهان

در اواخر سال ۱۳۴۴ شمسی آقای مهندس پارسا استاندار و رئیس انجمن آثار

ملی اصفهان به آقای علی‌اصغر حکمت رئیس هیات موسسان انجمن آثار ملی نوشته‌اند که: «در اجرای اوامر اعضای محترم آن انجمن و همچنین انجام تقاضای مورخ ششم اکتبر ۱۹۶۵ دانشمند و خاورشناس آقای پرفسور پوپ که رونوشت آن از طرف سناتور محترم جناب آقای دکتر صدیق جهت اختصاص قطعه زمینی در اصفهان برای ساختمان آرامگاه دانشمند مزبور به اصفهان ارسال گردیده بود به استحضار عالی می‌رساند که موضوع با نهایت علاقه در یک جلسه، انجمن آثار ملی اصفهان مطرح شد و با علاقه مخصوص انجمن به انجام تقاضای آقای پرفسور پوپ و اینکه آرامگاه در محل مناسب و آبرومندی که در معرض دید همه‌ی سیاحان و واردین قرار گرفته از هر جهت آبرومند باشد مقرر شد. قطعه زمینی از انتهای شرقی بلواری که از طرف شهرداری در قسمت شرقی پل خواجه ساخته شده و فعلا مورد استفاده اهالی و سیاحان و مسافران قرار دارد و از هر جهت مناسب می‌باشد در اختیار آن انجمن قرار گیرد تا به هر نحو که صلاح و مقتضی بدانند اقدام لازم معمول فرمایند.»

از طرف انجمن آثار ملی در پاسخ نامه‌ی آقای مهندس پارسا یادآور شده‌اند که موضوع در جلسه‌ی هیات موسسان مورد مذاکره واقع شد و مقرر گردید که آقای مهندس محسن فروغی به اصفهان عزیمت نمایند و در محل ضمن مطالعه نظر انجمن را نیز اعلام کنند تا اقدام لازم معمول گردد.

در بهمن ماه سال ۱۳۴۵ش.از طرف استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان به انجمن آثار ملی اطلاع داده شده است که در ملاقاتی که روز اول دی ماه با جناب پرفسور و خانم ایشان در اصفهان دست داد. ایشان اظهار علاقه نمودند که ساختمان آرامگاه هر چه زودتر شروع شود تا در بهار سال آینده که از شیراز به اصفهان می‌آیند بنای مذکور را شخصا بازدید کنند. بنابراین مقرر شود که نقشه‌ی مصوب انجمن را ارسال دارند و اعتبار ساختمان مذکور نیز تامین و حواله گردد تا ساختمان آرامگاه آغاز شود و چون



مقرر بود که نقشه‌ی بنا توسط آقای مهندس فروغی تهیه شود و ساختمان آن نیز با نظارت ایشان انجام گیرد لذا مراتب به آقای مهندس فروغی اطلاع داده شد و ایشان وعده دادند که نقشه‌ی ساختمان را تهیه و ارسال دارند و چون تا آخر فروردین ۱۳۴۷ش.هنوز نقشه‌ی تهیه و ارسال نشده بود مجددا آقای مهندس همایونفر استاندار اصفهان از انجمن درخواست کردند که نقشه را تهیه نموده و ارسال کنند.

آقای دکتر صدیق نوشته‌اند که به هنگام تشکیل پنجمین کنگره‌ی بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران در تهران و اصفهان و شیراز در فروردین ۱۳۴۷ پرفسور پوپ که ریاست کنگره‌ی پنجم را به عهده داشت در اصفهان از باغ شهرداری و زمینی که انتخاب شده بود دیدن کرد و مراتب امتنان خود را شفاها و کتبا ابراز داشت مهندس محسن فروغی نقشه‌ی آرامگاه را طبق تمایل پرفسور پوپ به اسلوب معماری قرن پنجم هجری تهیه نمود که مورد تحسین او واقع شد.

درگذشت پرفسور پوپ

در سال۱۳۴۵ ه‍.ش موسسه آسیایی که پرفسور پوپ مدت‌ها پیش برای پژوهش و تدریس فرهنگ آسیا به ویژه ایران در نیویورک تاسیس کرده بود به تصویب دولت به شیراز منتقل و وابسته به دانشگاه پهلوی شد و پرفسور و همسرش در آنجا مشغول خدمت شدند.

پرفسور پوپ روز هشتم شهریور ۱۳۴۸ ه‍.ش دنیا را بدرود گفت و جنازه‌اش به اصفهان حمل و در محل تعیین شده در باغ شهرداری با احترامات شایسته به خاک سپرده شد.

ساختمان آرامگاه

در تاریخ هجدهم اسفند ۱۳۴۸ ه‍.ش از طرف انجمن آثار ملی مبلغ سیصدهزار ریال به عنوان آقای مهندس باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی غناینده‌ی سازمان ملی



که با کاشی و آجر تزیین یافته است. آزاره آرامگاه به ارتفاع سی سانتی‌متر از سنگ تیشه‌ای است و در ورودی آرامگاه که در جنوب واقع است از چوب و به سبک درهای دوره صفویه تزیین شده و عمل حسن عشاقی نجار اداره فرهنگ و هنر اصفهان می‌باشد و در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ه.ش.) تهیه شده است. نمای آرامگاه از آجر و بنا دارای دو گنبد از سنگ تیشه‌ای است که در واقع یک گنبد بر فراز قبر پرفسور پوپ و یک گنبد بالای قبر همسر او می‌باشد. داخل آرامگاه باسنگ تیشه‌ای مفروش است و قبری که در سمت جنوب آرامگاه است از شادروان پرفسور پوپ می‌باشد و سنگی به طول ۱٫۶۰ متر و عرض ۵۰ سانتی‌متر از نوع سنگ گرانیت ماشینی مرغوب اصفهان بر روی قبر می‌باشد و بر آن نوشته‌اند:

آرامگاه پرفسور پوپ ایرانشناس نامور آمریکائی
۱۳۴۸ - ۱۲۶۰ هجری خورشیدی
ARTHUR UPHAM POPE
AMERICAN EXPERT
IN
PERSIAN ART
۱۸۸۱-۱۹۶۹

در ایران از آن جستم آرامگاه که تا باز دانند یاران راه
که اندر جهان هر که دانشور است از این خاک پاکش به سر افسر است

در شمال آرامگاه قبر دیگری برای همسر پرفسور پوپ تهیه شده است. بر دیوار شمالی آرامگاه لوحه‌ای است از سنگ گرانیت مشکی و روی آن دو لوحه‌ی فلزی قرار دارد. یکی به زبان انگلیسی و دیگری ترجمه‌ی آن به زبان فارسی. لوحه‌ی انگلیسی که نامه‌ی پرفسور پوپ است چنین است و بر روی لوحهٔ فارسی چنین نوشته شده است: (صفحات بعد)

حفاظت آثار باستانی اصفهان حواله گردید تا ساختمان آرامگاه را آغاز نماید و در اوایل فروردین ۱۳۴۹ ه.ش مهندس شیرازی به اطلاع انجمن رسانید که نقشه برداری از محل و طرح سکوسازی و تعیین موقعیت بنا صورت گرفته و ساختمان بنا آغاز خواهد شد پس از تهیه‌ی مقدمات و نقشه‌های لازم در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ ه.ش عملیات ساختمان آرامگاه بر مبنای نقشه‌ی تهیه شده به وسیله‌ی آقای مهندس فروغی و نظارت دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان و آقای معارفی معمار آغاز گردید و تا مردادماه اسکلت اصلی به اتمام رسید در آبان‌ماه اطلاع داده شد که ساختمان بنا تا زیر گنبد سنگی آن پایان یافته و در مورد سنگ‌های گنبد به علت موجود نبودن سنگ‌های یک پارچه آقای مهندس فروغی دستور داده‌اند که گنبد‌های سنگی به صورت چهارپارچه ساخته شود، سنگ‌ها از نوع سنگ گرانیت اصفهان انتخاب گردیده و بزودی به نصب آنها اقدام خواهد شد. با مبالغی که بعدا از طرف انجمن آثار ملی حواله شد از سال ۱۳۴۹ ه.ش آرامگاه ساخته شد و در اواسط سال ۱۳۵۱ ه.ش کاشی‌کاری‌های داخلی نصب، سنگ قبرها، تنظیم فضای اطراف آرامگاه و تزیینات دیگر به پایان رسید و مجموعاً در حدود یک میلیون و چهارصد هزار ریال مخارج بنا شد.

چگونگی بنا

آرامگاه برروی سکوئی بنا شده که تا سطح زمین در حدود ۶۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و از سنگ تیشه‌ای مفروش شده است و به وسیله‌ی پله‌هایی که در اطراف تعبیه شده به بالای آن می‌رسند در خارج آرامگاه و گردآگرد آن ایوانی می‌باشد و ساختمان به صورت اتاق مستطیل شکلی است که طول آن شش و عرض آن سه متر می‌باشد و در حدود پنج متر ارتفاع دارد، در سمت مشرق و مغرب دو درگاه طاق و چشم‌های مشبک از آجر و کاشی و در سمت شمال یک درگاه به همین وضع می‌باشد و اطراف هر درگاه حاشیه‌ای است

ARTHUR UPHAM POPE
WARREN, CONNECTICUT
P.O. Cornwall Bridge, Conn.

October 6th, 1965.

H. E. Issa Sadiq
316 Heydayat
Teheran, Iran

My dear Sadiq:

Concerning all matters pertaining to a final resting place for both of us, all negotiations are in your hands and you have my authority to make any arrangements that you think are satisfactory.

Isfahan is, of course, my special love, where my most important work was done and my greatest happiness. It would be an appropriate place insofar as my own sentiments go. All such matters I leave to you.

As you know, His Majesty has twice approved of this arrangement, but my recent collapse makes it desirable for me to have some assurance that - if an urn with ashes had to be shipped to Persia, they would be properly received and disposed of there.

The whole point is to show the Persian people that their great spirits, artists, poets, creative leaders, scholars are of such quality as to evoke the profoundest admiration of kindred spirits in other lands, who affirm their gratitude and devotion in more than words, and to affirm to visitors from other countries that one is not interned in Persia by the accident of dying there, but with the conviction that it is a holy ground and a privilege for those who understand it to use it as a final resting place, as a witness of their faith in the land and the great personalities that have through the many centuries made it what it has been and, at the same time, prophesize a noble future.

You are very good to attend to this, with all the other matters on your mind.

Devotedly yours,

Arthur Upham Pope

ملخص ترجمه نامه مورخ ۱۴ مهر ۱۳۴۴ (۶) اکتبر (۱۹۶۵) آرثور ابهام پوپ
ایران شناس نامی و ایران دوست بزرگوار به جناب آقای دکتر عیسی صدیق نایب
رئیس هیئت موسسان انجمن آثار ملی درباره‌ی علل آرزومندیش که در ایران و
شهر اصفهان به خاک سپرده شود از وارن ایالت کنتیکوت ایالت متحده آمریکا
۶ اکتبر ۱۹۶۵.

بعد از عنوان و مقدمه... اصفهان مورد عشق مخصوص من است... در آنجا
مهم‌ترین کارهای خود را انجام داده و بزرگ‌ترین سعادت را درک کرده‌ام.
منظور عمده‌ی من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم
ایران نشان داده شود اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران خلاق
و دانشمندان آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرف‌ترین ستایش
متفکرین مشابه سایر کشورهاست تا آنجا که می‌خواهند ابراز حق‌گزاری و
اخلاص آنها تنها زبانی نباشد بلکه بزواری که از سایر اقطار عالم به دانجا می‌آیند
ثابت کنند که اگر کسی در ایران به خاک سپرده شده به این علت نیست که
تصادفا در آنجا جهان را بدرود گفته بلکه در اثر اعتقاد راسخ به مقدس بودن
آن سرزمین است و برای کسانی که به مقام معنوی ایران پی‌برده‌اند مزیت و
افتخاری است که ایران را آخرین منزل خود قرار داده‌اند تا بدین وسیله ایمان
خود را به سرزمین و مردان بزرگی که آن را طی قرن‌ها به وجود آورده‌اند و
آینده‌ی با افتخاری که برای آن پیشگویی می‌کنند ابراز دارند.

در حاشیه‌ی گنبدها با خط نستعلیق با کاشی زمینه‌ی فیروزه‌ای این ابیات سروده
استاد جلال‌الدین همایی نوشته شده است:
کتیبه گنبد اول چنین است:

شما ای که بر خاک من بگذرید
کنونم که امکان گفتار نیست
اگر چه نباشد زبانه بکار
منم پیکری از هنر ساخته
مرا آرزو بود کادر جهان
در ایران از آن جستم آراگاه
که اندر جهان هر که دانشور است
از آنرو سپردم تن اندر به خاک

و کتیبه کنبه دوم چنین است:

گزیدم ز ایران زمین اصفهان
نهادم بر این تربت پاک سر
زدم خیمه در ساحل زنده رود
ز آثار ملی بفرمان شاه شد
در این سرزمین تا بر آسوده ام
بود تا ز پیشینگان یاد بود
چنان کرد باید که در روزگار
به پناه و سیصد پس از الف سال

سزود ژرف در حال من بنگرید
زبان دوغم جز آثار نیست
ز خاتم شود راز دل آشکار
بعشق هنر عمر در باخته
به ایران زمینم سرآید زمان
که تا باز دانند یاران راه
از این خاک پاکش به سرافراست
که خاتم شود جزو این خاک پاک

جهانی که خوانش نصف جهان
که گنجینه دانش است و هنر
که تا جان شود زنده زاو از رود
ایجا مرا طرفه آراگاه
سرفخر بر آسمان سوده ام
بر آیندگان باد از من درود
زما نام نیکو بود یادگار
سنا گفت بگذشته را وصف حال



آرتور آپهام پوپ مرا آرزو بود کاندز جهان

به ایران زمینم سرآید زمان

نویسنده: ویکتور دانیل (معماری دوران تحول)

این بیت زیبا و نغز، سروده‌ی استاد جلال‌الدین همائی به ایجاد؛ بیان شاعرانه‌ای از آرزوی پروفسور آرتور آپهام پوپ را قبل از مرگش برای آرمیدن ابدی در ایران بازگو می‌کند.
بخصوص آنجا که آرامگاه و خیمه ابدیش را در کنار زاینده‌رود آرزو می‌کند تا به مدد آواز رود یادگاری جاودانه سازد.

نهادم بر این تربت پاک سر
که گنجینه‌ی دانش است و هنر
زدم خیمه در ساحل زنده‌رود
که تاجان شود زنده ز آواز رود
آرتور آپهام پوپ Arthur Uphame Pope (۱۸۸۱-۱۹۶۹) متولد رودآیلند آمریکا و همسرش فیلیس آکرمن Phylis Ackerman (۱۸۹۳-۱۹۷۷) از ایران‌شناسان مشهور جهان هستند.

معروف‌ترین اثر پوپ کتاب «بررسی هنر ایران» «A survey of Persian Art» است. این کتاب در شانزده جلد و از قرار معلوم جامع‌ترین مرجع و ماخذ درباره‌ی هنر ایرانی است. پوپ این کتاب را که دارای دویست کلیشه بزرگ و هزار و پانصد عکس سیاه و سفید و سیصد و پنجاه نقشه و هشتاد فصل است به کمک شصت و پنج نفر از اشخاص زیر دست و متخصص در مدت هشت سال فراهم آورده و در سال ۱۳۱۷ به چاپ رسانیده است.

همسر پوپ، پروفسور آکرمن در مراحل تحقیق و جمع‌آوری آثار پوپ همکاری نزدیکی با او داشت و در تمامی مراحل زندگی با او همراه بود.

از دیگر آثار پوپ می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- معماری ایران**: در این کتاب، تصاویری از هنر ایران مربوط به نخستین تمدن‌ها تا دوره‌ی صفویان دیده می‌شود.
- شاهکارهای هنر ایران**: در این کتاب، هنر ایران پیش از تاریخ در زمینه صنایعی چون: ساخت اشیای سفالی، مفرغی، نقره‌ای و فلزی، گچ‌بری، نقاشی، سنگ تراشی، منبت کاری، کتاب‌سازی، جلدسازی، تذهیب و قالی‌بافی همراه با ارائه تصاویر، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
- سفالگری ابتدایی ایران**: در این کتاب، تصاویری از هنر سفالگری دیده می‌شود.
- آشنایی با مینیاتورهای ایران**: این کتاب، حاوی تصاویر جالب و جذابی از سبک‌ها و دوره‌های مختلف مینیاتوری در ایران است.
- سیر و صور نقاشی ایران**: این کتاب، مصور به نقاشی‌های ایرانی است.
- معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ**: این کتاب، حاوی تصاویر و توضیحاتی در مورد معماری ایران از تخت جمشید تا اواخر دوره‌ی صفویه می‌باشد.
- هنر ایران در گذشته و آینده**: در این کتاب، متن سخنرانی مبسوط دکتر پوپ همراه با توضیحات کوتاهی از زندگی و مرگ وی، به چاپ رسیده است. (۱۵ خرداد، تابستان ۱۳۹۰: ۱۱۲ و ۱۱۳)

پوپ در اواخر فروردین ۱۳۰۴ ش به تهران آمد و در جلسه‌ای در تالار بزرگ خانه‌ی سردار اسعد بختیاری وزیر پست و تلگراف وقت، در حضور رضاشاه درباره‌ی هنر ایران سخنرانی مهیجی ایراد کرد. پروفسور پوپ معلم هنرهای شرق نزدیک در دانشگاه شیکاگو بود و همواره به ایران و سوابق تاریخی و هنر ایران عشق می‌ورزید و تا واپسین روزهای زندگانی خود در بازشناسانیدن هنر و فرهنگ ایران تلاش می‌کرد.» (بحرالعلومی، ۱۳۵۵: ۴۲۱)

«او در سال ۱۳۰۵ در نیویورک در موزه فیلادلفیا با کمک و حمایت صاحبان آثار قدیمی، اولین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران را ترتیب داد. چون کارش با موفقیت چشمگیری همراه بود، کنگره‌های دیگری نیز در سال



که به خط نستعلیق در حاشیه‌ی گنبد نقش بسته است.

شمایی که بر خاک من بگذرید
اگرچه نباشد زبانم به کار
به عشق هنر، عمر در باخته
مرا آرزو بود کاندز جهان
در ایران از آن جستم آرامگاه
که اندر جهان هر که دانشور است
از آن رو سپردم تن ایدر به خاک
گزیدم از ایران زمین اصفهان
نهادم بر این تربت پاک سر
زدم خیمه در ساحل زنده رود

(اشراق، ۲۰۱۰: ۱۰۶-۱۰۷)

ساختمان کوچک و متقارن آرامگاه، بنا به خواسته پروفسور پوپ، تحت تأثیر ویژگی‌های معماری ایرانی قرن پنجم طراحی و ساخته شده است. معماری آرامگاه پوپ، شباهت بسیاری با گور امیراسماعیل سامانی (۲۹۵ق) دارد. قرارگیری بر روی سکویی سنگی، حجم مکعبی و مشابَهت گنبدها در مقایسه این دو بنا قابل ملاحظه‌اند.
بخصوص این تشابه در کاربرد نقش آجر همراه با

منابع و مراجع:

کتاب‌های فارسی:

- اشراق، عبدالحمید (۲۰۱۰)، «زیرسایه فرهنگ» ، البرز، پاریس

- بحرالعلومی، حسین (۱۳۵۵) ، «کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ۱۳۵۵-۱۳۰۱ هجری خورشیدی»، چاپخانه میهن، تهران

- بحرالعلومی، حسین (۱۳۵۶)، مقاله‌ی «ایران‌شناسی که به ایران عشق می‌ورزید و بزرگترین آرزویش این بود که در ایران به خاک سپرده شود»، در نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۵۶، شماره‌ی پیاپی ۹۷ و ۹۸، صص «۱۴۳-۱۵۳

- صدیق، عیسی (۱۳۵۳)، «یادگارِ عمر، خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق استاد ممتاز دانشگاه»، جلد سوم، وزارت فرهنگ و هنر، تهران.

- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۰)، «سبک شناسی معماری ایرانی، محمد کریم پیرنیا»، پژوهنده- معمار، تهران.

نشریات:

- روزنامهٔ اطلاعات، ۱ اسفند ۱۳۵۵، شمارهٔ ۱۵۲۴۳.

- ۱۵ خرداد، دورهٔ سوّم، سال ۸، شمارهٔ ۲۸، تابستان ۱۳۹۰.ش



کاشی دیده می‌شود. این شیوه در دوره سامانی و سلجوقی رواج بسیار یافت.

محمد کریم پیرنیا این شیوه معماری را رازی نام نهاده است. در این شیوه ساخت گنبد و تاق بر خلاف دوره‌های قبل تنوع یافت و استفاده از آجر پیش‌بر و گره‌سازی معقلی و گچ‌بری در تزئین ساختمان کاربردی وسیع یافت. (معماریان، ۱۳۸۰: ۱۶۲- ۱۷۰)

از بناهایی که به این شیوه ساخته شدند می‌توان از گنبد سرخ مراغه (۵۲۷-۵۶۴ ق) و گنبد کبود مراغه (۵۹۳ ق) نام برد. (معماریان، ۱۳۸۰: ۲۰۳)

اکنون پروفسور پوپ و همسرش پروفسور آکرمن در آرامگاه کوچکی با وسعت حدود بیست مترمربع در کنار زاینده رود آرمیده‌اند. این بنا با همه‌ی کوچکی از آن معنی و عاطفه‌ی عظیمی با رهگذران، بازدیدکنندگان و تاریخ سخن می‌گوید که در دل خود نهفته دارد.

نگاه به میراث و عملکرد پوپ و وجود آرامگاهش، طی شش دهه‌ی گذشته فراز و نشیب‌هایی را به خود دیده است. برخی به او اتهاماتی وارده کرده‌اند مبنی بر این که اشیاء عتیقه ایران سر از موزه‌های آمریکایی در آورده است و برخی دیگر از او به خاطر خدماتش به ایران بی‌چون و چرا قدردانی کرده‌اند. واقعیت هرچه باشد او تصمیم گرفت که به خاطر علاقه‌ی عمیقی که به ایران داشت، اواخر عمر را در این سرزمین به سر برد و جایگاه ابدی خود را در این کشور و در کنار زاینده رود آرزو کند. آرزویی که تحقق یافت.



از راست: پرفسور آرتور ایهام پوپ، عبدالحمید اشراق، مسعود جهان‌آرا

در ستایش { آرتور ایهام پوپ } یک ستایشگر فرهنگ و هنر ایران به قلم، عبدالحمید اشراق

به‌ترین نوع ظروف سفالی لعاب‌دار را تولید می‌کردند که هیچ کشوری حتی چین و یونان قادر به رقابت با آنها نیست. آرتور ایهام پوپ، در مورد اکثر هنرهایی ایران چون معماری، فلزکاری، سنگ تراشی، تذهیب قالی‌بافی مینیاتور و... با دقتی بی نظیر و موشکافی، زمان پیدایش علت، پیشرفت، نوع عملکرد، و کلیه‌ی مشخصات دیگر آنها را در کتب خود توضیح می‌دهد. بارها جلساتی را با این شخصیت ساده‌ی فرهیخته و لاغر اندام داشتیم. با قدی کشیده و متین و با عصایی که بیانگر کهولت او بود و همیشه خامش به کمک او می‌رسید و به سوالات دوستان جواب می‌داد و معمولا علاقمندان به دور هر دو حلقه می‌شدند.

آرتور ایهام پوپ (ARTHUR-UPHAM POPE) متولد آمریکا در ایالت رد آپلند به سال ۱۲۵۹ شمسی بود تحصیلاتش را در رشته‌ی فلسفه انجام و به درجه‌ی استادی نائل آمده بود. در دانشگاه‌های مختلفی تدریس می‌کرد و به رشته‌ی فلسفه وفادار بود ولی پس از ازدواجش در سن ۳۹ سالگی با پژوهشگری در حوزه‌ی ایران شناسی خانم فیلیس اکرمن (PHYLIS ACKERMAN)، با آثار هنری ایران آشنا و سخت مورد توجهش قرار گرفت. او رشته‌ی فلسفه را ترک و به موزه‌داری پرداخت در این رشته نیز در زمان کوتاهی با سمت‌هایی چون مشاور و رئیس در موزه‌هایی نظیر کالیفرنیا این رشته‌ی هنری را پیگیری کرد. در اولین بازدیدش از ایران آقای حسین علاء در سال ۱۳۰۴ یک جلسه‌ی سخنرانی برای او ترتیب داد که علاوه بر رجال علمی وقت، سردار سپه، رضاخان نیز حضور داشت یکی از بحث‌هایی جالب او، به حضور غیر مسلمانان در مساجد و مکان‌هایی اسلامی اشاره داشت. او با تشریح آثار ارزنده‌ی ایران آن چنان تحلیل و تجلیلی از این آثار نمود که مسئولان بودجه‌های مناسبی را برای تعمیر چند بنای با ارزش، از جمله گنبد شیخ‌لطف‌الله در اصفهان مقرر کردند. از آن تاریخ با حمایت دولت، سفرهایی خود را به نقاط مختلف برای جمع آوری مدارک و گرفتن عکس شروع کرد. یک سال بعد در سال ۱۳۰۵، در نیویورک در موزه‌ی فیلادلفیا با کمک و حمایت صاحبان آثار قدیمی، اولین کنگره بین‌المللی هنر و باستانشناسی ایران را ترتیب داد. چون کارش با موفقیت چشمگیری همراه بود کنگره‌های دیگری نیز در سال ۱۳۰۹ در لندن در سال ۱۳۱۴ در شوروی و باز در نیویورک در سال ۱۳۳۹ برگزار کرد. آخرین

البته اروپائیان ناخشنودی بودند که می‌گفتند؛ به این ایرانی‌ها امیدی نباید داشت ، به جز آنکه برای ما اروپائیان مواد خام تولید کنند و آنگاه از ما مواد مصنوعی بخرند.» سخنی از آرتور پوپ به آن اضافه می‌کند: «ولی یک اروپایی سالخورده در گوشم به آهستگی گفت: یک کلمه از این حرف‌ها را باور مکن این‌ها ملتی بزرگ هستند و آینده‌ای دارند.» و در ادامه خطاب به ما اضافه می‌کند سنت‌های هنری بزرگ خود را فراموش نکنید و نیز فراموش نکنید، محققان هنرمندان و استادان بی شماری که سمفونی‌های امضاء نشده، معماری همچون مسجد جامع، یا گهرهای بی‌شمار ساغره‌ای فیروزه و هنر کوزه‌گری را آفریده‌اند.» با این گفتارها و اعتقادات به جرات می‌توان گفت که در تاریخ فرهنگ هنری و شناسائی، ایران کمتر کسی نظیر آرتور پوپ می‌توان یافت، شخصیتی بزرگ که به شناسایی فرهنگ ایران خدمت کرد و نکات ارزنده و پنهانی فرهنگ ایران را، برای ما با ظرافت و دقت مطرح و به ثبت رسانید. همو بود که سبب شد یک خانواده‌ی عظیم از دانشمندان ایران‌شناس از ملیت‌هایی مختلف تشکیل شوند و پیرامون آثار فرهنگی ایران، مطالبی را به رشته تحریر در آورند. او و یارانش در راه رسیدن به مقصود علی‌رغم کمبود امکانات از هیچ‌گونه فعالیتی باز نمی‌ماندند و با یک اراده‌ی استوار، برنامه‌های خود را به انجام می‌رسانیدند.

برشمردن و تشریح آثار مختلفی که بخشی از آنها را پوپ از زیر خاک و گوشه و کنار ایران بیرون کشید و مقابل چشم ما گذاشت، ساده نیست. او از کوچک‌ترین تمدن‌ها تا سقوط هخامنشی را برای ما شرح داد. از شکوه کاخ‌های پرسپولیس که جوابگوی سیاست و مذهب بود تا بیانگری از ستایش از نیرویی انسانی. از امید. از فراوانی و سرشاری استان ایرانی، آنهم با استناد به آثار منقوش. او کوشید آنچه را که به ذهن تصویر کننده آمده، تشریح نماید و نظرات خودش را نیز به آنها اضافه کند. او بر این عقیده بود که ارک تبریز و یا مقبره الجاتیو در سلطانیه با آن گنبد چشم‌گیرش با شاخص‌ترین آثار اروپائی برابری می‌کند.

پوپ، مقابر شاهان را با نمادهای یادبودشان ارزنده‌ترین کارها می‌دانست. به خصوص بنای گنبد قابوس که یکی از عالی‌ترین مقابر است می‌گفت: ایرانیان

اشراق، عبدالحمید، زیر سایه‌ی فرهنگ، چهل گفتار از عبدالحمید اشراق



دوره: عصر آهن II
تاریخ: حدود قرن ۹ قبل از میلاد
جغرافیا: ایران، حسنلو



دوره: پروتو-ایلانی
تاریخ: حدود ۳۱۰۰-۲۹۰۰ قبل از میلاد
جغرافیا: جنوب غربی ایران



گلدان با طرح روی هم و سه بند نخل
تاریخ: حدود اواسط تا اواخر هزاره سوم قبل از میلاد
جغرافیا: منطقه خلیج فارس یا جنوب ایران



دوره: اشکانی
تاریخ: حدود قرن ۱ قبل از میلاد
جغرافیا: ایران



فنجان با فریز از غزال، طلا / دوره: عصر آهن II / تاریخ: حدود اوایل هزاره اول قبل از میلاد / جغرافیا: شمال غرب ایران، منطقه خزر



شطرنج بدون شک محبوب ترین بازی رومی‌زی است که تا به حال اختراع شده است، اما منشأ آن کاملاً مشخص نیست. به نظر می‌رسد از طریق هند وارد ایران شده است. این تحول در یک متن ساسانی به فارسی میانه از سلطنت خسرو اول ۵۳۱-۵۷۹ ه.ش در متن ذکر شده است.



جواهرات ترکمن: زیورآلات نقره‌ای از مجموعه مارشال و مرلین آر ولف

این کنگره‌ها در سال ۱۳۴۴ در ایران بود که در آن حدود ۷۰ ایران‌شناس از ۲۰ کشور شرکت کرده بودند. شرح هر یک از این کنگره‌ها شنیدنی است. در کنار هر کدام فعالیت‌های دیگری نیز انجام می‌گرفت. مثلاً بعد از اولین کنگره، موسسه‌ی آمریکایی هنر و باستانشناسی ایران» در نیویورک شکل گرفت. این فعالیت‌ها و جمع‌آوری اسناد منجر به تدوین ۶ جلد کتاب با نام «سیری در هنر ایران در سال ۱۳۱۸ شد که با همکاری همسرش و همراهی حدود ۷۰ پژوهشگر دیگر به انجام رسید. مجموعه به سال ۱۳۴۳ در ژاپن در دوازده جلد ترجمه و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. در ایران نیز در سال ۱۳۵۶ نتیجه این تحقیقات توأم با تحقیقات و مطالعات جدیدی که انجام گرفته بود، در ۱۶ جلد چاپ و منتشر شد. آرتور پوپ دانشمندی معتقد و عاشق کارش بود؛ شیفته‌ی آثار ایرانی و ایران بود ذکر و تشریح کلیه‌ی کتب مقالات و گفتارهایش، بحثی جداگانه دارد. دولت وقت تا آنجا که امکان داشت به خدماتش ارج نهاد، مشاور هنری و افتخاری ایران و عضو فرهنگستان ایران



نقد معماری

Criticism of Architecture





معماری دوران تحول

معمار سال ۱۳۹۵

به مناسبت چهل و دومین سال آغاز فعالیت

گلنار تاجدار



اعضای گروه "معماری دوران تحول"، به ترتیب از راست به چپ: سهراب سروشیانی، ویکتور دانیل، بیژن شافعی.



اعضا و همکاران گروه «معماری دوران تحول» در دهه‌ی ۱۳۹۰، به ترتیب از راست به چپ: پرنیان رحیمی کازرونی، محمد نژاد پریانی، بیژن شافعی، گلنار تاجدار، سهراب سروشیانی، ویکتور دانیل، نگار منصوری، بهناز زنیان



اعضا و همکاران گروه "معماری دوران تحول" در مراسم رونمایی از کتاب " معماری آندره گدار" در دانشکده‌ی هنرهای زیبا. به ترتیب از راست به چپ: بهناز زنیان، پرنیان رحیمی کازرونی، نگار منصوری، بیژن شافعی، گلنار تاجدار. به همراه: آرش فضل، ویکتور دانیل، به همراه: حمید ناصر نصیر.



اعضا و همکاران گروه "معماری دوران تحول" در مراسم رونمایی از کتاب " معماری پُل آبکار" در باشگاه ارامنه. به ترتیب از راست به چپ: پرنیان رحیمی کازرونی، بیژن شافعی، نگار منصوری، گلنار تاجدار، ویکتور دانیل و بهناز زنیان.

«معماری قاجار» یا «معماری عصر پهلوی» و گاه از واژگانی مانند تجدّد، نوین و معاصر استفاده می‌شد. گروه معماری دوران تحوّل واژه «تحوّل» را برای مقصود خود مناسب یافت. مفهوم این واژه می‌توانست مصداق جریان‌های تاریخی ایران در دوره‌ی بیش از ۲۰۰ ساله‌ی مورد نظر گروه باشد. در عین حال ایهامی ظریف را تداعی کند؛ از یک سو، در ادبیات رسمی، تحوّل به معنای «انتقال از مکانی به مکان دیگر» است، بدون اینکه قضاوتی درباره‌ی شکل یا جنبه‌های مثبت یا منفی آن داشته باشد؛ و از سویی دیگر، در اذهان عمومی، تحوّل به تغییری اشاره دارد که به طور ضمنی گرایشی مثبت را تداعی می‌کند. در نتیجه، می‌توان اظهار کرد که استفاده از این واژه، قطعیتی درباره‌ی کیفیت تغییر را بازگو نمی‌کند. این ویژگی با تلاش گروه در اجتناب از موضع‌گیری‌های قبلی و دوری از اعتقادات شخصی و ایدئولوژیک در نتیجه‌گیری‌ها، منطبق و همسو بود.

از زمانی که اندیشه‌ی ایجاد «گروه معماری دوران تحول» در سال ۱۳۶۱ شکل گرفت، مدتی طول کشید که این اندیشه به فعالیتی جمعی و گروهی در اردیبهشت سال ۱۳۶۲ تبدیل شود. شناخت تاریخ معماری معاصر، معرفی نمونه‌های آثار و معرفی معماران شاخص این دوره، انگیزه‌ی اصلی شکل‌گیری این گروه تحقیقاتی بود. «معماری دوران تحول» به دوره‌ای از معماری سرزمین ایران می‌پردازد که تحول یکی از مشخصه‌های مستمر آن است. از دیدگاه تاریخی، این دوره از اواسط سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار آغاز شده و تا به امروز همچنان ادامه دارد. در آغازِ فعالیتِ گروه، نیاز به انتخاب نامی که نماینده‌ی اهداف و روش‌های گروه باشد، مطرح شد. تا آن زمان، نام‌های مرسوم و استفاده شده در ادبیات معماری ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم شمسی در ایران، گاه ارتباطی مستقیم با دوره‌های تاریخی و حکومتی داشتند، مانند

پس از شروع کار، در حدود چهل سال پیش، گروه معماری دوران تحول متوجه وجود محدودیت در دسترسی به اطلاعات درباره‌ی بناهای با ارزش در ایران، معماران و گرایش‌های سبکی آن‌ها شد. به همین دلیل، جمع‌آوری اطلاعات در اولویت فعالیت‌های گروه معماری دوران تحوّل قرار گرفت که به تدریج به ایجاد آرشیوی وسیع انجامید، روندی که همچنان ادامه دارد. اسناد جمع‌آوری شده، حاصل مرور انواع روزنامه‌ها و نشریات ادواری، سفرنامه‌ها و خاطرات مدون و مراجعه به آرشیو اسناد اداری مراکز اسناد، همراه با مراجعات میدانی است. این مجموعه، پایه و اساس بررسی‌ها و تحلیل‌های گروه معماری دوران تحوّل را تشکیل داده است. در همان سال‌های اولیه‌ی فعالیت، تاکید گروه بر اسناد معتبر به اندازه‌ای در فعالیت‌های گروه اهمیت یافت که «معماری دوران تحول» دستورالعمل و شعار «کنار بایستیم و بگذاریم اسناد سخن بگویند» را سرمشق کارهای خود قرار داد.

گروه، مطالعات خود را با شناخت فعالیت‌های تک معماران آغاز کرد. شناخت آثار این معماران و زمینه‌های شکل‌گیری معماری آن‌ها، می‌توانست به درک عمیق‌تری از معماری این دوران منجر شود. به این ترتیب با معرفی هر معمار و آثارش همراه با زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها، بخشی از داستان تاریخ معماری سرزمین ایران معرفی می‌شد و با کنار هم قرار دادن آثار این معماران در هر دوره، کلیّت معماری آن دوره آشکار می‌گردید. مشابه با باستان‌شناسی که با کنار هم قرار دادن قطعات یک سفال شکسته، کلیت آن سفال را به نمایش می‌گذارد.

تاریخ معماری معاصر ایران و کشورهای مشابه نیاز به مطالعه، بررسی و تحلیل بسیار دارد. بدون آنکه بتوان از اهمیت و ارزش کارهای انجام شده چشم‌پوشی کرد، باید اذعان نمود که همچنان راه زیادی برای نیل به این مقصود باقی است. معماری معاصر کشورهایی مانند ایران، تا کنون در کتاب‌های منتشر شده‌ی تاریخ معماری جهان به اختصار در یک پاراگراف یا در بهترین شرایط در یک فصل معرفی شده است، در حالی که همین کتاب‌ها به معماران اروپایی و آثارشان به طور مفصل و به جزییات پرداخته‌اند.

با وجود اینکه قرن‌های سیزدهم و چهاردهم شمسی، سال‌های تاریخی بسیار دوری به شمار نمی‌آیند، اطلاعات در دسترس و مراجع معماری این دوران بسیار محدود است. متأسفانه ناکافی بودن این اطلاعات، زمینه را برای برداشت‌های شخصی در تاریخ نویسی معماری، فراهم کرده است. برای اجتناب از این مشکل «گروه معماری دوران تحول» تحقیق خود را در مسیر «از جز به کل» سازمان داد و از معرفی تک معماران آغاز کرد و ارائه‌ی تاریخ مفصل‌تر از معماری را به بعد از معرفی موثرترین معماران هر دوره موکول کرد، تا حتی‌المقدور از کلی‌گویی مبتنی بر برداشت‌های شخصی و قبلی اجتناب کند.

از ویژگی‌های روش مطالعه‌ی «گروه معماری دوران تحوّل»، تلاش در تبیین ارتباط بین آثار معماری یک معمار با زندگی، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و زمینه‌های معماری حاکم بر دوران فعالیت او است. در این رابطه گروه همواره سعی در ارتقای روش و درک خود از جریانات موثر بر معماری داشته است و با انتشار هر کتاب تلاش کرده است که شناخت دقیق‌تری از دوره‌ی مورد مطالعه را به مخاطب انتقال دهد. از جمله می‌توان به معرفی معماری آرت دکو و گرایش‌های کمتر شناخته

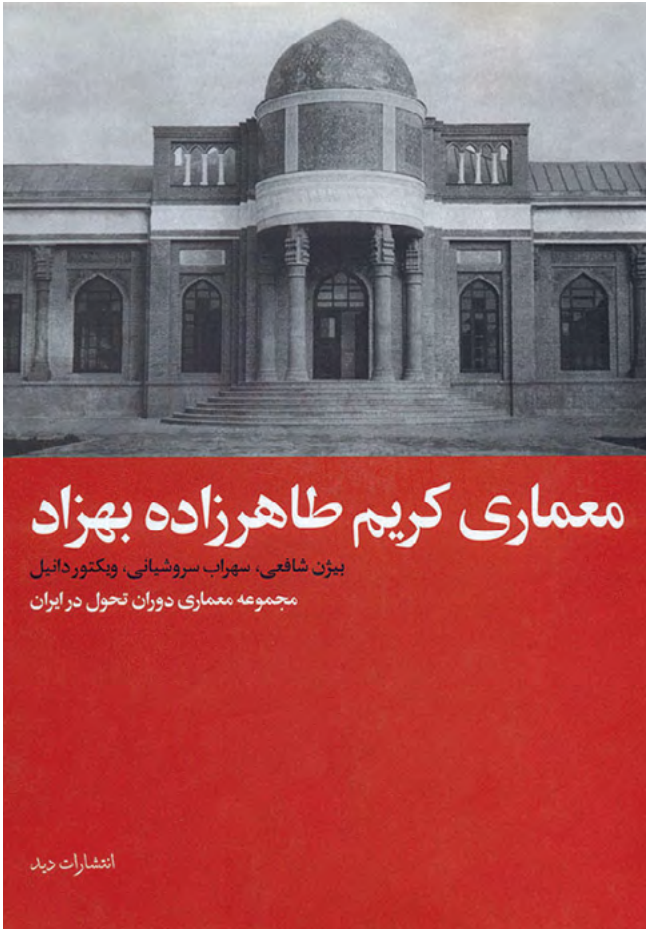
شده در تاریخ معماری معاصر ایران اشاره کرد. تاکنون و عمدتاً در تدوین تاریخ معماری معاصر ایران، تلاش شده است که تغییرات معماری ایران در فاصله‌ی دو جنگ جهانی را با سبک مدرن، اینترنشنال استایل و دیگر سبک‌های آوانگاردی که در کتاب‌های تاریخ معماری مدرن اروپا منعکس شده بود، مقایسه شود، در حالیکه این منابع اکثراً با تمرکز بر گرایش‌های سبکی مدرن از سبک‌هایی که اتفاقاً از نظر آماری در جهان و در ایران و کشورهای مشابه مورد استقبال بیشتری قرار می‌گرفتند، غفلت کرده‌اند و در نتیجه خواننده‌ی خود را هم دچار غفلت می‌کنند.

مثالی دیگر از این نوع، معرفی دقیق‌تر گرایشی از معماری توسط گروه :معماری دوران تحول» است که عناصر معماری و باستانی، ملی یا بومی ایران را در کنار معماری کلاسیک اروپا به کار می‌گیرد. تاریخ نویسان معماری ایران عمدتاً این شیوه را جریانی برخواسته از گرایش‌های ملی‌گرایی داخلی و مختص جغرافیای کشور ایران قلمداد کرده‌اند. در حالیکه مطالعات گروه نشان می‌دهد که نه تنها این شیوه جریانی متداول در منطقه و کشورهای همسایه، شمال آفریقا و حتی بسیاری از کشورهای اروپایی بوده است، بلکه این روش از طریق تحصیل محصلین در اروپا و از آن جمله در مدرسه‌ی بوزار پاریس هم ترویج شده است و شاخه‌ای از آن توسط فارغ‌التحصیلان ایرانی به کشور ما هم راه یافته است. مهندس محسن فروغی از جمله این فارغ التحصیلان است.

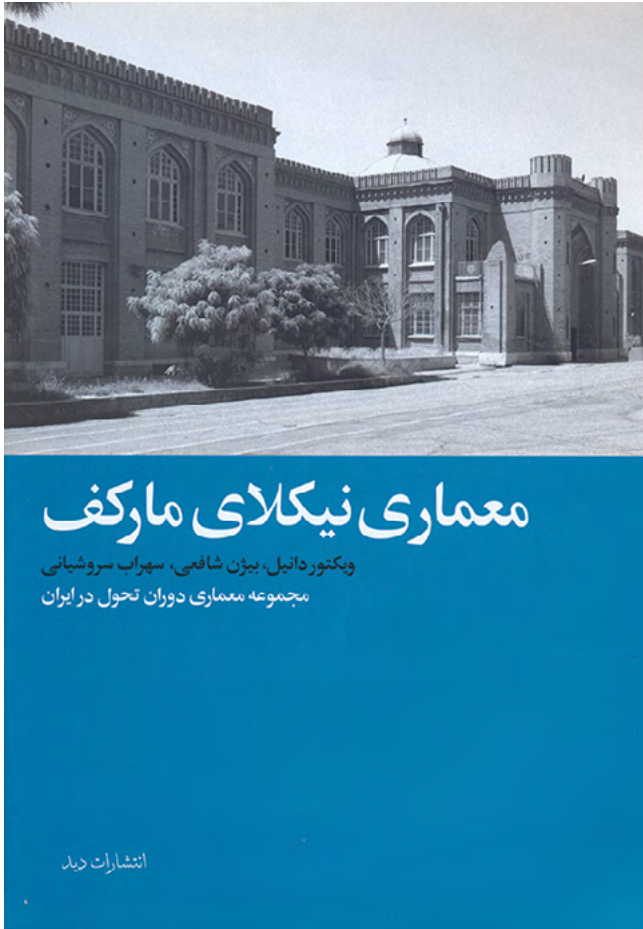
«معماری دوران تحول» تا کنون هفت کتاب از معماران منفرد را منتشر کرده است. اکنون تهیه محتوای کتاب «معماری محسن فروغی» در دست اقدام است. محسن فروغی (۱۲۸۶-۱۳۶۲) میراث‌دار سنت خانوادگی در تلاش برای «احیای هویت ملی» است. قبل از او جدش و سپس پدرش (ذکاء الملک) و عمویش در این راه خدمات ماندگاری را ارائه کرده بودند. فروغی فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی بوزار فرانسه، پس از پایان تحصیلاتش و در آستانه‌ی بروز جنگ دوم جهانی و قبل از اشغال فرانسه توسط آلمان، به ایران بازگشت. از او بناهای مهمی به یادگار مانده است که تنوع قابل ملاحظه‌ای دارند. از بانک‌ها و دانشکده‌ها گرفته تا بیمارستان‌ها و آرامگاه‌ها. در فهرست کارهای او، فعالیت‌های فرهنگی نقشی برجسته داشته‌اند، از آن جمله می‌توان به تاسیس دانشکده‌ی هنرهای زیبا، تدریس و ریاست در این دانشکده و فعالیت در دوره‌ی دوم «انجمن آثار ملی» اشاره کرد.

شرح فعالیت طولانی مدت و آثار طراحی او همراه با فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، مفصل است که کتاب «معماری محسن فروغی» در حد مقدور به آن می‌پردازد. اما در جریان تحقیق و تولید محتوای این کتاب، همان طوری که گروه معماری دوران تحول در تدوین سایر کتاب‌ها نیز تجربه کرده بود، مطالب مهمی مطرح می‌شوند که به دلایل مختلف امکان گنجاندن آنها در متن کتاب مقدور نمی‌شود و این ضرورت مطرح می‌شود که آن‌ها را در محتوی دیگری ارایه کرد.

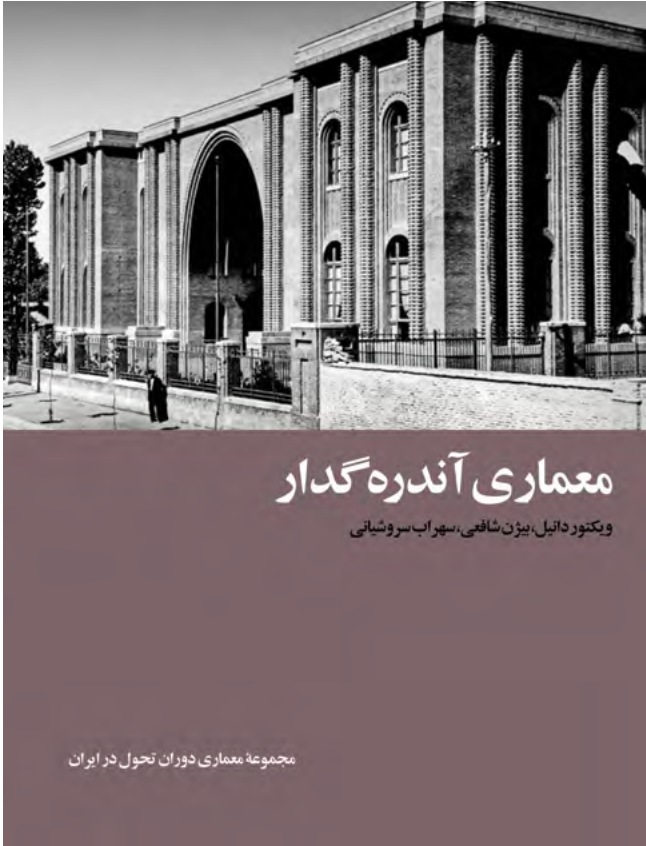
یکی از این امکانات فضای مجازی است، قبلاً گروه «معماری دوران تحول» تحت عنوان «روایتی دیگر» این نحوه از ارائه را تجربه کرده است. از دیگر امکانات در این رابطه می‌توان به نشریات تخصصی اشاره کرد؛ آن چه که نشریات را برای این مقصود متمایز می‌کند و به آن‌ها برتری می‌دهد، علاوه بر ماندگاری، در صورت انتشار همزمان مطالب با تولید محتوای کتاب، می‌تواند امکان تبادل نظر و انتقال اطلاعات را با مخاطب



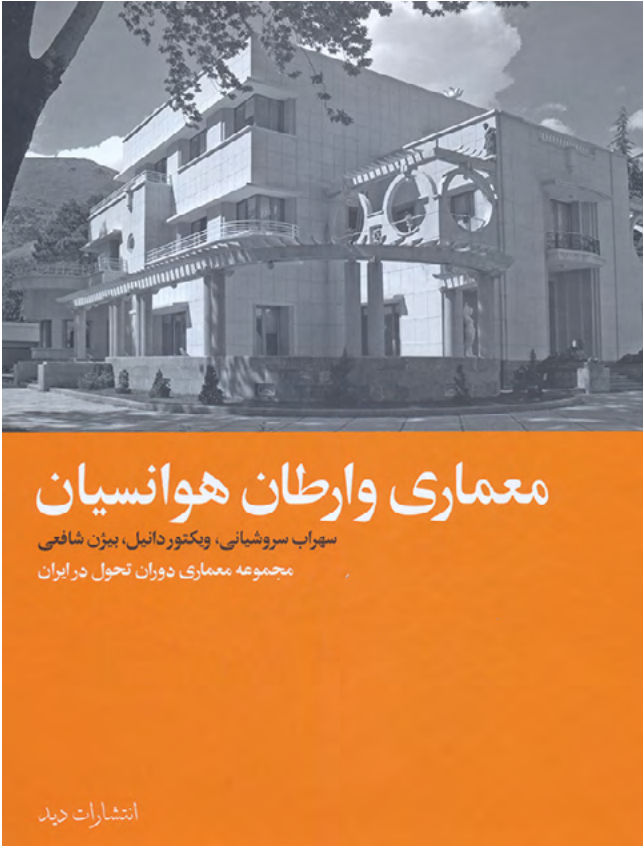
معماری کریم طاهرزاده بهزاد (۱۳۸۴ش)



معماری نیکلای مارکف (۱۳۸۲ش)



معماری آندره گدار (۱۳۹۴ش)



معماری وارطان هوانسیان (۱۳۸۷ش)

و جامعه‌ی معماری قبل از انتشار کتاب فراهم سازد، و در کنار چاپ کتاب نقش مکملی داشته باشد.

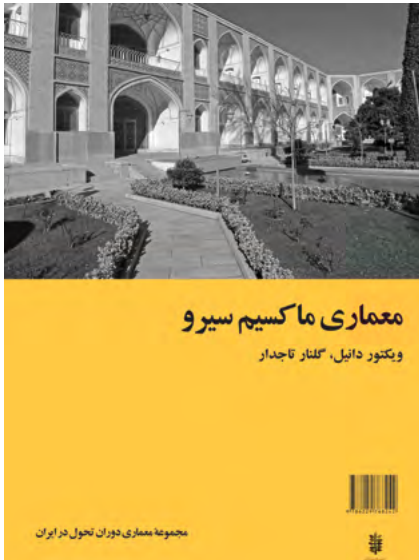
به این منظور نشریه‌ی «هنر معماری» به اهتمام شهریارخانی‌زاد، بخش مخصوصی را برای ارائه‌ی این قبیل مطالب اختصاص داده است، تا در حال حاضر که تهیه‌ی کتاب «معماری محسن فروغی»

در دست اقدام است، همزمان مقالات مرتبط در این صفحه درج شده و به اطلاع علاقه‌مندان برسد. مقالات این بخش، در شماره‌های بعدی نشریه‌ی «هنر معماری» به برخی از طرح‌های فروغی می‌پردازد که به دلیل تخریب بناهای تاریخی در محل و یا در مجاورت آن‌ها، منشاء نقد و بحث بسیار بوده‌اند؛ با این وجود روایت دقیق آن‌ها

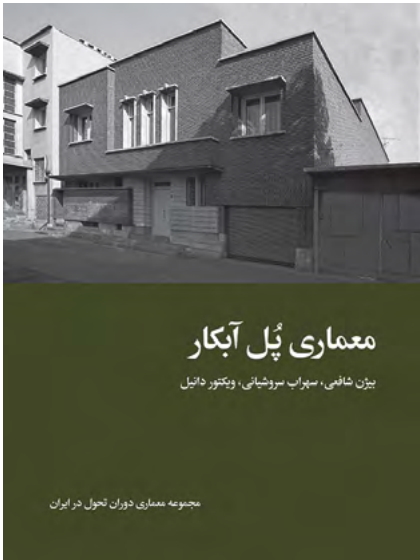
همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. امید است که درج این مقالات در نشریه‌ی «هنر معماری» همگام با تهیه‌ی محتوای کتاب «معماری محسن فروغی» روایت روشن‌تر و کامل‌تری از زندگی و آثار این معمار را در اختیار عموم قرار دهد و باعث شناخت دقیق‌تری از بناها و زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری معماری او شود.



معماری رُلان دوبرول (۱۴۰۰ش)



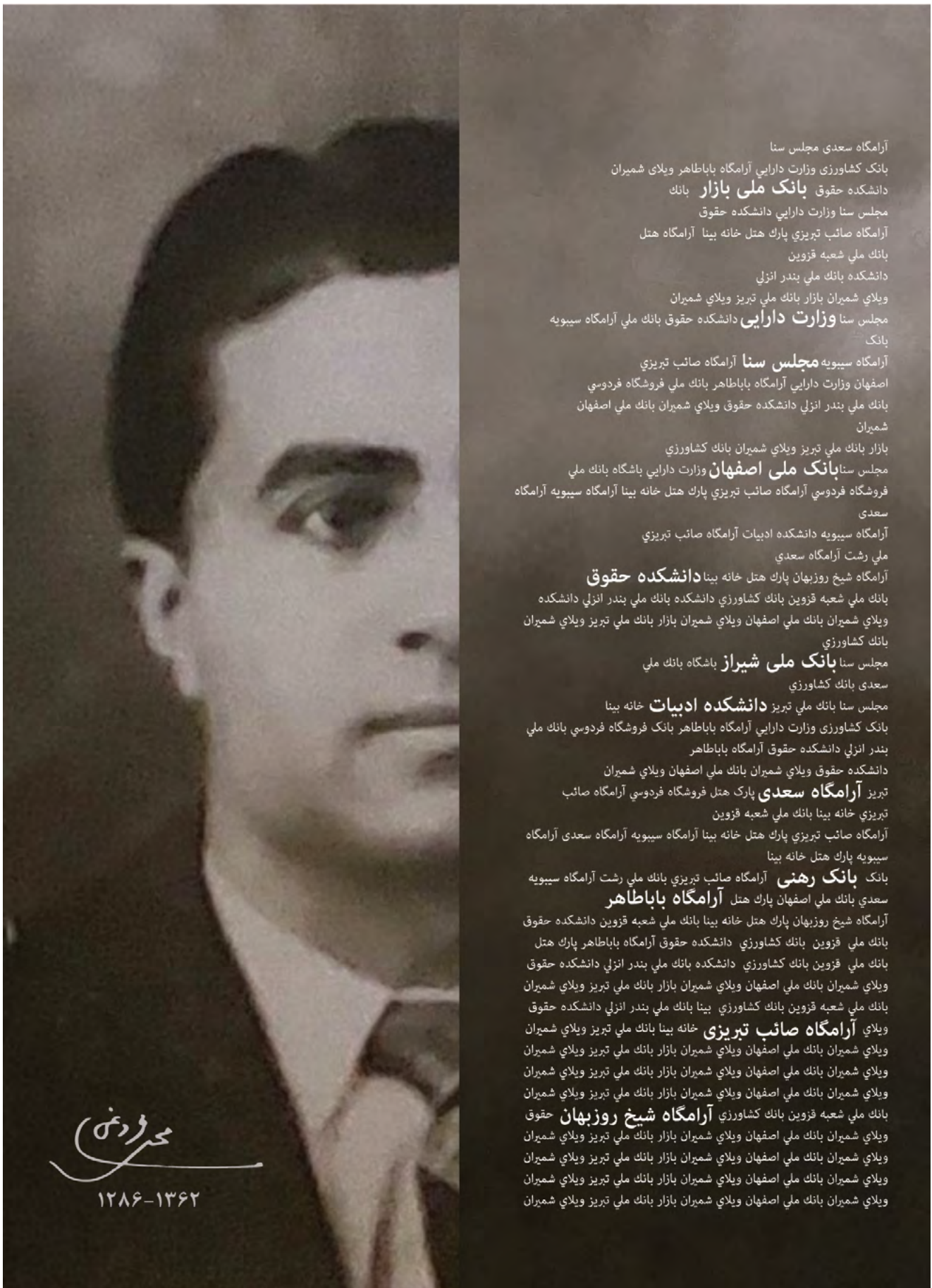
معماری ماکسیم سیرو (۱۴۰۰ش)



معماری پُل آبکار (۱۳۹۴ش)



بیژن شافعی و ویکتور دانیل در کنار سیروس باور، اهدای لوح معمار سال توسط سیروس باور به گروه معماری دوران تحول، سهراب سروشیانی در این مراسم در سفر بودند. (مراسم دومین دوسالانه‌ی معماری، شهریور ۱۳۹۵



محسن فروغی (۱۳۸۶-۱۳۶۲)



بیژن شافعی و ویکتور دانیل در کنار سیروس باور، اهدای لوح معمار سال توسط سیروس باور به گروه معماری دوران تحول، کتابخانه ملی، دومین دوسالانه‌ی معماری ایران



بیژن شافعی و ویکتور دانیل در کنار عبدالعزیز فرمانفرمایان



سهراب سروشیانی، بیژن شافعی و ویکتور دانیل در کنار کامران طباطبائی دیبا



سهراب سروشیانی، بیژن شافعی و ویکتور دانیل در کنار محمدرضا مقتدر

Social Housing Design

With an extensibility approach

• طراحی مسکن اجتماعی با رویکرد گسترش‌پذیری

رکسانا خانی‌زاد*

۱- مقدمه

مسکن یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان است که همواره و در طول تاریخ از غارهای انسان‌های اولیه تا آسمان خراش‌های امروزی، نمود پیشرفت فرهنگ و تمدن انسان بوده است. مسکن نسبت به سایر کالاها به دلایلی مانند غیرقابل جایگزین بودن، سرمایه‌ای بودن، بادوام و پرهزینه و غیرمنقول بودن، عامل عمده نابرابری و در عین حال همبستگی اجتماعی است (Gallent and Robinson ۲۰۱۱:۲۹۸). مسکن بیشتر از آنکه یک سقف بالای سر باشد، نقش مهمی در حل سایر مشکلاتی که خانواده‌های کم‌درآمد با آن روبه‌رو هستند دارد، چرا که مکانی که در آن خانوارهای کم‌درآمد زندگی می‌کنند نه تنها بر کیفیت زندگی‌شان تأثیرگذار است بلکه بر دسترسی آنها به فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی مانند دسترسی به شغل مناسب و آموزش باکیفیت موثر است (باقرزاده، ۱۳۹۷).

اما امروزه بحران مسکن این نیاز اساسی انسان‌ها را با چالش روبرو ساخته است. شولتز معتقد است خانه خود زندگی بوده در حالیکه بنای عمومی تصویر زندگی و خانه بخشی از هویت فرد است (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۲). مفهوم مسکن اجتماعی که بعضاً با عناوین دیگری چون مسکن دولتی، عمومی یا مسکن قابل استطاعت هم شناخته می‌شود (Lund, ۲۰۱۱)، در کشورهای صنعتی شده‌ی اروپایی در ابتدای قرن بیستم ظهور کرد و رشد نمود (Lund, ۲۰۱۱). مشکل مسکن در ایران قبل از دهه‌ی ۱۳۳۰ چندان مسئله‌ساز نبوده است اما پس از دهه‌ی ۱۳۳۰ به علت روند چرخش اقتصاد در جهت گسترش صنایع مونتاژ و سیاست‌هایی که منجر به تشویق مهاجرت روستائیان و رشد فزاینده‌ی کلانشهرها شد، مسایل و مشکلات جدی از جمله گسترش زاغه‌ها در درون و حاشیه‌ی شهرها، افزایش تراکم، کمبود کمی و کیفی واحدهای مسکونی و امثال آن در این گونه شهرها شد (قنبری و ظاهری؛ ۱۳۸۹).

در سال‌های اخیر در ایران به تبع کشورهای خارجی فعالیت‌هایی برای ساخت مسکنی مناسب برای افراد کم درآمد صورت گرفته است. اصطلاح مسکن اجتماعی به روش‌های مختلفی تعریف می‌شود و به شکل‌های گوناگونی استفاده می‌شود؛ برخی منابع مسکن اجتماعی را «خانه‌سازی مستقیم توسط دولت برای فقرا» و برخی دیگر «هرگونه دخالت دولت‌ها که منجر به کاهش قیمت‌های بازار به منظور افزایش قابلیت و توانایی خانه‌دار شدن اقشار مختلف» می‌دانند. مسکن اجتماعی از دیدگاه سیاست‌گذاران مسکن در ایران، به این صورت تعریف شده است: مسکن اجتماعی به واحدهایی اطلاق می‌شود که سطح زیربنای مفید آنها تا ۵۰ مترمربع بوده و به صورت انبوه ساخته می‌شوند. این واحدها به صورت اجاره یا اجاره به شرط تملیک در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گیرد. تفاوت این نوع مسکن با مسکن آزاد و حمایتی در این است که اولاً این واحدها خاص مراکز شهری است ثانیاً به صورت انبوه ساخته شده و ثالثاً این واحدها با دخالت و مشارکت دولت ساخته می‌شوند.

یعنی سازندگان این واحدها علاوه بر دریافت تسهیلات بانکی و مالی به میزان ۸۵ درصد کل هزینه ساخت، از طریق ادارات کل مسکن و شهرسازی زمین به قیمت ارزان در اختیار آنان گذاشته می‌شده است (هاشمی و همکاران). اما بررسی این بناها طبق سه شاخص سنجش مسکن که عبارتند از شاخص کمی، شاخص کیفی و شاخص اقتصادی نشان می‌دهد که فضای مناسبی برای زندگی نیستند، همچنین زلزله کرمانشاه و تلفات ناشی از آن شاهدهی بر این مدعا است. عمده‌ترین فرصت سیاست مسکن مهر را می‌توان در بهره‌مند شدن از زمین آن هم به قیمت بسیار ناچیز قلمداد کرد، اما نباید از یاد برد که تأمین زیرساخت‌ها و خدمات شهری هزینه‌بر است و می‌تواند فرصت‌های ناشی از این سیاست‌ها را بپوشاند (مرادی ناصرخانی و ذاکر حقیقی؛ ۱۳۹۲). همچنین برای کاهش هزینه‌ها تا مسکن قابل دستیابی برای افراد کم درآمد باشند استفاده از مواد و مصالح نامرغوب و کمک نگرفتن از افراد متخصص در این زمینه امری رایج گردید؛ موردی که مستقیماً بر کیفیت و کمیت فضاها تأثیرگذار است. در تحقیق حال حاضر، محققان به بررسی قوانین، ضوابط و فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه‌ی مسکن اجتماعی در داخل و خارج از کشور پرداخته تا تفاوت‌های تأثیرگذار بر شاخص‌های ارزیابی مسکن اجتماعی را دریابیم و آنها را در داخل کشور به کار گرفته و به الگوی مسکنی مناسب دست یابیم.

بیان مسئله

در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است که با توجه به شرایط اقتصادی: کمترین مساحت مبنا کدام است؟ مسکن اجتماعی در چند طبقه باید ساخته شود؟ در چه بازه‌ی زمانی چه فضاهایی باید افزوده شود؟ و بر اساس پاسخ سوالات قبل، الگوی مناسب کدام است؟

نحوه‌ی تأمین مسکن برای قشر کم‌درآمد همواره از مهم‌ترین مسائل برای دولت‌ها بوده است و راهکارهای متفاوتی از جمله ساخت مسکن با تخصیص سوبسید به متقاضیان، اجاره‌ی مسکن به قشر کم‌درآمد با قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار مسکن و... برای حل این مشکل به کار گرفته شده است. در ایران نیز در پی حل این مشکل طرحی به نام «مسکن مهر» شکل گرفت که طی شرایطی با قیمتی کمتر از وضع موجود به قشر کم‌درآمد فروخته می‌شد. اما این ارزانی ناشی از سیاست‌هایی تبیین شده توسط متخصصین امر نبود بلکه به دلیل استفاده از مصالح بی‌کیفیت، ساخت و ساز در محیط‌هایی فاقد زیرساخت‌های مورد نیاز و خرید زمین‌هایی بدون ارزش در اطراف شهرها بوده است. استفاده از مصالح بی‌کیفیت، عدم استفاده از عایق صوتی و ساخت فضاهایی بی‌روح که عامه‌ی مردم از آن با عنوان «قوطی کبریت» یاد می‌کنند آسایش مورد نیاز برای زندگی در این خانه‌ها را از بین برده و ساخت

و ساز در زمین‌هایی بی‌ارزش باعث شده است که در طی زمان این خانه‌ها ارزش چندانی پیدا نکنند و در صورت فروش واحد، مبلغی که ساکنان به دست می‌آورند برای خرید مسکن در منطقه‌ای بهتر کافی نخواهد بود. باید توجه داشت که تمامی این مشکلات در شرایط عادی بروز می‌نماید و فاجعه با حوادث طبیعی رخ می‌نماید.

پس از زلزله‌ی سرپل زهاب و فروریختن دیوارها و نمایان شدن سازه‌ی مسکن مهر، شاهد آن بودیم که حتی به سازه‌ی بنا توجهی نشده و عدم استفاده از وال‌پست باعث گردیده که دیوارها فروریخته و بسیاری از خانواده‌هایی که تا پیش از آن دارای خانه و زندگی آبرومندانه‌ای بودند مجبور شوند روزهای سرد زمستان غرب کشور را در چادر به سر برند. البته خوشبختانه، طبق قوانین جدید ساخت و ساز، اصلاحاتی در روند طراحی سازه‌های آپارتمان‌ها و مجتمع‌‌ها جهت مقاوم سازی به تصویب رسیده است.

همه می‌دانیم مسکن یکی از سه نیاز اساسی بشر است و تامین آن در کشوری بدون ثبات اقتصادی برای قشر کم‌درآمد چالشی جدی به شمار می‌رود و همانطور که پیشتر گفته شد طرحی که دولت برای مسکن اجتماعی در نظر گرفته است با اینکه باعث خانه‌دار شدن گروهی از جامعه می‌شود اما دارای نواقص بسیاری است که زندگی را برای ساکنان آن دشوار نموده است. حال در این پژوهش به مسائل اساسی و مشکلات عمده‌ی این طرح پرداخته خواهد شد و سعی می‌شود به این پرسش جواب داده شود که چطور می‌توان با حفظ کیفیت، مسکنی ارزان برای قشر کم درآمد فراهم نمود.

اهمیت پژوهش

با توجه به افزایش هزینه‌ها و سخت شدن شرایط برای بسیاری از هموطنان، مشکل مسکن در حال حاضر بسیار جدی‌تر از گذشته است و حدود ۷۰ درصد از جوانان توانایی خرید مسکن را ندارند. با توجه به اینکه یکی از وظایف دولت‌ها تامین مسکن برای افراد جامعه است، باید هرچه زودتر با تهییداتی نو و کارا به فراهم نمودن مسکن مناسب برای افراد کم درآمد پرداخت چرا که کارهایی که پیشتر صورت گرفته بی‌کیفیت بوده و شرایط مناسبی را برای زندگی دارا نمی‌باشند.

اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، ارائه‌ی الگویی استاندارد و واقعی برای مسکن اجتماعی گسترش‌پذیر و قابل تغییر برای قشر کم‌درآمد در زمینی واقعی می‌باشد. با توجه به اقتصاد بی‌ثبات ایران، بسیاری از خانوارها قادر به تهیه‌ی مسکن مناسب نیستند و حتی در صورت داشتن مسکن، با گذشت زمان و احتیاج به فضایی بیشتر، امکان خرید خانه‌ای بزرگ‌تر وجود ندارد. همچنین با توجه به انبوه‌سازی مسکن اجتماعی و پلان تیپ مورد استفاده، این خانه‌ها برای تمام خانواده‌ها و نیازهایشان مناسب نیستند. بنابراین طراحی مسکنی قابل تغییر، متناسب با خواسته‌های ساکنان می‌تواند خانه‌های باکیفیت‌تر و کاراتر فراهم نماید.

سوالات پژوهش

۱-تجربه‌های جهانی چگونه توانسته با حفظ کیفیت، مسکن ارزان قیمت فراهم نماید؟

۲-با چه الگوی معماری، امکان گسترش‌پذیری واحدهای مسکونی حمایتی در سطح افق و در ارتفاع در طول بیست سال فراهم می‌شود؟

پیشینه‌ی پژوهش

در آسیا دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مسکن اجتماعی نقش مهمی را در فرآیند شهرسازی و شهرنشینی بازی می‌کند. در همین راستا در سال‌های اخیر

برنامه‌ی مسکن اجتماعی چین به سرعت در حال گسترش قرار گرفت به شکلی که در ابتدای سال ۲۰۱۱، نخست وزیر چین اعلام کرد که دولت چین متعهد به ساخت ۳۶ میلیون واحد مسکن اجتماعی در طول دوازدهمین برنامه‌ی پنج‌ساله مصادف با سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ می‌باشد (باقرزاده صبا، ۱۳۹۷). لی در سال ۱۹۹۹ در مقاله‌ای به عوامل موثر بر هر دو سطح فیزیکی و اجتماعی موثر بر رضایت مسکونی در میان ساکنان منطقه‌ی مسکونی انتخاب شده در هنگ کنگ پرداخته و بر روی داده‌ها نیز تحلیل رگرسیون چندگانه انجام داده است. این تحقیق، مقایسه‌ای نیز در مورد عوامل درک نارضایتی در میان ساکنان مسکن دولتی و خصوصی انجام داده و پیشنهاد داده که پوشش سیستماتیک وسیع‌تری از موضوع باید از طریق تحقیق و تشخیص فرایند ارزیابی ساختمان در هنگ کنگ انجام شود.

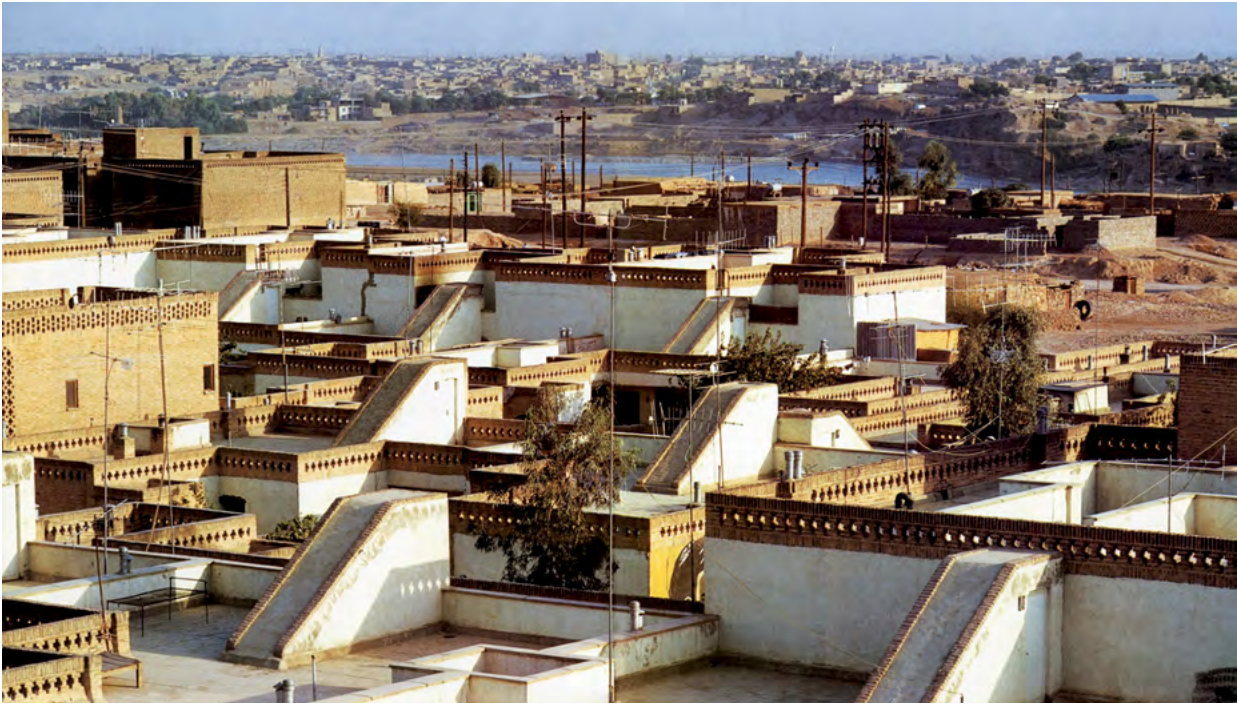
در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت نظام مسکن در کشورهای در حال توسعه با تجارب اروپایی» محقق بر اساس تفاوت‌های اساسی میان نظام مسکن در کشورهای درحال توسعه با آنچه در اروپا شکل گرفته، مفاهیم متفاوت مسکن اجتماعی را بررسی کرده است و تاکید دارد به رغم تضادهایی که ممکن است در این مفاهیم مشاهده شود، اگر سیاست‌های مسکن اجتماعی با توجه به این تضادهای مفهومی در دستور کار قرار بگیرد، می‌تواند تغییرات اساسی را در نظام های مسکن این کشورها به وجود آورد. بر این اساس مسکن اجتماعی حتی می تواند نقش مهمی در مبارزه با فقر، افزایش استطاعت پذیری مسکن در اقشار میانه و رفع معضلات شهری ایفا کند (وزیری‌زاده، ۱۳۹۶)

در مقاله‌ای با «عنوان مدلسازی و تبیین رضایتمندی از ابعاد اجتماعی و کالبدی مسکن مهر» عنوان شده است که تعامل با همسایگان با بار عاملی ۸۹ درصد در بین ساکنان مجتمع‌ها مهم‌تر و پراهمیت‌تر از سایر عامل‌ها می‌باشد، همچنین امنیت و اعتماد در بین ساکنین بالاتر از حد متوسط است. وجود اعتماد بیشتر در بین ساکنین و امنیت در محیط مسکونی زمینه‌ی تعامل بیشتری با همسایگان فراهم می‌کند. در ادامه با توجه به کمبود امکانات و وابستگی به مرکز شهر جهت رفع نیازهای ضروری ساکنین و همچنین موقعیت مکانی دور از مرکز شهر در این پژوهش به بررسی عامل دسترسی پرداخته شده است که طی آزمون فرضیه‌ی عامل دسترسی بیشترین اهمیت را دارا بوده است. (سلمی کیانی و همکاران، ۱۳۹۸).

در پژوهشی با عنوان «کاوش پایداری اجتماعی: یادگیری از دیدگاه‌ها در توسعه‌ی شهری و شرکت‌ها و محصولات» نتیجه‌گیری شده است که پایداری اجتماعی در واقع مجموعه‌ای از شاخص‌هایی، همچون دسترسی (اشتغال، فضای باز، خدمات محلی)، سرمایه‌ی اجتماعی، بهداشت و بهزیستی، انسجام اجتماعی (شامل عینی و ذهنی)، توزیع عادلانه‌ی اشتغال و درآمد، مشارکت محلی، میراث فرهنگی، آموزش، مسکن و ثبات جامعه، ارتباط و حرکت (عابر پیاده، حمل و نقل مناسب)، عدالت اجتماعی (درون و بین نسلی)، حس مکان و تعلق است (وینگتنر و مبرگ، ۲۰۱۱).

در پژوهش «کلید توسعه‌ی شهری پایدار در شهرهای انگلستان، تاثیر تراکم بر پایداری اجتماعی» محققان به این نتیجه رسیده‌اند که بین تراکم مسکونی و جنبه‌های پایداری اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، به طوریکه هر چه تراکم مسکونی بیشتر باشد به همان نسبت پایداری شاخص‌های اجتماعی کاهش می‌یابد (دمپسی و همکاران، ۲۰۱۲)

در پژوهش «توسعه‌ی پایدار شهری و برخی عوامل موثر بر آن» عنوان شده است که اولین عامل سلامت شهری (با شاخص‌هایی مانند تحصیلات، بهداشت اجتماعی، ایمنی و انضباط اجتماعی) با داشتن ۲۵٫۴ درصد واریانس نقش مهمی را در پایداری شهری به عهده داشته و راهکار ضروری، تقویت زیر شاخص‌های مذکور برای دستیابی به توسعه پایدار شهری در این شهر است (تقوایی و صفرآبادی، ۱۳۹۲).



شوشتر نو، خوزستان، معمار: کامران دبیا، ۱۳۵۹-۱۳۵۳



تصاویر این دو صفحه: مسکن اجتماعی اثر گروه معماران تانکن آس، نروژ - Aldersundet Bofellesskap Housing / Tanken Arkitektur AS

۲-۱ مسکن اجتماعی چیست؟

در کتاب دستورالعمل مسکن اجتماعی نوشته شده است که هدف اصلی سیاست مسکن از یک سو تأمین مسکن برای تمام اقشار جامعه است به طوری که مسکن از وضعیت خوبی برخوردار باشند و اندازه‌ی آن‌ها نیز مناسب باشد و از سوی دیگر ارائه‌ی مسکنی است با کیفیت و مقرون به صرفه. (رجایی و همکاران، ۱۳۹۶). در ادامه‌ی این بحث عنوان می‌شود که یکی از سوالات کلیدی در این حوزه، این است که "دسترسی قشر محروم جامعه به مسکن چگونه امکان‌پذیر است؟"

مطرح نمودن این سوال در صدر جدول سوالات کلیدی نشان‌دهنده‌ی اهمیت موضوع مسکن اجتماعی است. بهتر است در همین ابتدای امر به تعریف "مسکن اجتماعی" بپردازیم. طبق لغت‌نامه‌ی آکسفورد، مسکن اجتماعی شامل خانه‌هایی است که توسط دولت و یا بخش خصوصی برای افراد فقیر و یا کم‌درآمد در نظر گرفته می‌شود. اما ابعاد مختلف این موضوع مانند نوع مالکیت، نهادهای مسئول، نحوه‌ی تأمین مالی و... در همه‌ی کشورها یکسان نیست و تعاریف متفاوتی دارد.

نقش مسکن اجتماعی در انسجام اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین اروپایی و بین‌المللی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در ماده‌ی ۳۴ منشور حقوق اساسی، حق داشتن مسکن به رسمیت شناخته شده است. به طوریکه "دسترسی به مسکن مناسب" در مباحث اجتماعی به یکی از اهداف تبدیل شده است. دولت بریتانیا اعلام کرده است که دستیابی به یک خانه‌ی مناسب "انسجام اجتماعی، رفاه و اعتماد به نفس را بهبود می‌بخشد.". طبق اظهار نظر ویتهد (۲۰۰۲)، این امر درک و شناخت دولت را متذکر می‌شود به طوریکه خانه چیزی بیش از فضای سکونت بوده و مسکن مناسب می‌تواند به طور مطلوبی بر روابط فردی و همسایگی تأثیر گذارد.

اما منظور از مفاهیم انتزاعی مانند انسجام اجتماعی و تمایز اجتماعی چیست؟

فعالیت‌های سیاست‌گذاران و کارورزان چه تأثیری بر دستیابی به این اهداف می‌گذارد؟

در دهه‌های اخیر انسجام اجتماعی -که عاملی مهم است- یکی از مفاهیم مرتبط با رفاه بوده است که در محافل علمی و سیاسی برای پرداختن به رابطه‌ی بین افراد و جامعه مورد توجه واقع شده است. برای مثال کمیسیون اروپا شدیداً بر انسجام اجتماعی و اقتصادی اتحادیه‌ی اروپا به عنوان یک هدف سیاسی مشترک و عمده تأکید می‌کند و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در زمینه "لزوم تعادل در بازسازی اقتصادی با توجه به انسجام اجتماعی به منظور تداوم این بازسازی" تأکید می‌کند. مفهوم "انسجام اجتماعی" از همان خاستگاه اولیه‌ی خود با مفهوم منزلت اجتماعی پیوند داده شده است. با توجه به این مفهوم یک سوال اساسی به وجود می‌آید: نظر به رقابت همیشگی بین انسان‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب، چه عواملی زندگی انسان‌ها را در کنار یکدیگر و در کمال صلح در یک جامعه‌ی شهری امکان‌پذیر می‌سازد؟

به عقیده‌ی برگر اشمیت (۲۰۰۰) جنبه‌های مرتبط با انسجام اجتماعی عبارتند از قدرت روابط اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی و مشترک، احساسات مربوط به یک هویت مشترک و احساس تعلق به یک جامعه‌ی یکسان، اعتماد به اعضای جامعه و میزان نابرابری و ناسازگاری. همچنین طبق گفته‌ی راسل (۱۹۹۵) انسجام اجتماعی شامل "ایجاد ارزش‌ها و جوامع مشترک، کاهش نابرابری‌های موجود در دارایی و درآمد و به طور کلی توانمند ساختن مردم برای داشتن این احساس که آنها در یک اقدام مشترک سهیم هستند و با چالش‌های مشترکی روبه‌رو می‌باشند و این که آنها اعضای یک جامعه‌ی واحد هستند" می‌باشد. (Rosell et al, ۱۹۹۵)



Expandable house

Indonesia



• نمونه‌های موفق مسکن اجتماعی گسترش‌پذیر رکسانا خانی‌زاد

خانه‌ی گسترش‌پذیر در اندونزی
معماران: گروه معماری سیستم شهری-روستایی
زیربنا: ۱۰۸ مترمربع
سال ساخت: ۲۰۲۰

خانه‌ی گسترش‌پذیر بخشی از طراحی پایدار در پاسخ به چالش‌های توسعه‌ی سریع شهرهایی مانند باتام در اندونزی است. این شهر که روزی مجموعه‌ای از روستاهای خلیجی بوده است، حال در کمتر از ۴۰ سال به دلیل قرارداد تجاری با سنگاپور به شهری بین‌المللی با جمعیتی بیش از یک میلیون تبدیل شده است. مهاجران جوان از سراسر اندونزی برای امتحان شانس خود به باتام می‌روند. تا سال ۲۰۱۵ این شهر سریع‌ترین رشد در جهان را داشته است. اما در نتیجه‌ی این گسترش سریع، شهر با مشکلات زیادی در طرح و برنامه‌ریزی مواجه شده است؛ مشکلاتی مانند اینکه چطور هجوم مهاجران را مدیریت نماید؟ چطور خانه‌های کافی و سیستم آبرسانی و فاضلاب مناسب فراهم نمایند؟ چطور زیرساخت‌های حمل و نقل، مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها باید تامین گردند؟ در اینجا به بررسی چگونگی حل مسئله‌ی خانه‌سازی خواهیم پرداخت.

خانه‌ی گسترش‌پذیر با توجه به چالش‌های موجود در باتام و با توجه به درآمد خانوارها طراحی و ساخته شده است. آنها می‌توانند خانه را در چهار مرحله و در زمانی که خانواده بودجه‌ی کافی داشته باشد پیش برند. موارد مهمی که در طراحی مد نظر بوده‌اند در ادامه بیان می‌گردند.

مقطع ساندویچی: خانه دارای سقفی است که متحرک بوده و در زمان نیاز به گسترش به تراز بالاتر قابل انتقال است، پی و کف خانه نیز طوری طراحی شده‌اند که تا سه طبقه را می‌توانند تحمل کنند. سقف و کف به مثابه‌ی دو نان تست در ساندویچ عمل می‌کنند. این سیستم انعطاف‌پذیر به کاربر اجازه می‌دهد تا بر اساس نیازمندی خود درباره‌ی فضاهای مختلف و مترائز مورد نظر و همچنین بودجه‌ی خانواده فضاها را ایجاد نمایند. این طراحی انعطاف‌پذیر همچنین این

امکان را برای کاربران فراهم می‌نماید که در صورت نیاز به فضای تجاری، طبقه‌ی همکف خانه را به فضای کار اختصاص دهند و بتوانند درآمد کسب کنند. **گسترش در ارتفاع:** ساختار خانه به گونه‌ای است که در ارتفاع گسترش می‌یابد. بدین صورت ساخت و ساز در زمین زراعی کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به کم شدن سطح اشغال زمین، ساخت و ساز گستره‌ی محدودتری را شامل شده است و بدین ترتیب نیاز به زیرساخت‌های مورد نظر که هزینه‌بر نیز هستند (مانند جاده‌ها، سیستم آبرسانی و برق) کاهش می‌یابد.

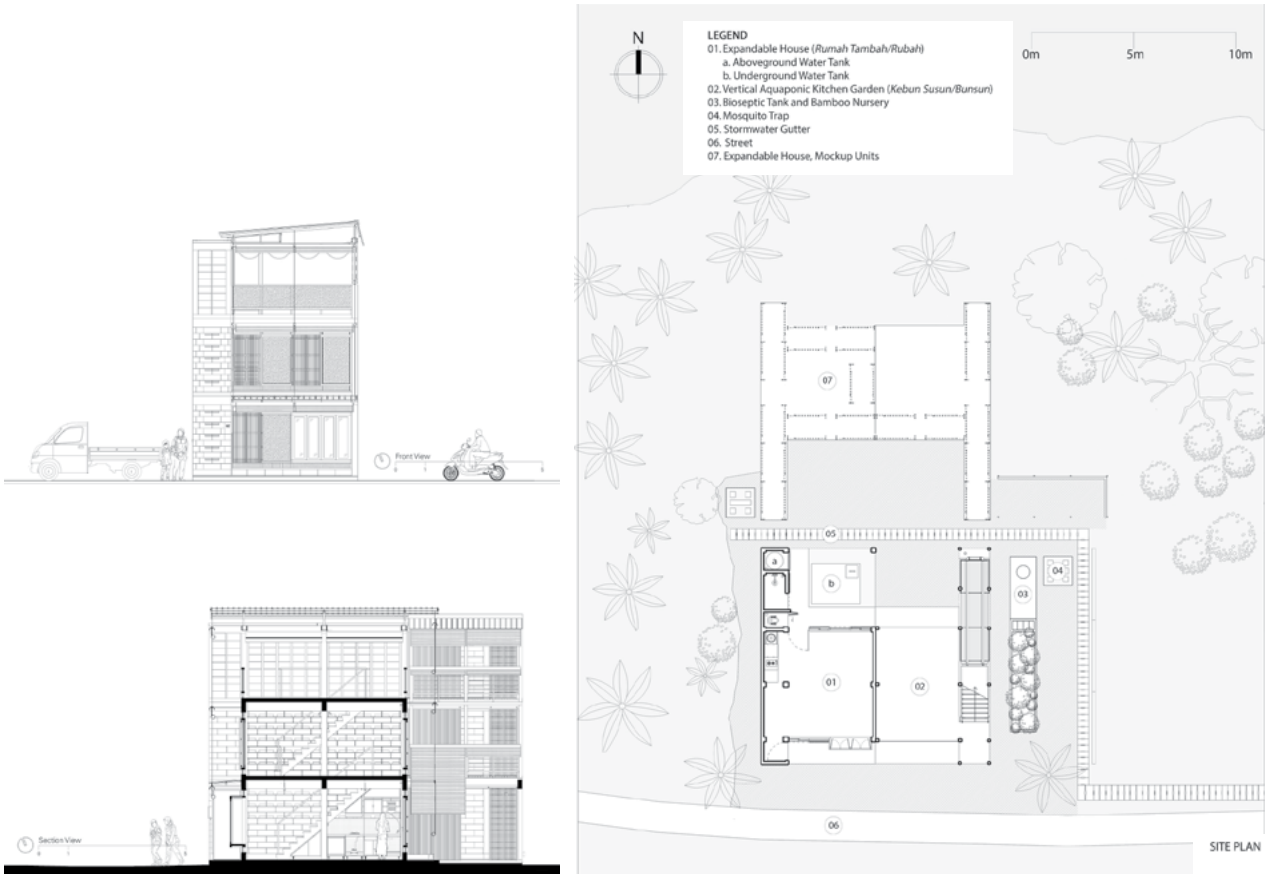
لنداسکیپ مولد: خانه‌ی گسترش‌پذیر امکان گسترش ظرفیت تولید غذا و افزایش مساحت ساختمان را به یکباره فراهم می‌نماید. با ایجاد باغچه‌ای در کنار آشپزخانه و مزارع بامبو، کاربران می‌توانند به منابع غذایی دسترسی بهتری داشته باشند. **بسته‌ی بذر:** خانه‌ی گسترش‌پذیر مانند یک بسته‌ی بذر طراحی شده است، این خانه شامل تکنولوژی، استراتژی مصالح و راهنمای طراحی است و می‌تواند از راه‌های مختلف بسته به شرایط محلی-اجتماعی، فرهنگی و شرایط محلی است. از اهداف این پروژه این بوده است که شهرهای گرمسیری مختلف بتوانند با استفاده از استراتژی خانه‌ی گسترش‌پذیر، توسعه یابند.

فاز اول این طرح به مترائز ۳۶ مترمربع در سال ۲۰۱۸ ساخته شده و در ادامه در سال‌های آتی به محدودیت خود -سه طبقه با ۱۰۸ مترمربع- رسیده است.



بررسی راه‌حل‌ها، نقاط قوت و ضعف مسکن اجتماعی اندونزی (منبع: نگارنده)

مسئله	راه‌حل مسکن اجتماعی اندونزی
نیاز به خانه‌سازی سریع	ساخت خانه‌هایی با متراف کم سرعت ساخت را بالا می‌برد و نیاز به بودجه‌ای کمتر دارد.
گسترش بر اساس نیاز	در این پروژه تعیین عملکرد طبقات دیگر کاملاً بر عهده‌ی ساکنان بوده است و حتی آنها می‌توانند طبقه‌ی همکف را به کار (فروشگاه، گاراژ و...) اختصاص دهند.
کاهش هزینه‌ی زیرساخت‌های مورد نیاز	گسترش خانه‌ها در ارتفاع باعث شد تا زمین کمتری مصرف گردد بدین ترتیب خانه‌ها نزدیک‌تر به یکدیگر ساخته شدند و نیاز به گسترش زیرساخت‌ها کاهش یافت.
ارزشمند شدن در طی زمان	سه برابر شدن مساحت خانه‌ها با گسترش خانه‌ها طی زمان با بودجه مردم.
حفظ زمین‌های کشاورزی	گسترش خانه‌ها در ارتفاع باعث شده است تا زمین کمتری صرف ساخت و ساز گردد و باقی زمین‌ها صرف کشاورزی و کار شود.
طراحی پایدار	فراهم نمودن سلول‌های خورشیدی، سیستم جمع‌آوری آب باران و استفاده از آن برای باغچه‌های خانگی تامین مواد اولیه باعث طرحی پایدار شده است.
نقاط قوت	
امکان تغییر و توسعه توسط ساکنان با توجه به نیازها	
امکان استفاده از فضا هم به عنوان فضای زندگی و هم فضای کار	
نقاط ضعف	
وجود سقف متحرک این پروژه، امکان الگوسازی این خانه در تمام جهان را غیرممکن می‌سازد و ساخت این خانه جز در مناطق گرمسیری ممکن نیست.	





Chile Social Housing

Architect: **Alejandro Aravena**



↑ مسکن اجتماعی شیلی

معماران: گروه معماری المنتال (الخاندرو آراونا)

رکسانا خانی‌زاد

زیربنا: ۵۶۸۸ مترمربع

سال ساخت: ۲۰۱۰

است. از این مقدار تقریباً ۵۰۰ دلار بر عهده‌ی خانواده‌ای است که نیازمند مسکن هستند و مابقی توسط دولت پرداخت می‌شود. بنابراین، در کل، شما با ۵۰۰ دلار صاحبِ خانه خواهید شد. این انگیزه‌ی بزرگی است، برای مثال برای افراد جوانی که هنوز با والدین خود زندگی می‌کنند و قصد دارند مستقل شوند و غی‌خواهند در محله‌های فقیر نشین ساکن شوند. آنها می‌توانند چند سال صبر کنند و در نهایت یک مسکن دایم داشته باشند. در شیلی حدود ۹۰ درصد از مردم در شهرها زندگی می‌کنند. بنابراین مهاجرت به شهرها چند دهه قبل صورت گرفته است. الگوی خانه‌سازی سوبسیدی سریع و ارزان ما به یک آزمایشگاه واقعی تبدیل شده و الگویی برای کشورهای جهان سوم گشته است. ما این الگو را در تمام اقلیم‌های ممکن تست کردیم، همانطور که شیلی در ۴۰۰۰ کیلومتر امتداد یافته است-از شمال تا جنوب با اقلیم‌های متفاوت-از کویر، مدیترانه و نیمه گرمسیری تا دشت‌های سردسیر و قله‌های یخی. همانطور که گفته شد بودجه‌ای که دولت به هر خانواده تخصیص می‌دهد برای خرید زمین، آماده ساختن زیرساخت‌ها و ساخت خانه بوده است. در ادامه به تههیدات صورت گفته می‌پردازیم.

در جواب سوال «به عنوان یک معمار جوان چگونه به این نتیجه رسیدید که می‌توانید تفاوت ایجاد نمایید؟» او پاسخ داده است:

من این کار را نکردم. من با کسی شریک شدم و او این کار را انجام داد. من یک مهندس حمل و نقل را ملاقات کردم، آندره یاکوبلی(Andres Iacobelli) که در حال گذراندن دوره‌ی کارشناسی ارشد خود در زمینه‌ی سیاست عمومی در مدرسه‌ی فرمانداری کندی بود. زمانی که برای بار اول یکدیگر را ملاقات کردیم

او از من پرسید: «به نظر می‌رسد که معماری شیلی توجه جهانیان را جلب کرده است، درست است؟» من بسیار مفتخر بودم. او ادامه داد: «و معماران جوان خوبی در شیلی وجود دارد، درست است؟» و من دوباره احساس غرور می‌کردم اما بعد او از من پرسید: «پس چرا مسکن‌های اجتماعی تا این حد بد هستند؟» او داشت می‌پرسید چرا تمام این پروژه‌ها که ۶۰ درصد از معماری را تشکیل می‌دهند اینقدر بد هستند. او حق داشت. سپس گفت: «چرا ما کاری برای این موضوع انجام نمی‌دهیم؟»، برای من به عنوان یک معمار «انجام کاری» به معنای یک سمپوزیوم، یک کتاب یا یک نمایشگاه بود و برای او به معنی راه‌اندازی یک شرکت و ساختن پروژه‌ها مطابق قوانین و محدودیت‌های بازار بود. او گفت: «بیا برویم و برای ساخت این واحدها یک میلیون دلار درخواست کنیم.» و به دولت، سیاستمداران، اسپانسرها و هر کس دیگری ثابت کنیم که الگوی بهتری با تمام ضوابط آسایشی بازار می‌تواند ساخته شود. این تنها به معنی معماری بهتر نیست، بلکه به معنای راه‌های بهتر برای خرید زمین، بهتر کارکردن ارگان‌های سیاسی و... است. ما به ایده‌های متفاوتی فکر کردیم و برای بیش از یک سال سعی کردیم تا سوال درست را شکل بدهیم، با یکدیگر و دانشجویان هاروارد. هدفی که به آن رسیدیم این بود: «انجام کاری که در طی زمان ارزشمند شود. طراحی باید به ابزاری برای مردم تبدیل گردد تا با آن بر فقر غلبه کنند.» شغل من به عنوان یک معمار این بود که این ایده‌ها را به زبان فرم ترجمه کنم.

در نتیجه رویکرد اصلی که آراونا و همکارش آن را پروژه‌های خود به کار گرفتند ارزشمند ساختن خانه‌ها در طی زمان بود. این طرح باعث می‌شد که خانه‌ها

در سالیان بعد ارزشی دو برابر پیدا کنند، که البته این کار بر عهده‌ی صاحبان خانه‌ها گذاشته شد.

ایده‌ی اصلی این بود: به جای ساخت خانه‌های ۸۰ مترمربعی، خانه‌هایی ساخته شود که ۴۰ مترمربع از مساحت آن به صورت کامل ساخته شده باشد و ۴۰ متر دیگر فقط دارای سازه باشد و دیوارکشی‌ها و نازک‌کاری و دیگر کارها بر عهده‌ی ساکنان باشد. با این روش هزینه‌ی ساخت خانه‌ها کاهش چشمگیری یافت. در ادامه مبلغی که پس‌انداز شده بود صرف خرید زمینی مناسب در مرکز شهر شد. بدین ترتیب با انتقال این مجموعه از مسکن اجتماعی از حومه‌ی شهر به منطقه‌ای مناسب با مراکز آموزشی، درمانی، تجاری و... دیگر نیازی به صرف هزینه برای ساخت زیرساخت‌ها نبود.

آراونا در یکی از کتاب‌های خود، عنوان کرده است که: «جامعه‌ی ما می‌داند چگونه با پول زیاد مسکن خوب بسازد. ما همچنین ساختن مسکن ارزان قیمت را بلد هستیم، اما با کیفیتی بسیار ضعیف، چالش بسیار سخت، ساخت خانه‌هایی خوب و تقریباً بدون هیچ پولی است.»

این موضوع دقیقاً همان مشکلی که ما در ایران با آن روبرو هستیم. او در ادامه به توضیح طرح خود یعنی ساختارهای متخلخل و خانه‌های نیمه می‌پردازد: تحقیقات نشان داده است که یک خانواده‌ی متوسط می‌تواند به‌خوبی در یک خانه یا آپارتمان تقریباً ۸۰ متری زندگی کند. اما حقوق مرسوم در شیلی به سختی برای نصف این مساحت کافی است. همینطور این واحدها در داخل شهرها نیستند به دلیل همان ۲۰۰۰۰ دلار که برای هر واحد پرداخته می‌شود



و قبلا اشاره کردم که این مقدار فقط برای ساخت و ساز نیست و شامل خرید زمین و تامین زیرساخت‌ها نیز می‌شود. بنابراین ما به این ایده رسیدیم: «اگر پول کافی برای برای ساخت یک خانه‌ی مناسب وجود ندارد، چه می‌شود اگر به یک خانه‌ی ۴۰ متری فکر کرد ولی نه به عنوان یک خانه‌ی کوچک بلکه به عنوان نصفی از یک خانه‌ی خوب. و می‌دانید، اگر برای خانواده‌ها یک خانه‌ی بسیار کوچک فراهم نمایید آنها هر کاری انجام می‌دهند تا آن را بزرگ‌تر کنند. حتی خانواده‌هایی که در ساختمان‌های چند طبقه زندگی می‌کنند، وقتی مجبور باشند، دیوارها را خراب می‌کنند و در حد نیاز جابجا می‌کنند که ریسک از بین رفتن یکپارچگی ساختار این ساختمان‌ها را به وجود می‌آورد. این کار ممکن است برای تحمل بارهای ساده مشکلی ایجاد نکند اما اگر زلزله‌ای وجود داشته باشد، این مردم در خطر بزرگی خواهند بود. مشخصا ارزش این ساختمان‌ها با گذر زمان کم می‌شود. این‌ها سرمایه‌گذاری‌های درستی نیستند، فقط مکان‌های بسیار ابتدایی برای زنده ماندنند. به همین دلیل است که طرح ما از همان ابتدا این افزایش را پیش‌بینی کرده است. ساختار خانه‌ها به گونه‌ای است که می‌تواند توسط ساکنین تکمیل شود. بنابراین ما این ساختار را برای تمام خانه فراهم نمودیم و سفت‌کاری و محصورسازی فقط برای نصف آن انجام شد و نصفه‌ی دیگر را برای رشد در آینده گذاشتیم. زمانی که خانواده‌ها آمادگی داشته باشند، می‌توانند نصف دیگر خانه را، بدون لزوم تغییر در ساختار پر کنند. این موضوع، ساختار یکپارچه‌ی ساختمان و همینطور نظم و انسجام بصری را تضمین می‌کند. همچنین ما طرحی را توسعه دادیم که به اندازه‌ی کافی متراکم است اما بدون جمعیتی زیاد این باعث شد تا ما زمین‌هایی را خریداری کنیم که سه برابر زمین مسکن اجتماعی قیمت داشتند. پس به جای این که دو ساعت دور باشیم، این خانواده‌ها توانستند مانند دیگران در نزدیکی فرصت‌ها باشند نه جدا افتاده. آنها به شغل‌ها، مدرسه‌ها، فضاهای درمانی، شبکه‌ی حمل و نقل، پارک‌ها و به طور کل کیفیت بهتری از زندگی نزدیک‌تر هستند. بنابراین احتمال بالا رفتن ارزش دارایی آنها وجود دارد. ما هنوز از اصول اولیه پیروی می‌کنیم اما با تغییرات بسیاری در طرح.

ایده، پیروی از مسیر اصلی است؛ ارتفاع کم، تراکم زیاد بدون جمعیت اضافه با پتانسیل گسترش و رسیدن به سطحی متوسط برای این خانواده‌ها. بنابراین ما همیشه ایده‌ی گسترش‌یافتگی را امتحان می‌کنیم؛ گاهی از اطراف، گاهی در ارتفاع. بستگی دارد به اقلیم، سایت پروژه و اولویت‌های خانواده.

هیچ فضای مشایی مانند راهروها یا آسانسورها وجود ندارد، فضاهایی که نگه‌داری از آنها در مناطق فقیرنشین مشکل است. من قهرمان نیستم. من می‌خواستم هزینه‌ی کاری که انجام می‌دهم را بپردازم، مسکن اجتماعی به کیفیتی عالی نیاز دارد، نه خیریه‌های عالی. فکر می‌کنید چرا مسکن‌های اجتماعی خوب نیستند؟ به این دلیل است که دولت وقتی برای تفکر دقیق پیرامون این موضوع نمی‌گذارد.

آلخاندرو آراونا درباره‌ی استودیویی که در هاروارد برگزار می‌کرده است توضیح می‌دهد: «آن دومین استودیویی بود که من در هاروارد در آن تدریس کردم. بگذارید به عقب برگردیم، به اولین استودیوی من در سال ۲۰۰۰. در ابتدا من هیچ تصویری



ما سعی می‌کنیم شان و استانداردهای بالایی در این پروژه‌ها به وجود آوریم. افزایش تدریجی استراتژی ما شد؛ بیایید نصف پروژه را حالا با پولی که داریم بسازیم و مابقی زمانی که پول بیشتری در دسترس بود ساخته خواهد شد. این موضوع به تغییر دیگری نیز منجر شد؛ تمرکز نه تنها فقط بر یک واحد که بر کل جامعه. سوال اینکه چه واحدی می‌شود با ۷۵۰۰ دلار ساخت، نبود. سوال ساخت ساختمانی برای صد خانواده با ۷۵۰۰۰ دلار بود. این سوال احتمالات بسیاری به وجود آورد. اگر که پروژه با بقیه‌ی شهر به خوبی ارتباط داشته باشد و مانع دسترسی به دیگر واحدها نشود باعث می‌شد تا سرمایه‌گذاری روی این پروژه برای دولت معقول به نظر بیاید و یا به حمایت این خانواده‌ها با سوبسید در صورتیکه نتوانند با اقتصاد موجود یکپارچه شوند ادامه دهد.

تجزیه و تحلیل

با توجه به بررسی نمونه موردی مسکن اجتماعی در شیلی، در جدول ذیل راه‌حل‌های به کار گرفته شده در این پروژه‌ها به اختصار آورده شده است. این راه‌حل‌ها هم در حوزه‌ی مالی و هم در حوزه‌ی اجتماعی لحاظ شده‌اند. از نظر محقق، یکی از ضعف‌های پروژه، عدم وجود قوانین و نظارت برای بخش توسعه یافته است. از یک نظر آزادی ساکنان برای نحوه‌ی گسترش خانه، ایجاد تراس یا اضافه نمودن اتاق خواب، ابعاد و نوع بازشوها و... از نقاط قوت پروژه است اما نبود قوانینی برای نمای بیرونی خانه‌ها باعث شده است که ساکنان از رنگ‌ها، مصالح و طرح‌های گوناگونی استفاده نمایند که موجب اغتشاش بصری پروژه می‌گردد.

از اینکه چه چیزی تدریس کنم نداشتm، اما می‌دانستم بیشترین رفتار در معماری خودسرانگی است. این ایده که معماران می‌توانند اولین چیزی که به ذهن آنها می‌رسد را در پروژه‌های خود بیان کنند من را عصبی می‌کرد. بنابراین من نام اولین استودیوی خود را «از راه‌های دیگر(otherwisenes)» گذاشتم، به این معنا که آیا مسائل همیشه باید از یک راه، حل شوند و یا راه‌های دیگری نیز وجود دارد، من سعی کردم تا خودسرانگی را حذف کنم. من فکر کردم که محدودیت‌ها فیلتر خوبی برای زواید هستند. این تفکری است که در المنتال وجود دارد. ما بر ضروری‌ترین و ساده نشدنی‌ترین جنبه‌های موضوع ارائه شده توجه می‌کنیم. در مورد مسکن اجتماعی ما با بودجه‌ای بسیار کم محدود شده بودیم و مجبور به انجام پروژه بودیم. اما حتی وقتی که روی پروژه‌هایی کار می‌کنیم که بودجه‌ای بسیار بیشتر دارند، پروژه‌ای با هزینه‌های ضروری و ساده‌نشدنی مطلوب است. حالا بر می‌گردیم به استودیو ۳۲۰۰\$. ما نه بر ایده‌ها بلکه بر محدودیت‌ها تمرکز کردیم. بزرگترین محدودیت برای مسکن اجتماعی، بودجه است، بنابراین از دانشجویانم پرسیدم برای مقدار مشخصی پول چه کاری می‌توان انجام داد؟. این برعکس راهی است که رویکرد پروژه‌ها معمولا در دانشگاه تعیین می‌شوند. وقتی شما بودجه‌ی محدودی دارید چه متریال‌هایی می‌شود استفاده کرد؟ بسیار ارزان؛ کانتینرهای حمل و نقل، فلزهای موجدار، جعبه‌های پلاستیکی و شیشه‌ها، لاستیک‌ها و جواب این است: نه. تنها به این دلیل که برای مردم فقیر طراحی می‌کنیم دلیل نمی‌شود که آنها در محیطی کم کیفیت زندگی کنند. با وجود این کبودها در بودجه



مسکن اجتماعی فرانسه، ۲۰۱۴

معماران: مابیره رایش

رکسانا خانی‌زاد

موضوع این پروژه یک مجموعه مسکن اجتماعی در فرانسه، متشکل از ۱۵ خانه است که در سه تیپ ساخته شده. زمین پروژه در ابتدای یک شهر کوچک در فرانسه واقع شده است. چیزی که در ابتدا نظر طراحان را جلب نمود، دید به شهر از بیرون بود؛ مجموعه‌ای از خانه‌های شیروانی با نمای رنگ شده. این پروژه با مصالح و رنگ و توناژی که دارد مانند تکه‌ای از زمینه‌ی خود است. خانه‌ها به صورت شمالی-جنوبی در سه خط ساماندهی شده‌اند، دو ردیف از خانه‌هایی که در قسمت پایینی شیب واقع شده‌اند متعلق به سالمندان است تا راه دسترسی آنها به خدمات راحت‌تر باشد.

اما این موضوع باعث نمی‌شود که کل کار یک کپی و تقلید باشد. ترکیب حجمی پروژه باعث شده است تا این مجموعه با خانه‌های دیگر شهر متفاوت باشد. در واقع این خانه‌ها تراکم اشغال بیشتری از همسایگی‌های خود دارد. خانه‌های بخش بالایی که بیشترین متراژ را دارا هستند، با الهام از ساختار

تجزیه و تحلیل

با توجه به بررسی نمونه موردی مسکن اجتماعی در شیلی، در جدول ذیل راه‌حل‌های به کار گرفته شده در این پروژه‌ها به اختصار آورده شده است. از ویژگی‌های مثبت طرح، الهام گرفتن از خانه‌های قدیمی منطقه برای طراحی مسکن اجتماعی است، فضایی که مناسب برای زندگی ساکنان منطقه است.

بررسی راه‌حل‌ها، نقاط قوت و ضعف مسکن اجتماعی فرانسه (منبع: نگارنده)

مسئله	راه‌حل مسکن اجتماعی فرانسه
گسترش بر اساس نیاز	فضای انعطاف‌پذیر طراحی شده، می‌تواند بر اساس نیاز ساکنان کاربری‌های متفاوت پیدا کند.
تامین فضای باز	فضای شفاف موجود، احساس قرار گرفتن در فضای آزاد را در فصول سرد فراهم می‌نماید.
نقاط قوت	
امکان تغییر و توسعه توسط ساکنان با توجه به نیازها	
امکان استفاده از فضا هم به عنوان فضای زندگی و هم فضای باز	
نقاط ضعف	
سازه شفاف موجود ایجاد کاربری‌هایی همچون اتاق خواب را غیر ممکن می‌سازد.	





Begles social hose

France



↑ مسکن اجتماعی فرانسه، ۲۰۱۵

خانه‌های آپارتمانی

اثر گروه معماران LAN

رکسانا خانی‌زاد

در سال ۲۰۱۵، گروه معماران LAN، پروژه‌ی مسکن اجتماعی ۷۹ واحدی در یکی از محله‌های جنوب غربی فرانسه را به اتمام رسانید. کارفرمای این پروژه دولت محلی بود، یکی از مهمترین اهداف این پروژه قابلیت گسترش آن بود تا خانواده‌ها بتوانند در طول زمان خانه‌ی خود را مطابق با نیاز خود تغییر دهند. همچنین این تغییرات قابل بازگشت هستند و زمانیکه فرزندان برای کار، تحصیل و یا به واسطه‌ی ازدواج خانه را ترک می‌کنند، پدر و مادرها می‌توانند فضای افزوده شده را به فضای باز تبدیل نمایند و از آن استفاده کنند.

در کنار این فضاهای اختصاصی، فضاهای جمعی نیز در سایت تعریف گردیدند. در واقع تمرکز این پروژه، خلق فضایی ترکیبی از خانه و آپارتمان است و چالش اصلی معماران ساخت واحدهایی به صورت آپارتمان با خصوصیات خانه‌های ویلایی و مستقل بوده است.

این واحدها که از ۲۵ مترمربع شروع می‌شود و تا ۱۳۰ مترمربع پیش می‌روند، دارای پلان‌های متنوع و متفاوت هستند. بدین ترتیب متقاضیان می‌توانند با توجه به نیاز خود و تعداد افراد خانواده، از بین طرح‌های موجود، خانه‌ی خود را انتخاب نمایند. در ادامه این قطعات به صورت پازل طوری در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که فضاهای قابل گسترش در آینده در سمت نما و رو به بیرون قرار گرفته‌اند تا مانند حیاط و فضای بازی اختصاصی عمل کنند.

دولت محلی، کارفرمای این پروژه، برای معماران چهار اصول اساسی را مطرح نمودند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱- بازتعریف دوباره‌ی مسکن اجتماعی. طرحی میانه‌رو که در عین توجه به حریم خصوصی، جنبه‌ی اجتماعی زندگی ساکنان را در نظر گیرد. بر این اساس طراحان، هر واحد از این آپارتمان را همانند یک واحد مستقل طراحی

نموده‌اند و حس حریم خصوصی، فضای خارجی مخصوص و دسترسی راحت به فضای بیرون را برای ساکنان فراهم نموده‌اند و سعی کرده‌اند تا تأثیرات نامطلوب محیطی مانند، آلودگی جوی و بصری، مصرف بی‌رویه‌ی مواد و مصالح و... را به حداقل رسانند.

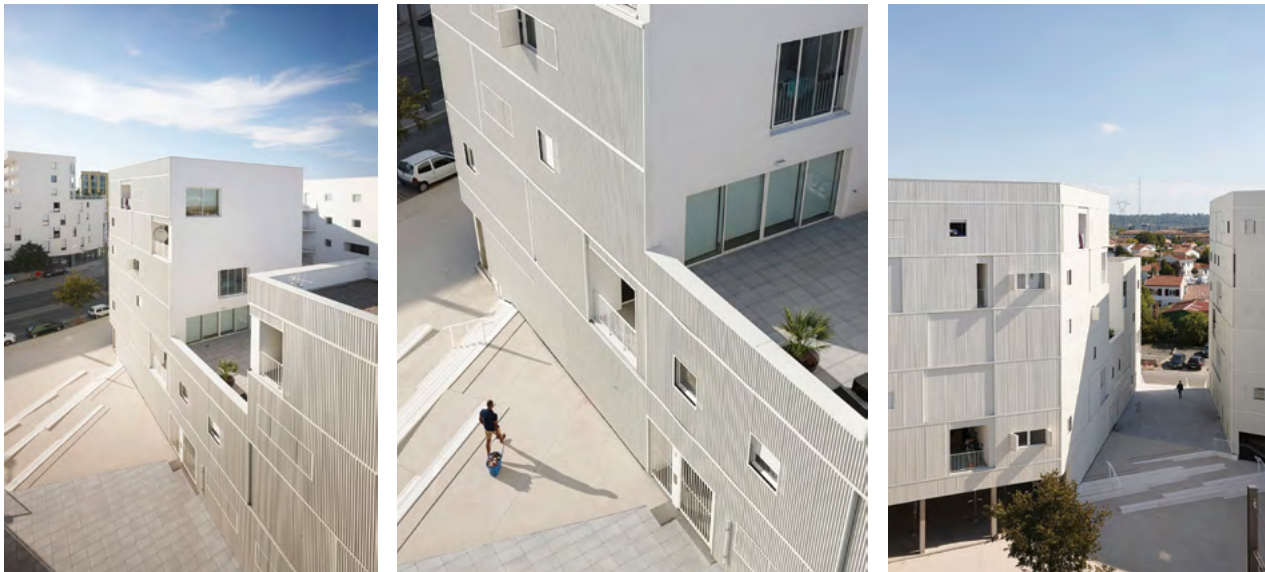
۲- طراحی خانه‌ای که مردم بتوانند خودشان آن را تکمیل نمایند بدین ترتیب این پروژه یک خانه‌ی نیمه تمام است. این خانه قابلیت این را دارد که در آینده به دوبرابر متراژ خود برسد. هر یک از ساکنان می‌توانند با تبدیل فضای آزاد مخصوص هر واحد به فضای داخلی، خانه‌ی خود را گسترش دهد. خانواده‌ها می‌توانند با بزرگتر شدن خانواده، فضای باز که ساختار سازه‌ای دارد را به اتاق تبدیل کنند و بعدها زمانیکه بچه‌ها خانه را ترک کردند دوباره آن را به فضای باز تبدیل نمایند.

۳- تبدیل این خانه به الگویی اقتصادی برای پروژه‌های مشابه. ساخت هر مترمربع از این ساختمان، هزار یورو است، قیمتی که بسیار پایین‌تر از قیمت رایج در منطقه است. این کاهش قیمت با توجه به ساده‌سازی کارها و کنترل و مدیریت بودجه اتفاق افتاد.

۴- طراحی مدلی بر اساس اقلیم و پایداری. معماران با در نظر گرفتن روش‌های متفاوت تنظیم شرایط محیطی، توانستند فضایی خلق کنند که در روزهای متفاوت با آب و هوای متفاوت فضایی مناسب برای کاربران خلق نمایند.

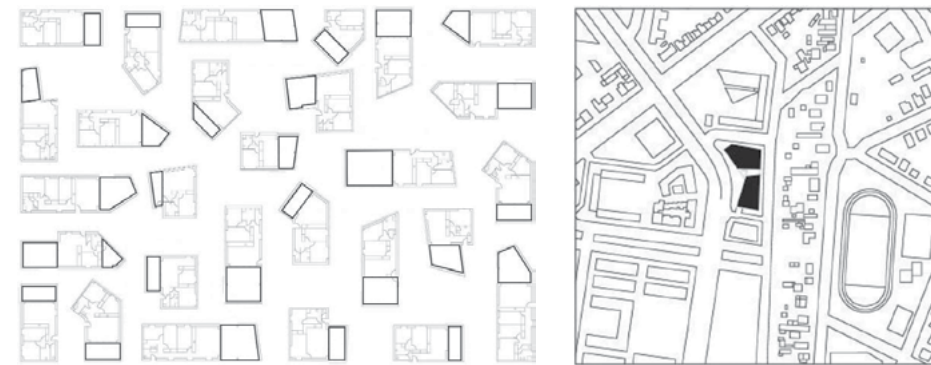
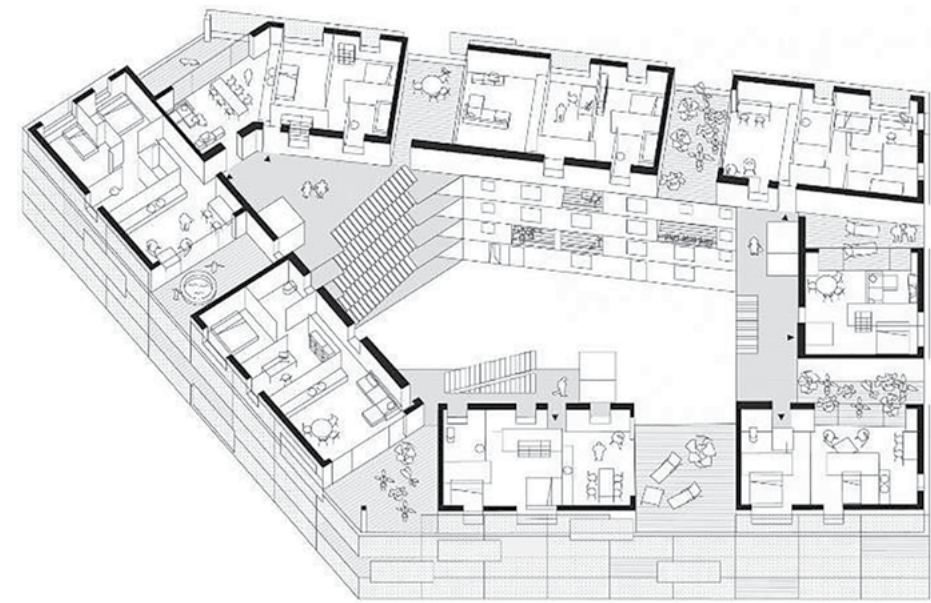
تجزیه و تحلیل

با توجه به بررسی نمونه موردی مسکن اجتماعی در فرانسه، در جدول ذیل راه‌حل‌های به کار گرفته شده در این پروژه‌ها به اختصار آورده شده است. از ویژگی‌های مثبت طرح، امکان گسترش طرح در ارتفاع است. همچنین تبیین قوانینی برای گسترش‌های آتی، باعث یکپارچگی طرح شده است.



بررسی راه‌حل‌ها، نقاط قوت و ضعف مسکن اجتماعی فرانسه (منبع: نگارنده)

مسئله	راه‌حل مسکن اجتماعی فرانسه
گسترش بر اساس نیاز	فضای انعطاف‌پذیر طراحی شده، می‌تواند بر اساس نیاز ساکنان کاربری‌های متفاوت پیدا کند و در صورت نیاز امکان برگشتن به حالت اولیه نیز وجود دارد.
تهویه طبیعی	وجود پنجره‌های دوطرفه امکان تهویه طبیعی را فراهم می‌نماید.
زیرساخت‌های مشترک	گسترش کمتر زیرساخت‌های مورد نیاز به دلیل آپارتمانی بودن طرح باعث هزینه کمتر شده است.
صرفه‌جویی	با استراتژی‌های به کار گرفته شده توسط معماران، در مواد و مصالح، در بودجه‌ی نهایی نیز صرفه‌جویی شد.
نقاط قوت	
امکان تغییر و توسعه توسط ساکنان با توجه به نیازها	
امکان استفاده از فضا هم به عنوان فضای زندگی و هم فضای باز	
نقاط ضعف	
مساحت ممکن برای گسترش، محدود است.	





Social housing in Mexico



↑ مسکن اجتماعی در مکزیک، ۲۰۱۸

معماران: tactic-a

رکسانا خانی‌زاد

این پروژه طی یک برنامه‌ی تحقیقاتی به نام "از قلمرو تا ساکنان" توسط INFONAVIT از طریق مرکز تحقیقات خود برای توسعه‌های پایدار (CIDS) با همکاری شرکت‌های معماری بین‌المللی و ملی سازماندهی شده است، شکل گرفت. نتیجه‌ی حاصل از این پروژه‌ی تحقیقاتی ۸۴ مدل پیشنهادی مسکن بود. هر پیشنهاد یک راه‌حل منحصر به فرد برای یک منطقه‌ی خاص در مکزیک ارائه می‌دهد که با محدودیت اقتصادی و بسته به منطقه و شرایط آب و هوایی آن سازگار است. این پروژه نیز قابل توسعه بوده و در سطح گسترش می‌یابد.

پروسه‌ی طراحی و شکل‌گیری یک پروژه‌ی مسکونی در یک محیط روستایی با شرایط زیست اقلیمی و اجتماعی-فرهنگی شدید در مکزیک، چالش‌های بسیاری را ایجاد کرده است، به ویژه در قالب درک ایده یک خانه سنتی از شهر. اطلاعات مستند مهمی در مورد فرهنگ منطقه و زمینه وجود دارد، به ویژه درباره‌ی خانه‌ها، که بسیار در آسایش حرارتی، مصرف انرژی و مواد کارآمد هستند.

در این پروژه با استفاده از کمترین تعداد اجزای ممکن، سعی شده است تا در مصرف مواد و مصالح و متریال صرفه‌جویی گردد. کف و دیوارها با مصالح

ساخته‌مانی سنتی ساخته شده‌اند، در حالی که دیگر عناصر مدولار هستند و می‌توانند در کارگاه‌ها ساخته شوند و در محل مونتاژ شوند. این مدولار بودن امکان کاهش هزینه‌ی ساخت و پیکربندی را بر اساس ضرورت و نیاز به خانواده می‌دهد.

این پروژه در ۳ مرحله ساخته می‌شود که می‌توانند به صورت مستقل ساخته شوند. مرحله‌ی اول شامل یک اتاق خواب و فضایی است که می‌تواند در طول روز به عنوان محل کار و آشپزخانه عمل کند و اتاق خواب دوم در طول شب (به سبک خانه‌های سنتی منطقه).

در مرحله‌ی دوم یک رواق مرکزی اضافه می‌شود که فضایی را برای کار فراهم می‌کند که اغلب مربوط به جمع‌آوری و خشک کردن عناصر گیاهی و همچنین ذخیره‌سازی می‌شود و از باران و خورشید محافظت می‌شوند. عنصر نهایی اضافه شده در مرحله‌ی سوم یک اتاق خواب اضافی است که از طریق ایوان مرکزی به فضای اصلی خانه متصل می‌شود. بخش عمده‌ای از بودجه به ساخت سقف اختصاص داده شد که به مثابه‌ی یک "ساندویچ" ساخته شده تا مانع حداکثر تابش خورشیدی شود و از تماس مستقیم با دیوارهای جنوبی و شمالی جلوگیری کند.

با توجه به بررسی نمونه موردی مسکن اجتماعی در مکزیک، در جدول ذیل راه‌حل‌های به کار گرفته شده در این پروژه‌ها به اختصار آورده شده است. این راه‌حل‌ها هم در حوزه مالی و هم در حوزه اجتماعی لحاظ شده‌اند.

‘ بررسی راه‌حل‌ها، نقاط قوت و ضعف مسکن اجتماعی مکزیک (منبع: نگارنده)

مسئله	راه‌حل مسکن اجتماعی مکزیک
گسترش بر اساس نیاز	فضای انعطاف‌پذیر طراحی شده، می‌تواند بر اساس نیاز ساکنان کاربری‌های متفاوت پیدا کند.
توجه به خانه‌های بومی	مطالعه‌ی خانه‌های بومی منطقه و طراحی بر اساس آنها
صرفه‌جویی	با استراتژی‌های به کار گرفته شده توسط معماران، و ساخت بیشتر سازه‌ی موجود به صورت مدولار و پیش‌ساخته، در بودجه صرفه‌جویی گردید.
نقاط قوت	
امکان تغییر و توسعه توسط ساکنان با توجه به نیازها	
امکان استفاده از فضا هم به عنوان فضای زندگی و هم فضای باز	
نقاط ضعف	
فضای باز موجود برای زندگی، تنها مناسب مناطق گرمسیری است.	





↑ مسکن قابل توسعه و تغییر در ایران، ۲۰۲۰ (۱۳۹۹)

خانه- دوچار، شیراز

معماران: اشکان قشقایی، سمانه متقی‌پیشه و پویا رنجبر

متراژ: ۸۰ مترمربع

رکسانا خانی‌زاد

این پروژه، بازسازی واحدی با ۲۰ سال سن بود از مجموعه آپارتمانی بود که ارتش برای کارکنان‌اش در شمال‌غربی شیراز ساخته و کم‌کم به مردم عادی فروخته بود. دو تن از معماران پروژه، که این خانه پروژه‌ای برای سکونت خودشان بوده بیان می‌دارند: «آپارتمان‌های زیادی در میان چند ده بلوکِ چهار تا شش طبقه دیدیم، همه فرسوده و خسته که رد سال‌ها زیست ساکنان بر در و دیوارشان پیدا بود و با تلاش مذبوحانه چسباندن کاغذ دیواری، رنگ‌زدن بر در و دیوار و نهایتاً تعویض شیرآلات و کابینت‌ها هم به‌روز نشده بودند. این راه‌حل‌ها نتوانسته بودند پلان‌های تاریخ مصرف گذشته، فضاهای کم‌نور، بالکن‌های رو به نورگیرهای خاک‌گرفته و کهنگی تلنبار شده را پنهان کنند.»

یکی از جعبه‌ها را به امید جان‌بخشی به آن خریدیم. واحد شماره ۲۴ طبقه‌ی ششم با دیدی به نسبت بهتر از واحدهای پایین، با دو اتاق کم‌نور و کوچک، بالکنی رو به خستگی نورگیر و پرشده با کولر آبی بزرگ؛ حمام هم کوچک بود و آشپزخانه بسته و غمور. ما باید برای اولین بار خانه خودمان را طراحی می‌کردیم. همسو با سبک زندگی غیرمعمول و کمی خلوت گزیده‌مان و همواره دچار و درگیر با معماری. خانه‌ای که تنها برای استراحت و خواب و تماشای تلویزیون نمی‌خواستیم‌اش.

از روزهای اول دانشکده معماری تا امروز، معماری، ترسیم، خواندن و ساختن، به آتلیه و دفترکار محدود نبود و آنقدر دچار این‌ها بودیم که به خانه سرریز می‌شد. می‌خواستیم خانه مشترک را هم با این شیوه‌ی زندگی همخوان کنیم و دیگر دل‌مشغولی‌ها را هم مجال بیشتری دهیم؛ مطالعه میان کتابخانه‌ای شخصی، ساختن دست-ساخت‌ها و تمرین‌ها، ساززدن و ضبط خانگی موسیقی، پرورش گیاه و دیدن این همه فیلم ندیده. هنگامی که سودای این همه را می‌پروراندیم، کرونا بساط گسترده و آتلیه، کتابخانه و سینما به اجبار به خانه منتقل شدند و ماهیت خانه هر چند برای مدتی، تغییر کرد.

همپای پاندمی و محدودیت‌های مالی برای بازسازی، جعبه‌ی فرسوده هم قوانین خود را تحمیل می‌کرد؛ دیوارهای غیرقابل تغییر در مرز میان درون و بیرون و دودکش‌ها که هدیه‌ی واحدهای پایین بودند در میان جعبه‌ی ما. ما هم اما راه‌حلهایی داشتیم؛ هر چه دیوار، کمد، در، کابینت و کهنگی بود را از میان برداشتیم. بستر تازه می‌توانست به دور از کلیشه‌های مرسوم یک آپارتمان، عرصه‌ی انعطاف‌پذیری برای زندگی باشد.

با حذف دیوارهای جداکننده، نور اجازه داشت از هر سو و در هر ساعتی از روز در سرتاسر جعبه‌ی تازه سفید شده انتشار یابد، حتی درون حمام. حال می‌شود

سبز استرلیتزیا و فیکوس لیراتا را در هر جای این سفیدی نشانند. دید بالکن به نورگیرِ فرسوده و دید همسایه به قلب خانه را با شیشه مات بستیم و فقط نور را از نورگیر به درون راه دادیم. کولر آبی و کانال‌ها را حذف کردیم و تجهیزات سرمایشی را به بام بردیم. بالکن را از انبار خنزر پنزر و کولر به حجم سبزِ پر نوری برای تمامی خانه تبدیل کردیم، یک گلخانه‌ی کوچک واقعی.

دیوارهایی که اتاق‌ها و راهرو و حمام را می‌ساختند جایشان را به کمد و قفسه‌های سیاه رنگ دادند که در میان جعبه سفید بر هم می‌لغزند و در میان، پس و پیش‌شان فضاهایی را به وجود می‌آورند، گاهی از قبل پیش‌بینی شده برای فعالیت‌ی آشنا و گاهی اتفاقی و ناگهان.

فضاهایی منعطف با کیفیت‌های نوری گوناگون، با دیدهایی به حجم سبز بالکن و به درختان، کوچه و آسمان. فضاهای خلق شده همنشین با جداره‌های سیاه پر کتاب و دیوارهای سفید، کمد‌ها و آینه و پرده‌ای که هم مرزی است متحرک و هم صفحه نمایش. کرونا که نباشد به هنگام مهمانی می‌توانیم مرز فضای نشیمن را کمی به عقب برانیم. میز را هم سرهم می‌کنیم برای خوردن شام یا با جابه‌جایی کمد‌ها اتاقی برای مهمان دست‌وپا می‌کنیم، هم‌نشین با چند ژمان تازه.

کرونا که هست، میز کار و چند کاغذ پوستی و لپ‌تاپ‌هایمان به راه است و فضایی برای جلسه‌های کاری مجازی. اتاق خواب دائمی در کار نیست، هر وقت خسته شدیم تشک و چهارتا پالتِ زیرش را می‌گذاریم جلوی بالکن، تنگِ دل کتاب‌ها. در جعبه‌ی سفید تازه به لطف چهارتا چرخ می‌شود مرز فضاها را کمی آنسوتر برد و از آشپزخانه تا آنسوی خانه را عرصه‌ی گپ و گفت کرد و یا پنجره‌ها را میان فضاها دست به دست.

زمستان‌ها می‌شود گرمای جمع شده در گلخانه را به درون خانه راه داد. اینجا می‌شود به کمک فضاها و دیده‌ها و نورهای ناگهانی که هر جابه‌جایی به وجود می‌آورد پناهنده‌ی خیال‌پردازی شد در این زمانه دشوار.

این‌ها را از دوران دورکاری، در حضور قاطع کرونا از درون خانه‌ای در طبقه‌ی ششم یکی از بلوک‌های شش طبقه‌ای که ارتش در شمال غرب شیراز بیست سال پیش ساخته نوشتیم، تا بر خلاف اورهان پاموک که می‌گفت معمار نشدم چون نمی‌خواستم آپارتمان طراحی کنم، بگوییم ما می‌دانیم چرا به معماری دچار شدیم، چون به قول همان پاموک: «مثل قهرمان‌های داستایوفسکی که از تخیلات خود برای چسبیدن به زندگی حتی در یأس‌آورترین شرایط استفاده می‌کنند، می‌دانیم چگونه ساختمان‌های خود را به خانه تبدیل کنیم، حتی در سخت‌ترین شرایط.»

تجزیه و تحلیل

با توجه به بررسی نمونه موردی مسکن گسترش‌پذیر و قابل تغییر در ایران، در جدول ذیل راه‌حل‌های به کار گرفته شده در این پروژه‌ها به اختصار آورده شده است. این راه‌حل‌ها هم در حوزه‌ی مالی و هم در حوزه‌ی اجتماعی لحاظ شده‌اند.

بررسی راه‌حل‌ها، نقاط قوت و ضعف مسکن تغییر‌پذیر ایران (منبع: نگارنده)

مسئله	راه‌حل مسکن اجتماعی ایران
گسترش و تغییر بر اساس نیاز	فضای انعطاف‌پذیر طراحی شده با یکارگیری دیوارهای متحرک می‌تواند بر اساس نیاز ساکنان کاربری‌های متفاوت پیدا کند.
ورود نور به تمامی بخش‌ها	با کنار رفتن دیوارهای متحرک نور تا عمق خانه نفوذ می‌کند
نقاط قوت	
امکان تغییر ابعاد فضاها توسط ساکنان با توجه به نیازها	
نقاط ضعف	
ممکن است صدای ناشی از حرکت قفسه‌های متحرک برای طبقه‌ی پایین ایجاد مزاحمت نماید	





↑ مسکن قابل توسعه و تغییر در ایران ۲۰۲۳ (۱۴۰۲)

آپارتمان بازیگوش، شیراز

معماران: اشکان قشقایی، سمانه متقی‌پیشه

متراژ: ۱۶۰ مترمربع

رکسانا خانی‌زاد

داشته‌ها و خواسته‌ها: آپارتمان بازیگوش در طبقات میانی یک بلوک آپارتمانی بیست ساله واقع شده‌است. واحدی ۱۶۰ مترمربعی با چهار اتاق خواب و اسکلت فلزی، دارای دو تراس تأسیساتی و یک تراس کم عرض شمالی. واحدی کم‌نور، کهنه، با مصالحی از رده‌خارج و ساختار فضایی سفت‌وسخت که در پاسخگویی به نیازهای زندگی معاصر ناتوان بود. کارفرما درخواست خانه‌ای امروزی با نور مناسب و دارای حداکثر کمد را داشت، خانه‌ای که فضای داخل آن تمایز اساسی با مشاعات و سن ساختمان داشته باشد.

دست‌بستگی‌ها: واحدهای آپارتمانی در طبقات میانی، جعبه‌هایی محصور با مرزهای بیرونی پررنگ هستند که مداخله و گشایش در کف و سقف سازه‌ای و دیوارهای غما را عموماً ناممکن می‌کنند. این دست‌بستگی با حضور ستون‌ها، رایزرها و دودکش‌ها تشدید می‌شود. چگونه می‌توان فضای کرخت یک جعبه زیستی که بر تکرار زندگی تأکید دارد را به فضایی شوخ‌طبع، دارای دیدها و مرزهای ناگهان و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل کرد که در آن مخاطب بده‌بستان بیشتری با محیط دارد، و امکان وقوع سناریوهای مختلف را فراهم می‌کند.

دستکاری‌ها: تصمیم‌گرفتم به نفع ایجاد فضاهای یک‌دست، عمده‌ی دیوارهای داخلی و کمد‌ها را حذف کنیم. درِ تراس پشت سرویس را به آشپزخانه انتقال دادیم تا روزنی با نور طبیعی به سرویس بگشاییم. با تغییرات تاسیساتی توانستیم این تراس را به فضای پشتیبان آشپزخانه تبدیل کنیم. حذف دیوارهای داخلی امکان باز توزیع فضایی را فراهم کرد. اتاق چهارم را به حمامی بی‌مرز با اتاق والدین تبدیل کردیم. پنجره‌ای از نشیمن به درختچه داخل حمام رخنه‌ای

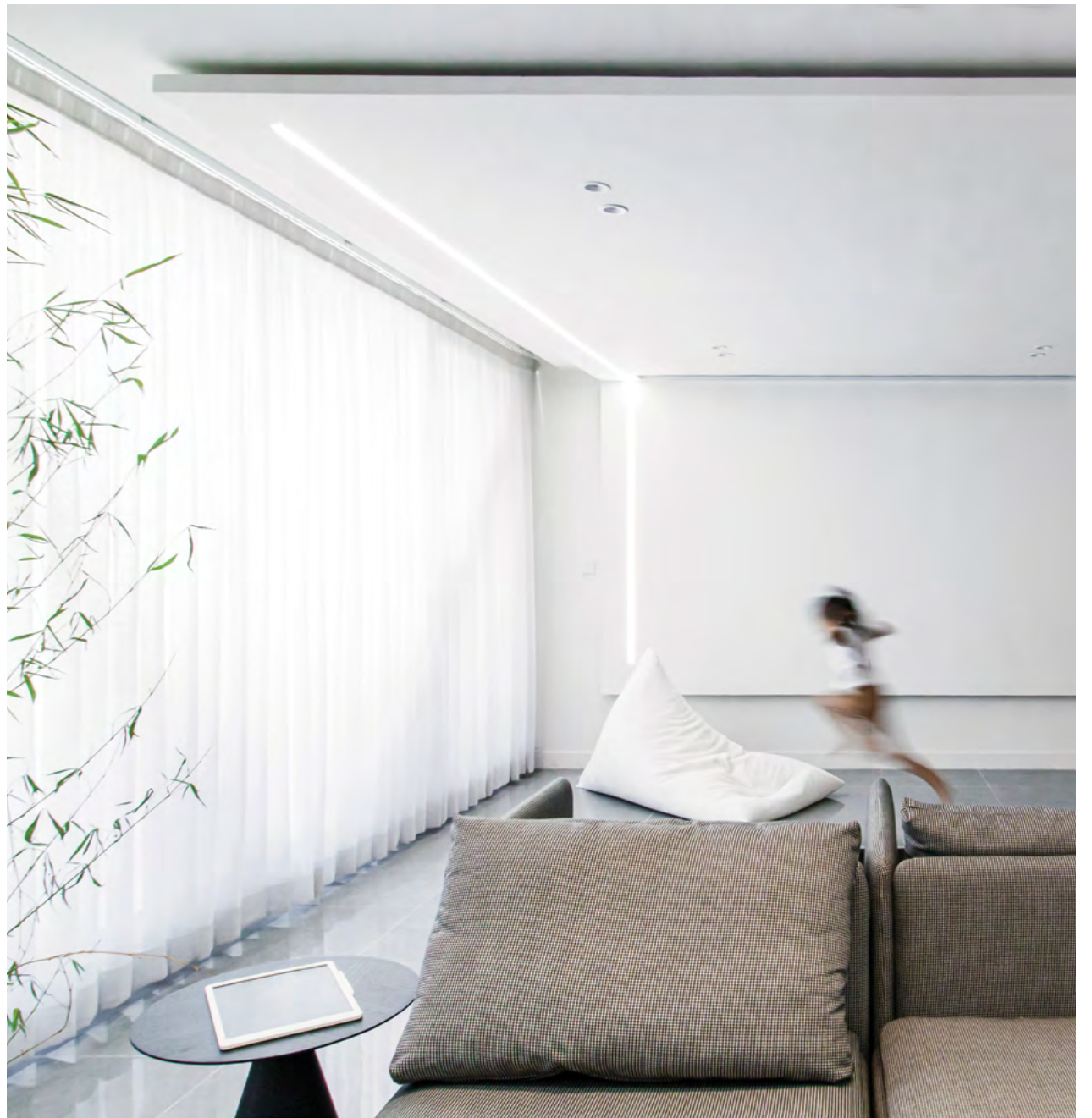
ایجاد کرده و نور را بین این دو فضا دست به دست می‌کند، همانطور که میان اتاق والدین و حمام و بین سرویس بهداشتی و تراس.

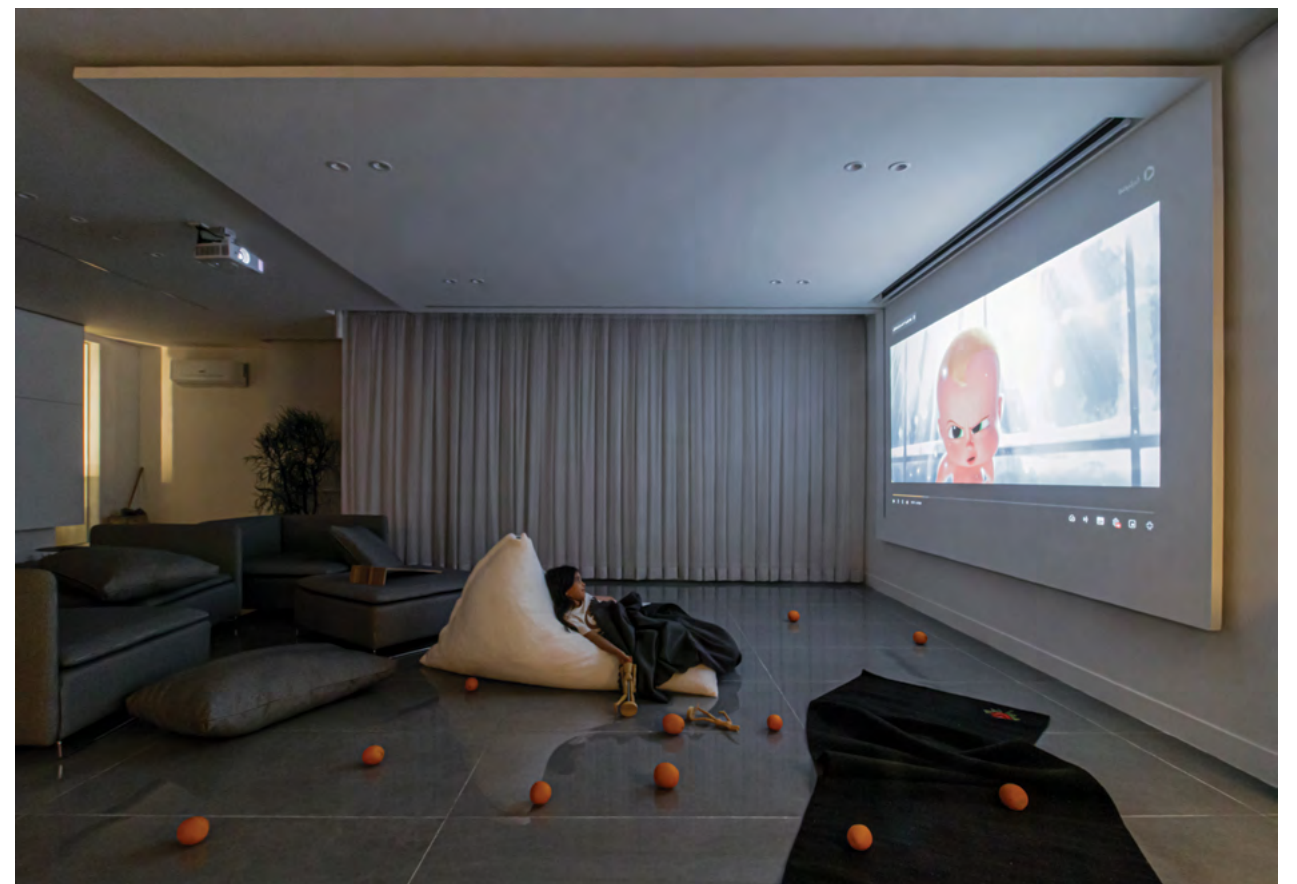
دستمایه‌ها: در پیکربندی تازه فضا، نقش اصلی را به کمد‌ها -در جایگاه اشیاء چندعملکردی- دادیم. در معماری مدرن کمد‌ها نقش پنهان‌کننده اشیاء، اصلاح‌کننده هندسه، تعریف‌کننده مرزهای ثابت، غم‌پاش‌دهنده اشیاء و نظم‌دهنده را داشته‌اند. اینجا به کمد‌ها علاوه بر کارکرد همیشگی، نقش مرزهای متحرک و ابژه‌هایی معلق را دادیم. رایزرها و ستون‌ها را با کمد-جعبه‌ها پنهان کردیم. آشپزخانه و فضای جمعی در عین پیوستگی به کمک کمد-میزهای متحرک منقبض و منبسط می‌شوند تا با سناریوهای مختلف زندگی هماهنگ شود.

این سه کمد-میز، با جابه‌جایی در پیوستگی فضای جمعی به عنوان میز نهارخوری هم به کار می‌روند. یک کمد-ابژه معلق در عین ایجاد مرزی کم‌رنگ میان فضای ورودی و آشپزخانه با ایجاد مرکزیت، فضای اطراف خود را شکل می‌دهد و کمد معلق دیگری به جای پنهان کردن ستون میان فضا با آن همنشین شده است.

این پروژه با همه‌ی دست‌بستگی‌ها، سعی دارد به جای قطعیتِ عبوس ساختار آپارتمان‌های معمول، به ناگهانگی، غیرقابل پیش‌بینی بودن و مکانیسمی در تعامل با مخاطب دست پیدا کند. پروژه، تمرینی‌ست برای ایجاد آزادی و حق انتخاب‌هایی هرچند کوچک، تا کاربر امکان رهایی از ابعاد و احکام فضا را تجربه کند و بتواند بازیگوشانه با حاکمیت فضا تعامل کند.









رتبه‌ی پلاتینیوم لید را دریافت کرده‌اند

بنیاد بیل و ملیندا گیتس

اثر گروه معمارانِ ان.بی.بی.جی

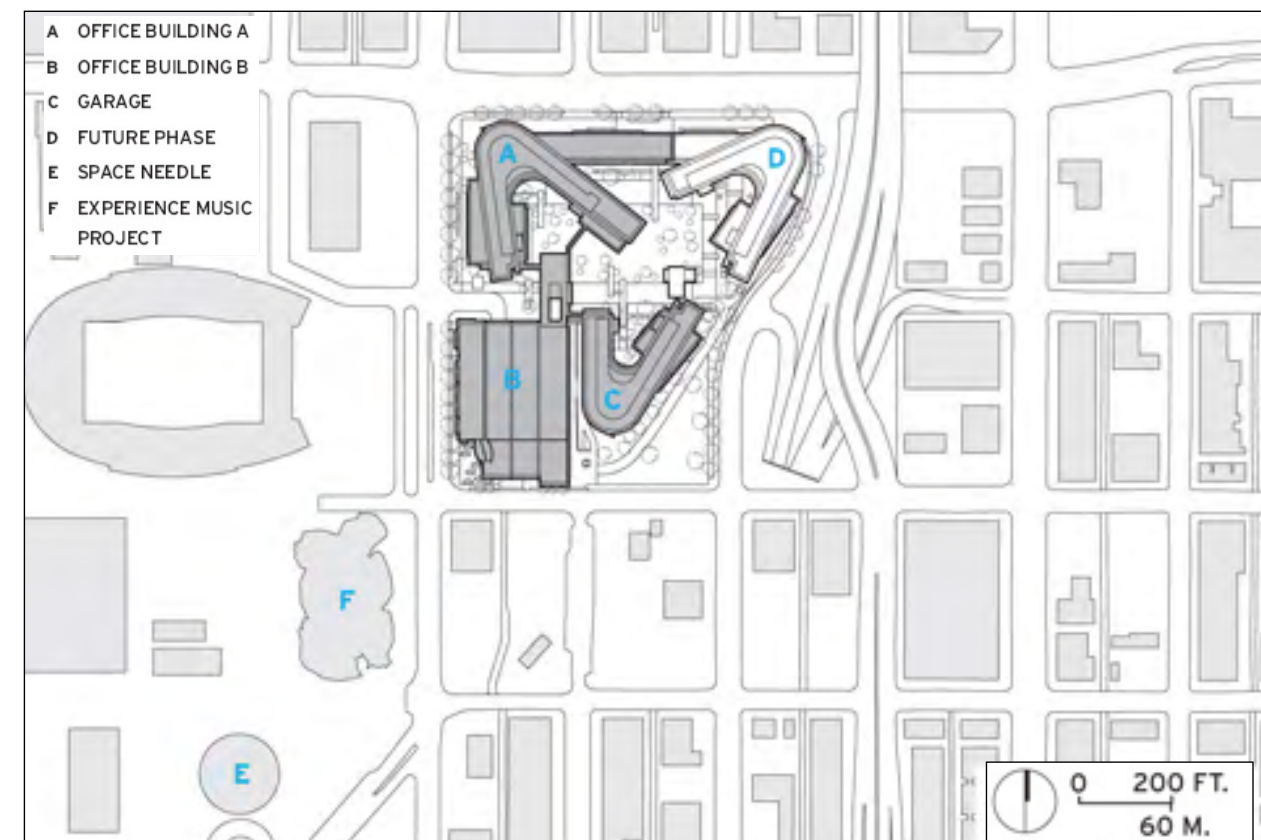
ترجمه‌ی لادن مصطفی‌زاده

پلاتینیوم لید (LEED) را به دست آورد. ایده‌ی اصلی طراحی برای این پروژه، ایجاد شفافیت برای جامعه‌ی داخلی و خارجی و تشویق به همکاری است. معماران مجموعه را به مجموعه‌ای از متشکل چهار ساختمان تقسیم کردند و با گوستافسون گاتیری نیگل (Gustafson Guthrie Nichol) مستقر در سیاتل در مورد چشم انداز همکاری کردند.

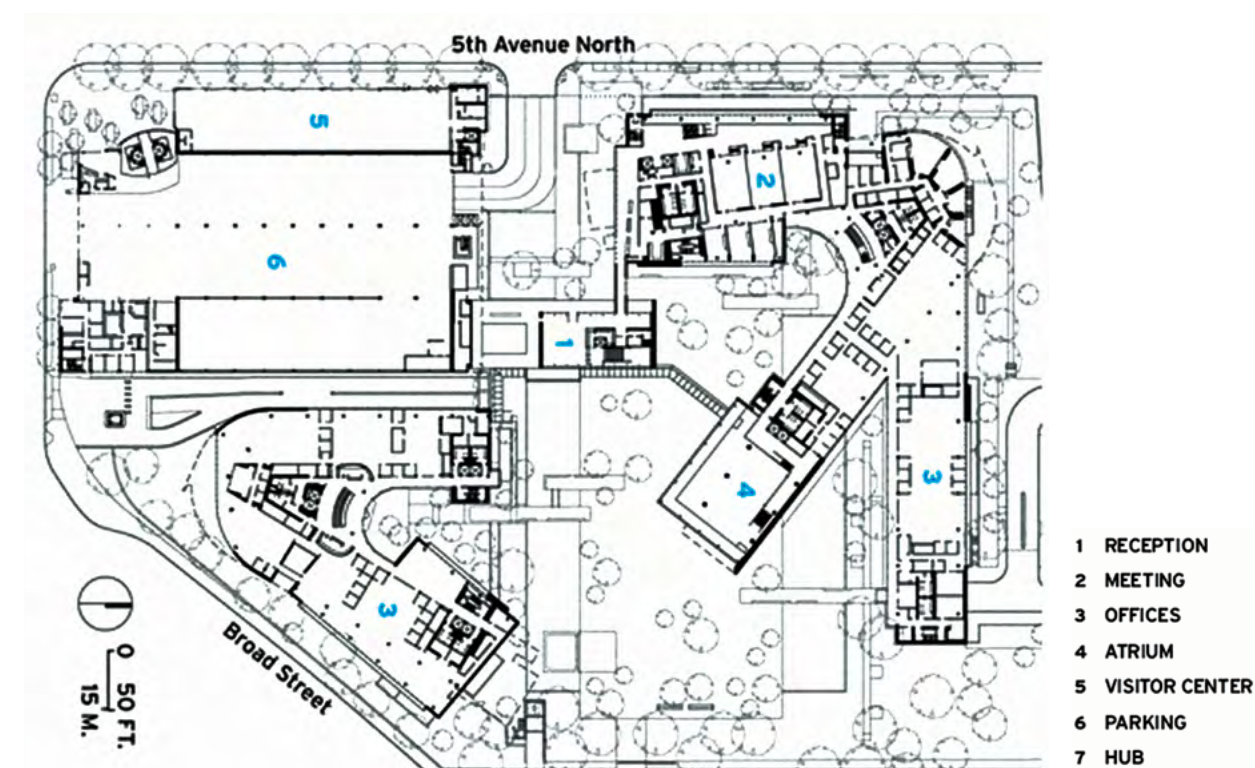
یک جفت ساختمان اداری منحنی، یک غرفه پذیرایی و یک پارکینگ با ظرفیت هزار ماشین، سه گوشه سایت را در بر گرفته و ممکن است در آینده، ساختمان اداری سوم به آنها اضافه شود. انحنای بازوهای ساختمان‌ها، درجه‌ای از جسارت را به طراحی می‌افزاید و ایده‌ی دسترسی بنیاد گیتس به نقاط مختلف جهان را بیان می‌کند. چشم‌انداز گوستافسون گاتیری نیگل با خیابان‌های مجاور همسو می‌شود و مجموعه را به بافت سیاتل پیوند می‌دهد. در انتهای ساختمان اداری شمالی، فضایی به عنوان یک فضای مدنی در نظر گرفته شده که در آن کارمندان می‌توانند ناهار بخورند، روی لپ‌تاپ کار کنند یا برای ارائه‌های ویژه گرد هم آیند.

بنیاد بیل و ملیندا گیتس (Bill & Melinda Gates) یک سازمان غیر انتفاعی است که با فقر، بیماری و نابرابری در سراسر جهان مقابله می‌کند و مأموریت آن، خلق جهانی است که در آن هر انسانی، فرصت زندگی سالم و سازنده را داشته باشد. بنیاد بیل و ملیندا گیتس برای طراحی فضای جدید خود در سیاتل از گروه معماران ان.بی.بی.جی (NBBJ) کمک گرفته است. ان.بی.بی.جی یک گروه معماری آمریکایی است که طراحی‌هایی را در بیچینگ، بوستون، کلمبیا، هنگ‌کنگ، لندن، لس‌آنجلس، نیویورک و غیره انجام داده و هدف اصلی آن، کمک به شرکت‌ها و کمپانی‌ها برای ایجاد مکان‌های نوآورانه است. ان.بی.بی.جی، جوامع، ساختمان‌ها، محصولات و محیط‌هایی را برای بهبود زندگی مردم طراحی می‌کند.

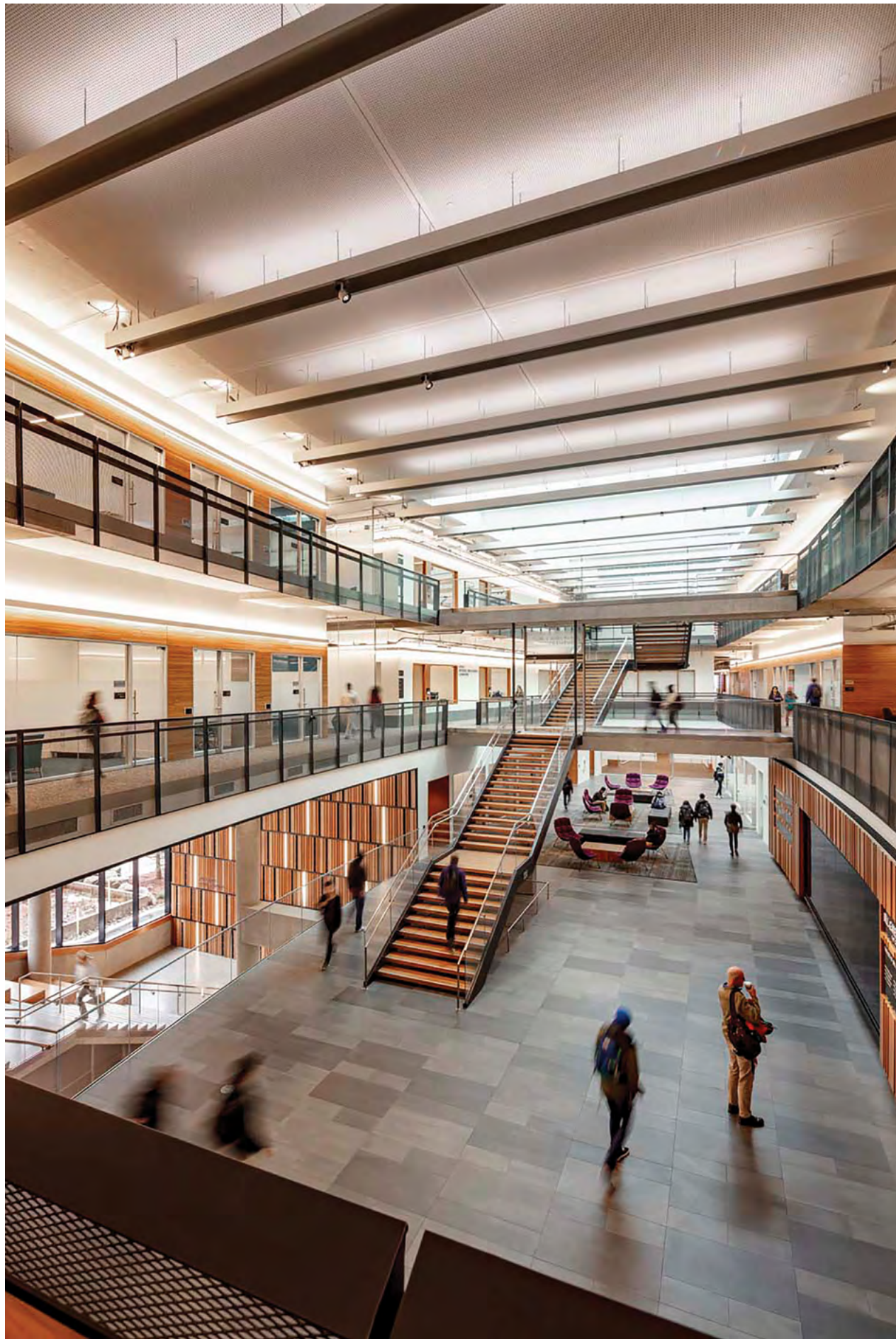
مجمع جدید بنیاد بیل و ملیندا گیتس که توسط گروه معماران ان.بی.بی.جی با مساحت ۶۴۰۰۰۰ فوت مربع طراحی و در ژوئن ۲۰۱۱ افتتاح شد، با به کارگیری طیف وسیعی از استراتژی‌های پایداری از جمله محوطه‌سازی و بام‌های سبز (که چهل درصد از سایت را پوشش می‌دهد)، توانست رتبه



SITE PLAN







Chaple of Sound

OPEN Architecture



AMPHITHEATER

CHENGDE, CHINA

Architects: OPEN Architecture

Area: 790 m²

Year: 2021

Photographs: Jonathan Leijonhufvud

نیایشگاه آوا

دفتر معماری اپن

عکاس: جانانان لیجونهو فود

مترجم: الناز شمالی

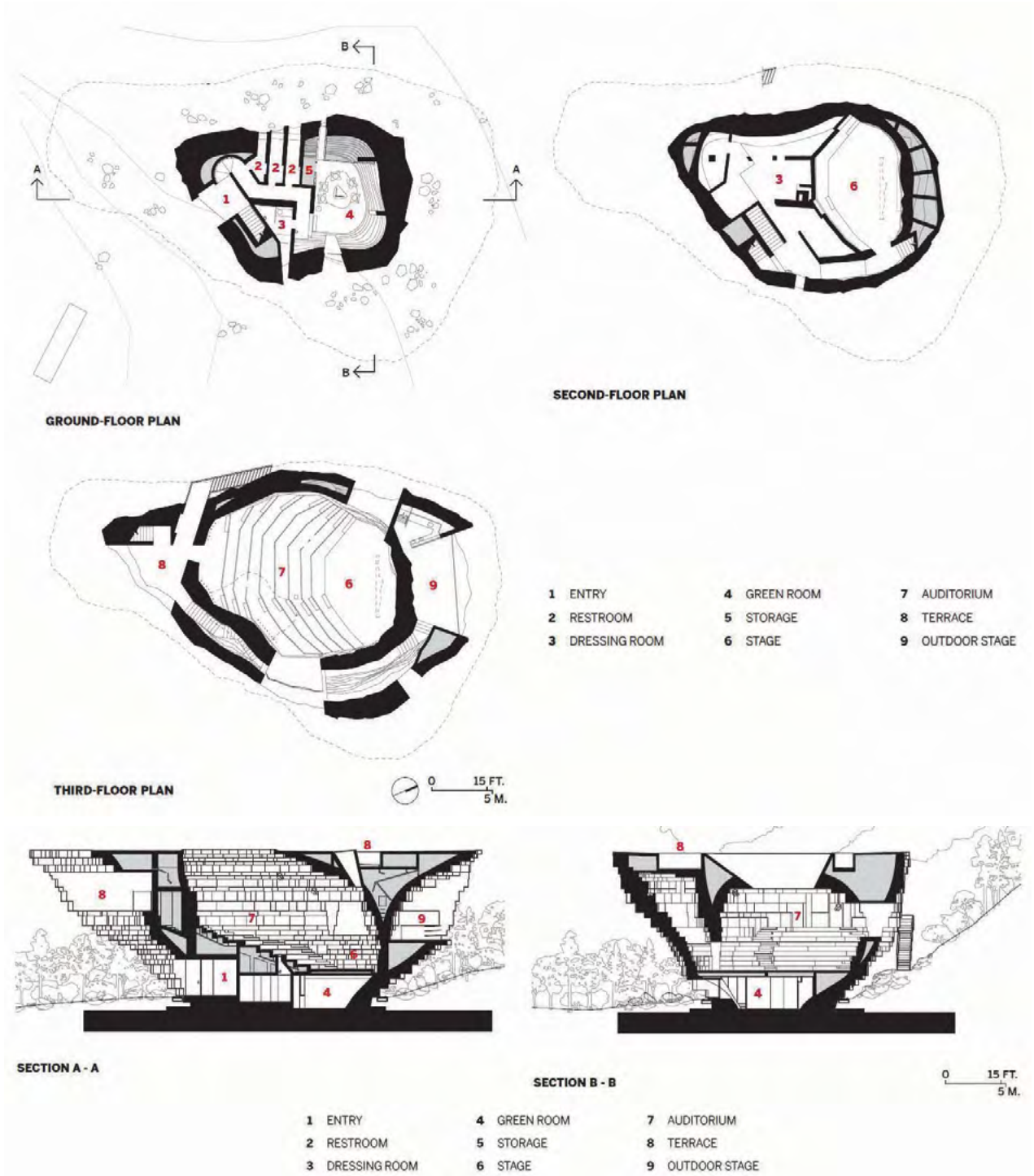


شده‌اند که جاذب صوت هستند و صدا را در خالص‌ترین شکل ممکن خود طنین‌انداز می‌کند. این سازه در پایه‌ی دره‌ای قرار دارد که بقایای دیوار چین سلسله مینگ (Ming) در آن واقع شده است. ماهیت لایه لایه‌ی ساختار آن یک طراحی آگاهانه برای کاهش پیچیدگی ساخت‌وساز در مکانی تقریباً غیرقابل دسترس بدون ماشین‌آلات پیچیده بود.

این مجموعه دارای دو فضای اجرا متشکل از یک آمفی‌تئاتر نیمه‌باز و صحنه‌ی اجرا در فضای باز و همچنین شامل فضاهای پشتیبانی و یک سطح صاف روی پشت‌بام است که بازدیدکنندگان با ایستادن روی آن می‌توانند از مشاهده‌ی دره و دیوار چین لذت ببرند. وقتی نور خورشید می‌تابد فضای داخلی آکنده از نور و صدا می‌شود. وقتی باران می‌بارد، قطرات آن می‌تواند از طریق دهانه‌ی مرکزی بالای سازه وارد سالن شود که بسیار چشم‌نواز است. برای کسانی که در جستجوی آرامش در صداها‌ی موسیقی و طبیعت هستند این مکانی مقدس است.

نیایشگاه آوا که دارای فرم جالب و خاصی است در جینشانلینگ (Jinshanling) چین قرار دارد. این سازه در سال ۲۰۲۱ توسط دفتر معماری اپن (Open) طراحی و اجرا شد. این دفتر معماری متشکل از معمارانی فعال است که در حوزه‌های طراحی شهری، طراحی منظر، طراحی ساختمان و طراحی داخلی فعالیت دارند. دغدغه‌ی اصلی این گروه استفاده از قدرت خلاقانه‌ی معماری برای تغییر انسان و شیوه‌ی زندگی او و در عین‌حال برقراری تعادل بین تکنولوژی و طبیعت است. اپن توسط لی هو (Li Hu) و هوانگ ونجینگ (Huang Wenjing) در نیویورک تأسیس شد و شعبه‌ی دوم آن در سال ۲۰۰۸ در پکن افتتاح شد. این دفتر معماری برنده‌ی جوایز متعدد بین‌المللی شده است.

نیایشگاه آوا یک مجموعه‌ی فرهنگی در مساحت ۷۹۰ مترمربع است. این سازه که ماهرانه طبیعت را به تصویر می‌کشد، یک سالن کنسرت نیمه باز کوچک است. دهانه‌ی مرکزی روی سقف و روزنه‌های اطراف آن به گونه‌ای طراحی











مدرسه‌ی هایکو

اثر دفتر معماری تریس

هوا لی (Hua Li)

موسس و مسئول دفتر معماری تریس (Trace Architecture Office)

مدرسه‌ی تجربی در هایکو

دفتر معماری تریس (Trace Architecture Office) یکی از تاثیرگذارترین نهادهای فعال در حوزه‌ی معماری مدرن چین است که در سال ۲۰۰۹ توسط معمار چینی، هوا لی (Hua Li) در شهر پکن تأسیس شد. این دفتر معماری، منتقد اصلی مصرف‌گرایی رایج در جهان است و معماری را بخش جدایی‌ناپذیری از طبیعت می‌داند. تمرکز اصلی پروژه‌های این دفتر معماری بر فرهنگ و اقلیم چین است.

دفتر معماری تریس از جدیدترین سازه‌ی خود مدرسه‌ی تجربی جیان‌دو هواندو (Jiangdong Huandao) رونمایی کرد. این مجموعه‌ی آموزشی چشمگیر در هایکو واقع شده است که شامل یک دبیرستان با چهل و هشت کلاس و خوابگاه برای دانش‌آموزان است. بنای این مدرسه یادآور تعهد این دفتر معماری به پیوند جدایی‌ناپذیر طبیعت و آموزش در بافت محلی چین است.

باغ‌شهر: آمیختگی با محیط اطراف

دفتر معماری تریس این سازه را به عنوان یک باغ‌شهر مینیاتوری در منطقه جدید جیان‌دو در امتداد ساحل شرقی هایکو طراحی کرده است. این سازه به طور یکپارچه با حومه، فضاهای سبز، رودخانه، تالاب و اقیانوس ادغام شده و به جزئی ارگانیک از یک کل بزرگ‌تر تبدیل می‌شود. مفهوم معماری این سازه از معصومیت و بازیگوشی ذاتی کودکان الهام گرفته شده که در ترکیب با اشکال و منحنی‌های هندسی، رنگ‌های گرم و زنده، و فضاهای مسحورکننده‌ی تخیل و خلاقیت دانش‌آموزان را تحریک می‌کند و تجربه‌ی آموزشی استثنایی را به آن‌ها ارائه می‌دهد.

یک واحه‌ی سایه‌دار در زیر سقفی شناور

یکی از ویژگی‌های بارز این طرح، سقف شناور بزرگی است که چندین بلوک آموزشی مستقل را پوشش می‌دهد و فضاهای باز سایه‌دار زیادی را برای فعالیت‌های دانش‌آموزان فراهم می‌کند. این سقف برای محافظت از دانش‌آموزان در برابر عواملی مانند باد و باران و همچنین برای تسهیل تهویه طبیعی انطباق با آب و هوای استوایی محلی ساخته شد. تلفیق مناظر میکروتوپوگرافی و ستون‌هایی با دو ارتفاع که نماد تپه‌ها و جنگل‌های بامبو هستند، محیط مناسبی را برای کاوش ایجاد می‌کند. پل‌های معلق با ارتفاع مختلف در میان ستون‌ها ساخته شده که این فضاهای متنوع حس اکتشاف و تخیل را برمی‌انگیزد.

سفری از جنس رنگ و نور

تیم معماری تریس بر این باورند که نور نقشی اساسی در فعال کردن رنگ و فضا ایفا می‌کند و به مصالح جان می‌بخشد. تعامل نور و سایه به ستون‌های بلند ۱۷ متری و سقف پراکنده که با بتن صاف ساخته شده جان می‌دهد و تجربه‌ی فضایی موزونی را ایجاد می‌کند که حس معنویت را برمی‌انگیزد. حجم‌های هندسی انتزاعی با بافت رنگی مزین شده‌اند و هر رنگ یک احساس متمایز را نشان می‌دهد. قرمز نماینده‌ای برای حس اشتیاق، آبی برای آرامش، و زرد برای سرزندگی است که فضای دراماتیکی را مانند یک نقاشی رنگ روغن جذاب به وجود می‌آورد.

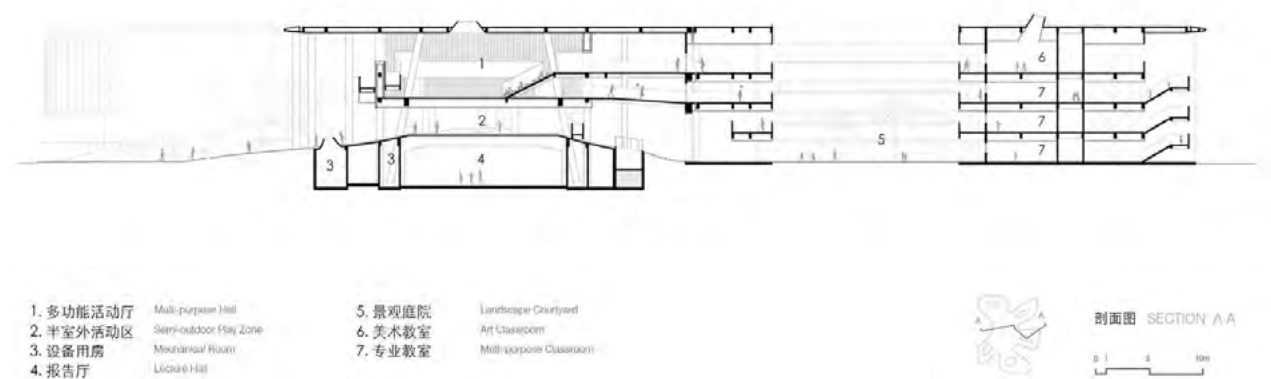
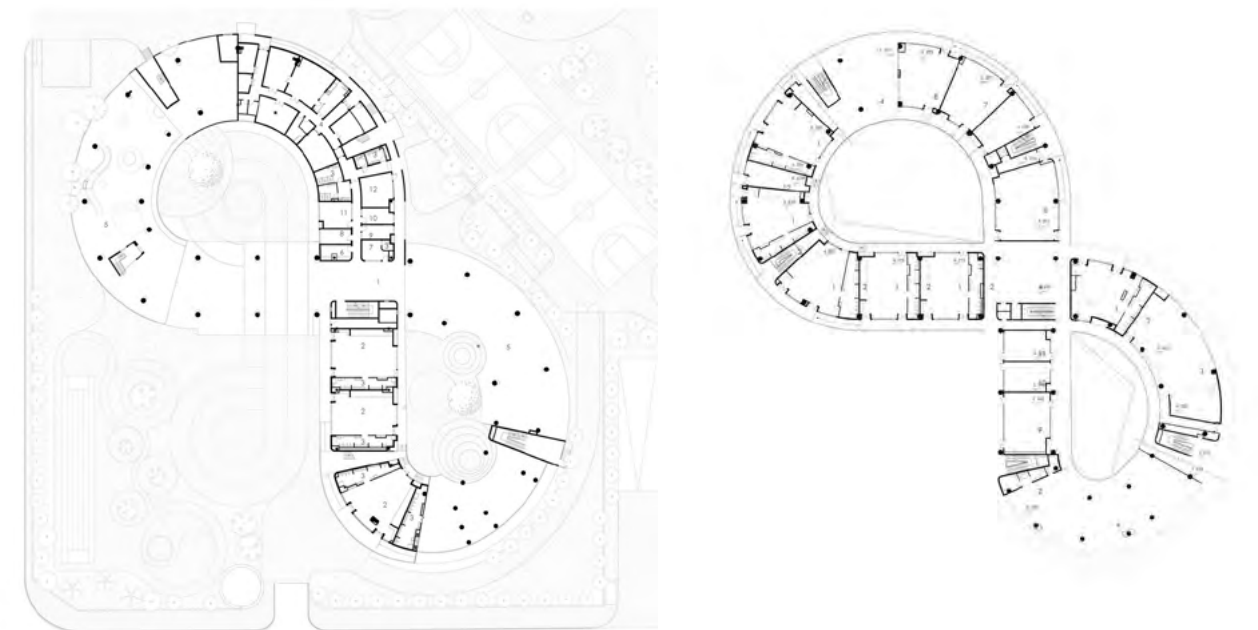
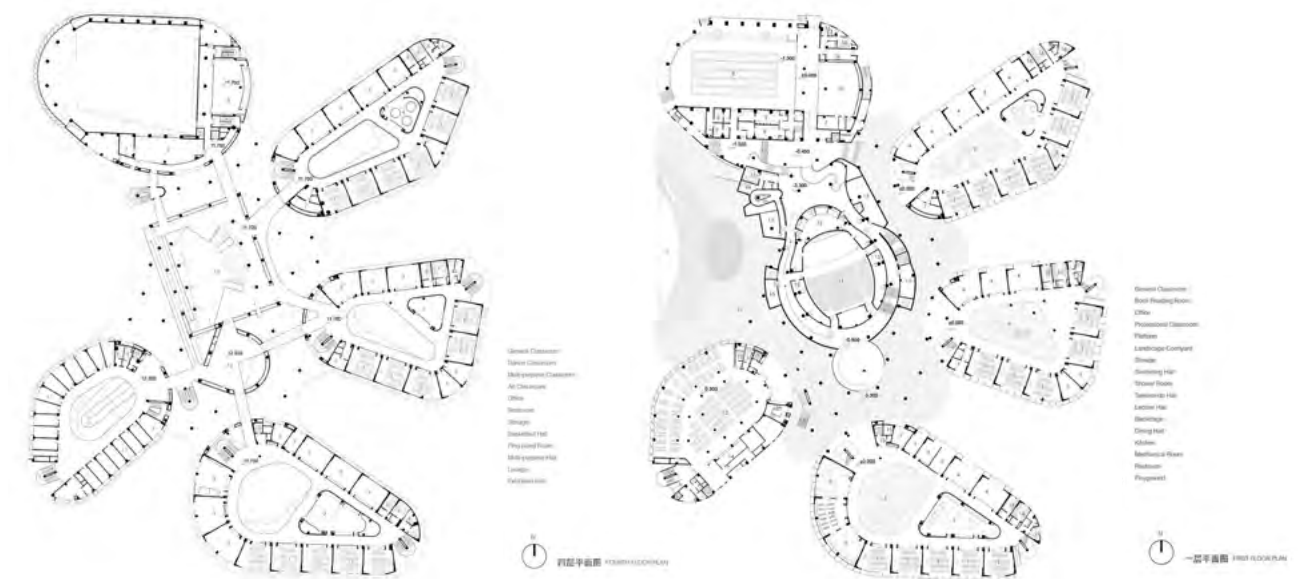
در حالی که به نظر می‌رسد فرم کلی معماری از منحنی‌هایی با جریان آزاد تشکیل شده است، اما توسط خطوط هندسی دقیق کنترل می‌شود که با حساسیت و عقلانیت هماهنگ است. این رویکرد یک فرم فضایی را تعریف می‌کند که به طور همزمان سیال و مقاوم است. طاق‌های دایره‌ای مختلف، حیاط‌هایی با جهت‌گیری درونی و فضاهای قوسی شکل ایجاد می‌کنند که به طور هماهنگ فضاهای داخلی و خارجی را به هم متصل و محوطه‌ی دانشگاه را به هزارتویی تبدیل می‌کنند. این طرح به دانش‌آموزان یک تجربه‌ی اکتشافی و منحصر به فرد را ارائه می‌دهد. مرکز شعاعی محوطه‌ی دانشگاه یک فضای هنری چند منظوره شامل جعبه‌های آبی و قرمز دارد. این محوطه با فضای داخلی وسیع برای انجام فعالیت‌های گوناگون طراحی شده است. دانش‌آموزانی که در طبقات بالاتر درس می‌خوانند می‌توانند در همان فضا استراحت کنند بدون اینکه لازم باشد به طبقات پایین بیایند. به‌علاوه، فضاهای بازی در این مدرسه به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش‌آموزان را از باران و یا تابش آفتاب شدید هایکو محافظت می‌کند.

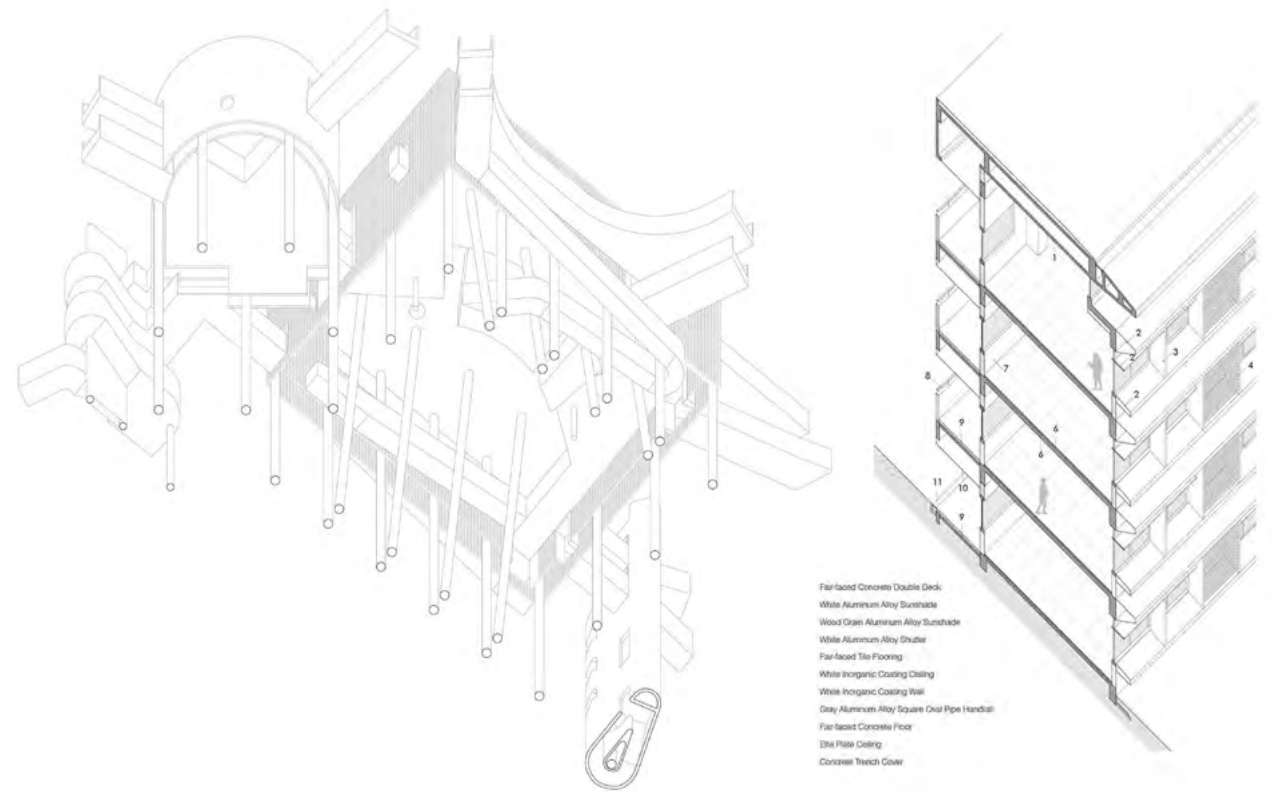
فضاهای داخلی از طریق نورگیرهایی که با دقت طراحی شده غرق در نور هستند. این شیوه‌ی نورپردازی که ترکیبی از رنگ‌ها و سایه‌ها است فضای عرفانی را ایجاد می‌کند که روح دانش‌آموزان را پرورش می‌دهد و ذهن آن‌ها را فعال می‌کند.

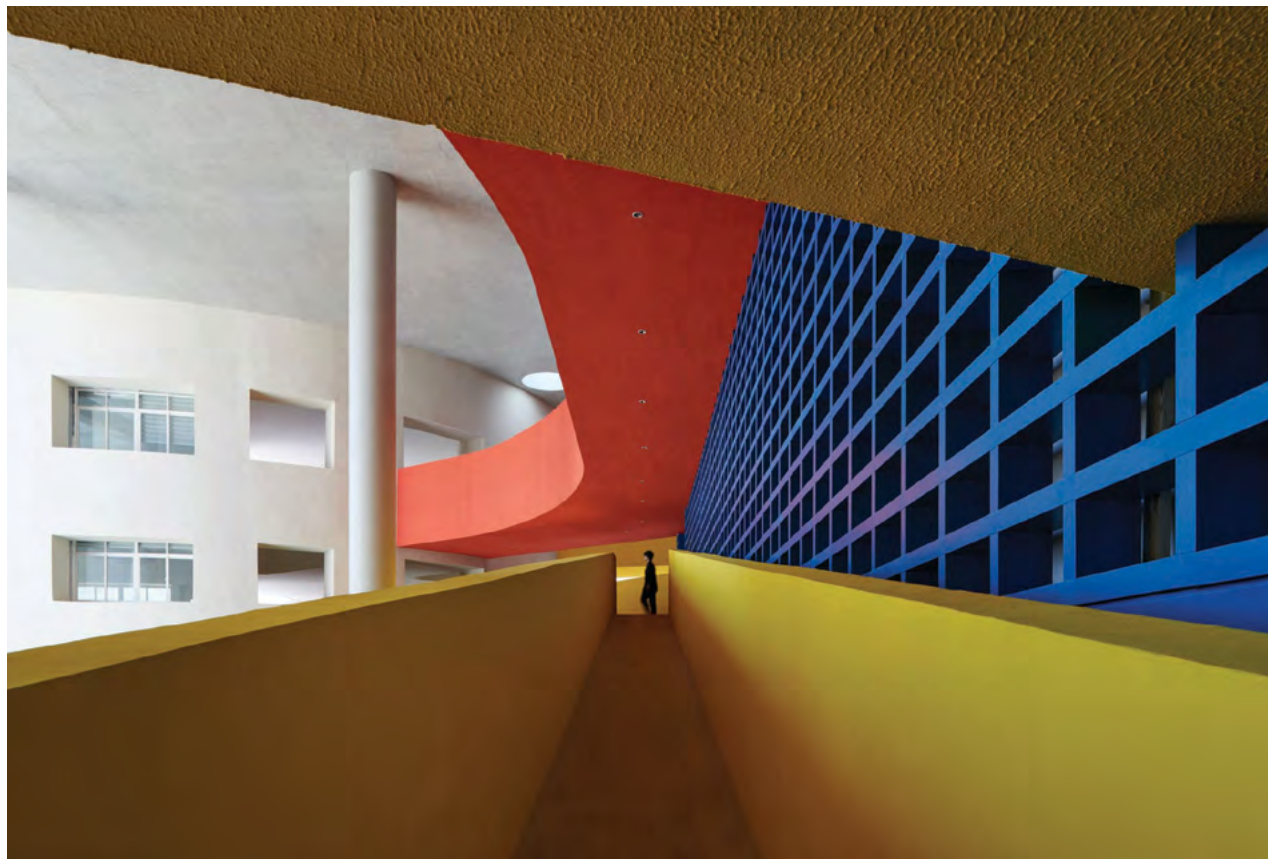
تلفیق هماهنگ آموزش و معماری در مدرسه‌ی تجربی جیان‌دو هواندو هایکو چشم‌انداز نوآورانه دفتر معماری تریس را نشان می‌دهد.

ادغام فضای مدرسه با محیط طبیعی و به کارگیری عناصر طراحی متفکرانه برای تحریک تخیل دانش‌آموزان یک محیط آموزشی منحصر به فرد و الهام بخش را در هایکو، چین به وجود آورده است.















طراحی داخلی

Interior Design





میان پرسه بانوان (مرکز تندرستی و زیبایی آپال شی)

شقایق رضایی، علی‌اکبر اکبری

به‌طور کلی یکی از تفاوت‌های بارز میان مراکز خرید نوین در مواجهه با بازارهای سنتی دهه‌ی ۵۰ را می‌توان اضافه شدن کاربری‌های مکمل بخش خرده‌فروشی مانند بخش تفریح و سرگرمی، بخش فرهنگی و بخش سبک زندگی آلاّنه به برنامه‌ی مراکز خرید در دهه‌ی گذشته برشمرد.

معمولا هر چه تعداد طبقات فروشگاه‌ی بیشتر می‌شود، میزان جذب مخاطب به آن طبقات سخت‌تر می‌شود. بنابراین با جامعایی کاربری‌های غیرفروشگاهی / خدماتی آن طبقات به یک مقصد تبدیل می‌شوند.

مرکز خرید آپال واقع در بلوار سعادت‌آباد تهران با بخش فروشگاه‌ی متمرکز در طبقات مختلف از سال ۱۳۹۸ در صنعت مجتمع‌های تجاری فعالیت خود را آغاز کرده است. در ابتدا کاربری طبقات ۱۳ و ۱۴ با ارتفاع ۷۰ متر از سطح زمین برای موضوع نمایشگاه و سپس پردیس سینمایی طبق سازه‌ی اصلی پروژه در نظر گرفته شده اما به دلایل مختلف از جمله میزان رقابت در سطح منطقه هیچ‌وقت عملی نشد و این دو طبقه فاقد عملکرد فعال بودند.

پس از مدت‌ها در سال ۱۴۰۰ با هم‌اندیشی کارفرما و مشاور بازار به تعریف کاربری متفاوتی برای این دو طبقه رسیدیم؛ پاتوقی برای بانوان به گونه‌ای که همزمان بتواند به بانوان متخصص در زمینه‌ی زیبایی و تندرستی واگذار شود و از سوی دیگر مخاطب را تا این طبقه به بالا کشاند.

کانسپت

سوال اصلی در شروع پروسه‌ی طراحی این بود که چطور می‌توان علی‌رغم کاربرهای مختلف، یک کل منسجم را در این دو طبقه فراهم آورد؟

از یک طرف محدودیت‌های وضع موجود پروژه موجب شد تا عناصر ثابت مانند دسترسی‌های عمودی، محل پله‌های فرار، سیستم تاسیسات مکانیکی و تهویه مطبوع را به عنوان ارکان اصلی طراحی در برنامه‌ریزی فضایی بشناسیم. از طرف دیگر ماهیت کاربری‌های تعریف شده می‌بایست هم شخصیت مستقلی داشته باشند، هم هدف یکسانی را دنبال کنند.

بدین منظور ۸ واحد با کاربری‌های مکمل در کنار هم قرار گرفتند که نیاز به خلق فضایی به عنوان فصل مشترک داشتند که موجبات گپ‌وگفت زنانه را فراهم کند.

مراکز قدرت:

• مسیر پرسه‌زنی

سازمان‌دهی فضاهای داخلی بر پایه‌ی مسیر اتصال‌دهنده‌ی لابی‌های پله فرار و آسانسور در سه وجه طبقه شکل گرفته و با استفاده از بافت و رنگ خاص، حس دیده شدن را از بدو ورود به مخاطب القا می‌کند.

• دیوارهای کانسپت

در جهت حفظ حریم هر کاربری، دیوارها علی‌رغم نقش جداکننده‌ی درون و بیرون، مسئولیت پویایی فضا را نیز ایفا می‌کنند و فرم‌های لطیف زنانه و رنگ‌های شاد را به خود گرفته‌اند. علاوه بر این در راستای حفظ حس یکپارچگی مجموعه ارتفاع دیوارهای کانسپت کوتاه‌تر از دیوارهای اصلی در نظر گرفته شد.

• فضای میانجی و تعامل

مسیرهای ارتباطی به یک نقطه‌ی تلاقی می‌رسند که به لحاظ عملکرد نقش فضای میانجی را دارند که بازیگران اصلی آن یک مبل قرمز سه وجهی در میان و پیش ورودی واحدها در اطراف آن هستند که با یکدیگر گفت‌وگو برقرار می‌کنند. همچنین شبکه‌ای معلق در سقف و کفسازی همسان پیش‌ورودی‌ها بر یکپارچه‌سازی فضایی تأکید ویژه می‌نماید؛ به مثابه‌ی مرکز محله‌ای که کسبه دورتادور آن چیده شده‌اند و بخشی از اتفاقات درون خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند کاربر هنگام حضور و پرسه‌زنی در مجموعه تجربه‌ی فضایی جدیدی را از یک مرکز زیبایی و تندرستی بدست می‌آورد. “امید است که خلق این فضا سهم کوچکی در جلوه‌گری بانوان عزیز کشورمان داشته باشد.”

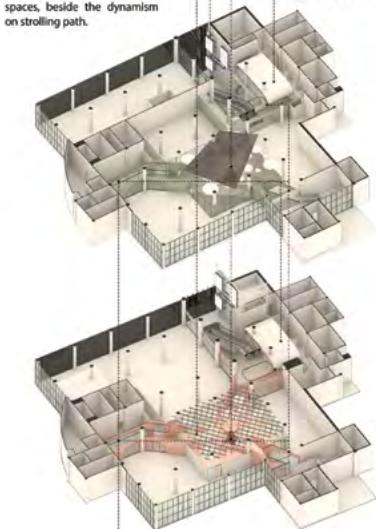
نام پروژه: میان پرسه بانوان (مرکز تندرستی و زیبایی آپال شی) / عملکرد: عمومی / دفتر معماری: گروه معماری ماد / معماران: شقایق رضایی، علی‌اکبر اکبری / همکاران طراحی: پARMیدا حکیمی، ایمان عیسی نصیری، مهناز نقدی، سمیرا گلچین، سپهر طاهری، رومینا ایزدخواه / طراحی و معماری داخلی: شقایق رضایی، علی‌اکبر اکبری / کارفرما: مرکز تجاری آپال / مجری: بخش اجرایی مرکز تجاری آپال / نورپردازی: توسعه افراز هوراد / مهندس تاسیسات: علی محرمی / نوع تاسیسات: فن کوئل / مهندس سازه: بابک شهریوری / نوع سازه: فلزی / آدرس پروژه: تهران، سعادت‌آباد، بلوار فرحزادی، میدان کتاب، مرکز تجاری آپال / مساحت زمین: ۲۵۰۰ مترمربع / زیربنا: ۴۴۴۰ مترمربع / تاریخ شروع-پایان ساخت: آذر ۱۴۰۰- بهمن ۱۴۰۱ / عکاس پروژه: محمد حسین آقاچانی، الناز دولت آبادی ایمیل: Maadarchitects@hotmail.com اینستاگرام: MaadArchitect

طراحی لوگو وال بر اساس ارتفاع و موقعیت قرار گیری آن و تاکید بر دیده شدن از فضاهای دیگر مجموعه
 Designing logo wall based on height and location of it on the project to emphasis on its visibility from all of the project's zones.

طراحی شبکه معلّق در سقف بخش میانی جهت ایجاد حس سکون در محفل فضاهای اشتراکی. در عین پویایی و سیالیت مسیر پرمه زنی
 Designing hanged networks on mid ceiling to emphasis on sense of stillness on shared spaces, beside the dynamism on strolling path.

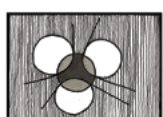
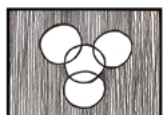
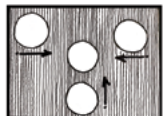
طراحی مدل خاص در فضای میانی جهت ایجاد پاتوق برای گپ و گفت مردمان
 Customized sofa is placed on interaction space to bring a dynamic resort for women's interactions.

طراحی سقف گهواره ای جهت تاکید بر فضای پذیرش و خوشامدگویی
 Designing cradle roof to emphasis on greeting and reception zone.



طراحی المان های نوری خطی جهت تاکید بر مسیرهای حرکتی
 Designing linear light elements to emphasis on dynamic paths.

المان های طراحی شده

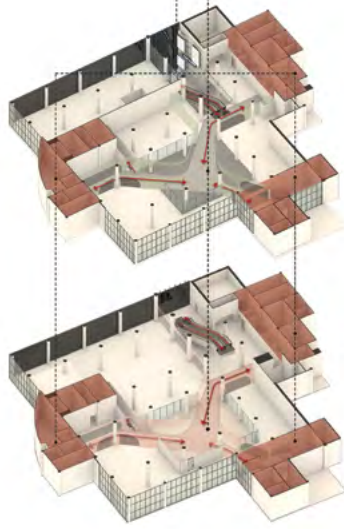


روند توسعه عملکرد ها



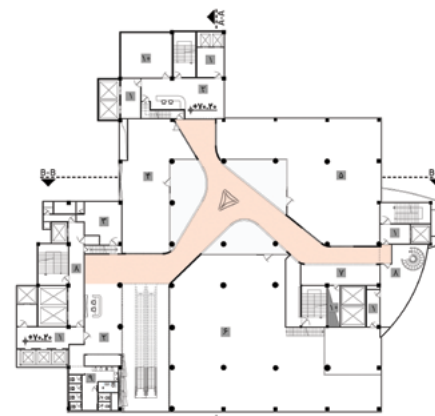
تقابل توده و فضا

عناصر ثابت پروژه (محل پله های فرار، آسانسور ها، تاسیسات و...) به عنوان ارکان اصلی تاثیرگذار در طراحی و خلق مسیر پرمه زنی
 Fixed elements of the project (Escape stairs, elevator, facilities and...) as main effective elements on design and creation of Flaneur path.

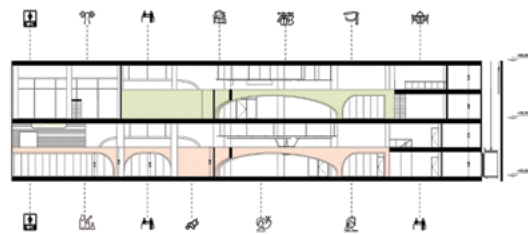


مسیر های حرکتی

فضای میانی (محل تجمع و تعامل بانوان)
 Interaction space (women's gatherings and interaction place)



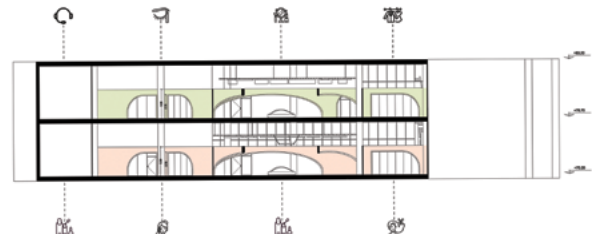
لایه آسانسور
 لایه ورودی
 بخش آموزش
 بخش خدمات و پشتیبانی
 سرویس بهداشتی
 تاسیسات
 واحد تخصصی ناخن و مژه
 بخش نگهداری کودک
 واحد تخصصی مو
 واحد تخصصی



مقطع A-A

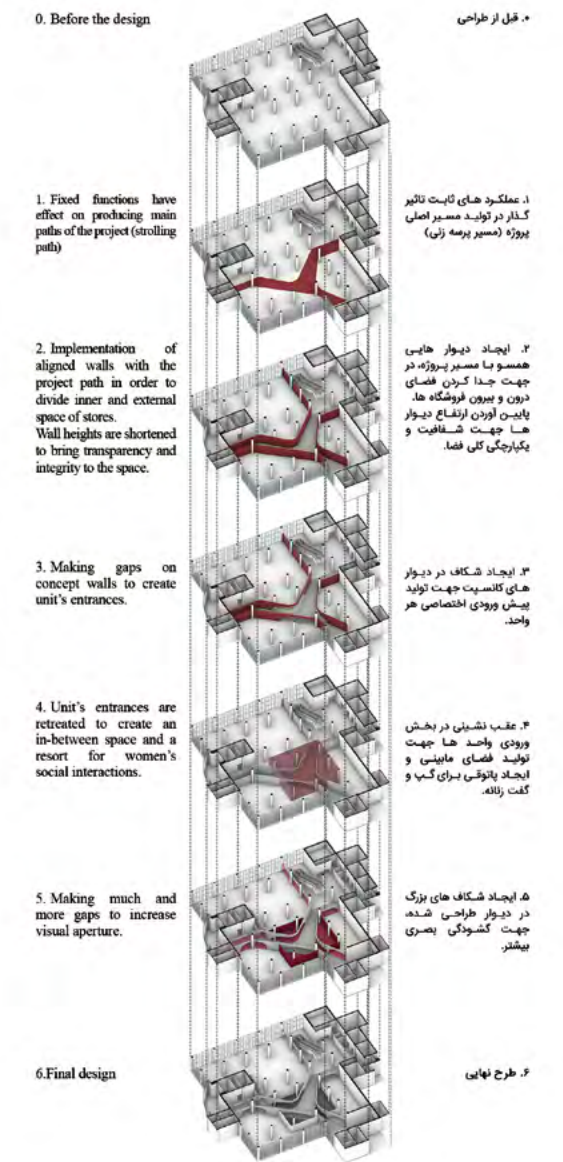


لایه آسانسور
 لایه ورودی
 بخش آموزش
 بخش خدمات و پشتیبانی
 سرویس بهداشتی
 تاسیسات
 واحد تخصصی میکروبیلا پیک
 واحد تخصصی زیبایی
 گالری پوشاک
 باشگاه ورزشی



مقطع B-B





خانه اتفاق

مهیار جمشیدی



ماجرای خانه‌ی اتفاق با جمله «می‌خواهیم خانه‌ی ما قصه‌ای داشته باشد» شروع شد.

خانه‌ی ۱۳۵ متری خیابان گلستان، نوساز، خوش‌هندسه ولی خالی از کیفیت‌های یک «خانه» بود. زندگی، عملکرد الحاق شده‌ای به هندسه‌ی ناگونمای خانه می‌مود؛ گویی این ساختمان طراحی شده باشد تا تنها، ظرف فعالیت‌های محدود سبک زندگی آپارتمان‌نشینی نخ‌های این روزها باشد.»خانه‌ی اتفاق»، تجسم تخیلات بلندپروازانه‌ی کارفرما و معماران درک‌فزا از زندگی جاری در کالبد موجود خانه‌ی خیابان گلستان شد.

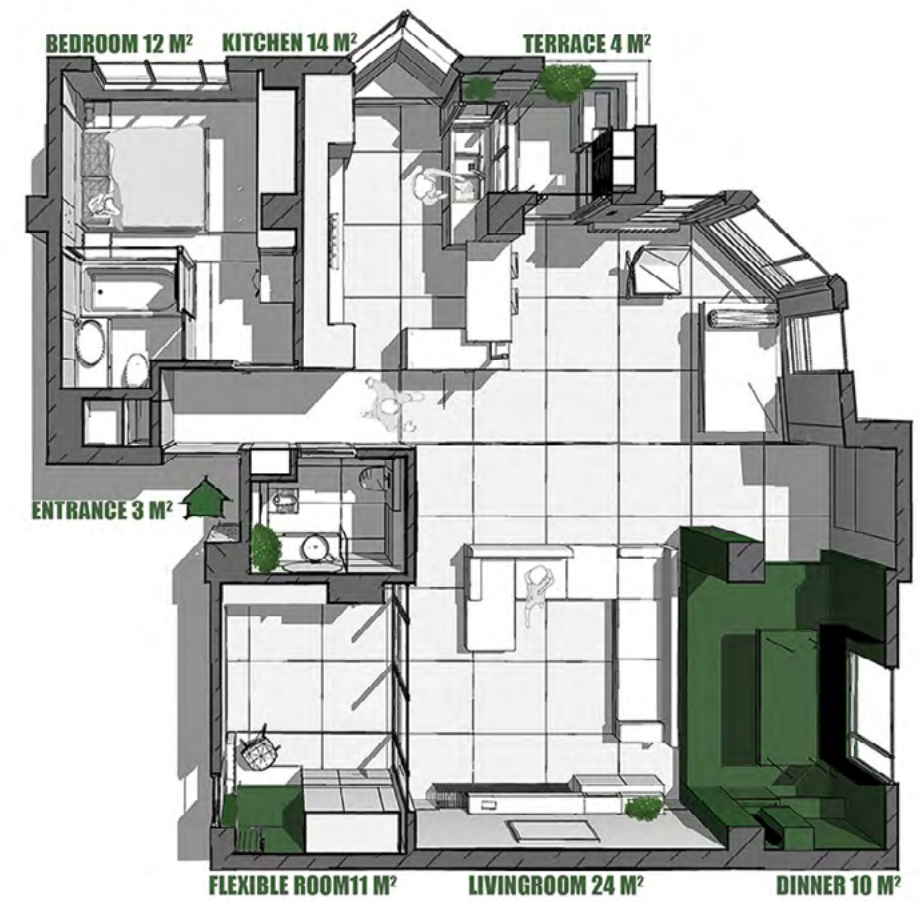
پیش‌تر، در میان سه اتاق‌خواب خانه و آشپزخانه، سالن غیر راست گوشه‌ی خانه شکل گرفته و در مرکز واحد، سرویس بهداشتی اصلی و حمام تعبیه شده بود. آشپزخانه، در گوشه‌ی دلنشینی از خانه جافایی گردیده بود که نیم‌نگاهی از قاب یک پنجره‌ی مثلثی، به ساختمان همسایه داشت. پنجره‌ای که آشپزخانه را از نور بهره‌مند می‌ساخت اما جداره‌ی صلب دیوار، ساکنین را از تماشای منظره‌ی زیبای کوه انتهای خیابان محروم می‌کرد. برنامه‌ی ما این طور تعریف شد: نگه‌داشتن آشپزخانه و تراس با اعمال تغییراتی در چینش و جهت‌گیری فضاها به لحاظ اعمال اصول زیبایی‌شناسی و عملکرد بهتر؛ تبدیل سه اتاق خواب به یک اتاق مستر و یک اتاق کار؛ و نهایتاً، شکل‌دادن یک سالن خصوصی با مشخصه‌های خاص فضایی منعطف به حیث ابعاد و عملکرد در کنار یک سالن بزرگ‌تر با پنجره‌های فراخ و وسیع که پیش‌تر، بنا بود پشت پرده‌های ضخیم اتاق‌خواب‌ها پنهان شود. در دوره‌می‌های کاربران، سالن خانه، نبض شب‌نشینی‌ها بود. در نتیجه، بر آن شدیم تا سالن خانه، به تعریف محدود و رایج نشیمن خانه‌های مشابه، بسنده نکرده و جسورانه در ذهن و خیال کاربران، نقش فراموش نشدنی داشته باشد. مکعب سبز رنگ و مجسمه‌واری ساختیم که به حسب نیاز، قابل الحاق به سالن خصوصی در هنگام مهمانی‌ها

بوده، عملکرد ناهارخوری را تامین کرده و نشیمن صمیمانه‌ای بر روی زمین در شب‌نشینی‌ها باشد. این مکعب سبز، «اتفاق»خانه‌ی اتفاق شد. مطابق روال پروژه‌های مشابه، میز ناهارخوری برای سرو غذا در نظر گرفته شد اما حضور ثابت این میز، در مساحت محدود این واحد، مانع انعطاف فضا بود. در نتیجه، در میانه‌ی مکعب سبز رنگ، اوبژه‌ای طراحی کرده و ساختیم که با بهره‌جویی از متد گرمایش از کف و از طریق موتور بالابر هیدرولیک و یک شاستی صنعتی میز بالارونده‌ای در مواقع نیاز در اختیار کاربران قرار دهد که کاربری میزنهارخوری را بیش از میزی تنها برای نهارخوردن فراهم آورد؛ میزی برای غذاخوردن، برای کار با لپ‌تاپ به صورت ایستاده، یا سطحی برای بازی‌های رومیزی هنگامی که بازیکنان دورهم روی زمین نشسته اند. هرچند، گستردگی صورت‌های مختلف چینش عناصر این مکعب مانعی برای حفظ خلوص این فضا نشد و به واسطه‌ی به کارگیری رنگ و مصالح یکسان، خدشه‌ای به درک یکپارچگی فضا وارد نکردید. این رویکرد در سایر بخش‌های پروژه نیز قابل رهگیری است. بدین ترتیب می‌توان گفت در این پروژه، حفظ یکپارچگی به لحاظ بصری و به عنوان یک کل واحد، همزمان با ایجاد بستر فعالیت‌های مختلف، مولد طراحی تمام جزئیات و اجزای خانه بود.

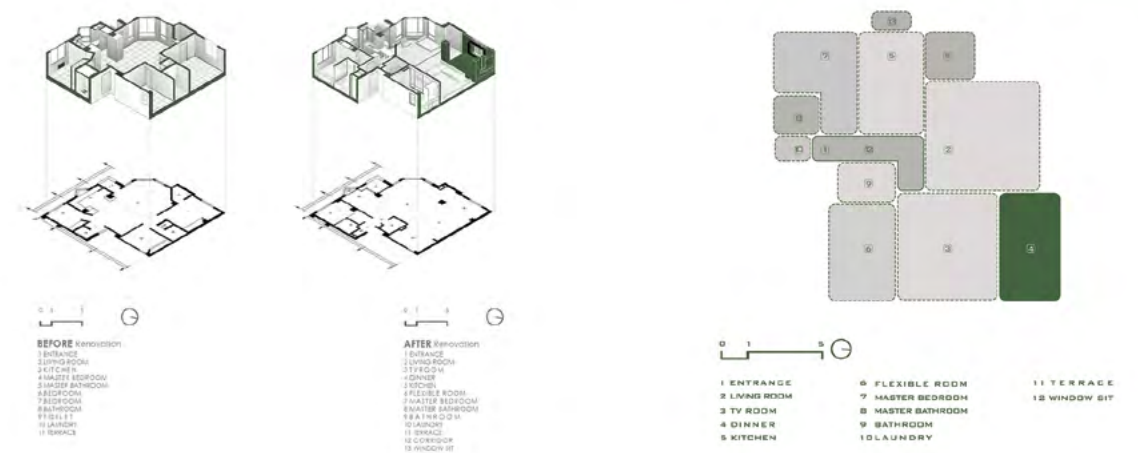
در آخر اینکه در این پروژه تمامی اوبژه‌ها از کلید روشنایی تا قرنیز میز و صندلی و مبل توسط مجموعه درک فضا طراحی و اجرا شده است تا اتفاقات این خانه برای همیشه برای خانه اتفاق بماند. خانه‌ای که تمام تلاشش بیان موضوعی است که خانه فقط فضایی برای بودن نیست. می‌تواند روایت‌گر زندگی باشد. حتی در آپارتمانی عادی با تمامی محدودیت‌های معمول خود. در دفتر درک فضا «بازسازی» به این صورت مورد تمرین قرار می‌گیرد: تلاش

برای نوشتن قصه یک پروژه

نام پروژه: خانه اتفاق / عملکرد: مسکونی / شرکت/دفتر طراحی: دفتر طراحی درک فضا / معمار اصلی: مهیار جمشیدی / سرپرست گرافیک محیطی: مازیار جمشیدی / همکاران طراحی: تینا الفیده فرد، بهاره پزشکی، فاطمه حسنلو، حانیه دانشور ، لیلا نوری / مدیر پروژه: مهیار جمشیدی / کارفرما: آقای عابدی / مجری: دفتر درک فضا / آدرس پروژه: استان البرز ، عظیمیه / زیربنا: ۱۳۵ مترمربع / تاریخ: اردیبهشت تا بهمن ۱۴۰۰ / عکاس پروژه: محمدحسین حمزه لویی / وبسایت: darkefaza.com / ایمیل: darkefaza@gmail.com



ETEFAGH ZONING PLAN







جانانِ لایونهاود

Jonathan Leijonhufvud

مترجم: الناز شمالی

جانانِ لایونهاود (Jonathan Leijonhufvud) عکاس فعال در حوزه‌ی معماری است. او در سوئد متولد شد و هم اکنون در چین اقامت دارد. تحصیلات خود را در دانشگاه هنر لندن گذراند.

با داشتن دو دفتر فعال در پکن و هنگ‌کنگ در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند. او با افراد سرشناسی همچون زها حدید (Zaha Hadid) و توماس هیترویک (Thomas Heatherwick) و همچنین با برنده‌های شناخته‌شده‌ای همچون اپل و نایکی همکاری داشته است. در ادامه به برخی از تصویربرداری‌های این عکاس می‌پردازیم....



نیایشگاه آوا (Chapel of Sound) - دفتر معماری اپن (OPEN Architecture) - عکاس: جانانِ لایونهاود

Eath Library

By: Teoyang Studio

Photographer: Jonathan Leijonhufvud



کتابخانه‌ی ایث

استودیو معماری تئویانگ

عکاسی از: جانائِن لایونهاوِد



Celine Shop

by: Hedi Slimane

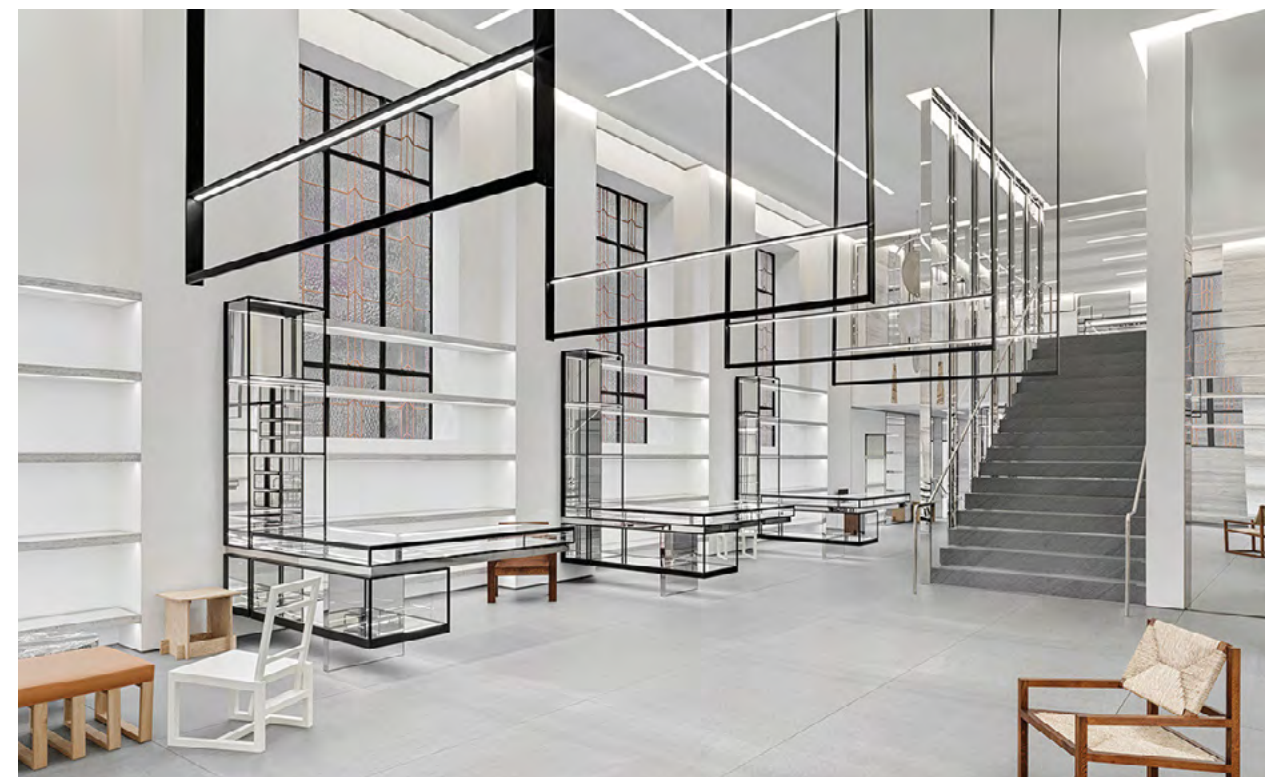
Photographer: Jonathan Leijonhufvud



فروشگاه لباس سلین ملبورن

ادی اسلیمن

عکاسی از: جانائین لایونهاوود



Yiji Gallery

By: SYA Architecture group

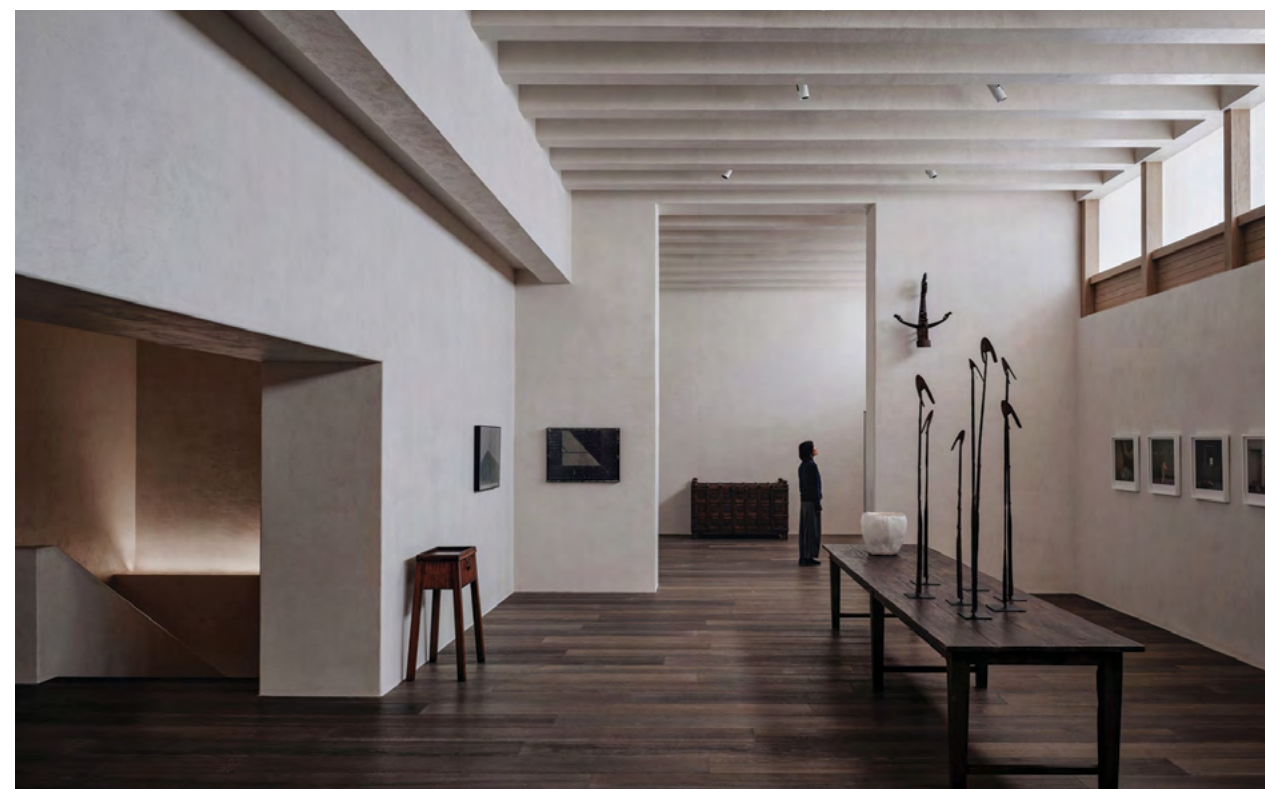
Photographer: Jonathan Leijonhufvud

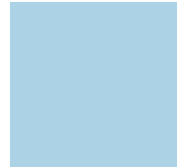


گالری ییجی

اثر شرکت معماری اس وای وای

عکاسی از: جانان لایونهاود





هنر و طراحی

Art & Design



Alfa Romeo

Italy

آلفا رومئو
ایتالیا

مترجم: الناز شمالی



Stradale 33, 2025

آلفا رومئو یک برند معتبر در صنعت خودروسازی ایتالیا است. این کمپانی خودروسازی با نام تجاری آلفا که کوتاه شده‌ی یک عبارت ایتالیایی است در ۲۴ ژوئن سال ۱۹۱۰ در میلان تأسیس شد و انواع خودروهای شهری و مسابقه‌ای را تولید می‌کند. پیش از وقوع جنگ جهانی دوم تمرکز اصلی این شرکت خودروسازی بر تولید انواع موتور برای اتومبیل‌های مسابقه‌ای بود. از سال ۱۹۲۰ نام این کمپانی به آلفارومئو تغییر یافت. الکساندر داراک (Alexandre Darracq) کارآفرین، صنعتگر و خودروساز فرانسوی و نیکولا رومئو (Nicola Romeo) صنعتگر، کارآفرین و مهندس ایتالیایی بنیان‌گذاران این شرکت خودروسازی بودند. از دهه‌ی ۱۹۳۰، سازندگان برجسته در طراحی بدنه‌ی مناسب برای خودروهای مسابقه‌ای تولید این کمپانی خود را به چالش کشیدند. ایتالیا به عنوان یک کشور مرفه در پایان جنگ جهانی دوم به تدریج ظهور کرد که تولید انبوه را به همراه داشت.

سری زیبای جولیتا (Giulietta) که در اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ وارد بازار شد و دو شرکت ایتالیایی طراحی خودرو و بدنه‌سازی گروپو برتونه (Gruppo Bertone) و پینینفارینا (Pininfarina) مدل‌هایی را برای آن طراحی کردند، راه را هموار کرد. آنها ایده‌ی «طراحی خوب» (Bel Design) را که از میلان پدیدار شد گسترش دادند تا محصولات بزرگ‌تر را در بر بگیرد. این ایده همچنین توسط مارچلو نیزولی (Marcello Nizzoli) در طراحی ماشین‌های تحریر اولیوتی (Olivetti)، توسط پیاجو (Piaggio) در موتور اسکوتر وسپا (Vespa) و توسط فیات (Fiat) در خودروهای کوچک ۵۰۰ بکار گرفته شد. اتومبیل‌های مسابقه‌ای این کارخانه مانند جولیتا اسپایدر (Giulietta Spider) که توسط پینینفارینا و جولیتا اسپرینت (Giulietta Sprint) که توسط گروپو

برتونه طراحی شدند نمونه‌های بارزی است که اجزای آن هماهنگی متناسبی دارند و هنوز با گذشت بیش از نیم سده تحسین می‌شوند. طی سال‌های بعدی، این کمپانی در بازارهای بین‌المللی با مدل‌هایی مانند اسپایدر دوئتو ((Spider Duetto و جولیا برلینا (Giulia Berlina) که حتی امروزه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، حضور موفق‌ی داشت. مانند دیگر مدل‌های موفق این کمپانی مدل افسانه‌ای آلفاسود (Alfasud) توسط کمپانی ایتالیایی جورجیو جوجارو (Giorgetto Giugiaro) طراحی شد. یک خط تولیدی ویژه به طور انحصاری برای این خودرو ایجاد شد. آلفارومئو در دوران بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ مسیر دشواری را پشت سر گذاشت و در نهایت فیات از آن پیشی گرفت. با این حال، اعتبار از دست‌رفته‌ی آلفارومئو با معرفی مدل ۱۶۴ گوه‌ای آر زد (RZ) طراحی شده توسط زاگاتو (Zagato) در دهه‌ی ۱۹۸۰ احیا شد. در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، معرفی ۱۵۶، شهرت این شرکت در سبک و عملکرد را تقویت کرد. این مدل که هنوز هم چشمگیر است، خطوط صافی دارد که حس یکپارچگی کامل را تداعی می‌کند. این رویکرد طراحی در مرکز طراحی آلفا در آرزو (Arese) با مدل‌هایی مانند ۱۶۶ و ۱۵۶ اسپورت‌واگن (Sportwagon) ادامه یافت. آلفا بررا (Alfa Brera) که توسط جوجارو طراحی شد و طراحان لقب «زیباترین خودروی جهان» را به آن دادند، جذابیت احساسی خاصی را در مشتریان ایجاد می‌کند. مدل‌های اخیر آلفا رومئو با سه نام تجاری جولیا (Giulia)، استلویو (Stelvio) و توناله (Tonale) در حال تولید هستند. جولیا جدید در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵ در موزه‌ی آلفارومئو در آرزو برای مطبوعات رونمایی شد که مصادف با صد و پنجمین سالگرد تأسیس شرکت بود و همچنین شاهد معرفی یک لوگوی اصلاح‌شده



Spider Duetto



RZ-Roadster 164



Alfa Brera 2003

بودیم. ستلویو در نمایشگاه خودروی لس آنجلس ۲۰۱۶ رونمایی شد. استلویو اولین اتومبیل شاسی بلند تولیدی آلفارومئو است که در رده‌ای مشابه با پورشه ماکان، جگوار اف-پیس (F-Pace)، آئودی Q۵، مرسدس بنز GLC و بی ام و X۳ رقابت می‌کند. توناله یک کراس اوور کامپکت شاسی بلند (بخش C) است که در مارس ۲۰۲۲ معرفی شد و اولین مدل جدید معرفی شده توسط این برند در شش سال گذشته با نام تجاری استلانتیس (Stellantis) است.

آلفا رومئو عمدتاً از سه رنگ در طراحی اتومبیل‌های خود استفاده می‌کند. رنگ قرمز نشان‌دهنده‌ی اعتبار این کمپانی است. از رنگ خاکستری در طراحی اتومبیل‌های مسابقه‌ای استفاده می‌شود و رنگ آبی کمرنگ نماینده‌ی تاریخچه‌ی پربرار این مجموعه است. لوگوی این کمپانی از دو بخش تشکیل شده است. صلیبی که در قسمت چپ لوگو قرار دارد نماد میلان محل تأسیس این کمپانی است. قسمت راست این لوگو یک اژدهای تاج‌بسر را نشان می‌دهد که در حال بلعیدن یک مرد است. تاریخچه‌ی این اژدها به زمانی برمی‌گردد که فردی به نام «استونه ویسکونته» در نبردی با سران اعراب سوری در دوران جنگ‌های صلیبی پیروز می‌شود و سپر فرد کشته شده را که نماد این اژدها روی آن حک شده بود به میلان می‌آورد و به عنوان نماد خاندان ویسکونته تعیین می‌گردد. اما نکته جالب این لوگو مردی است که اژدها در حال خوردن آن است. بنیان‌گذاران آلفا می‌گویند که در واقع مرد از دهان هیولا بیرون می‌آید و نماد یک انسان تطهیر شده است.

آلفارومئو استراداله ۳۳ (۳۳ Stradale)، ۲۰۲۵ این اتومبیل که به صورت محدود تولید می‌شود به طراحی‌های عجیب و غریب اتومبیل‌های اسپورت این کمپانی بازگشته است. شرکت مشهور کاروزریا (Carrozzeria) این ابرخودرو را خواهد ساخت. آلفا ادعا می‌کند قدرت این اتومبیل از یک موتور ۷-۶ توئین توربو که بیش از ۶۲۰ اسب بخار یا یک سیستم باتری الکتریکی که بیش از ۷۵۰ اسب بخار است به دست می‌آید. به گفته‌ی این برند، هر دو پیشران، استراداله ۳۳ را در کمتر از ۳ ثانیه به سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت می‌رسانند. نه تنها عملکرد استراداله ۳۳، بلکه ظاهر آن نیز جذاب است. این اتومبیل طراحی قدیمی و آینده‌نگر دارد که عناصر اصلی آلفا از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ را با سبکی مدرن ترکیب می‌کند.



Giulietta Spider - 1950



Alfa Romeo Giulia Berlina



alfasud



alfa romeo Stradale 33. 2025



alfa romeo Tonale 2022



alfa romeo giulia 2023



alfa romeo stelvio 2024

نقش آجر در توسعه‌ی فرهنگ و تمدن

کنفرانس ملی مدرسه‌ی هنرمعماری

کرمان، پاییز ۱۴۰۳



Quick Info



اطلاعات بیشتر

Harmony

— متفاوت اما هارمونی —

www.Harmony.ir